

پول و بانک در افغانستان

نویسنده: انور شاه «یوسفی»

نام کتاب:

پول و بانک در افغانستان

نویسنده:

انور شاه «یوسفی»

طرح جلد و برگ آرایه:

عبدالقدیر «کریمی»

چاپ و صحافی:

شرکت چاپ و نشر مریخ

شماره گان:

جلد ۵۰۰

نوبت چاپ:

چاپ اول - بهار سال ۱۴۰۱

بها:

۱۰۰ افغانی

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است



آدرس: افغانستان، هرات، تانک تیل ۵۶ مرکز

موبایل: ۰۷۹۹۶۶۷۱۰۰۶، ۰۷۹۹۰۲۹۲۲۹

ایمیل: mpoagency@yahoo.com

بنام خداوند جان و خرد

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|---------|---|
| ۱..... | پیشگفتار |
| ۶..... | قسمت اول..... |
| ۶..... | پول..... |
| ۷..... | فصل اول..... |
| ۷..... | تاریخچه پول..... |
| ۸..... | تاریخچه پول Money History..... |
| ۸..... | پیش نویس:..... |
| ۱۰..... | ۱ شیوه و کارکردهای تبادلہ..... |
| ۱۰..... | ۱.۱ سیستم بارتر Barter (پایاپای یا تبادلہ جنس به جنس ویا کالا به کالا)..... |
| ۱۲..... | ۲.۱ پول کالایی: (Commodity Money)..... |
| ۱۴..... | ۳.۱ پول فلزی: Metal Money..... |
| ۱۶..... | ۱.۳.۱ سیستم دو فلزی بدون رابطہ مشخص:..... |
| ۱۷..... | ۲.۳.۱ سیستم دو فلزی با رابطہ مشخص:..... |
| ۱۷..... | ۳.۳.۱ سیستم یک فلزی:..... |
| ۱۷..... | ۴.۳.۱ معرفی چند نمونہ تاریخی پول فلزی..... |
| ۱۷..... | ۱.۴.۳.۱ درہم..... |
| ۱۹..... | ۲.۴.۳.۱ دینار..... |
| ۱۹..... | ۳.۴.۳.۱ پول سیاہ..... |

| عنوان | صفحه |
|--|------|
| ۴.۴.۳.۱ قران | ۲۰ |
| ۵.۴.۳.۱ روپیه | ۲۱ |
| ۴.۱ پول کاغذی Paper Money | ۲۱ |
| ۱.۴.۱ پول کاغذی با پشتوانه کامل | ۲۴ |
| ۲.۴.۱ پول کاغذی با پشتوانه نسبی | ۲۴ |
| ۳.۴.۱ پول اعتباری یا پول کاغذی بدون پشتوانه | ۲۵ |
| ۵.۱ پول ژیرال یا پول کتبی و یا پول بانکی | ۲۶ |
| ۶.۱ پول الکترونیکی (Electronic money (e-money) | ۲۷ |
| ۱.۶.۱ مزایای پول الکترونیکی | ۲۹ |
| ۲.۶.۱ انواع پول الکترونیکی | ۳۰ |
| ۱.۲.۶.۱ پول الکترونیکی مبتنی بر کارت | ۳۰ |
| ۱.۱.۲.۶.۱ کارتهای ذخیره ارزش | ۳۰ |
| ۲.۱.۲.۶.۱ کریدت کارت ها و دبت کارت ها | ۳۰ |
| ۲.۲.۶.۱ پول الکترونیکی مبتنی بر نرم افزار | ۳۱ |
| ۱.۲.۲.۶.۱ کیف پول الکترونیکی Wallet TC Pay | ۳۱ |
| ۲.۲.۲.۶.۱ چک های الکترونیکی | ۳۲ |
| ۳.۲.۲.۶.۱ سامانه های الکترونیکی | ۳۲ |
| فصل دوم | ۳۳ |
| تاریخچه پول در افغانستان | ۳۳ |
| پیش نویس | ۳۴ |

| عنوان | صفحه |
|--|------|
| ۱. پول در دوره های قبل از اسلام در افغانستان | ۳۷ |
| ۱.۱ دوره هخامنشی ها (۵۵۰-۳۳۰ پیش از میلاد)..... | ۳۷ |
| ۲.۱ دوره شاهان یونان باختری (قرن چهارم پیش از میلاد تا اوایل سده اول میلادی) | ۳۸ |
| ۳.۱ دوره کوشانی ها (از سال ۴۰ تا ۲۲۰ میلادی)..... | ۴۰ |
| ۴.۱ دوره ساسانی (۲۲۴ تا ۶۵۱ میلادی)..... | ۴۱ |
| ۲. پول بعد از ورود اسلام در افغانستان..... | ۴۲ |
| ۱.۲ دوره غزنویان (۹۶۲ الی ۱۱۴۸ میلادی)..... | ۴۳ |
| ۲.۲ دوره سلجوقی ها (۱۰۳۸ الی ۱۱۵۳ میلادی)..... | ۴۴ |
| ۳.۲ دوره غوری ها (۱۱۴۸ الی ۱۲۱۴ میلادی)..... | ۴۴ |
| ۴.۲ دوره تیموریان (۱۳۶۹ تا ۱۵۱۴ میلادی)..... | ۴۵ |
| ۵.۲ دونیم قرن دوره تجزیه | ۴۵ |
| ۶.۲ دوره هوتکی ها (۱۷۰۹ تا ۱۷۳۸ میلادی)..... | ۴۶ |
| ۷.۲ دوره حکومت ابدالی (۱۷۴۷ الی ۱۷۷۳ میلادی)..... | ۴۶ |
| ۸.۲ دوره عبدالرحمن (۱۸۸۰ الی ۱۹۰۱ میلادی)..... | ۴۶ |
| ۹.۲ دوره امیر حبیب الله (۱۹۰۱ الی ۱۹۱۹ میلادی)..... | ۴۷ |
| ۳. پول در افغانستان صد سال اخیر..... | ۴۸ |
| ۱.۳ دوره امان الله خان (۱۹۱۹ الی ۱۹۲۹ میلادی)..... | ۴۸ |
| ۲.۳ دوره حبیب الله کلکانی (جنوری تا اکتوبر ۱۹۲۹ میلادی)..... | ۵۲ |
| ۳.۳ دوره محمد نادر (۱۹۲۹ الی ۱۹۳۳ میلادی)..... | ۵۳ |
| ۴.۳ دوره محمد ظاهر شاه (۱۹۳۳ الی ۱۹۷۳ میلادی)..... | ۵۳ |

| عنوان | صفحه |
|---|------|
| فصل سوم..... | ۷۰ |
| تاریخچه بانکداری در جهان..... | ۷۰ |
| پیش نویس..... | ۷۱ |
| ۱. دوره های تاریخی:..... | ۷۲ |
| ۱.۱ عصر قدیم (پیش از میلاد مسیح)..... | ۷۲ |
| ۲.۱ قرون وسطی (قرن پنجم تا پانزدهم میلادی)..... | ۷۴ |
| ۳.۱ قرون جدید (از قرن ۱۶ الی ۱۹ میلادی)..... | ۷۵ |
| ۴.۱ عصر حاضر (از قرن بیستم به بعد)..... | ۷۶ |
| ۲. انواع بانک ها..... | ۷۷ |
| ۱.۲ بانک های مرکزی..... | ۷۸ |
| ۱.۱.۲ ضرورت تشکیل بانکهای مرکزی در جهان:..... | ۸۲ |
| ۲.۱.۲ استقلال بانک مرکزی:..... | ۸۳ |
| ۲.۲ بانک های پس انداز..... | ۸۳ |
| ۳.۲ بانکهای سرمایه گذاری..... | ۸۴ |
| ۴.۲ بانکهای تجاری Commercial Banks..... | ۸۵ |
| ۱.۴.۲. وظایف بانکهای تجاری..... | ۸۶ |
| ۵.۲ بانکهای اختصاصی (Specialized Banks)..... | ۸۸ |
| ۳. سیستم بانکی..... | ۸۹ |
| ۱.۳. تعریف بانک..... | ۹۰ |

| عنوان | صفحه |
|---|------|
| ۲.۳. اهداف بانک: | ۹۲ |
| فصل چهارم | ۹۵ |
| تاریخچه بانک و بانکداری در افغانستان | ۹۵ |
| پیش نویس: | ۹۶ |
| ۱ بانک ملی: | ۱۰۰ |
| ۲. دافغانستان بانک: | ۱۰۵ |
| ۱.۲ دیدگاه: | ۱۰۷ |
| ۲.۲ ماموریت: | ۱۰۷ |
| ۳.۲ اهداف: | ۱۰۷ |
| ۴.۲ وظایف عمده: | ۱۰۸ |
| ۲.۵ روسای دافغانستان بانک | ۱۱۱ |
| ۳. بانک رهنی و تعمیراتی: | ۱۱۲ |
| ۴. پشتنی تجارتي بانک: | ۱۱۲ |
| ۵. بانک انکشاف زراعتی: | ۱۱۳ |
| ۶. بانک انکشاف صنعتی: | ۱۱۳ |
| ۷. بانک انکشاف صادرات: | ۱۱۴ |
| بانک های تجارتي بخش خصوصي داخلي افغانستان | ۱۱۵ |
| ۱. بانک اسلامي گلاب الدين شيرزي: | ۱۱۵ |
| ۲. کابل بانک: | ۱۱۶ |

| عنوان | صفحه |
|--|------|
| ۳. بانک بین المللی افغانستان (AIB) Afghanistan International Bank): ۱۱۷. | |
| ۴. عزیزی بانک: ۱۱۸..... | |
| ۵. افغان یونایتد بانک AUB) ۱۱۸..... | |
| ۶. میوند بانک: ۱۱۸..... | |
| ۷. غضنفر بانک: ۱۱۹..... | |
| ۸. بانک انکشافی افغانستان ADB) ۱۱۹..... | |
| ۹. باختر بانک: ۱۱۹..... | |
| ۱۰. بانک تجارتي افغانستان (ACB) ۱۲۰..... | |
| نماینده گی های بانک های تجارتي خارجي در افغانستان..... ۱۲۱ | |
| ۱. حبیب بانک لمیتد: HBL (Habib Bank Ltd) ۱۲۱..... | |
| ۲. نشنل بانک پاکستان: NBP (National Bank of Pakistan) ۱۲۱..... | |
| ۳. استندرد چارتر بانک: (Standard Chartered Bank) ۱۲۲..... | |
| ۴. فرست مایکرو فاینانس بانک: FMFB (The First Micro Finance Bank) ۱۲۲.. | |
| ۵. آراین بانک: ۱۲۲..... | |
| ۶. پنجاب نشنل بانک: (Panjab National Bank) ۱۲۳..... | |
| ۷. بانک الفلاح: (Bank Alfalah Ltd) ۱۲۴..... | |
| فصل پنجم..... ۱۲۵ | |
| وضعیت بانکداری در افغانستان (از آغاز تا امروز)..... ۱۲۵ | |
| پیش نویس: ۱۲۶..... | |

| عنوان | صفحه |
|---|------|
| ۱. دوره نسبتاً ثبات (از نهم ثور ۱۳۱۲ تا هفتم ثور ۱۳۵۷ خورشیدی)..... | ۱۲۷ |
| ۱.۱ افغانستان بانک..... | ۱۲۷ |
| ۲.۱ سایر بانکها..... | ۱۳۰ |
| ۳.۱ اولین قانون پول و بانکداری افغانستان..... | ۱۳۱ |
| ۴.۱ ملی شدن بانکها..... | ۱۳۴ |
| ۱.۴.۱ در کشور مصر..... | ۱۳۶ |
| ۲.۴.۱ در عراق..... | ۱۳۶ |
| ۳.۴.۱ در هند..... | ۱۳۶ |
| ۴.۴.۱ در پاکستان..... | ۱۳۷ |
| ۵.۴.۱ در ایران..... | ۱۳۷ |
| ۶.۴.۱ و اما در افغانستان..... | ۱۳۹ |
| ۲ دوره دگرگونی از ۱۳۵۷ الی ۱۳۷۱ خورشیدی..... | ۱۴۱ |
| ۲.۱ مدیران تازه وارد در نظام بانکی..... | ۱۴۱ |
| ۲.۲ بازگشت به مدیریت مسلکی..... | ۱۴۳ |
| ۳.۲ توافقات ژنو، خروج روسها و تشدید بحران امنیت..... | ۱۴۵ |
| ۳ دوره رکود (از ۸ ثور ۱۳۷۱ الی ۲ جدی ۱۳۸۰ خورشیدی)..... | ۱۴۷ |
| ۱.۳ مراجعه یکباره گی سپرده گذاران به بانکها..... | ۱۴۷ |
| ۲.۳ بانکهای ورشکسته..... | ۱۴۹ |
| ۳.۳ نشر بی رویه پول..... | ۱۴۹ |
| ۴.۳ ادامه تورم و نظام بانکی ورشکسته..... | ۱۵۰ |

۴ دوره جدید (از ۲ جدی ۱۳۸۰ خورشیدی تا امروز) ۱۵۲

صفحه

عنوان

۱.۴ ریفورم پولی سال ۱۳۸۱ خورشیدی (۲۰۰۱ میلادی) ۱۵۳

۲.۴ قوانین جدید بانکی در کشور ۱۵۶

۱.۲.۴ قانون دافغانستان بانک ۱۵۷

۲.۲.۴ قانون بانکداری افغانستان ۱۵۹

۳.۴ بازسازی بانک مرکزی افغانستان ۱۵۹

۱.۳.۴ ظرفیت سازی ۱۶۰

۲.۳.۴ جوان سازی ۱۶۱

۳.۳.۴ ایجاد دیپارتمنت های جدید ۱۶۱

۴.۳.۴ ختم وظایف تجارتي دافغانستان بانک ۱۶۲

۴.۴ بازسازی وشتاب زده گی ۱۶۴

۱.۴.۴ لغوجواز فعالیت بانکهای اختصاصی توسعه وی افغانستان ۱۶۵

۲.۳.۴ لغو شعبات کنترل و نظارت اسعار خارجی ۱۶۶

۳.۴.۴ سهولت در تاسیس بانکهای بخش خصوصی ۱۶۸

۵.۴ اولین استراتیژی پلان دافغانستان بانک (۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ خورشیدی) ۱۷۰

۴.۶ تاسیس بانکهای بخش خصوصی ۱۷۲

۷.۴ بانکداری تجارتي ۱۷۴

۸.۴ نظارت بانکها ۱۷۵

۹.۴ معرفی بانکداری الکترونیکی در کشور ۱۷۸

۱.۹.۴ چرا بانکداری الکترونیک در کشور ترویج نمیگردد؟ ۱۸۰

۱۰.۴ چلند ارز های کشور های خارجی در افغانستان:..... ۱۸۴

عنوان **صفحه**

۱۱.۴ مشکل بانکوتهای فرسوده..... ۱۹۰

نتیجه گیری..... ۱۹۴

پیشنهادات..... ۱۹۷

منابع..... ۱۹۹

پیشگفتار

ابداع و بکارگیری پول توسط بشر در جریان تبادلۀ تاریخ طولانی دارد و امروز از هر زمانی بیشتر انسان به اقتصاد متکی بر مبنی محاسبه پولی و نظام بانکی وابسته شده است. همینطوریکه ستونهای یک ساختمان مهمترین بخش هر ساختمان را تشکیل میدهند پول ستون اقتصاد هر کشور است چه ما در تاریخ اقتصادی جوامع مشاهده مینمائیم که موثرترین راه برای تخریب یک جامعه تخریب پول آن بوده است.

از آنجائیکه ارزش همه کالاها و خدمات با پول سنجش میشود بیشتر اوقات زمانی که قیمت کالا و خدمات بالا میرود عمدتاً به معنی بالارفتن کیفیت کالاها و خدمات نیست زیرا درین حالت (افزایش قیمت ها) ارزش کالاها و خدمات بالانرفته بلکه ارزش پول است که کاهش پیدا کرده که ما مجبور میشویم برای خرید کالا و خدمات مبلغ پول بیشتری را بپردازیم چون پول (پول کاغذی، کتبی و الکترونیک) دیگر ارزش ذاتی ندارد و فقط این پولها میتوانند ارزش کالاها را بسنجند اما نمیتوانند ارزش واقعی آنها را تغییر بدهند زیرا همانطوریکه گفتیم فاقد ارزش ذاتی میباشدند.

در اقتصاد امروزی هر نوع تحولاتیکه در عرصه پول و بانکداری در جهان بوقوع می پیوندد بدون شک بالای تصامیم اقتصادی بشر شدیداً اثرگذار است بگونه مثال زمانیکه نرخ بهره سپرده های بانکی افزایش میآید سپرده گذاران بالای گزینه های اینکه آیا در بازار بورس سرمایهگذاری کنند و یا پول های شانرا نزد بانکها سپرده گذاری نمایند به فکر وا داشته میشوند و درین حالت با توجه به در نظر داشت نرخ تورم جریان سرمایه ها از بورس اوراق بهادار بجانب حسابات بانکها و یا عکس آن صورت میگردد بناً اگر در یک اقتصاد در مقدار عرضه مجموعی پول تغییراتی رونما میگردد بالای برنامه های مصرف، پس انداز و سرمایهگذاری انسانها تاثیرگذار است و همینطور در صورت معرفی و عرضه فرآورده های بانکی در مارکیت و سایر تغییر و تحولات در عرصه پول و بانکداری که هر یک میتواند سر تصامیم عملکردهای اقتصادی بشر اثرگذار باشد این بخاطریست که انسان امروزی اکثر فعالیت های اقتصادی روزمره اش از کانال های سیستم مالی که نظام بانکی در محراق آن

قرار دارد، میگذرانند. با توجه باین کنش و واکنش های انفس های اقتصادی موسسات بانکی تلاش میوزند تمامی زمینه ها و تسهیلات لازم را در تمامی امور مالی به مشتریان شان در همه وقت و همه جا در کمترین زمان ممکن و با کمترین هزینه مطابق به سلیقه مشتریان شان فراهم آورند. عصر حاضر که در آن از دهکده جهانی (The Global Village) صحبت میشود تصدی های بانکی با استفاده از سیستم های مدرن محاسبات و تکنالوژی، ارتباطات و مدیریت نوین بانکی قادر شده اند فاصله ها را کوتاه ساخته و زمان و مکان را به نفع خویش و مشتریان شان مدیریت نمایند، با استفاده ازین وسایل نه تنها در عرصه خدمات بانکی به مشتریان به توانائی های دست یازیده اند بل برای تحلیل و تجزیه اقلام دارائی و بدیهی در ساحه منجمنت بانکی ابتکاراتی را مینمایند که بتوانند خطرات را بحداقل ممکن کاهش داده و سرمایهگذاری های شانرا که عمدتاً از سپرده های مردم تشکیل میشود از هر لحاظ مصئون و مؤثر سازند.

در هر کشور نظام بانکی جایگاه خاصی در سیستم مالی آن کشور دارد و هر قدر این نظام بر پایه و بنیاد محکم حقوقی، منابع بشری تخصصی و حرفوی، اساسات مدیریت نوین، حسابداری استندرد، شفافیت و انضباط مالی ملی و بین المللی و تکنالوژی جدید استوار باشد به همان اندازه کارایی و پایائی آن بدون شک مقدور و تضمین خواهد بود.

نظام کنونی تجارت جهانی، سرمایهگذاری بین القاره یی، گسترش بازارهای مالی و انتقالات وجوه پولی بدون موجودیت یک شبکه مدرن بانکی که در همه حالات و جریانات پشتیبان یک تجارت سالم و سود آور باشد کار نموده نمیتواند. سرمایهگذاری ها و انتقالات سرمایه با روند جهانی شدن هیچگاه همگام نمیشد مگر بدون موجودیت یک سیستم مالی که مجهز بیک نظام بانکی کار آمد سراسری قوی و متنوع باشد، در مجموع میتوان گفت نظم جدید اقتصاد جهانی و بخصوص پروسه جهانی شدن (Globalization) بدون انکشاف و گسترش سیستم مالی و شبکه بانکی جهانی نا ممکن بوده است.

در نظام جدید اقتصاد جهانی ابتکارات و ابداعات نظام بانکی در امر معرفی محصولات جدید بانکی بیشترین سطح تقاضای مالی مشتریان را به نحو دلخواه شان رفع نموده و امروز

پدیده بانکداری نوین زمینه و سیستم های پرداخت اتوماتیک روز تا روز شامل حیات اقتصادی بشر گردیده و بطور روز افزون دسترسی باین امکانات خارق العاده بانکی برای همه گان در سراسر جهان آماده تر نموده است .

برای بشر امروز که نظام بانکی در اکثر فعالیت های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی اش به نحوی دخیل میباشد توجه باینکه چگونه پس انداز نماید، چطور قرض بگیرد، از کدام طریق پرداختهایش را انجام دهد، چگونه خطرات مالی مربوطه را مدیریت نماید و ده ها سوال ازین دست، مسائل سطحی و پیش پا افتاده ی نیست چه هرگونه بی توجهی به یکی از آنها مشکلاتی را وارد زندگی انسان مینماید، نظام بانکداری امروزی به تمامی این سوالات پاسخ های روشن و شفاف را به مشتریان شان ارائه مینماید. به اساس سروی های که بعمل آمده امروز بیشترین افراد واجد شرایط درجهان بخصوص در کشورهای پیشرفته دارای حساب بانکی هستند و این روند بسرعت در کشورهای کمتر انکشاف یافته منجمله افغانستان به پیش میرود.

با درک اهمیت پول و بانک در زندگی بشری بویژه در افغانستان خویشرا ملزم دانستم تا با استفاده از مطالعات و تجاربم درین راستا به مطالعه و بررسی پدیده پول و بانک در کشورم بپردازم تا جائیکه مشاهده میشود درین زمینه آثار کمتری در دسترس قرار دارد بویژه در مورد پیشینه پول، نظام پولی، بانک و تحولات نظام بانکی درین سر زمین پژوهش کمتری وجود دارد اکثرآ در تاریخ ها، تقسیم بندی دوره ها، علت و معلولهای که نظام پولی و بانکی ما را دچار تغییرات و تحولات نموده است اجماع نظر وجود ندارد و یا به عباره دیگر مطالب ارائه شده بعضاً در تناقض قرار دارند. هدف اساسی ام از نگارش این اثر اینست که تاریخ و عملکرد نظام پولی و بانکی سرزمینم را طوری به تصویر بکشم که توانسته باشم سوالات زیاد مطالعه کنندگان و دانش پژوهان این عرصه را پاسخ قناعت بخش داده باشم و هم این اثر بتواند معلومات درستی برای دانشجویان عرصه پول و بانکداری فراهم نماید.

کشور ما از لحاظ جغرافیایی با مساحت ۶۵۰ هزار کیلو متر مربع در مرکز قاره آسیاه قرار گرفته که از لحاظ جیو اکونومیک بحیث چها راه بین مناطق بزرگ این قاره و همینطور

قاره اروپا در طول تاریخ پذیرفته شده است بناً میتوان گفت که در درازای تاریخ از ارزش یک معبر تجارت و ترانزیت بر خوردار بوده و این مزیت همواره آتش امپراطوری های بزرگ را برای تسخیر این مرز و بوم موجب شده است هرچند موجودیت پول و اقتصاد مبنی بر تبادل بر اساس معیار پولی در خطه که امروز بنام افغانستان مسمی است سابقه دیرینه چند هزار ساله دارد اما میتوان گفت پول کاغذی، بانک و بانکداری در افغانستان یک پدیده جوان با سابقه حدود صد سال می باشد چه هرگاه بتاریخ بانکداری در جهان بنگریم پیشینه این صنعت به بیش از پنجصد سال برمیگردد. تاریخ پول و بانکداری کشور ما در برگزیده فراز و نشیبهای گوناگون و سیر و تحولات دلچسپی است که کمتر به زوایای سایه روشن آن پرداخته شده، طوریکه گفتم همواره مشاهده گردیده که مقالات، کتب و سایر نوشته های که پیرامون پول و بانک در افغانستان برشته تحریر در آمده است بر علاوه اینکه نقل بالنقل دیگرست، حاوی تناقضاتی در تواریخ، تحلیل و بررسی های نظام بانکی ما در دوره های مختلف که اکثراً به وضاحت ورود عواطف، سلیق شخصی و گرایش های سیاسی در اکثر نوشته ها مشهود است، فراز و نشیب های که نظام بانکی کشور در طول زمان کاری اش تجربه نموده عمدتاً واقع بینانه بررسی نگردیده بلکه بیشتر درحاله های سیاسی، عقیدتی و دیدگاه های شخصی گیر مانده است که همین امر انگیزه اصلی ام را برای اقدام به نگارش این کتاب تشکیل میدهد. من حتی الامکان سعی خواهم نمود با استفاده از مدارک و شواهد معتبر تاریخی، علمی تحقیقی، آمار تحقق یافته قبول شده، تجربه طولانی تدریس و تحقیقات دانشگاهی وهمچنین تجارت حدود چهاردهه کار عملی ام در نظام بانکی کشور صفحات این کتاب را بیطرفانه به نگارش بگیرم البته ادعا ندارم این کتاب، تالیف جامع و مانع در موضوع باشد ولی امیدوارم معطوف نظر اکثریت خوانندگان، پژوهشگران و به ویژه دانشجویان عزیز قرار بگیرد زیرا تا جائیکه ملاحظه نمودم اثری که بتواند مبنای تدریس تاریخیچه پول و بانک بخصوص در افغانستان باشد موجود نیست تا بتواند مبنای دقیق و اساساتی را برای دانشجویان و مشتاقان مطالعات درین عرصه، عرضه نماید.

در این کتاب به مطالب اساسی اما مختصر در مورد پیدایش پول، بانک و بانکداری قسماً در جهان و عمدتاً در افغانستان با بررسی تحولات پول و فعالیت های بانکی در ادوار مختلف و یا بهتر بگوئیم در رژیم های متعدد و نا همگون سیاسی کشور از آغاز تا امروز پرداخته شده است و درین جریان مکثی به مسائل ملی شدن بانکها درکشور، ورشکستگی نظام بانکی، ریفورم پولی، نظام جدید بانکداری و استقلالیت بانک مرکزی، شتاب زده گی و سیاست زدگی ها در نظام بانکی کشور و سایر موضوعات واقع شده تماس گرفته شده است. البته هر نوع انتقادات و نظریات اصلاحی خوانندگان محترم مرا در چاپ های بعدی بمنظور غنامندی بیشتر کتاب کمک نموده و قبلاً کمال سپاس را از ایشان مینمایم. از شورای متخصصان هرات که همواره از فرایند تحقیق مسائل موجود جامعه ما حمایت علمی و مالی مینماید و در هزینه چاپ این اثر همت گماشته است کمال سپاس را مینمایم همینطور ابراز امتنان مینمایم از محترم دکتور محمد نعیم اسد استاد سابق پوهنتون کابل و استاد و رئیس اسبق دانشگاه هرات که درین زمینه رهنمایی و تشویق نموده اند.

انور شاه یوسفی

تابستان سال ۱۴۰۰ خورشیدی

قسمت اول

پول

فصل اول

تاریخچه پول

تاریخچه پول Money History

پیش نویس:

کاربرد پول در حیات اقتصادی انسان دارای پیشینه‌ی دیرینه می‌باشد که با انکشاف حیات اقتصادی انسان همواره در تغییر و تحول بوده است. تولد پول به حیث یک پدیده مورد قبول اجتماع به اثر وجود روابط اجتماعی، زندگی مدنی، ملکیت خصوصی و تقسیم کار صورت گرفته است.

"یووال نوح هراری" نویسنده کتابهای مشهور و پرفروش (انسان خردمند و انسان خدا گونه) در رابطه به قصه پول میگوید که "بدون پول اقتصاد مدرن وجود نداشت اما پول صرفاً یک داستان تخیلی است یک واقعیت عینی نیست چند تکه کاغذی رنگی است که ارزش عینی ندارد قابل خوردن و آشامیدن نیست اما بانکها و موسسات مالی میتوانند میلیارد ها نفر را قانع کنند که این یک تکه کاغذ ارزش دارد مثلاً به اندازه یک موز می‌آرزد"

بدون شک اختراع پول در کنار اختراع چرخ و خط، مسیر تاریخ بشر را دگرگون نموده است. "سه کاربرد متمایز که در اقتصاد به عهده پول گذاشته شده است عبارت اند از استفاده در مبادلات، اندازه گیری ارزشهای اقتصادی و ذخیره کردن ارزش"^۱ اما قراریکه امروز درعمل مشاهده می‌گردد پول برعلاوه این سه وظیفه مهم بیان شده، وظیفه "انتقال ارزش" را نیز به عهده دارد و این وظیفه با انکشاف جوامع و رشد تجارت داخلی و خارجی هر روز مهمتر و مهمتر میگردد، دردنیای امروزی بانکها بیشتر با وظایف ذخیره ی و انتقالی پول سروکار دارند. پول از کلمه‌ی یونانی Obolos گرفته شده و آن سکه‌ای بود برابر یک ششم درهم یا دراهم. "سکه" نام دستگاه آهنینی بود که برای مهر زدن بر پول‌هایی که در میان مردم رایج و با آن معامله می‌کردند، به کار می رفت. بعد ها آن را اثر مهری می‌نامیدند که روی سکه های حک می‌شد. پول در تعریف ابتدایی آن وسیله، قطعه، شی، یا چیزیکه که انسان ها برای تبادل خواسته ها، خدمات، کالا ها و نیاز ها از آن استفاده می‌کنند همانطوریکه در زمانهای قدیم کالاها معمولاً به عنوان پول مورد استفاده قرار می‌گرفتند و در بسیاری کشور های جهان طلا و نقره به عنوان پول رایج بودند (سیستم دو فلزی). اما به

^۱ صفحه ۱۴۱ کتاب مبانی علم اقتصاد-محمود روز بهان تهران چاپ چهارم سال ۱۳۸۲ خورشیدی

مرور زمان پول های دارای ارزش ذاتی بالا (طلا) جایشان را به پول های دارای ارزش ذاتی کمتر (نقره) دادند و آهسته آهسته به گفته " توماس گرشام " پول های بد (دارای ارزش نسبی کم نقره) پول های خوب (دارای ارزش نسبی زیادطلا) را از میدان تبادل به بیرون نمودند تا سرحدیکه پولهای مسی و سایر فلزات ارزانتر و بالاخره پول کاغذ و پول الکترونیک عرض اندام نموده و جایگزین آنها گردیدند.

بطور کل پول دارای چهار کارکرد متفاوت است:

- پول وسیله تبادل است مثلاً شما در مقابل مبلغ ده افغانی یک عدد قلم خود کار را خریداری مینمائید یا یک دهقان می تواند گندم خود را به یک مشتری بفروشد و از او پول بگیرد و همان پول را در ازای خرید تکه به بزاز بدهد. در این میان، پول استفاده شده توسط هر دو طرف باید به رسمیت شناخته شده باشد و هر دو جانب معامله آن را معتبر تلقی نمایند .

- پول بحیث معیار ارزش بکار میرود. کالا و خدمات در مقابل پول تعیین ارزش میگردند طوریکه در مثال بالا ارزش تبادلوی یک عدد قلم خود نویس به مبلغ ده افغانی تعیین ارزش گردیده بود .

- پول وسیله ذخیره ارزش است. با کمک پول، یک تولید کننده می تواند محصول تولیدی خود را بفروشد و پول حاصل از فروش آن را در آینده خرج نماید. ولی منطبق ذخیره سازی ارزش نیاز به ثبات نسبی ارزش پول در گذر زمان نیز دارد .

- و بالاخره پول وسیله انتقال ارزش است. شما میتوانید طور مثال خانه خویشرا که در شهر هرات موقعیت دارد بفروش برسانید و پول آنرا به ولایت بلخ انتقال داده و در آنجا خانه خریداری نمائید و همینطور انتقال ارزش بشکل پول در معاملات تجارتي و انتقالات داخلی و بین المللی نمونه های بارز انتقال ارزش توسط پول است.

تعریف پول صرف در قبال بانکنوت و سکه بسیار محدود است و همچنان مترادف قرار دادن پول با ثروت نیز تعریف بسیار گسترده است چه میان پول به شکل پول رایج یک

^۱ در سال ۱۵۵۸ میلادی توماس گرشام مشاور مالی ملکه الیزابت انگلستان، در مورد نحوه ضرب سکه ها هشداری به ملکه داد که بعد ها ادعای او رنگ واقعیت به خود گرفت و به قانونی در اقتصاد بنام قانون گرشام معرفی شد بر مبنای این قانون هرگاه دو شکل پول کالایی دارای ارزش اسمی (تبادلوی) مشابهی در یک اقتصاد در گردش باشد پول کالای با ارزش تر به تدریج از گردش ناپدید می شود و جایش را به پول ناخالصی تر میدهد.

کشور (بانک‌نوت، سکه و پول الکترونیکی)، حساب جاری، و سایر اقلام که در تبادله کالا و خدمات استفاده می‌گردد و ثروت که در برگیرنده مجموع داراییهای شخص است تفاوت موجود است.

اولین پول رسمی هفتصد سال پیش از میلاد مسیح به وسیله پادشاه "الیتاس" از کشور لیدیه یا لیدی که در ترکیه امروزی واقع شده است، ضرب و بکار انداخته شد. برای اینکه بیشتر وارد بحث پول و فلسفه وجودی آن گردیم بهتر خواهد بود دلایل نیاز به تبادله، ظهور پول و سیر تکامل آنرا تحت عناوین جداگانه مورد مطالعه قرار بدهیم.

۱ شیوه و کارکردهای تبادله

در درازای تاریخ، بشر برای برآورده ساختن نیازهای تبادلوی اش سیستم های مختلفی را ایجاد نموده است. به مرور زمان نظر به احتیاجات نامحدود بشری در سیستم های تبادله نو آوری و تجدید نظر بعمل آمده و هر سیستم رایج تبادله آهسته آهسته جایش را به سیستم جدیدتر و کارا تر خالی نموده است و این فرآیند همواره در روند تکاملی زندگی بشر ادامه خواهد داشت. در این جا به معرفی سیستم های تبادله از ابتدایی ترین شکل تا پیشرفته ترین آن که در حقیقت مطالعه روند تکامل پول را در بر دارد میپردازیم.

۱.۱ سیستم بارتر Barter (پایپای یاتبادله جنس به جنس و یا کالا به کالا)

اینکه چه وقت انسان پا به عرصه وجود گذاشته است مربوط میشود به گذشته های بسیار دور. در مورد تاریخ آغازین زندگی بشری و چگونگی بمیان آمدن آن نظریات متفاوتی موجود است ولی چیزیکه مسلم است اینست که بشر از همان آغاز زندگی اش بروی کره زمین ناگزیر بود برای تداوم حیات و رفع نیازمندی هایش (خوراک، پوشاک و سرپناه) به تلاش های فردی و گروهی (شکار- تولید) بپردازد و اقتصاد ساده معیشتی اش را شکل دهد.

با گذشت زمان اقتصاد ساده معیشتی (از تولید به مصرف) قناعت انسان را حاصل نمود زیرا روز تا روز با انکشاف ذهنی بشری سطح نیازمندیهایش افزایش میافت و این موجب میگردید تا آهسته آهسته تغییراتی را در پروسه تولید، توزیع و مصرفش تجربه و نظام جدیدی را ایجاد نماید، بلی این طبیعت بشریست و فقط باین کار بشر جستجوگر و تلاشگر

میتواند به نیازمندیهای رو به افزایش بشری خویش پاسخگو باشد. با افزایش تولید که طبیعتاً با مولدیت کار رابطه مستقیم دارد تولید اضافی نزد خانواده ها و گروه های که وابسته به اقتصاد معیشتی بودند، بوجود آمد. زمانیکه انسان قادر گردید اضافه تر از مصرف روزانه خویش تولید نماید (که البته این پیروزی شاید در طول هزاران سال اتفاق افتاده باشد) یا به اصطلاح اقتصادی تولید اضافی را پدید آورد آن وقت ب فکر تبادل گردید و درین جا تبادل یکی از شیوه های بود که میتوانست انتخاب و فرصت های جدیدی را در حیات اقتصادی انسان ایجاد نماید بشر ازین طریق یعنی از راه معاوضه جنس با جنس (معاوضه مستقیم کالا با کالا) توانست نیازهای عادی زندگی اش را تکمیل نماید درین حالت گفته میتوانیم که اقتصاد معیشتی با یک نوع تقسیم کار همراه گردید و به مرور زمان ترکیبی از اقتصاد معیشتی - تبادلی را شکل داد.

در اینگونه داد و ستد های اولیه که قرنهای پیش از میلاد رایج بود، معاوضه دو کالا با هم بدون تعیین دقیق ارزش انجام می پذیرفت زیرا انسان معیاری برای سنجش ارزش کالا را نمی شناخت و فقط مجبور بود برای بدست آوردن کالای مورد نیازش کالای داشته باشد تا در مقابل آن تبادل نماید. هر چند سیستم تبادل کالا به کالا (کالا- کالا) دشواری های زیاد خود را داشت اما برای بشر آنروز یک دستاورد بزرگ و پله گانی از پیشرفت و انکشاف را متجلی میساخت. همانطوریکه گفتیم تبادل زمانی در حیات اقتصادی بشر آغاز شد که بشر قادر گردید بیشتر از نیازمندی های روزمره اش را تولید کند و تولید اضافی اش را با هموعانش تعویض و تبادل نماید. با ایجاد و انکشاف سیستم تبادل بمرور زمان تقسیم کار در بین اجتماعات بشری شکل گرفته و کار آهسته آهسته حرفوی شده رفت زیرا هرکس که با انجام کاری مهارت، علاقه و توانایی بیشتری داشت آن کار را پیشه خود قرار داده و همان را تداوم میبخشید این شیوه فرصت را برای تولید کالای بیشتر و باکیفیت تر مساعد نمود و هر قدر این پروسه تکاملی کار بشری به پیش میرفت بهمان اندازه کالای بیشتر و متنوع تر آماده تبادل میگردد تا سرحدیکه یک تعداد مصروف کار و بار تبادل گردیدند و عملاً از ساحه تولید دور گردیدند و به اصطلاح امروز بدست فروشی پرداختند و در تولید کالا هیچ سهمی نگرفتند. سیستم تبادل بارتر یا پایاپای یا تبادل کالا در مقابل کالا تا جای پیش رفت که تا تولید کنندگان و وساطت گران کالا ب فکر راه مبادله غیرمستقیم کالا با کالا گردیدند زیرا همانطوریکه گفته شد این سیستم دشواری های خود را داشت مشکل اساسی این بود که مثلاً دو شخص که مالک دو کالای مختلف بودند به مشکل در عین زمان متقاضی

کالای یکدیگر میشدند تا به آسانی کالا های شانرا با یکدیگر تبادل نمایند بطور مثال یکی تخم مرغ داشت و در بازار بدنبال گندم آمده بود و دیگری گندم به بازار آورده بود و نمک ضرورت داشت، بناً به ناچار نفر اولی باید کسی را در بازار پیدا میکرد که حاضر بود در مقابل تخم مرغ برایش نمک بدهد تا بتواند نمک را در مقابل گندم به شخص دومی بدهد.

مشکل دوم تعیین و معیار ارزش بین دو کالای مختلف مورد تبادل بود که سر راه سیستم تبادل بارتتر قرار میگرفت طور مثال مشخص نبود در مقابل یکدانه تخم مرغ چه مقدار نمک و یا چه مقدار گندم در برابر یک کالای دیگر باید معاوضه گردد. این دشواری ها به مرور زمان انسان را بفکر واداشت تا جنس یا کالای را بشکل کالای بینی یا میانجی تعیین نماید تا جریان تبادل آسانتر گردد و همین فکر و تلاش بشر در انتخاب کالاهای بینی (معدل عام) یا پول کالایی بالاخره موجب پیدایش "پول" در زندگی بشر گردید.

اختراع کالاهای بینی یا پول کالایی در جریان تبادل که بعد منجر به اختراع پول گردید یکی از کشفیات شگرف و بی نظیر است که بشر توانست مشکلات موجود در مبادله کالاها و خدمات را برطرف سازد و اما پول کالایی چگونه پا به عرصه وجود گذاشت؟ و اینکه اولین کالاهای بینی یا معدل عام (پول کالایی) چه ها بودند و چگونه جای شانرا در تاریخ بشر به پول واگذار کردند راهی بود دشوار و پرفراز و نشیب.

۲.۱ پول کالایی: (Commodity Money)

همانطوریکه گفتیم در جوامع نخستین بشری، مصرف کنندگان برای دسترسی به انواع کالاها تولید شده دست خویش از طریق معاوضه و مبادله کالاها اقدام مینمودند طوریکه یک شخص باید برای بدست آوردن کالای مورد نیازش کالای اضافی اش را به بازار می برد و آنرا با کالای مطلوبش مبادله مینمود. این گونه تبادل (جنس به جنس) یا "بارتر" مشکلات بسیاری بهمراه داشت که روند تبادل را در بازار برای تبادل کنندگان (عرضه کنندگان و تقاضا کنندگان) به دشواری مواجه میساخت و موجب ضیاع وقت، سرگردانی و فاسد شدن کالاها میگردد و از همه مهم تر مشکل قناعت جانبین بود که آیا چه مقدار یا چه تعداد از یک کالا در مقابل کالای دیگر قرار بگیرد تا تبادل صورت گرفته بتواند در نهایت همین مشکلات در بیشتر اوقات طرفین تبادل را از بابت ضیاع وقت، فاسد شدن کالاها، مبادله غیرمعتادل و سایر موارد متضرر میساخت.

مشکلاتیکه دامنگیر تبادله بارتر یا کالا در مقابل کالا بود را میتوان درسه مورد زیر خلاصه نمود.

الف- در تبادله بارتر تعیین ارزش کالاها در مقابل همدیگر یک مشکل جدی بود چون هر یک از معامله کنندگان (تبادله کنندگان) ادعا داشتند که کالای شان دارای ارزش بیشتر است و واحد مقیاس معینی که مورد تایید طرفین معامله باشد وجود نداشت مثلاً خیلی مشکل بود تا جریان تبادله یک رأس گوسفند با گندم انجام گردد که آیا در مقابل گوسفند چه مقدار گندم باید به مالک آن تعلق گیرد.

ب- یافتن طرفین مبادله دو کالا، طور مثال در یک مبادله (گوسفند در مقابل گندم) که هر دو نیاز به کالاهای عرضه شده طرف دیگر داشته و آماده مبادله باشند چندان آسان نبود اکثرآ اتفاق میافتید که کس یا کسانی متقاضی گوسفند بودند که گندم نداشتند و یا برعکس متقاضیان گندم گوسفند نداشتند، به ندرت اتفاق میافتاد تا دو نفر پیدا شوند که متقاضی عرضه طرفین متقابل باشند. بنابراین نیاز بود تا تبادلات دیگری نیز انجام شود تا هر یک به کالای مورد نظر دسترسی پیدا نمایند.

ج: مشکل انتقال کالاهای عوضی (قابل تبادله) به بازار، هر دو طرف تبادله به ناچار باید کالای را با خود بمنظور معاوضه با کالای مورد نیاز شان به بازار حمل مینمودند و در صورتیکه تبادله انجام نمیشد و ناگزیر میشدند که آن ها را دوباره به محل بود و باش شان حمل کنند مزید بر علت میشد.

در همه حالات در تبادله بارتر مشکلات زیادی در مقابل تبادله کنندگان قرار میگرفت و این دشواری ها انسان ها را ب فکر واداشت تا یک راه حلی جستجو نمایند و برای پرهیز از دشواری های که سیستم تبادله بارتر داشت چاره ای بسنجند. با گذشت زمان شاید سده های متوالی از آنجائیکه "احتیاج مادر ایجاداست" انسان قادر گردید اشیا و یا کالاهایی را به عنوان واسطه مبادلات به جهت سهولت داد و ستد انتخاب نماید این کالاهای واسطه ای نخست باید با ارزش و مورد قبول همه میبود و دوم به آسانی میشد آنها را انتقال و ذخیره نمود. حضور کالاهای بینی که بنام معدل عام نیز نامیده میشود و جریان تبادله را سهولت بخشید از خود دارای داستان جالبی است. انتخاب معدل عام (پول کالایی) بستگی داشت به نوع آن شیء یا کالای واسطه در آن محدوده یا شهر یافت میشد. مثل صدف در سواحل دریا ها و گوسفند و گاو در نواحی کوهستانی و معتدل و همینطور عاجل فیل، شاخ حیوانات، نمک، و مانند این ها. "کله گاو در بعضی از قبایل افریقا و جمجمه انسان در برنشو ارزش

مخصوصی داشت و بعنوان سرمایه بزرگ محسوب میشده است. شاید سنگین ترین پولی که رواج داشته یکنوع پول سنگی در جزیره پاپ واقع جنوب اقیانوس کبیر بوده و سبکترین پول از جنس پر در جزایر هیرید رواج داشته است.^۱

در همه حالات اصل کمیاب بودن این کالاهای میانجی نیز مورد توجه بوده است خیلی بدور نرویم هرگاه به تاریخ قرن بیستم نظر انداخته شود، طی جنگ های خانمان سوز بین المللی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴) و دوم (۱۹۴۵-۱۹۳۹ میلادی) در میان اسیران جنگی در زندان های کشور های درگیر جنگ جا های که ورود و خروج کالاها مشکل داشت و ملاقات با زندانیان عملاً غیر ممکن بود، سگرت به صفت پول کالایی قبول و رایج گردیده بود، افراد سیگاری حاضر می شدند به یکدیگر کمک کنند و کارهای یکدیگر را انجام دهند و در مقابل، چند عدد سگرت را که به هر روش غیرقانونی وارد مجموعه زندان یا اردوگاه اسیران جنگی شده بود به دست بیاورند. طوریکه در ابتدا سگرت را می گرفتند که آن را مصرف کنند، اما کم کم به چنان کالایی گرانبها تبدیل می شد که سیگاری ها هم، آن را ذخیره می کردند تا در مواقع ضروری، خدمات و کالاهای مورد نیاز خود را با آن خریداری نمایند، حتی غیرسیگاری ها هم، در ازاء کارهای که برای دیگران انجام می دادند، سگرت طلب می کردند چون می دانستند که هر عدد سگرت، سرمایه ی است که بعداً با آن می توان فرصت ها و خدمات دیگر را خریداری کرد. زمانیکه پول کالایی در جریان تبادل زندگی اقتصادی بشر وارد شد بر علاوه وظایف تعیین ارزش و تبادل از آن به هدف ذخیره ارزش و انتقال آن به آینده و همچنین به هدف انتقال ارزش در بعد مکانی استفاده گردید یعنی ظهور پول کالایی فرصت فوق العاده مساعدی را در انکشاف جریان تجارت، پس انداز، سرمایه گذاری و بالاخره توسعه تولیدات میسر گردانید.

۳.۱ پول فلزی: Metal Money

قراریکه گفته شد اکثر پول های کالایی دارای ارزش ذاتی و استفاده ی بودند (نمک، تکه های فلز، صدف، عاج فیل، پوست حیوانات...). به مرور زمان در نقطه مقابل آنها به تدریج نسل جدید از پولها بحیث نماینده پول کالایی عرض وجود نمودند و در جریان تبادل قرار

^۱ ص ۸۱۴ دایرالمعارف زرین م آذین فر تهران ۱۳۶۱

گرفتند. هرچند این نسل جدید پول در ابتدا همانند پول های کالایی ارزش تبادلی آنها معادل ارزش ذاتی شان بود اما آهسته آهسته از ارزش آنها کاسته شده رفت و به شکل پولهای اعتباری مورد قبول مردم در جریان تبادل بکار افتادند (مسکوکات فلزی، سنگی، چرمی. ..) این نوع پولها بر اثر کم ارزش بودن مواد تشکیل دهنده آنها از ارزش مصرفی کمتری برخوردار بودند و تنها به لحاظ اعتبار صادر کننده آن، ارزش مبادله‌ی داشتند. این پولها بحیث "پول نماینده" در حالت و شکل پول فلزی (باستثنای طلا و نقره)، حواله‌ی کاغذی البته با پشتوانه طلا و نقره وارد بازار شدند و ناشر آن، متعهد به تبدیل آنها در صورت درخواست مالک پول به فلزات نجیبه (طلا و نقره) میگردید. با مراجعه به مطالعات که در دوره های مختلفه حیات انسان بعمل آمده است پول فلزی بعد از دوره سنگ و صیقل سنگ، عصر یا دوره فلزات پدید میآید و انسان قادر میگردد فلزات را منحصی ابزار در خدمت نیازمندی هایش بکار بگیرد. مورخان می گویند عصر آهن بیشتر از سه هزار سال پیش یعنی (۱۲۰۰ قبل از میلاد مسیح) آغاز شده است ولی جالب اینجاست که عصر طلا، از عصر آهن و فولاد و برنز قدیمی تر است و استفاده از طلا سابقه‌ی بیش از هفت هزار ساله دارد که دلایل اثبات آن نمونه‌ی های از زیورآلات طلا میباشد که چهار تا پنج هزار سال قدمت دارند در موزیم های جهان موجود اند.

در بحث سیستم تبادل بارتر و رویکار آمدن پول کالایی مطالعه نمودیم که افزایش روز افزون نیازمندیهای انسان او را همواره وادار میسازد تا بدنبال وسایل و سیستم های کارا تر و پاسخگو به ایجابات زندگی اش در حرکت و تکاپو باشد. خلق و استفاده از ابزارهای جدید در عرصه تبادل انجام تبادل را به شیوه های بهتر و بهتر محقق گردانید از طرف دیگر تنوع تولید، گسترش تبادلات و الزامات رفع نیازمندی های بشری از تولیدات مختلف موجب پیدایش دو کالای اقتصادی با ثبات ارزش نسبی (طلا و نقره) که مورد قبول عامه گردید، ویژه گی های این دو فلز موجب شد که در تناسب به سایر فلزات مانند آهن و مس بیشتر در امر تبادل در محراق توجه به عنوان پول قرار گیرند. برای انجام این کار، شمش‌های طلا و نقره به سکه های کوچک و متنوع تبدیل و به مرور زمان به مهر زمامداران مهور شد و در قلمرو های مختلف جغرافیایی در جریان قرار گرفت و رایج گردید. به قول مورخین اختراع

سکه از سده هفتم پیش از میلاد در کشور لیدی^۱، (یا لیدیه) پا گرفته است، ولی در اکتشافاتی که اخیراً در کشور هندوستان بعمل آمده است مسکوکاتی کشف گردیده که ظاهراً مربوط به پنج هزار سال قبل از امروز (سه هزار سال پیش از میلاد) میباشد. مردمان لیدی نخستین کسانی هستند که برای مصرف خود از زر و سیم سکه زدند. زر به طلا و سیم به نقره اطلاق میگردد، عده از باستان شناسان معتقد اند که (ضرب کنندگان سکه) مهاجرین یونانی بودند که در خدمت دولت لیدی به ضرب مسکوکات مبادرت ورزیدند و جهانیان این اختراع بزرگ را پس از اختراع خط مدیون یونانی‌ها می‌باشند.

کلمه پول از پولس Polos گرفته شده و پولس پولی بود که از فلز مس ساخته می‌شد کلمه پولس در آغاز در فنیقیه وضع شد. به روایت لغتنامه دهخدا فنیقی‌ها ملتی بودند سامی نژاد که تقریباً در دوهزار و پنجمصد سال پیش از میلاد از عربستان سر برآورده و بعدها بین دریای مغرب و جبل لبنان سکنا گزیدند تمدن فنیقی‌ها را می‌توان با مناطق ساحلی سوریه الی فلسطین امروزی قیاس زد. این سازه (پولوس) از آنجا به کشورهای دیگر سرایت کرد و کلمه فلوس که هنوز در برخی از کشورهای خاور نزدیک و خاورمیانه از آن یاد میشود همین پولس است و هینطور کلمه پول که در زبان فارسی امروزی متداول است از ریشه پولوس گرفته شده است.

در رابطه به پولهای طلائی و نقره‌ی باید خاطر نشان نمود که چلند این مسکوکات در دوره‌های مختلف متفاوت و در داخل سیستم‌های تعریف شده کارآمد داشته است.

۱.۳.۱ سیستم دو فلزی بدون رابطه مشخص:

در این دوره سیستمی رویکارآمد که در آن طلا و نقره به عنوان پول رسمی در قالب شمش و سکه ضرب زده شدند طوری که بین دو پول (طلا و نقره) هیچ رابطه مشخصی ثابت و برقرار نبود. بدین لحاظ نوسانات بازار (عرضه و تقاضای طلا و نقره) ارزش نسبی این دو فلز را مشخص می‌ساخت یعنی وفرت و کمبود این دو فلز بالای ارزش پولی آنها تأثیرگذار بود که همین امر کشورها را واداشت در مورد این سیستم تجدید نظر نموده و آنرا اصلاح نمایند.

^۱ پادشاهی باستانی در دوره آهن در غرب آناتولی (قسمت آسیای ترکیه امروزه) فعلاً شامل شهرهای ازمیر و مانیسا در ترکیه میباشد و پایتخت سنتی لیدیه شهر سارد بود

۲.۳.۱ سیستم دو فلزی با رابطه مشخص:

در این سیستم دولت رابطه ثابت و مشخصی را بین "پول طلا و پول نقره" تعریف میکند که درین حالت هر چند خطر نوسانات بازار کمتر است اما نظر به قانون گرشام پول بد یا پول دارای ارزش نسبی کم نقره ای بمرور زمان پول خوب یا پول دارای ارزش نسبی بالای طلائی را از دوران معاملات بازار خارج ساخته و سیستم را آهسته و آهسته از دو فلزی به طرف سیستم یک فلزی میکشاند.

۳.۳.۱ سیستم یک فلزی:

در این دوره هر دولت یک فلز مشخص را (طلا یا نقره) با وزن و عیار مشخص به عنوان پول رسمی کشور شان اعلام مینمودند ازین رو این دوره به دوره سیستم پولی یک فلزی یا تک فلزی مشهور است. در همه این حالات، بوجود آمدن سیستم ها و دوره های مختلف مشاهده میگردد که پول رایج هر کشور همانند خود آن کشور دارای تاریخ و سرگذشتی است که برای خود و مردم آن کشور جالب و مورد توجه میباشد.

۴.۳.۱ معرفی چند نمونه تاریخی پول فلزی

ملاحظه میشود که در طول تاریخ به جای کلمه پول از واژه های مانند سیم، زر، درهم و دینار و گاه وجه، تنخواه، نقد، فلوس، مسکوک، آقچه، عین، نقدینه، فلس و پل استفاده می گردیده است.

ما درین جا از به درازا کشیدن بحث خود داری نموده صرف از بین نامهای متعدد و مختلف واحد های پولی که در تاریخ از آنها ذکر گردیده بطور نمونه چند واحد مشهور آنرا که بیشتر به پولهای تاریخی سرزمین ما هم نسبت دارند و در ادوار مختلف درین مرزو بوم در جریان تبادل حضور داشتند به معرفی میگیریم.

۱.۴.۳.۱ درهم

درهم یا دراهم یا درم یک واحد پول بسیار قدیمی است که از فلز نقره تهیه و ضرب میگردد، درهم از لحاظ تاریخی از نام یک سکه قدیمی یونانی بنام دراخما (δραχμή) گرفته شده و از دوره پیش از اسلام در چلند بوده است. درهم عبارت از مسکوک سیمین یا سکه از سیم بود که بنام پول سیمین، نقره مسکوک و یا پول سفید یاد میشد. معمولاً درهم برابر یا به عنوان واحد وزن معادل "چهل و هشت حبه یا چهل و هشت جو میانه" معیار

قرار داده میشود، در سرزمین های اسلامی هر درهم مساوی به شش "دانگ" و هر دانگ معادل هشت جو محاسبه میشده است که بازهم مشاهده میشود که همان چهل هشت جو میگردد. در آنوقت درهم را بدو نوع ضرب میزدند درهم سبک و درهم سنگین (درهم سبک معادل وزنی باندازه چهاردانگ یعنی سی و دو جو) و (درهم سنگین همان معادل چهل و هشت جو) بعدها بجای درهم سبک و سنگین همان درهم شش دانگ مورد قبول و معامله قرار داده شد.

اینکه چگونه درهم که در اصل یک سکه یونان قدیم است در سر زمین های اسلامی شهرت واحد پولی را حاصل نمود، علت اینست که امپراتوری یونانی که بیزانس لوانت^۱ را کنترل می کرد و با عربستان رابطه تجارتي داشت ازین سبب این سکه (درهم) در دوران پیش از اسلام به سرزمین عربستان راه یافت و در گردش قرار گرفت و با ظهور اسلام و نزدیک به پایان سده هفتم میلادی این سکه به یک واحد پول اسلامی تبدیل شد که نام پادشاه و یک آیه مذهبی را روی خود داشت. با راه یابی اسلام در کشور های اروپایی، درهم در بسیاری از کشور های مدیترانه، از جمله آندلس ضرب زده شد. به همین ترتیب درهم منعیث پولی فلزی از جنس نقره از صدر اسلام تا اوائل سده چهاردهم هجری واحد پول رایج در میان مسلمانان گردید که اکثراً به اشتباه منشأ و ریشه اصلی درهم را عربی می پندارند در حالیکه همانطوریکه گفتیم ریشه اصلی درهم یونانی است که نخست به عنوان واحد وزن و سپس به عنوان سکه وارد زبانهای عربی و فارسی شده است و امروز حتی به عنوان واحد پول بعضی از کشور های عربی مورد استفاده قرار میگیرد مانند درهم کویت، درهم امارات متحده عربی و درهم کشور مراکش.

^۱ امپراتوری روم شرقی که با عنوان های امپراتوری بیزانس و بیزانتيوم نیز شناخته می شود پایتخت آن کنستانتینوپل (استانبول امروزی، که با نام بیزانتيوم تأسیس شد) بود این امپراتوری در سال ۱۴۵۳ میلادی توسط امپراتوری عثمانی فرو پاشید. لوانت به حوزه بزرگ مدیترانه شرقی در جنوب آسیا اطلاق میشد که شامل کشورهای امروزی سوریه، لبنان، اردن، اسرائیل، فلسطین و قسمتی از ترکیه میگردید (منبع انترنیت)

۲۰۴۳۰۱ دینار

دینار از واژه "دناریوس" یونانی گرفته شده و بحیث واحد پول در گردش نیز از پیشینه دراز برخوردار است، دینار در اصل سکه طلایی است که نخستین بار در دوران جمهوری رم قدیم عمده‌تاً برای برتری جوئی، رقابت و به تقلید از "دَریک" واحد پول دوران هخامنشی ضرب زده شد (دَریک سکه از عنصر طلا در دوره هخامنشی پنج قرن قبل از میلاد مسیح) ضرب زده میشد. شعر سرایان فارسی زبان اینگونه درهم و دینار را در ابیات شان بکار بسته اند:

همه خانه بد از کران تا کران

پر از مشک و دینار و پر زعفران

فردوسی

همیشه تا بود اندر جهان عزیز درم

چنانکه هست گرامی تر از درم دینار

فرخی

۳۰۴۳۰۱ پول سیاه

تا هنوز در گویش عامیانه اصطلاح پول سیاه به جای مسکوکات فلزی بکار برده میشود و این امر برگرفته از پیشینه ی تاریخی است، بدو دلیل اینکه زمانی که پول مسی درکنار پول نقره ی بکار انداخته شد نظر به سفیدی و جلایش نقره مردم آنرا بنام پول سیاه مسمی نمودند و دیگر مسکوکات فلزی مسی که در جریان تبادل قرار میگرفتند چون فلزمس به اثر استعمال به مرور زمان رنگش را تغییر میداد و سیاه میگردد اصطلاح پول سیاه بالایش گذاشته شد تا اینکه آهسته آهسته تمامی پول های مسی و غیرمسی (سایر مسکوکات فلزی) حتی پول نقره ی را مردم حوزه زبان فارسی از جمله این سرزمین بنام پول سیاه یاد نمودند. در هر صورت پول سیاه در واقع به همان پول مسی اطلاق میگردد. مس قدیمترین فلزیست که توسط بشر کشف شده است، استفاده انسان از این فلز به حدود (شش یا هفت هزار سال پیش از میلاد) بر میگردد.

نکته قابل توجه دیگری نیز درین زمینه (پول سیاه) وجود دارد که باید به آن توجه گردد و آن این است که درین اواخر در افاده های پولی اصطلاح پول سیاه به پول های که منشأ جرمی دارند بکار برده میشود و درین افاده در حقیقت هدف همان پولهای است که از راه قانونی بدست نیامده و منشأ تشکل آنها از راه های سرقت، رشوت، اختلاس، قاچاق کالا و انسان، کشت، تولید و معاملات مواد مخدر، فرار مالیات، معاملات غیرمجاز، انواع فریب کاری و پنهان کاری های مالی صورت میپذیرد بناً در کاربرد اصطلاح پول سیاه سوء تفاهمی پیش نیاید و درین مبحث مقصد ما همان پول های فلزی است که به پول سیاه مشهور شده اند.

۴.۴.۳.۱ قران

سعادت برگشاد اقبال را دست

قران مشتری و زهره پیوست

نظامی

در فرهنگ معین قران به معنی بهم نزدیک شدن، به هم پیوستن و اجتماع دو سیاره در یک برج آمده است در حقیقت نام قران کوتاه شدهٔ صاحب قران است. قران در عهد سلطنت قاجار واحد پول ایران زمین بوده است که تا اوایل دوره پهلوی مسکوکاتی بود نقره ی به وزن بیست و چهارنخود و هر ده قران معادل یک تومان بود (هرقران بیست شاهی و هرشاهی پنجاه دینار محاسبه میگردد) یعنی یک قران معادل هزار دینار میگردد که در زبان عامیانه با توجه به اینکه قران هزار دینار ارزش داشت در زبان عامیانه بنام "هزار" نیز نامیده می شد و این گویش حتی تا امروز در بین مردم کشور ایران ادامه دارد که مثلاً گفته میشود یک قران ارزش ندارد یا یک هزار نمیآرزد. در کشور ما هم از واژه قران در افاده های پولی زیاد استفاده میگردد در سابق که مسکوکات فلزی کمتر از یک افغانیگی در جریان بود مردم به سکه پنجاه پولی قران میگفتند که در بعضی مناطق کشور این سکه به نیمک هم مسمی بود یعنی نیم افغانی و تا امروز هم کلمه قران در گویش های عامیانه کاربرد فراوان دارد مثلاً گفته میشود که یک قران ندارم یا این شی یا فلان شخص به قرانی نمیآرزد.

۵.۴.۳.۱ روپیه

نظر به معلومات سایت ویکی پدیا ریشه اصلی کلمه روپیه را در زبان سانسکریت با نام "روپیا (rūpya)" به معنی شکل گرفته، سکه شده، مهر شده، سکه و همچنین با نام "راپیا" (raupya) به معنای نقره می‌شناسند. راپیا (ریشه اصلی کلمه روپیه) است و آن سکه‌ای نقره‌ی بود به وزن ۱۷۲ دانه غله معادل ۱۱.۳۴ گرم. این سکه نقره‌ی در دوران مغول‌ها و بعد از آن در امپراطوری بریتانیا مورد استفاده قرار گرفت.

در لغتنامه دهخدا از روپیه به عنوان بزرگترین سکه نقره‌ی هند که دو نیم مثقال وزن دارد ذکر گردیده است و در سانسکریت روپیه به معنی نقره آمده است. فعلاً کشور های هندوستان، پاکستان، نیپال، سیلان، اندونیزیا و.. واحد پول شان عبارت از روپیه میباشد.

نام تاریخی واحد پولی کشور ما نیز روپیه بود اما در زمان شاه امان الله در سال ۱۳۰۴ خورشیدی (۱۹۲۵ میلادی) این واحد پولی متداول تاریخی به افغانی تغییر نام داده شد که این تغییر نام و کاربرد افغانی برای واحد پولی همواره نزد خارجی‌ان سوء تفاهماتی را به بار می‌آورد و اکثراً بجای شهروندان افغانستان به اشتباه گرفته میشود ولی تا جائیکه مشاهده میگردد افاده افغانی فقط نزد بانکها و در دفاتر بطور رسمی مورد استفاده قرار میگیرد و بس. و مردم ما تا همین اکنون طبق سنت پیشینه در مارکیت و در مراودات پولی و مالی شان از کلمه روپیه وسیعاً بجای افغانی استفاده مینمایند.

۴.۱ پول کاغذی Paper Money

همانطوریکه در بحث پول فلزی گفته شد، سیستم تبادل بهارتر با مشکلات زیادی همراه بود تا اینکه یکتعداد اجناس در بین دو جنس مورد تبادل بهیث پول کالایی قرار گرفتند، البته اجناس و یا کالاهای میانجی دارای ارزش ذاتی و استفاده ی بودند که ما از آنها بنام پول کالایی نام برده ایم بعداً مسکوکاتی که در سیستم تبادل وارد شدند نیز از ارزش ذاتی خویش برخوردار بودند (مانند مسکوکات طلا، نقره و مس). در طول تاریخ دولت‌ها برای تامین هزینه های جنگ و تشریفات دربار شان همواره در تلاش برآمدند تا کیفیت سکه‌ها را کم ساخته بروند و یا به اصطلاح دست به تغییر ارزش ذاتی مسکوکات بزنند. روی این دلیل آهسته آهسته عیار و یا میزان خالصیت فلز اصلی سکه‌ها کم شده رفت و بیشتر به

به ارزش تبادلی آن اکتفا گردید جالب اینجاست که مردم هم درین کار واکنشی نشان نداده و منحیث پول مانند گذشته به آنها اعتماد نموده قبولش کردند.

در واقع نکته جالبیت پول در تاریخ اقتصاد پولی بشر از همین جا شروع گردید که هم دولت ها بدلائل گوناگون دست به ایجاد پول های بزنند که به تعبیر اقتصادی ارزش تبادلی آن از ارزش ذاتی آن بیشتر باشد و هم مردم این مسکوکات را که درجه خالصیت کمتری دارند منحیث پول به همان ارزش تبادلی سابق با جان و دل بپذیرند. با گذشت زمان این کار تا سرحدی به پیش رفت که صرافان در مقابل مسکوکات طلا و نقره مردم رسید تحویلی تهیه و نشر کردند و این رسید های کاغذی هم آهسته آهسته بجای همان طلا و نقره مورد پذیرش انسان قرار گرفت و هیچکس نگفت که چرا چنین است. با توجه به این مقدمه میشود ادعا کرد که پول در حقیقت یک چیز خیالیست که انسانها همدیگر را بالاخره قانع ساخته اند که آنرا از دل و جان پذیرا شوند و ارزش کالا ها و خدمات را در مقابل چند سکه فلز و یا توته کاغذ بنام پول تعیین نمایند.

حضور کاغذ بجای پول فلزی (بویژه پول طلایی و نقره ای) و قبولی گسترده مردم از آن کار را بجای کشاند تا همین صرافان ناشر رسید پولی بفکر مجموعه کلان تری که بعداً بنام بانک نامگذاری گردید بیافتند و از همین کار بعد از بوجود آمدن اولین بانک در جهان هم بگونه گسترده ای پیروی گردید و تا اکنون هم ادامه دارد. درین حالت مردم بخاطر امنیت نگهداشت پولهای شان نزد بانک ها رسید بازپرداخت (رسید تحویلی پول) بدست میآوردند و خاطرشان آرام میبود و یا در موارد انتقال پول از یک محل به محل دیگر در مقابل پولهای فلزی شان رسید حواله تسلیم میگرددند.

حالا مردم پول های فلزی شانرا عمدتاً طلا و نقره را نزد بانک میگذاشتند و به تعبیر بهتر بگوئیم سپرده گذاری مینمودند و در مقابل آن رسید کاغذی دریافت مینمودند، به مرور زمان بانکها متوجه شدند که تقاضای دریافت مسکوکات از موجودی مسکوکات خزاین شان کمتر است بدین معنی که بیشتر اوقات یک اندازه مسکوکات مردم نزد شان باقی میماند این کشف، بانکها آنها را جرأت بخشید تا دست به عملی بزنند که تاکنون در تاریخ اقتصادی بشر تکرار نشده بود و آن اینکه بانکها دست به چاپ تعداد زیادتر رسید پولی زدند به اندازه که آنقدر طلا و نقره اصلاً در خزاین شان موجود نبود چون بانکها درک کرده بودند که مردم آهسته آهسته پول واقعی را کنار میزنند و مشتاقانه به توته های کاغذ پناه میبرند

و اگر این موضوع را بزبان سیاست پولی تعریف نمائیم بیجا نخواهد بود که بگوئیم بشر عاقل بدخواه خود و بطور داوطلبانه خویشرا محکوم به جریمه تورم ساخته است.

با توجه به پراگراف بالا حالا دیگر زمینه چاپ و نشر بانکوت به پیمانہ بیشتر فراهم گردید چون مردم قبولش کرده بودند و رسید های پولی که از آن نام بردم خود حیثیت پول کاغذی را داشت. جالب این جاست که این جریان تا جای پیش رفت که مردم به مرور زمان همین رسیدهای پولی (بانکوتها) را هم به بانکها تسلیم دادند (سپرده گذاری در حسابات شان) و در مقابل باز هم رسید دریافت نمودند تا اینکه امروز که همین دریافت رسید های بانکی نیز جایش را به اعدادی میدهد که در حساب های مردم در کمپیوترها بشکل دیجیتالی ثبت میشود.

پول کاغذی، اسکناس (زبان روسی assigunos) و یا پولبرگ که امروز در همه کشور های جهان در جریان است نخستین بار در نیمه قرن دهم زمان دودمان سونگ در چین جنوبی مروج گردید که بنام های اسکناس و پولبرگ یاد شد و میشود و در صورتیکه توسط بانک نشر شده باشد بانکوت یاد میگردد. "در حالیکه پول کاغذی را برای اولین بار چینیایی ها در قرن ۱۱ اختراع کردند اما شکل انکشاف یافته آن در قرن ۱۷ در اروپا معمول گردید هر چند اولین بار چینیهی در حدود قرن نهم میلادی اسکناس منتشر نمودند و آنرا "چاو" مینامیدند"^۱

همانطوریکه گفته آمدیم پول فلزی نقش اساسی را در جریان تبادلہ ایفا نمود و موجب گسترش معاملات و تجارت گردید روی این اساس برای رفع نیازمندی های جریان تجارت بخصوص در دادو ستد قلمرو های مختلفه که پول های متفاوتی داشتند حرفه صرافی شکل گرفت و هر قدر که کسب و کار تجارت رونق گرفت موجب گسترش حرفه صرافی شد. درین جا بطور خلاصه میتوان ادعا کرد که صاحبان این حرفه (صرافی) واسطه عملیات پولی بین تجار در داخل و خارج از کشور بودند که عملکرد شان پیش زمینه نشر پول کاغذی و به تدریج زمینه ساز ایجاد بانک های امروزی گردید.

اینکه نشر پول کاغذی در ابتدا چطور بمیان میآید هر چند قبلاً مختصراً بآن پرداخته شد باز هم میتوان گفت که ظهور این پدیده حیرت انگیز ارتباط میگیرد به زمانها و جغرافیای مختلف اقتصادی. در روم قدیم صرافها اسناد کاغذی (دست نوشته هایی) در اختیار مشتریان

^۱ صفحه ۸۱۵ دایرةالمعارف زرین م آذینفر تهران ۱۳۶۱ خورشیدی

خود قرار میدادند یا به اشخاصی که مسکوکات (فلزات قیمتی) خود را پیش آنها به امانت می‌گذاشتند، سندی به عنوان " رسید " می‌دادند. این اسناد که به همین عنوان " رسید " معروف بودند، به اعتبار صراف صادر کننده در بازار دست به دست می‌گشتند و عملاً در عوض پول مسکوک و رایج وظایف آنها انجام می‌دادند تا اینکه همین رویه آهسته آهسته پایه‌گذار سیستم پول کاغذی گردید. طوریکه در گذشته ملاحظه مینمائیم بین ارزش اسمی پول کاغذی رابطه ثابت معاملاتی با طلا و نقره برقرار و قانونمند بوده است (پشتوانه پول کاغذی) بدین معنی که اولین بانکهای که اقدام به نشر پول کاغذی نمودند معادل ارزش اسمی پول های کاغذی منتشره شان مقدار طلا و نقره به عنوان پشتوانه در خزانه های شان موجود داشتند که درین حالت میتوان از پشتوانه صد در صد پول کاغذی نام برد.

از قرن نوزدهم میلادی چارچوب های مقرراتی در زمینه وضع شد و قوانین پولی و بانکی در کشورهای مختلف تدوین و پول قانونی در اقتصاد رایج گردید. در رابطه به پشتوانه پول کاغذی سه حالت زیر قابل مطالعه میباشد.

۱.۴.۱ پول کاغذی با پشتوانه کامل

در ابتدا صرافان و بعد بانکها خویش را مکلف به نگهداشت صد در صد مسکوکات طلا و نقره و یا شمش های طلا و نقره در مقابل رسید های پولی و بانکنوتها میدانستند که ما آنرا بنام پول کاغذی با پشتوانه کامل یاد مینمائیم. اما برمرور زمان و به تجربه به اثبات رسیده بود که همه کسانیکه مسکوکات طلا و نقره شان را نزد صراف و یا بانک امانت گذاشته بودند به یکدم بخاطر واپس گیری آنها مراجعه نمی نمایند و تنها و تنها عده ی کمی از مردم رسید های شانرا برای تبدیل آنها به طلا به صرافی ها مراجعه میکنند و یا همین طور مردم کمتر بانکنوتها را برای تبدیل به فلزات نجیبه نزد بانکها میبرند بنابر آن در ابتدا همین امر موجب گردید تا موضوع نشر پول کاغذی با پشتوانه نسبی رواج پیدا نماید.

۲.۴.۱ پول کاغذی با پشتوانه نسبی

بلی صرافیهها و بانکها دریافتند به دلیل عدم مراجعه یکبارگی صاحبان رسید ها، همواره مقداری طلا در صندوق صرافی و یا خزانه بانک باقی میماند این پدیده بانکها را تشویق و مطمئن گردانید در ازای طلای باقیمانده رسید بیشتر چاپ کرده و از طریق اعطای قرضه به مردم اقدام به سرمایهگذاری پر منفعت نمایند. درین حالت نتیجه آن شد که در برابر

تمامی صاحبان رسیده‌ها، طلای موجود فقط جوابگوی نسبتی از ارزش هر رسید را پوره کرده می‌توانست که در همین حالت میتوان از پول کاغذی با پشتوانه نسبی نام برد.

۳.۴.۱ پول اعتباری یا پول کاغذی بدون پشتوانه

بانکها برای کسب سود بیشتر روز تا روز خویش را از قید پشتوانه صد در صد رها ساخته رفتند و هر روز نسبت مبلغ نشرپول و مقدار طلا و نقره را زیاد تر مینمودند. دولتها پس از آن که به قدرت نشر پول و اثرات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن آگاه گشتند، نشر پول را از وظایف انحصاری دولت قرار دادند و برایش چوکات قانونی وضع نمودند. در این مرحله پشتوانه پول نه طلا بلکه اعتباری است که دولت از نقطه نظر قانونی برای آن خلق میکند یعنی قدرت و اعتبار دولت نیز بر موضوع نشر پول با پشتوانه نسبی افزوده شد. درین روند دولت ها دریافتند که نشر پول کاغذی با پشتوانه نسبی طلا (پول اعتباری) مزیت های زیادی را در برابر شان قرار میدهد از جمله :

- آماده سازی پول ارزان مورد ضرورت اقتصاد برای روند تسهیل مبادلات که با هزینه کمتری انجام میگردد چه موادیکه در ساخت پول کاغذی بکار میرود دارای ارزش زیادی نیست و مصارف تمام شد یک اسکناس و یا بانکنوت برای دولت ناچیز بوده و فیصدی کمی را در مقابل ارزش اسمی بانکنوت احتوا مینماید طور مثال یک قطعه بانکنوت یکهزار افغانی امروزی بین دو تا سه افغانی هزینه برمیدارد ولی هزینه تولید پولهای دارای ارزش ذاتی بالا بوده زیرا هزینه استخراج طلا و نقره برای جامعه گاهی سر سام آور است و منابع را از تولید کالاهای ضروری منحرف مینماید.

- مبرهن است که اکثر دولت های که پول نشر مینمایند به اندازه پول نشر شده شان دارای ذخایر طلا و نقره نمیباشند و اگر چاپ پول تنها با پشتوانه طلا و نقره صورت بگیرد، قطعا حجم آن متناسب با حجم طلا و نقره موجود کاهش و یا افزایش میافت، چون دولت ها قادر نبودند تا بیشتر از موجودی طلا و نقره شان دست به چاپ و نشرپول بزنند و نمیتوانستند به تقاضای پولی جامعه لبیک بگویند. ما میدانیم که امروزه یکی از متغیرهای تاثیرگذار بر سطح تولید و تورم حجم پول و یا به تعبیری عرضه پول است بنا وجود پولهای اعتباری این فرصت را بدولت ها داده است که بر حجم پول در دوران، کنترل و اعمال نفوذ داشته باشند و یکی از مزایای پول اعتباری همین قابلیت کنترل شدن آنست که امروز

بانکهای مرکزی با طرح و تدوین سیاست های پولی شان عرضه پول (حجم پول) را متناسب با شرایط اقتصادی جامعه شان تنظیم و کنترل مینمایند.

- مواردی پیش میآید که دولت ها ناگزیر میشوند تا مصارف شانرا بالا ببرند طور مثال در شرایط جنگی، دولتها مجبور اند هزینه های نظامی شانرا افزایش بخشند و یا حالات دیگری که موجب افزایش هزینه های دولت میگردد مانند برنامه های انکشافی دولت. قراریکه ملاحظه میشود در گذشته این افزایش هزینه های دولت از طریق افزایش مالیات صورت میگرفت و همواره نا رضایتیهایی اجتماعی و سیاسی را به دنبال داشت ولی امروزه اکثر دولتها با چاپ پول بدون پشتوانه قدرت خرید خود را افزایش میدهند و ازین طریق هزینه های اضافی شانرا تمویل مینمایند که البته این امر قدرت خرید جامعه را به دلیل افزایش تورم کاهش داده هم چنان موجب نارضایتی جامعه نیز میگردد ولی از طرفی ادعا میشود که درین حالت مصارف اضافی دولت میتواند سطح تولید را در جامعه افزایش داده و موجب اشتغال زایی و خلق عایدگردد.

۵.۱ پول ژیرال یا پول کتبی و یاپول بانکی

پول کتبی یا پول دفتری پولی است که در دفاتر بانکها بشکل بدهکار و بستانکار (دبت و کریدت) اندراج میآید هنگامی که شما مبلغی را بحساب خویش بگونه مثال در بانک بین المللی افغانستان تحویل مینمائید بانک مذکور مبلغ مذکور را به ستون کریدت حساب تان معامله و به ستون دبت حساب خزانه اش درج مینماید. ولی درعمل بانک بین المللی افغانستان به اندازه سر جمع مبالغ کریدت شده حسابات مشتریان خویش (دارایی مشتریان بانک) پول نقد در خزانه خود نگهداری نمی نماید به این اساس پول های کتبی وارد صحنه میشوند و آن پولهای اند که در ستون کریدت حسابات مشتریان بانک ثبت میباشند.

پول ژیرال یا کتبی به پول بانکی نیز نامیده میشود زیرا طوریکه گفتیم پولی است که در یک حساب بانکی ثبت بوده و قابل برداشت از شعب مختلف بانک یا دستگاههای (ATM) دستگاه های اتومات صرافی یادستگاه های خودپرداز (Automatic Teller Machine) میباشد. تفاوت پول بانکی با پول کاغذی و مسکوک (پول فیزیکی) اینست که پول بانکی به صورت غیر فیزیکی بوده و تنها بشکل یک عدد در دفتر چه حساب صاحب حساب و

همینطور در حساب مربوطه مشتری نزد بانک درج است که امروز این عملیات بشکل دیجیتالی نزد بانکها در کمپیوترها انجام میشود. کار روایی دیگر پول بانکی این است که بانک را قادر میسازد که به میزان دارایی های مشتریان در خزانه خویش پول نقد فیزیکی نگهداری ننماید زیرا به تجربه ثابت شده است که درحالت عادی تمام دارندگان پول نزد بانک به یکدم برای دریافت دارایی های پولی شان به بانک مراجعه نمی نمایند روی این اصل موجودی نقد خزانه همواره از میزان مجموعی سپرده های مشتریان کمتر است. این کسری ذخیره در سیستم بانکی دارای خطرات منجمله خطرات توری زیادی است زیرا در هر بار پول جدیدی به پول در گردش هر کشور اضافه می شود بدین معنی که بانک زمانی که پول قرض (وام) میدهد کمتر پول نقد از بانک خارج میشود اکثراً مقروضین پول قرض گرفته را در حسابات شان نزد همان بانک و یا بانکهای دیگر انتقال میدهند باین اساس دوباره سیستم بانکی توانایی این را پیدا مینماید که باز از موجودی دارایی های مشتریان به اعطای وام بپردازد هر چند قدرت خلق پول کتبی (Money Multiplier) توسط بانک مرکزی از طریق وضع ذخیره قانونی (Required Reserve) و تغییر نرخ این ذخیره همواره کنترل میگردد بآن هم سیستم بانکی با استفاده از پول کتبی یا پول بانکی به خلق پول میپردازد.

در تمامی کشورها بانک های مرکزی میزان ذخیره مورد نیاز (ذخیره قانونی) بانکها را مشخص می کنند و گفته میتوانیم که پول در گردش (Currency in Circulation) هر کشور معمولاً عبارت از مجموع پول فیزیکی و پول درون حسابهای بانکی آن کشور است.

۶.۱ پول الکترونیک (Electronic money (e-money)

بعد از انقلاب صنعتی (اواسط قرن ۱۸ میلادی) زمینه برای تولید کتلوی فراهم شده رفت این انکشاف منجر به رشد تجارت هم در سطح داخلی یک کشور و هم در سطح تجارت جهانی گردید. از آنجائیکه رشد تجارت موجب توسعه و پیشرفت پول نیز میگردد انکشافات بعد از انقلاب صنعتی به میزان زیادی اثرات خویشرا در امور پولی وارد نمود. البته توسعه و پیشرفت پول نیز متقابلاً موجب توسعه مراودات تجارتي میگردد و هر دو لازم و ملزوم یکدیگرند.

هرچند با شروع انقلاب صنعتی، تجارت داخلی و بین‌المللی در ابعاد وسیعی افزایش و گسترش یافت در مقابل مبادله و سیستم پول منحصیث یک سیستم بینی سرعت قابل ملاحظه پیدا نموده و روز تا روز توسعه یافته است ولی شروع پرداخت الکترونیکی در زندگی بشر به بعد از سال ۱۹۱۸ میلادی ارتباط میگیرد، یعنی هنگامی که بانک های فدرال رزرو (Federal Reserve) ایالات متحده آمریکا برای اولین بار در تاریخ بانکداری جهان دست به انتقال وجوه پولی از طریق دستگاه برقی تلگراف زدند.

آهسته آهسته انکشافات در روند تجارت زمینه را فراهم ساخت تا پدیده پول الکترونیکی منحصیث جایگزینی برای پول فیزیکی (سکه ها و اسکناس ها) و همینطور چک های فیزیکی بانکی عرض اندام نماید. پول الکترونیک که به صورت دیجیتالی از آن استفاده می شود یک سازکار (مکانیزم) پرداخت ارزش ذخیره شده است که در آن مقداری از وجوه یا ارزش که برای مصرف کننده قابل استفاده است، در یک وسیله و قطعه الکترونیکی ذخیره شده است. بطور ساده میتوانیم بگوئیم که پول الکترونیکی پولی است که به صورت الکترونیکی حرکت کرده و به گردش درمی آید و می تواند به صورت کارت هوشمند و یا کارت های که در آن ها ارزش ذخیره شده، یا کیف پول الکترونیکی (Electronic Wallet) ارایه شود. همچنین می تواند در پایانهی فروش (Point of Sale) استفاده شده و یا بدون دخالت هیچ شخص دیگری و مستقیم به صورت شخص به شخص مورد استفاده قرار گیرد و نیز می تواند از طریق خطوط تلفن به سوی بانک ها و یا دیگر ارایه دهندگان خدمات یا صادرکنندگان (پول الکترونیکی) به حرکت در آمده و یا خرج شود.

جامعه اروپا در پیش نویس دستورالعمل خود، پول الکترونیکی را بدین گونه توصیف نموده است:

بر روی قطعهی الکترونیکی همانند تراشه کارت یا حافظه کامپیوتر به صورت الکترونیکی ذخیره شده.

به عنوان یک وسیله پرداخت برای تعهدات اشخاصی غیر از مؤسسه صادرکننده، پذیرفته شده است.

بدین منظور ایجاد شده است که به عنوان جانشین الکترونیکی برای سکه و اسکناس در دسترس و اختیار استفاده کنندگان قرار گیرد.

به منظور انتقال الکترونیکی وجوه و پرداخت های با مقدار محدود ایجاد شده است.

امروز پول الکترونیکی جایگاه اش را به حیث یک عنصر اساسی سیستم پیشرفته پرداخت احراز نموده است که بدرستی بجای پول کلاسیک بگونه شگفت آوری عمل مینماید. قرن ۲۱ با انکشاف تکنالوژی و پیشرفت هوش مصنوعی همراه است که جهان را به جهان الکترونیک مبدل میسازد دولت الکترونیک، آموزش الکترونیکی، بانکداری الکترونیک و بالاخره همه سیستم ها و رابطه های انسانی. قرن که ما در آن زندگی میکنیم قرن داده هاست که در آن دانش نوین و اطلاعات حرف اول را میزنند. بدون شک درین کارزار تکنالوژی یک تعداد کشورها به مستعمره های داده ها تبدیل میشوند و در واقع دیکتاتوری های کلاسیک جای شان را به دیکتاتوری های دیجیتال خالی کرده میروند بدین معنی که امروز قدرت تکنالوژی بیشتر به معنی اطلاعات بیشتر واطلاعات بیشتر در کل به معنی قدرت و نفوذ بیشتر است .

۱.۶.۱ مزایای پول الکترونیکی

در هر حال پول الکترونیک از مزایای زیادی بر خوردار است از جمله:

- آسان بودن انتقال پول الکترونیک
 - ساده بودن نگهداری پول الکترونیک
 - سهولت در جا به جایی پول الکترونیک از یک حساب به حساب دیگر
 - سهولت در پرداخت و دریافت پول الکترونیک حین خرید و فروش کالا و خدمات
 - همینطور امنیت پول الکترونیک از جنبه پول شویی و سایر فعالیت های محرمانه
- حایز اهمیت زیاد است زیرا راهبران سیستم های مرکزی اطلاعات کشور ها نیز می توانند طرح های پول الکترونیک را برای شناسایی این تخلفات به شکل مستمر پایش و بررسی نمایند. پدیده عالی پول الکترونیکی که ارزش پولی ذخیره شده در یک ابزار الکترونیکی است با نهایت سهولت و سرعت امروز در دسترس بشر قرار گرفته است در حال حاضر آخرین حلقه تکامل تدریجی پول محسوب گردیده و مشاهده میشود که به سرعت همه گیر و فراگیر میگردد و هر روز ما شاهد غیبت پول مادی و چکهای بانکی از چرخه تبادل میباشیم به همین خاطر این پدیده شگفت آور به عنوان فرآیند غیر مادی کردن و نامرئی شدن پول توصیف می شود زیرا به بهترین حالت ممکن از عهده ایفای وظایف مختلفه پول برمیآید زیرا این پدیده نوظهور از دیدگاه اقتصادی قابلیت ایفای کارکردها و وظایف پول را داراست.

۲.۶.۱ انواع پول الکترونیکی^۱

دو نوع پول الکترونیکی وجود دارد (پول الکترونیکی مبنی بر کارت و پول الکترونیکی مبنی بر نرم افزار)

۱.۲.۶.۱ پول الکترونیکی مبتنی بر کارت

یک قطعه الکترونیکی سخت افزاری است که قابلیت حمل کردن دارد و در واقع یک میکروپروسسور (ریز پردازنده) است و در یک کارت ذخیره می شود و نمونه های مشهور آن عبارتند از:

۱.۱.۲.۶.۱ کارتهای ذخیره ارزش

این کارتها مانند کارتهای اعتباری و بانکی است ولی فرق آن اینست که دارای مقدار ثابت مبالغ اسمی در خود میباشند یعنی بشکل کارت های پیش پرداخت تنظیم گردیده اند و از آنها در موارد خاص استفاده میگردد کارت های تلفون و تحفه (Gift Card) از انواع این کارتها میباشد.

۲.۱.۲.۶.۱ کریدت کارت ها و دبت کارت ها

در کریدت کارت یا کارت اعتباری (Credit Card) صادرکننده کارت (که معمولاً بانکها میباشد) بناً به شرایط مشتری مبلغ اعتبار را به مشتری قایل میشوند و مشتری پس از استفاده از کارت در فواصل مشخص زمانی حسابش را با صادرکننده کارت تصفیه مینماید. یا بعباره دیگر کریدت کارت ها به مشتری این امکان را میدهد که پول از بانک معامله دار شان بشکل کریدت مصرف نمایند یعنی پول را که اصلاً مال شان نیست در تادیات شان از طریق این کارت های اعتباری استفاده نمایند. در حقیقت کریدت کارت ها یک خط اعتباری (Line of Credit) برای مشتری دارنده کارت مهیا میسازد که استفاده کننده کارت را قادر میسازد پول را بشکل اعتبار برای پرداخت ها و همچنین بشکل نقد فزیکتی از ماشین های اتومات صرافی بدست آورد.

بیشترین کریدت کارت ها از جانب بانکهای محلی و یا اتحادیه های کریدت کارت (Credit Card Unions) صادر میگرددند. درحقیقت کارت های اعتباری یا کریدت

^۱ منبع انترنیت

کارت ها بشر را قادر نموده که حتی عواید آینده شان را نیز در زمان حال مصرف نمایند، همیشه قرضدار و بخاطر تصفیه بدیهی هایشان همواره کار و تلاش نمایند. و اما در کارت بدهی یا Debit Card انتقال وجوه الکترونیکی مستقیماً از حساب بانکی مشتری انجام میشود البته این امر زمانی عملی شده میتواند که استفاده کننده کارت در حسابش نزد بانک پول کافی داشته باشد. این کارتها در واقع بشکل وجه پیش پرداخت شده عمل مینمایند طوریکه دارنده کارت مبلغ اعتبار را قبلاً پرداخت می کند و مبلغ مورد نظر در اعتبار کارت قرار می گیرد که بعداً از آن میتواند به همان مبلغ در پرداخت هایش بحیث پول الکترونیکی از آن از طریق ماشین های صرافی خود پرداز ATM و یا دستگاه های پایانه های فروش POS استفاده نماید.

۲.۲.۶.۱ پول الکترونیکی مبتنی بر نرم افزار

در این نوع، هیچ قطعه سخت افزاری وجود ندارد و یک برنامه نرم افزاری روی کامپیوتر یا دستگاه موبایل هوشمند (Smartphone) شما نصب و از آن استفاده می شود.

۱.۲.۲.۶.۱ کیف پول الکترونیکی Wallet TC (Transfer Certificate) Pay

کیف پول الکترونیکی یک عرضه خدمت آنلاین است که با استفاده از آن استفاده کننده می تواند تراکنش های اینترنتی مانند خرید شارژ کدیت برای موبایل و بسته اینترنت، پرداخت بدیهی ها (مانند پول صرفیه آب، برق، مالیات و ...) را با استفاده از گوشی موبایل هوشمند خود و یا کامپیوتر انجام دهد. کاربرد کیف پول بانکی الکترونیکی هم مانند کیف پول معمولی است ولی کیف پولی که به جای اسکناس و سکه، حاوی وجه و اعتبار الکترونیکی میباشد و از این کیف پول تازمانی استفاده شده میتواند که مقدار کافی پول در آن موجود باشد، کیف پول الکترونیکی از طریق حساب بانکی قابل شارژ کردن میباشد. با استفاده از این کیف پول بانکی، دیگر نیازی نیست برای هر ارسال یا دریافت پول، از کارت بانکی استفاده کرد. می توان پول به کیف پول بانکی واریز و یا برداشت کرد و موجودی درون آن را کنترل کرد.

۲.۲.۲.۶.۱ چک های الکترونیکی

این چک ها به استفاده کنندگان اینترنت اجازه میدهد که مکلفیت های حساسی خود را مستقیماً بدون ارسال چکهای کاغذی بجانب مقابل پرداخت نمایند بشرطیکه طرف حساب نیز دسترسی به بانکداری الکترونیکی داشته باشد درین حالت استفاده کننده، چک را در کامپیوتر خود نوشته و آنرا به شخص دیگر انتقال میدهد که به نوبه خود به حساب بانکی ارسال میشود مراد از چک درین جا فارمت است که برای این منظور در سیستم طراحی شده است و شخص فرستنده آنرا بصورت آنلاین پر نموده و ارسال مینماید و سیستم همان مبلغ پول را از حساب فرستنده به حساب شخص مقابل در هر بانکی که باشد در صورتیکه تمام مشخصات درست درج سیستم شده باشد و حسابات در سیستم شناسایی گردند انتقال میدهد.

۳.۲.۲.۶.۱ سامانه های الکترونیکی

این سامانه ها یا اپلیکشن ها (Applications) که امروز خیلی مروج و قابل استفاده میباشد به آسانی مشتری بانک را قادر میسازد تا از طریق موبایل و یا کامپیوتر خویش با رمز ورودش داخل حسابات بانکی خویش گردیده تمامی فرمایشات پولی و مالی اش را انجام دهد. ازین طریق شخص میتواند بدیهی هایش را از بابت صرفیه های برق، تلفون، انترنیت، گاز، آب، مالیات و غیره را بپردازد و هم میتواند پول را بحسابات دیگر اشخاص انتقال نماید و همچنین تغییراتی را در معلومات حسابش وارد نماید. امروز با استفاده ازین سامانه ها که از طرف بانکها راه اندازی میشود مشتریان بانکها میتوانند برعلاوه معاملات پولی، معاملات ارزی و مالی را نیز انجام دهند. درین حالت مشتری بانک درحقیقت یک دستگاه خود پرداز صرافی بانک را دراختیار دارد که به جز از دریافت وجه نقد دیگر تمامی عملیات بانکی را از طریق موبایل یا کامپیوترش بااستفاده ازین سامانه یا اپلیکشن درخانه، محل کار، داخل موتر و همه جا به آسانی و در اسرع وقت انجام میدهد.

فصل دوم

تاریخچه پول در افغانستان

پیش نویس

به استناد قدیمی ترین سکه های فلزی بدست آمده در جغرافیای که امروز بنام افغانستان مسمی است، تاریخچه پول فلزی درین دیار تقریباً به دو هزار و ششصد سال قبل از امروز یعنی (۶۰۰ سال قبل از میلاد) تعلق میگیرد. این بدین معنی است که در این سر زمین هزاران سال قبل اقتصاد پولی به گونه ای حاکم و مروج بوده و درین دیار مسکوکات فلزی ضرب زده میشده است (یکی از این سکه های تاریخی در لوگو یا آرم بانک مرکزی کشور، دافغانستان بانک بکار گرفته شده و در بانکونها و مسکوکات در جریان امروزی نقش یافته است که این کلیشه سابقه ۲۲۰۰ ساله دارد).

جغرافیای افغانستان امروزی طی تاریخ طولانی خویش بنام های مختلفی مسمی بوده و این جغرافیا در ادوار مختلفه تغییرات عجیبی را بخود دیده است، این سرزمین زمانی بنام آریانا، خراسان و بالاخره افغانستان با محدوده های جغرافیایی گوناگون یادگردیده است. واژه آریا (سانسگریت) نام نیاکان مشترک اقوام مهاجر (مردمان شمال هند امروزی) در واژه نامه ها به معنی شریف، اصیل و آزاده معرفی شده و اکثر مورخین، جامعه شناسان و پژوهشگران بر این امر معتقد اند که هشت هزار سال قبل آریائیان در جنوب سایبریا و در اطراف بحیره اورال (بحیره خزر) می زیستند که با مهاجرت به سوی جنوب، بخشی به افغانستان و ایران امروزی، بخشی به هندوستان، بخشی به کوه های قفقاز و بخشی هم به سمت اروپا حرکت کردند.

باکتری یا باختر مرکز و آغازگر زبان اوستایی و دین زرتشتی بوده و اجماع رای مستشرقین بر این امر استوار است که زادگاه زردتشت، باختر (بخدی) یا بلخ امروزی میباشد مشهور ترین اثر مکتوب از آنزمان در پهلوی سایر کشفیات و استخراجات باستان شناسان کتاب اوستا میباشد، (اوستا کتابیست بسیار قدیم که بواسطه زردتشت یا زراتشرای بلخی بوجود آمده است، گرچه تعیین قدامت این کتاب باستانی مشکل است، با وجود آن هم تخمین زده شده که اقلأ در حدود یکهزار سال قبل از میلاد مسیح یعنی سه هزارسال پیش از امروز از نگارش این کتاب که از پوست گاو استفاده گردیده است میگذرد).

کتاب اوستا از جم (جمشید) و یشتاسب (گشتاسب) و کاوی و غیره نام می برد. و این همان نام های است که بعد ها اسطوره ها و روایات مورخین و شهنامه ها به عنوان پیشدادیان، کیانی، اسبه ها از یک سلسله پادشاهان قدیم بلخ و باختر افغانستان یاد کرده

است. روی هم رفته جامعه اوستا دارای یک تمدن بسیط زراعتی بود، چون در اوستا از فلز نام برده شده، در حالیکه هنوز با آهن آشنا نشده بودند، می توان گفت که جامعه آنروز افغانستان از لحاظ دوره های تاریخی در دوره سنگ جدید و فلزات قرار داشت.

بانو ژاله آموزگار در کتاب تاریخ اساطیری ایران از عصر یما پادشاه یا جمشید به عنوان دوران تابندگی و درخشش زندگی آریاییان یاد مینماید، جمشید یا یما پادشاه بر علاوه اینکه فنون زراعت را به رعیتش آموخت، اعیاد نوروز و مهرگان (دو تعادل طبیعت که در اول و وسط هر سال خورشیدی یعنی اول حمل یا فروردین و اول میزان یا مهر رخ میدهد) را زیرکانه و مشتاقانه جشن گرفت در دوره درخشانش فنون دیگری چون خشت زنی، سفالگری، ریسندگی و بافندگی و ساختن عمارات بویژه ایوانها، حمام ها شهرها در سطوح ابتدایی آن مروج گشت.

زردشت از قدیمی ترین کسانی است که درین سرزمین ریفرم اساسی و عمیقی را بر مبنای اقتصادی بنا نهاد، دیانت زردشتی بر مبنی توحید و یکتا پرستی قرار داشت. زردشت از خدایان سابقه که آریاییان به آن عقیده داشتند صرف نظر کرد نامبرده از بهشت، دوزخ، برزخ، صراط، میزان و حساب سخن میزد. همچنان او بر ضد کشتار انسان ها، دروغگویی، رهنزی، چور و چپاول قاطعانه شعار میداد و مردم را به شهر نیشنی، زراعت مالداری، فلاح و رستگاری تشویق می کرد.

عالی ترین اوامر زردشت در اوستا در این کلمات مشهور خلاصه شده (پند ارنیک، گفتار نیک، کردار نیک). روی هم رفته می توان گفت دیانت زردشتی تنها در معنویات خلاصه نمیشد، بلکه یک دیانت اقتصادی هم بود و این کیفیت چند بعدی دین زردشت ارزش اجتماعی به آن میداد .

مهمترین ماخذ تاریخ قدیم این دیار کتاب اوستا است، "اوستا از نظر جغرافیایی این سرزمین را با ولایات دور و پیش کوه های هندوکش در شانزده قطعه زمین می شناسد که عبارت اند از بلخ (بخدی)، بدخشان (راغا)، مرو (مورو)، هرات (هریوا)، حوزه هلمند (هراویتی)، ارغنداب (هیتومنت)، حوزه سند (هپته هندو) و سفدیان (ماوراء النهر) و غیره، اوستا مردم این سرزمین را (آریا) می نامید و کشور آن ها را خاک آریا می خواند"^۱

^۱ صفحه ۳۷ کتاب میرغلام محمد غبار- افغانستان در مسیر تاریخ

با این پیش نویس فشرده تاریخی در میابیم که تمدن های قدیم و مقتدری درین سرزمین حاکم بوده و از آنجائیکه هیچ نظام حکومتی بدون منابع مالی و یک نظام مالی منظم نمیتواند با اهدافش نایل آید مبرهن است که سرزمین که امروز بنام افغانستان یاد میشود از زمانه های خیلی دور از موجودیت نظام مالی و اقتصادی و سیستم مالیه برخوردار بوده است و اینکه این سرزمین در معبر و بزرگراه شرق و غرب (آسیا و اروپا) و شمال و جنوب آسیا قرار داشته موقعیت جیواکونومیکی آن باعث شده تجارت و ترانزیت و تبادل کالا در آن رونق داشته باشد. کشفیات نشان میدهد که حداقل شش سده پیش از میلاد مسیح مسکوکات فلزی درین سرزمین در گردش بوده و مردم از یک نوع اقتصاد پولی استفاده مینمودند. هرگاه به تاریخ ظهور پول در اجتماعات بشری نظر اندازیم در میابیم که انسان های اولیه که دسته جمعی بشکل اقتصاد معیشتی می زیستند، نیازی به تعویض کالا نداشتند چون یکجا کار و تولید میکردند و یکجا مصرف مینمودند، با انکشاف تولید و بعد از به وجود آمدن طوایف و قبایل مبادله ای کالا به کالا رواج یافت و بعد پول کالایی و مسکوکات " در بیشتر کشورهای شرقی و آسیایی، فلزی که در مبادله ای کالا از آن استفاده می شد، حلقه ای شکل بود که در سه هزار سال پیش از میلاد از آن استفاده می کردند که می توان آن را قدیمی ترین وسیله ای مبادله، پیش از اختراع سکه، دانست."^۱

در علم باستان شناسی برای تشخیص و تثبیت هویت دوره های تاریخی، حکومتات، نحوه حکومتداری، وضعیت اقتصادی، میزان رشد و انکشاف جامعه و در کل نحوه زندگی و سطح رفاه جامعه کشف و شناخت مسکوکات که به عنوان پول مروج بوده از اهمیت بسزای برخوردار است چون سکه شناسی یکی از مهمترین شاخه های علم باستان شناسی به شمار می آید. تصاویر و عبارات موجود بر روی سکه ها حاوی و معرف بسیاری از ویژگی های مرتبط با مذهب، هنر، قومیت و ساختار سیاسی و اقتصادی جامعه و حکومت های اند که اقدام به ضرب این سکه های خویش نمودند. درین فصل کتاب سلسله معرفی مسکوکات درچلند این حوزه جغرافیایی را که افغانستان امروزه شامل آن است و از دو هزار و ششصد سال قبل آغاز و تا امروز ادامه دارد درسه دوره ادامه میدهیم.

^۱ رساله دافغانستان بانک سیرسکه و بانکوت درافغانستان - کابل چاپ اسد ۱۳۹۳ هجری خورشیدی

۱. پول دردوره های قبل از اسلام در افغانستان

۱.۱ دوره هخامنشی ها (۵۵۰-۳۳۰ پیش از میلاد)

در قرن ششم پیش از میلاد سلسله هخامنشی ها در آریانا حکومت داشتند و نمونه های مسکوکاتی که در آن دوره ضرب زده میشد در اثر کشفیات باستان شناسی و قسمأ بدست آمده است. به ملاحظه کتاب سکه شناسی شاهان هخامنشی نوشته یوسف افتخاری درین دوره پول های در چلند نام های گوناگونی داشتند "دریک" واحد پولی بود که فقط برای سکه های طلای هخامنشی بکار گرفته میشد همینطور واحد پولی "شکل" برای سکه های نقره که هرشکل برابر دو "کرشه" یعنی کرشه واحد پولی معادل نصف سکه نقره ی شکل میشد. "تالان" واحد طلای شمش هخامنشی بود که هر تالان برابر ۳۰۰ در یک هخامنشی محاسبه میگردد و هر تالان برابر ۵۰ "مین" میشد یعنی اجزای واحد پولی تالان عبارت از مین بود برابر یک پنجاهم آن.

درین دوره سکه واحد پولی "استاتر" مختص برای ساتراپی (والی) های هخامنشی یعنی فرمانداران منطقه ی ضرب زده میشد که این واحد پولی سکه های طلا و نقره دوره اسکندر هم بود.





سکه استاتر واحد پولی در اخما مربوط دوره ایکراتیدیس شاه یونانی باختر زمین (بلخ امروزی) در قرن چهارم پیش از میلاد اسکندر مقدونی و پس از اسکندر، شاهان یونانی درین سرزمین اساس دولت باختری را نهادند که ۴۰۰ سال طول کشید نمونه پول های آن زمان عبارت بود از سکه های طلا و نقره "استاتر"، واحد پولی "دراخما" که درهم نیز از همین کلمه برگرفته شده، "ابول" که واحد پولی بود برابر یک ششم دراخما و بیشتر برای سکه های نقره ی استفاده میگردد^۱ همچنین مسکوکات مکشوفه از خزانه قندوز (قلعه زال) نمونه های مسکوکات (گریکو) رابدست داد^۱

زمانیکه اسکندر مقدونی سلسله هخامنشی ها را در پارس زمین (قسمتی از ایران امروزه) سرنگون مینماید، متوجه باختریان شده و در سال ۳۳۰ پیش از میلاد به این سر زمین لشکر کشی مینماید با وجود اینکه حکومت مرکزی قبلاً در باختریان از بین رفته بود و مردم زیر فرمان حاکمان قبایل بودند، ولی اسکندر به مقاومت شدید مردم هریوا در مدخل یا دروازه غربی ورودی سپاه اسکندر و باختر زمین مواجه میشود همچنان اوراق تاریخ گویاست که سرزمین باختری بعد از مرگ اسکندر مقدونی، جزء قلمرو سلوکیان درآمد (دوره امپراتوری سلوکی نام پادشاهان یونانی بود که در میان سال های ۳۱۲ تا ۶۴ پیش از میلاد به مدت ۲۴۸ سال بر آسیای غربی فرمان می رانند). پس از مرگ اسکندر مقدونی سرزمین های او

^۱ صفحه ۴۸ کتاب افغانستان در مسیر تاریخ نوشته میرغلام محمد غبار



میان سردارانش تقسیم شدند. سلوکیان جانشینان سلوکوس یکم بودند که در ۳۰۶ پیش از میلادی به قدرت رسید. در همان زمان زبان مردم باختر از تأثیرات نفوذی یونانیان نیز متأثر گردیده و از قرن سوم پیش از میلاد، رسم الخط یونانی با زبان پراکریت و رسم الخط خروشتی یکجا بکار می‌رفت و مورد استفاده قرار می‌گرفت. همچنان خط پارسی که انکشاف یافته خط آرامی است در عهد سلسله کوشانی‌ها و نفوذ ساسانی (۲۲۴ الی ۶۵۱ میلادی) ها در بخش‌های از باختر مرسوم گردید (امتزاج فرهنگی شرق و غرب). سکه‌های شمالی (باختری) "سکه ی یک درهمی ۴.۴ گرم و هر ساه سکه ی سه درهمی ۱۷.۵ گرم وزن داشت" که این درهم آمیخته گی فرهنگی شرق و غرب را بوضاحت در نقش آرام بانک مرکزی افغانستان میتوان مشاهده نمود.

۳.۱ دوره کوشانی‌ها (از سال ۴۰ تا ۲۲۰ میلادی)

کوشانی‌ها با تشکیل دولت مستقل، تمدن جدیدی را در تاریخ باختر زمین رقم زدند، نامورترین و مقتدرترین پادشاه این دوره کنشکا کوشانی بود که در سال ۱۲۰ میلادی پایتختش را از باختر به بگرام و کاپیسا انتقال داد و یکی از قوی‌ترین حکومت‌های محلی کوشانی‌ها، دولت کابلستان بود که سیطره قدرتش از کاپیسا در جنوب هندوکش تا سواحل سند را در بر می‌گرفت. "مسکوکات مکشوفه از (میرزکه گردیز) و (خزانه تپه مرنجان کابل) و زیورهای عاجی مکشوفه از (بگرام و معبد در قول نادر کاپیسا) و همچنین آثار مکشوفه از معابد (شترک و شمشیر غار) با مجسمه‌های بودائی و معابد و مسکوکات همه در افغانستان مربوط به قرن‌های اولیه مسیحی و متعلق به دوره کوشانی کشور است"^۱.

^۱ منبع انترنیت

^۲ صفحه ۵۱ کتاب افغانستان در مسیر تاریخ نوشته میرغلام محمد غبار

سکه "دریک" از "هرمز" یکم یکی از شاهان کوشانی



۴.۱ دوره ساسانی (۲۲۴ تا ۶۵۱ میلادی)

درین دوره واحد پولی "دینار" تنها واحد پولی برای سکه های طلای ساسانیان بود که هر دینار برابر ۲۰ واحد پولی "درم" محاسبه میشد. درم واحد پولی مختص سکه های نقره دوره ساسانیان بوده که امروز از نام این واحد پولی باستانی کشور ارمنستان بحیث واحد پولی اش استفاده مینماید. همینطور "دانگ" نام دیگری از واحدهای پولی سکه های نقره ساسانی بشمار میرود که یک ششم درم وزن داشتند و واحد دیگری بنام "پشیز" واحد پولی سکه های مسی این سلسله ساسانیان است که کم ارزش ترین پول دوره شان میباشد و تا امروز در بین مردم کلمه پیشیز به معنی کم ارزش استفاده میگردد مثلاً میگویند "کدام چیز یا فلان کس به پیشیزی نمی ارزد."



سکه ساسانی مربوط هرمز دوم شاه ساسانی



۲. پول بعد از ورود اسلام در افغانستان

دوره زمامداری حکومت اسلامی درین جغرافیا (قرن هفتم تا نهم میلادی) را در بر میگیرد در زمان ظهور دین اسلام، حاکمیت نظام پولی دو فلزی جریان داشت هرچند داد و ستد بارترا یا پایپای و همینطور داد و ستد با وزن طلا و نقره نیز در آن زمان رواج داشته در آن زمان مردم حجاز (کشور عربستان امروزی) بیشتر از "دینار رومی"، "درهم ساسانی"، "سکه های یمنی" و "پول های حبشه" بدلیل روابط تجارتي که به این سرزمین ها داشتند در مراودات شان استفاده مینمودند و تا کنون کدام سکه که در حجاز آن زمان ضرب شده باشد بملاحظه نرسیده است. اعراب با وزن نمودن سکه ها مراودات تجارتي شانرا انجام میدادند و مثقال، قیراط و جو نورم های شناخته شده آنوقت بود ولی دو پول مشهور شان دینار (پول طلايي) و درهم (پول نقره يي) به عنوان دو واحد وزنی نیز شمرده میشدند که دینار را چون از طلای ناب ضرب زده میشد بنام "عین" و درهم را که از نقره درست میشد بنام "ورق" نیز یاد مینمودند همانطوریکه گفته شد دینار و درهم جدای از اینکه در مورد سکه های طلا و نقره به کار می رفتند، دو واحد وزنی نیز شمرده می شدند. به روایت کتاب افغانستان در پنج قرن اخیر نوشته میر محمد صدیق فرهنگ، خطه که از سده نهم میلادی به بعد بنام افغانستان مسمی گردید شامل قلمرو آریانا و در دوره اسلامی تا اواخر قرن ۱۹ بنام خراسان (محل طلوع آفتاب) یاد میگردد. در آغاز حمله اعراب به سرزمینهای

که امروز بنام ایران و افغانستان شناخته میشود واحد پولی نقره ی "درهم" در آن سرزمین رواج داده شد و همینطور "فلوس" واحد پولی سکه های مسی درین دوران درچلند گردید. آغاز ورود اسلام درین سرزمین درسال (۶۴۲ میلادی مطابق سال ۲۱ هجری خورشیدی) اتفاق افتاد. در دوره امویان که از سال ۶۶۲ میلادی مطابق سال ۴۱ هجری خورشیدی شروع میگردد مسکوکات گوناگونی ضرب زده شد^۱ در دوره اموی بجای سکه بازنتینی (باعلامت صلیب) و سکه ایرانی (باعلامت آتشکده) مسکوکات فلزی ضرب زده شد. مسکوکات اسلامی عبارت از دینار طلایی، درهم نقره ای و فلس مفرغی بود. درهم و دینار در شهر های بزرگ فلس در شهرهای محلی مضروب میشد. دینار تقریباً نود و ششم یک پوند امروزه وزن داشت، وزن درهم کمتر ازین بود و با یک بیستم دینار ارزیابی میشد^۱ در مورد ارزش برابری این مسکوکات آقای غبار در صفحه (۶۴) اثرش بنام افغانستان درمسیر تاریخ مینگارد که " در افغانستان قرن دهم دینار طلا یک مثقال و مساوی بیست درهم نقره بود، و سه و نیم دینار افغانستان برابر سه دینار مغربی (مصری) ارزش داشت" بعد ها تنگه نقره ای جای درم را گرفت طوریکه یک درم معادل نیم مثقال یا ۴۸ حبه محاسبه میشد. " در قرن ۱۴ تنگه هندی مساوی ۱۶ پیسه فلزی و تنگه افغانستان درین دوره (فلس) از مس ساخته میشد و مثل پول امروزی بحیث واحد های کوچک ارزش پولی استفاده میشد درهم نقره بوزن شش دانگ که هردانگ مساوی دونیم قیراط و هر قیراط برابر چهار دانه میشد. مساوی ۲۰ پیسه مسی بود. سه تنگه هم یک روپیه نقره و ۲۰ روپیه یک مثقال طلا میشد^۲"

۱.۲ دوره غزنویان (۹۶۲ الی ۱۱۴۸ میلادی)

در عهد غزنویان (قرن ۱۰ تا ۱۲ میلادی) نیز مردم برای تبادل کالا و خدمات شان از واحد پولی درهم استفاده مینمودند و همینطور دولت برای اخذ مالیاتش از مردم پول درهم را مطالبه مینمود. "محمودی" واحد پولی بود، که در دوران سلسله غزنویان بکار برده میشد همینطور واحد پول طلایی دوره غزنویان بنام "یمینی" یاد میشد که در عصر سلطان محمود غزنوی در چلند بود.

^۱ و ^۲ صفحه ۶۴ کتاب افغانستان درمسیر تاریخ میرغلام محمد غبار

این سرزمین در زمان هجوم مغول و صاعقه چنگیزخان (قرن ۱۳ میلادی) ضربات و خسارات زیادی را تحمل نموده است و در قسمت تهیه خراج حکومت مغول تاریخ نویس مشهور کشور میرغلام محمد غبار در صفحه ۲۳۲ اثر مشهورش افغانستان در مسیر تاریخ در این باب مینویسد "امیر ارغون حاکم افغانستان هم یکعده امرا و کاتبان را گماشت تا مردم را شمارکنند و از هر ده نفر رعیت هفتاد دینار رکنی سالانه مالیات بستانند"



۲.۲ دوره سلجوقی ها (۱۰۳۸ الی ۱۱۵۳ میلادی)

دینار طلا و درهم نقره مشهور ترین پول های این دوران میباشد.



۳.۲ دوره غوری ها (۱۱۴۸ الی ۱۲۱۴ میلادی)

سرزمین غور از لحاظ داشتن انواع معادن فلزات نجیبه یکی از غنی ترین نقاط این سرزمین محسوب می شد و غوری ها در ضرب مسکوکات نیز از طلا و نقره استخراج شده این معادن کار می گرفتند، و احتیاجی به وارد کردن این فلزات از سایر قلمرو ها نداشتند.

ضرب سکه عموماً با نوشته های عربی صورت میگرفت و در میان آنها اولین سکه دینار از نظر قدامت تاریخی اش بنام (سام ابن حسین ۱۱۴۸ الی ۱۱۴۹ میلادی) بوده و سکه مذکور از طلا ساخته شده و با کلمات و جملات ذیل ضرب شده است: (سلطان الاعظم بهاء الدنيا والدین... سام ابن حسن). نمونه این سکه تاریخی در شکل زیر بخوبی به مشاهده میرسد.



۴.۲ دوره تیموریان (۱۳۶۹ تا ۱۵۱۴ میلادی)

"تنگه" واحد پولی سکه های مسی بود، که در دوران سلسله تیموریان استفاده میشد که تا امروز در بین مردم از تنگه یاد میشود مثلاً به کسی که بدهکاری هایش زیاد باشد میگویند "صد تنگه قرضدار" یا گفته میشود فلانی تنگه ی در بساط خود ندارد.

۵.۲ دونیم قرن دوره تجزیه

دوره تجزیه که از (اوایل قرن ۱۶ الی نیمه قرن ۱۸ میلادی) را دربر میگیرد جغرافیای که امروز بنام افغانستان در نقشه جهان ثبت است برای مدت تقریباً دو صد و پنجاه سال دوره تعطیلی و انحطاطش را پیمود و تا سرحد خطر انحلال به پیش رفت این تجزیه سه جانبه توسط دول اشغالگر (دولت باری هند، ایران و دولت ازبکی) صورت گرفته بود که در هر قلمرو پول های مختلف در جریان تبادل حضور داشتند در رابطه به این دوره میرغلام محمد غبار در صفحه ۳۰۶ کتاب افغانستان در مسیر تاریخ از واحد پولی "دام" در صوبه بدخشان، واحد پولی "تومان" در صوبه کندهار و واحد پولی "روپیه" در صوبه کابل نام میرد طوریکه یک تومان معادل ۱۸ دینار و همینطور ۸۰۰ دام محاسبه میشد.

درین دوره تعطیل و انحطاط وضع مالیات ها در ساحات تحت اداره دولت هند باری(صوبه کابل، صوبه کندهار، صوبه بدخشان و برای مدتی صوبه بلخ) به دام محاسبه میشد که (۲۵ جیتل مساوی به یک دام بود یک دام بحساب امروزی هند مساوی پنج پائی و باین صورت پنج دام دو آنه میشود).

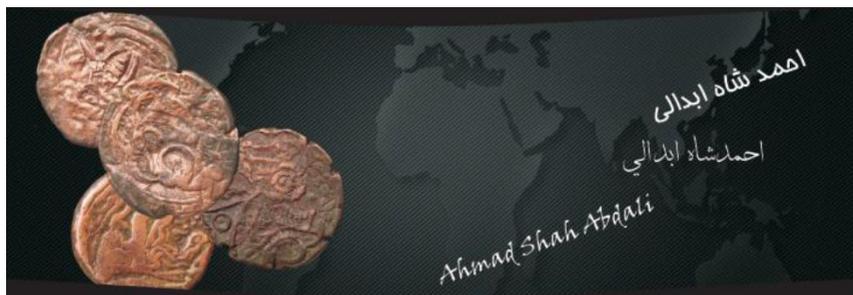
۶.۲ دوره هوتکی ها (۱۷۰۹ تا ۱۷۳۸ میلادی)

در زمان هوتکیان سکه نقره ی "ده شاهی" دوره زمامداری شاه محمود هوتکی (۱۷۱۷ تا ۱۷۲۵ میلادی) و درهم مورد تبادل قرار میگرفت .

۷.۲ دوره حکومت ابدالی (۱۷۴۷ الی ۱۷۷۳ میلادی)

درین زمان میتوان از سکه نقره ی "روپیه قندهاری" در مسکوکات احمدشاه ابدالی (۱۷۷۳-۱۷۲۲ میلادی) که در سال ۱۷۴۷ میلادی به قدرت رسید با علامت رسمی بیشتر به اشکال شمشیر و ستاره و خوشه گندم نام برد، این سکه نقره ی به وزن دو مثقال و چند نخود، به ارزش پنجاه فلوس مسی، رایج بود. باعتبار اسناد تاریخی سکه های طلا و نقره احمدشاه ابدالی با این بیت آذین یافته بود:

حکم شد از قادر بیچون به احمد پادشاه
سکه زن بر سیم و زر از پشت ماهی تا بماه



۸.۲ دوره عبدالرحمن (۱۸۸۰ الی ۱۹۰۱ میلادی)

"قبل از دوره عبدالرحمن خان در سه نقطه افغانستان یعنی کابل، قندهار و هرات پول ضرب زده میشد و هر یک ازین پولها اجزا و اضعاف جداگانه ی داشتند. امیر ضرب سکه را

به پایتخت محدود ساخته اجزای آنرا به پیسه شاهی و عباسی تثبیت نمود. نرخ تبادل با اسعار خارجی در اکثر دوره پادشاهی او عبارت بود از یک روپیه کابلی معادل دوشلینگ انگلیسی^۱



۹.۲ دوره امیر حبیب الله (۱۹۰۱ الی ۱۹۱۹ میلادی)

در دوره امیر حبیب الله خان که مقارن جنگ اول جهانی (۱۹۱۴-۱۹۱۸ میلادی) میباشد نیز "روپیه" منحصیث واحد پول رسمی در پهلوی "عباسی" و "قران" در چلند بوده است که این کار بعد از کشته شدن امیر همینطور در زمان پسرش امان الله ادامه داشت .



^۱ صفحه ۲۸۸ افغانستان در پنج قرن اخیر میرمحمد صدیق فرهنگ چاپ امریکن سپیدی،هرندن، ویرجینیا، ایالات متحده امریکا تاریخ چاپ دوم ۱۹۸۸ برابر ۱۳۶۷ خورشیدی

۳. پول در افغانستان صد سال اخیر

۱.۳ دوره امان الله خان (۱۹۱۹ الی ۱۹۲۹ میلادی)

در زمره اصلاحات امان الله خان "افزایش تنخواه افراد اردو به میزان پنج روپيه در ماه" ^۱ بود به استناد صفحه ۳۵۷ کتاب افغانستان در پنج قرن اخیر، امان الله خان در خطابه خود در لوی جرگه (۶ سنبله ۱۳۰۷ هجری خورشیدی) از جمع آوری یک اعانه عمومی بر اساس پنج روپيه از هر نفر و یک ماه معاش از هر مامور به مقصد خریداری اسلحه از خارج پیشنهاد مینماید.

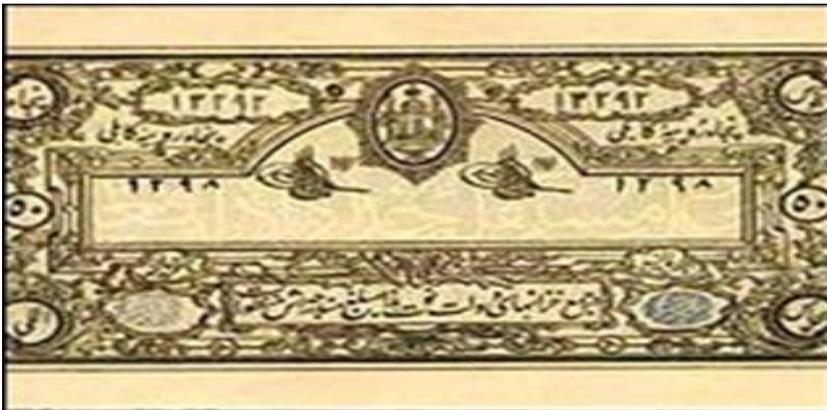
درین دوره مسکوکات بر اساس اعشاریه محاسبه گردید و پول کاغذی در اخیر دوره امان الله در سال (۱۲۹۸ هجری خورشیدی مطابق ۱۹۱۹ میلادی) بنام "روپيه کابلی" بچاپ رسید که در سمت راست این پول نماد حکومت افغانستان محراب و منبر در وسط نشان حکومت امانی و در سمت چپ عبارت "یک روپيه کابلی" که به زبان فارسی نوشته شده است به چشم میخورد در پائین این پول کاغذی نوشته شده بود: " در جمع خزانه های دولت نوت هذا به مبلغ مندرجش منظور است " یکسال بعد در چاپ بعدی در رنگ و شماره سریال این پولهای کاغذی تغییر بوجود آمد.



^۱ صفحه ۳۳۲ افغانستان در پنج قرن اخیر- میرمحمد صدیق فرهنگ



در سال ۱۳۰۴ هجری خورشیدی (۱۹۲۵ میلادی) امان الله خان نام واحد پولی افغانستان را در پولهای کاغذی از روپیه کابلی به "افغانی" تغییر نام داد و اولین پول افغانی به ارزش پنج افغانی (به شکل پول کاغذی) نشر گردید. تا سال ۱۳۰۷ هجری خورشیدی مطابق ۱۹۲۸ میلادی که اخیر عمر دولت امانی بود ۵ نوع نوت کاغذی ۵ افغانیگی سه نوع ۱۰ و دو نوع ۵۰ منتشر شد و سه زبان فارسی پشتو و فرانسوی در آنها دیده میشود در بعضی از نوت ها ارزش آن بزبان های ازبکی و اردو هم نوشته شده بود.







"در سال ۱۲۹۹ مطابق (۱۹۲۰ میلادی) نظامنامه مالیه زمین تصویب گردید، اهمیت این نظامنامه درین بود که احکام آن شامل اکثریت مردم میگردید در نظامنامه تغییر مالیات زمین از شکل طبیعی و جنسی به شکل پولی و نقدی در نظر گرفته شده بود" این امر یک انکشاف را در اقتصاد پولی کشور میرساند.

^۱ صفحه ۱۲ کتاب افغانستان در سال های بیست و سی قرن بیستم به قلم داکتر ویکتور گریگوریویچ کارگون عضو انستیتوت خاورشناسی اکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی وقت /برگردان پوهاند داکتر جلال الدین صدیقی کابل ۱۳۶۵

۲.۳ دوره حبیب الله کلکانی (جنوری تا اکتوبر ۱۹۲۹ میلادی)

امیر حبیب الله کلکانی در دوره اش ۱۳۰۷ هجری خورشیدی مطابق ۱۹۲۸ میلادی به ضرب سکه جدید متوسل شد.^۱ در دوره حبیب الله کلکانی بانکوتهای تازه چاپ نشد ولی تعدادی از بانکوتهای دوره شاه امان الله با مهر حبیب الله کلکانی در جریان مبادله قرار گرفت^۱ درین دوره در سکه های فلزی، فلزات قیمتی بدلیل کاهش در استخراج معادن که باثر جنگها بمیان آمده بود کمتر بکار رفت بناً این سکه ها قیمت واقعی نداشت و فقط به اساس ارزش اسمی تبادلوی آن مورد معامله قرار میگرفتند در دوره زمامداری امیر حبیب الله کلکانی برخی از اطرافیان امیر تعویض سکه های نقره ی و نیکی را با چرمی پیشنهاد نمودند. طوریکه گفته شد درین زمان در ابتدا پول های کاغذی دوره امانی با مهر دولت جدید بدوران افتاد و بعد پول کاغذی جدید نشر گردید.



۱ بانکوت و سکه سایت رسمی دافغانستان بانک

۳.۲ دوره محمد نادر (۱۹۲۹ الی ۱۹۳۳ میلادی)

محمد نادر شاه در سال ۱۳۰۸ هجری شمسی مطابق ۱۹۲۹ میلادی به قدرت رسید "در دوره پادشاهی نادر خان گردش بانکوت ها متوقف شد و مسکوکات طلا و نقره و سایر فلزات گرانبها مثل گذشته در داد و ستد معمول شد. در دوره توقف نشر بانکوت ها، ماشین های جدید گراف و چاپ بانکوت ها وارد گردید، ولی تا زمان پادشاهی محمد ظاهر خان بانکوت های افغانی نشر نشد." ۱



۴.۳ دوره محمد ظاهر شاه (۱۹۳۳ الی ۱۹۷۳ میلادی)

در سال ۱۳۱۲ هجری خورشیدی (۱۹۳۳) محمد ظاهر به قدرت رسید و تا این دوره نام رویه هنوز درکنار پول کاغذی افغانی در مسکوکات فلزی بکارمیرفت و مروج بود. اولین پولهای کاغذی ۲، ۵، ۱۰، ۲۰، ۵۰ و ۱۰۰ و عنوان آن از "دولت علیه" به "دولت شاهی" تغییر کرد و با تاسیس د افغانستان بانک در سال ۱۳۱۸ هجری خورشیدی (۱۹۳۹ میلادی) بحیث بانک مرکزی افغانستان که با سرمایه دولت تاسیس گردید (سرمایه دولت از بانک ملی به بانک جدید انتقال شد) در دوره محمد ظاهر شاه پول ها هم از فلزی و کاغذی با حذف زبان فارسی نشر گردید. درین دوره بانکوتهای ۵۰۰ و ۱۰۰۰ افغانیگی نیز چاپ و به جریان

انداخته‌شد.



۵.۳ دوره محمد داود (۱۹۷۳ الی ۱۹۷۸ میلادی)

در دوره داود خان (۱۳۵۲- ۱۳۵۷ هجری خورشیدی) عکس و نشان دولتی (دوره ظاهرشاه) در پولها تعویض گردید و بانکوتها از ۱۰ الی ۱۰۰۰ افغانیگی چاپ و مسکوکات از ۲۵ پول (صدپول برابر به یک افغانی) ۵۰ پول، یک افغانیگی، دو افغانیگی و پنج افغانیگی ضرب گردید.



دوره حاکمیت جمهوری دموکراتیک خلق (۷ ثور ۱۳۵۷ - ۸ ثور ۱۳۷۱ خورشیدی)

۶.۳ دوره نورمحمدتره کی (۷ ثور ۱۳۵۷ الی ۲۵ سنبله ۱۳۵۸ هجری خورشیدی)

در هفتم ثور سال ۱۳۵۷ هجری خورشیدی (۱۹۷۸ میلادی) با تصاحب قدرت سیاسی توسط حزب دموکراتیک خلق و رویکار آمدن دولت جمهوری دموکراتیک دوره زمامداری نورمحمد تره کی رهبر حزب بر سر اقتدار آغاز گردید. درین دوره تا مدتی بانکوتهای زمان

جمهوریت محمد داود خان در جریان بود بعد مسکوکات و بانکوتهای جدید تدارک دیده شد (مسکوکات ۵۰،۲۵ پولی، ۱، ۲ و ۵ افغانستانی و بانکوتهای ۱۰، ۲۰، ۵۰، ۱۰۰، ۵۰۰ و ۱۰۰۰ افغانستانی) با نورم و طرح جدید فرمایش داده شد و برای اولین بار چهره یا عکس از پولهای افغانستان حذف گردید که تا امروز ادامه دارد و از نشان جدید دولتی در پول ها استفاده شد، بانکوتهای سابقه هنوز هم کماکان در پهلوی بانکوتهای جدید در جریان تبادل کالای و خدمات قرار داشت.

۷.۳ حکومت صد روزه حفیظ الله امین (۲۵ سنبله ۱۳۵۸ الی ۶ جدی ۱۳۵۸ هجری خورشیدی)

درین دوره کوتاه کدام تغییری در ضرب و چاپ پول بمیان نیامد و همان پولهای دوره نورمحمد ترکی در جریان قرار داشت.

۸.۳ دوره ببرک کارمل (۶ جدی ۱۳۵۸ مطابق به ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ الی مطابق ۲۴ نوامبر ۱۹۸۶)

ببرک کارمل در دوره زمامداری اش کدام تغییری در انواع پول ایجاد نکرد ولی تغییر بسیار مهمی که در پول بمیان آورد حذف نشان خلق از پولها بود و این برای اولین بار است که نشان دولتی از پول افغانستان دور ساخته میشود و بجای آن آرم یا لوگو مخصوص برای دافغانستان بانک تهیه و در بانکوتها و مسکوکات فلزی بکارگرفته میشود که تا امروز نیز ازین آرم استفاده بعمل میآید. درینجا لازم میدانم در مورد لوگو یا آرم دافغانستان بانک توضیحات مختصری ارائه نمایم.

۱.۸.۳ تهیه آرم مخصوص برای دافغانستان بانک

آرم یا لوگوی که روی بانکوتها و مسکوکات افغانستان نقش بسته است ارتباط میگیرد به سال ۱۳۵۸ خورشیدی یعنی دوره ببرک کارمل سومین زمامدار دوره زمامداری حزب دموکراتیک خلق، درین لوگو سکه مشهور تاریخی این سرزمین بکارگرفته شده است که عبارت از یک سکه نقره ی چهار درهمی میباشد.

محتویات داخل این آرم یا لوگوی دافغانستان بانک (نوشته ها و تصاویر) ذهن همه را بخود جلب مینماید این لوگو بیشتر از چهل سال به این طرف در بانکوتها و مسکوکات در

جریان بکارگرفته میشود و رسم الخط که درین آرام یا لوگو استفاده گردیده سوال برانگیز بوده و همواره با رسم الخط روسی باشتباه گرفته شده است. موضوع محتویات نوشتاری داخل آرام دافغانستان بانک ذهن من را هم همیشه بخود مشغول میساخت و پاسخ قناعت بخشی را نتوانستم طی سالهای متوالی از مسئولین مربوطه بانک مرکزی افغانستان حاصل نمایم .

درماه ثور ۱۳۸۹ هجری خورشیدی (می ۲۰۱۰ میلادی) یک سلسله تحقیقاتی را در زمینه آغاز نمودم و به مطالب جالب و در خور توجه دسترسی پیدا کردم در مورد مندرجات خطی و تصاویر داخل دایره لوگوی بانک مرکزی افغانستان اولین اطلاعاتی را که از سلسله دوستانم دریافت داشتم بدین قرار بود :

شخصی بنام Christos از کشور ناروی که خویشرا یونانی تبار معرفی نموده محتویات داخل دایره آرام یالوگوی دافغانستان بانک را که به قول وی به رسم الخط یونانی نگارش یافته است چنین میخواند.

"به پادشاه بزرگ ایکراتیدیس " شاهی که به قول وی در بین سالهای (۱۴۵-۱۷۰) قبل از میلاد حکمروایی داشته و نیز شرح داده است که سوارکاران داخل دایره سکه مذکور برادران Dioskouri بنام های Kastor و Polydefkis میباشند.

چندی بعد ازین مرحوم امرالدین عسکر زی مدیر عمومی نشر و مراقبت بانکنوتهای دافغانستان بانک نوشته ی را در رابطه به معرفی لوگوی بانک بدین شرح به نشر رساند "که از بین سکه های تاریخی سکه مربوط به دوره یونان باختر(اوکراتیدس اول)مکشوفه قلعه زال نزدیک دریا آمو انتخاب و به همکاری یکتن از هنرمندان ورزیده کمپنی اکسپورتلس شوروی وقت دیزاین گردیده اینکه در گذشته مردم ازشاخ گاو برای نگهداری پول استفاده میکردند شاخ گاودرنقوش اضافه گردیده است و در یک طرف سکه اوکراتیدس اول دو الهه یونانی اسب سوار در حصه فوقانی آن دو الهه سوارکار ذکر گردیده در پایان آن نام شاه اوکراتیدس اول حک شده یا نوشته شده طرف دیگر سکه نیم رخ اوکراتیدس اول دارای کلاه دیده میشود این سکه نقره بوده چهار درهمی میباشد^۱"

معلومات بدست آمده فوق و یک سلسله دریافت های دیگری را که طی زمان تحقیقاتم بآن دسترسی پیدا نموده بودم به همکاری محترم انجینیر احمد تیمور قیومی که بعداً بحیث

^۱ شماره (۳۶) مجله دافغانستان بانک

ریسرچر در دانشگاه فلورانس کشور ایتالیا وظیفه اجرا نموده است سافت لوگوی دافغانستان بانک را بیکی از پروفیسوران تاریخ زبان های اروپایی که استاد برحال پوهنتون (پساو) جرمنی میباشد بنام پروفیسور مانفرد هینز (Manfred Hinz) فرستادم پروفیسور (هینز) هم مطالب را تقریباً تأیید نموده مطلب زیر را که ترجمه کلمات و معرفی تصاویر است ایملی در زمینه ازوی دریافت نمودم:

"به شاه بزرگ Eukratides دو اسب سوار نیزه بدست دو برادر اند باسمى Kastor و Pollux میباشد" چیز در خور توجه، کلاه های مخروطی شکلی است که این دو برادر سوار کارنیزه بدست بر سر دارند و دو ستاره بالای کلاه هایشان نمایانگر اینست که یونانی نیستند اما شاید شرقی و مربوط به آیین میترا (میتراسم آیین خورشید که آریائیان قدیم بآن باور داشتند) باشند، لوگوی مذکور تجسمی از سکه های وابسته به کلیمی های یونان بوده و ایکراتیدیس پادشاه باخترزمین (بلخ امروزی) بعد از الکساندر فاتح کسیکه این قلمرو را تقریباً (۱۸۱) سال قبل از میلاد مسیح اداره میکرد میباشد. پروفیسور هینز در ایملش مینوسد " شما میتوانید شرح این سکه را در کتاب H.H.Wilson بیابید"^۱

سکه که در لوگو است یک سکه نقره یی بوده که توسط ویلسون تولید مجدد شده وی ۱۵۰ سال قبل تحلیل و تجزیه های ازین سکه ها (سکه های مختلفی که در قلمرو حکمروایی ایکراتیدیس درچلند بوده) داشته است محتوای سکه امتزاج تمدنهای شرق و غرب را به خوبی حکایت مینماید .

محتویات نقش شده در این سکه که از سال ۱۳۵۸ در لوگوی جدید بانک مرکزی معرفی گردیده است مخلوطی از نماد های فرهنگی شرقی (باختری) و غربی (یونانی) است چه همانطوریکه گفته شد قبل از ظهور دین بودا، دین زردشت حاکم بر افکار و روان مردم این سرزمین بوده است و نماد دو ستاره که در فوق کلاه دو اسب سوار وجود دارد نمایانگر میترا (میتراسم) که الهه یا رب النوع خورشید بوده است میباشد.

با مراجعه به اسناد تاریخی آشکار میگردد ایکراتیدیس (۱۸۱ پیش از میلاد) بعد از دیمیتریوس تا مناطق جوار دریای کابل را فتح کرده بود، بعضی از سکه های نقره ئی این دوره که در جنوب کوه های نزدیک به کابل در چلند بودند از اروپا از طریق پرشیا (افغانستان

^۱ Ariana Antiqua. A descriptive Account of Antiquities and Coin of Afghanistan –London

و ایران امروزی) و دیگران از کندوز بدست آمده است " عمده ترین نوع مسکوکات دوره ایکراتیدیس سکه های مسی اند که صدها عدد آن از بگرام زمین(افغانستان) کشف شده است"^۱

این سکه که لوگوی دافغانستان بانک را مزین نموده از مشکوفه های بدست آمده در باختر زمین قدیم (بلخ امروزی) افغانستان است و در دوره حکمروایی ایکراتیدیس در افغانستان نیز ضرب زده شده است و قرار معلومات اداره محترم موزیم ملی افغانستان از قلعه زال بدست آمده است. سکه مذکور یک ریشه غنی تاریخی فرهنگی را با خود حمل مینماید و نمایانگر اینست که از زمان های خیلی قدیم (بیش از دو هزار سال قبل) درین سرزمین نظام پولی حاکم بوده و مسکوکاتی منحیث وسیله تبادل در جریان تبادلات کالا و خدمات در چلند بوده است و این میتواند یکی از افتخارات تاریخ اقتصادی این مرز و بوم بشمار آید.

چرا این سکه در لوگوی دافغانستان بانک انتخاب گردید؟

در سال ۱۳۵۷ هجری خورشیدی (۱۹۷۸ میلادی) بعد از ختم نظام جمهوری محمد داود و استقرار نظام جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان، نشان دولتی تعویض گردید و نشان خلق بعوض نشان (عقاب) دوره محمد داود که آنهم به عوض نشان دوره محمد ظاهرشاه تغییر یافته بود در بانکوتها و مسکوکات افغانی با حذف عکس محمد داود از پول ها بکار گرفته شد. این امر موجب شد که دافغانستان بانک بانکوتهای چاپ ۱۳۵۷ را با نشان جدید دولتی فرمایش دهد و به نشر برساند درینصورت بانکوتهای که با نشان های قبلی در ذخیره و در دوران بودند آهسته آهسته از جریان کشیده شده و بحریق سوق داده شوند. همچو عملکرد با تغییر نظام شاهی به جمهوری در دوره محمد داود نیز صورت گرفته بود که بدون شک در هر مرتبه مصارف گزافی را بالای بودجه چاپ، ضرب، نشرپول، انتقالات پول و بالاخره حریق پول تحمیل نموده است.

بعد سقوط حکومت محمد داود همانطوریکه گفته شد دیگر عکس هیچ زمامداری در پول افغانی چاپ نگردید و این روند تا کنون هم ادامه دارد ولی نشان های دولتی با تغییر

^۱ صفحه ۲۳۷ کتاب Ariana Antiqua. A descriptive Account of Antiquities and Coin of Afghanistan—London 1841

زمامداران و حکومت همواره در تغییر بود. برای اینکه پول افغانی از تغییر نشان های دولتی همیشه مصئون و در امان بماند لازم بود برای دافغانستان یک نشان ویژه یا آرام منحصر به فرد جستجو و تهیه گردد تا همیشه در پول افغانی از آن بکار برده شود، بالاخره هیات رهبری بانک مرکزی افغانستان در سال ۱۳۵۸ هجری خورشیدی (۱۹۷۹ میلادی) به منظور جلوگیری از این سلسله تعویض ها در بانکوتها و مسکوکات افغانی دست به اقدام جدیدی زد (استناد به اسناد دافغانستان بانک در دیپارتمنت اسناد و ارتباط) و تصمیم اتخاذ نمود بجای نشان دولتی نشان یا لوگوی را معین نماید که برای همه جریانات سیاسی قابل قبول باشد و با این کار کلیشه مهر بانکوتها و مسکوکات افغانی از تغییر نظام های دولتی برای همیشه در امان بماند. بنأ به جای نشان خلق، آرام جدیدی جستجو و طراحی گردید. در دایره اولی این آرام جدید که از بین سکه های قدیمی این سرزمین یک سکه چهار درهمی دوره یونان باختری انتخاب گردیده است نام دافغانستان بانک با سال تاسیس ۱۳۱۸ هجری خورشیدی (۱۳۳۹ میلادی) در پائین دو شاخ گاه که نماد است از شیوه نگهداری پول قبل از نظام بانکی در کشور در وسط آن نام بانک بزبان انگلیسی و در دایره داخلی یک رخ سکه تاریخی مذکور جابجا گردید. البته این اقدام تاریخی وقتاً به تصویب شورای عالی بانک و همینطور منظوری شورای وزیران وقت رسانیده شده است و از آن تاریخ که کشورما دستخوش تغییرات و تحولات زیادی گردیده است درین مدت مدت (۴۲) سال این لوگو در چاپ های بعدی دوره های ببرک کارمل، دوکتور نجیب، صبغت الله مجددی، استاد برهان الدین ربانی، ملا محمد عمر آخند، دوره های حکومت اضطراری، موقت، دودوره ریاست جمهوری حامد کرزی و دو دوره ریاست جمهوری اشرف غنی احمدزی باستثنای دوره طالبان (در آن دوره از جانب امارت طالبان پول چاپ نگردید) بکار گرفته شده است.

باکمال تأسف در سالهای اخیر چنین تعبیر شده بود که گویا نوشته داخل این سکه که در داخل لوگوی دافغانستان بانک منقوش است با ارزش های فرهنگی و نظام مالی کشور منافات دارد بنأ نوشته داخل سکه (به شاه بزرگ ایگریتدایس) برای مدتی از لوگو حذف گردید در حالیکه با استناد مطالب و مستندات تاریخی که در فوق گفته آمدیم هیچ منافاتی در زمینه بملاحظه نمیرسد چه میراث های فرهنگی هر کشور اگر مطالعه شود بیشتر آنها با باور ها و ارزشهای فرهنگی زندگی موجوده امروزی جامعه شان همسان نیست و باید هم نباشد ولی ملل جهان منحنیث نشانه های از غنامندی تاریخ کهن خویش و هویت تاریخی شان در حفظ آن اهتمام ورزیده حتی ریشه های تاریخی ملت شانرا در آنها افتخارانه جستجو

مینمایند و از نگاه علم باستان شناسی، تاریخ و اجماع نظر جامعه شناسان، آبدۀ ها، آثار و نام های تاریخی مربوط به جغرافیای تاریخی است، ما در جهان امروز هیچ کشوری را نمیتوانم بیابیم که محدوده سیاسی فعلی آن منطبق با جغرافیای تاریخی آن باشد و در زمانی با کهن ترین سکه تاریخی کشور خویش که در همین سرزمین ضرب زده شده، درچلند بوده و حامل فرهنگ دیرینه ملت بزرگ ماست چنین برخورد گردید که نه یونانی ها ادعای مالکیت آنرا داشته و دارند و نه میتوانیم نام و نشان آنرا از تاریخ مکتوب جهان که بنام مردم و سرزمین ما رقم زده شده بزدا کنیم و یا اینکه موزیم های معتبر دنیا را از وجود آن بری بسازیم. مسلم است که حذف یا ایزاد کوچکترین رمز، نشانه و یا نوشته ئی دریک سکه و یا بانکنوت قابل چلند هویت تبادلولی آنرا زیرسوال برده و درحقیقت جعل آنرا معنی میدهد و سکه یا بانکنوت فاقد هویت شده ارزش تبادلولی اش را کاملاً از دست میدهد و همینطور اگر این جفا در مورد یک سکه تاریخی صورت پذیرد طبعاً ارزش کلکسیونی و موزیمی و بالاخره ارزش تاریخی آنرا صدمه رسانده آنرا فاقد هویت تاریخی فرهنگی میسازد و طبق ماده دوم قانون حفظ آثار تاریخی و فرهنگی کشور که در روشنی حکم ماده (نهم) قانون اساسی ما وضع گردیده است: "آثار تاریخی و فرهنگی کشور متعلق به مردم افغانستان بوده و مظهر سهمگیری ایشان در سیر تکامل میراث های فرهنگی عموم بشریت میباشد. حفظ آثار تاریخی و فرهنگی وظیفه دولت و مردم افغانستان است." ماده هفتاد چهارم این قانون مشعر است کسانیکه عمد آبه آثار تاریخی و فرهنگی کشور صدمه میرسانند پیگرد قانونی میگردند.

بخوبی مسلم بود که باحذف نوشته بالا و پائین دو اسب سوار داخل لوگوی دافغانستان بانک دیگر ما تصویر مکملی از یک سکه باستانی وطن عزیز خویش را نداریم که زینت بخش لوگوی بانک باشد، این عمل لوگوی بانک مرکزی افغانستان را در جهان مجهول الهویه ساخته زیرا سکه بکار گرفته شده در آن با نمونه های اصلی اش غیر قابل انطباق است واضح است که این عمل به مثابه یک دست کاری تاریخی فرهنگی تلقی شده بدون شک اعتراضات فرهنگیان، باستان شناسان، مورخان و شاید نهادهای حراست از قانون را در داخل و خارج بلند مینمود و ما برای مردم و نسل های آینده خویش بعلت دست کاری با داشته های تاریخی فرهنگی شان نه تنها که پاسخی نمی داشتیم خدای نخواستۀ با این همه خدمات شبانه روزی که طی چندسال اخیر به نظام مالی کشور و سکتور بانکی و بخصوص در ساحه بانک مرکزی کشور صورت گرفته زیر سوال میرفت.

روی این ملحوظات شخصاً درین مورد با استنادات تاریخی موضوع را با ذکر دلایل موجه به شورای عالی بانک پیشنهادات متعدد نمودم تا بلاخره شورای عالی بانک قانع گردید و خوشبختانه دوباره نوشته داخل لوگو برگردانده شد و به سکه مذکور هویت کامل بخشید و از آن پس در چاپ های بعدی پول در نظر گرفته شد درینجا لازم میدانم از عطف توجه محترم خلیل الله صدیق رئیس وقت شورای عالی و رئیس کل دافغانستان بانک در زمینه اظهار امتنان نمایم.





۹.۳ دوره داکترنجیب الله (از سال ۱۳۶۴ الی ۱۳۷۱ هجری خورشیدی مطابق ۲۱ نوامبر ۱۹۸۶ الی ۱۵ اپریل ۱۹۹۲)

در سال ۱۳۶۴ هجری خورشیدی با رویکار آمدن حکومت داکتر نجیب الله الی ختم دوره اش ۱۳۷۱ هجری خورشیدی در شکل و کلیشه بانکنوتهها و مسکوکات افغانستان بوجود نیامد.



دوره حکومت مجاهدین (۸ ثور ۱۳۷۱ الی ۵ میزان ۱۳۷۵ خورشیدی برابر ۱۹۹۲ الی ۱۹۹۵ میلادی)

۱۰.۳ دوره دو ماهه حضرت صبغت الله مجددی (از ۸ ثور ۱۳۷۱ الی ۸ سرطان ۱۳۷۱ هجری خورشیدی)

در ۸ ثور ۱۳۷۱ با رویکار آمدن حکومت مجاهدین به اساس توافق پشاور دوره دو ماهه حضرت صبغت الله مجددی در کابل آغاز شد و نامبرده بحیث اولین رئیس دولت اسلامی افغانستان زمام امور را بگونه سرپرستی بدست گرفت. درین دوره کوتاه دو ماهه نیز کدام تغییری در شکل، کلیشه و انواعیه مسکوکات و بانکنوتها بمیان نیامد و پول های دوره حکومت قبلی کماکان در چلند قرار داشت.

۱۱.۳ دوره استاد برهان الدین ربانی (۸ سرطان ۱۳۷۱ الی ۵ میزان ۱۳۷۵ هجری

خورشیدی)

در دوره استاد برهان الدین ربانی همین طور تغییری در شکل و کلیشه بانکنوتها و مسکوکات وارد نشد فقط به اثر جنگهای خانمانسوز داخلی برای تمویل کسر بودجه به نشر بی رویه پول بطور بی سابقه اقدام گردید (هرچند این عمل از سال ۱۳۵۸ هجری خورشیدی آغاز گردیده بود ولی درین دوره به اوج خود رسید) درین دوره دو نوع بانکنوتهای جدید ۵۰۰۰ و ۱۰۰۰۰ افغانیگی نیز در پهلوی بانکتوت های قبلی برای اولین بار در تاریخ افغانستان چاپ و در جریان انداخته شد.

هر چند دوره استاد برهان الدین ربانی در کابل با آمدن طالبان و اعلان امارت اسلامی افغانستان به پایان رسید اما چون دولت وی از جانب سازمان ملل متحد برسمیت شناخته شده بود بعمرش در تبعید الی آمدن حکومت حامد کرزی (دوم جدی سال ۱۳۸۰ خورشیدی مطابق ۲۲ دسامبر ۲۰۰۱) ادامه داد بدین معنی که در واقع دولت برهان الدین ربانی در مجموع نه سال و شش ماه ادامه پیدا نمود.



۱۲.۳ دوره امارت اسلامی طالبان به رهبری ملا محمد عمر آخند (۵ میزان ۱۳۷۵ الی

۲۶ سپتامبر ۱۹۹۶ الی ۲۲ دسامبر ۲۰۰۱ میلادی)

این دوره با بانکوتها و مسکوکات دوره قبل سپری گردید هر چند درین دوره مسکوکات فلزی بدلیل کاهش ارزش پول از جریان افتاده بود و بانکوتهای ۱۰ الی ۱۰۰ افغانیگی نیز به تدریج به اساس همین دلیل میدان تبادل را ترک نمودند. درین دوره چهار قسم پول در قلمرو افغانستان در چلند قرار داشت و این عمل قبلاً از اواخر دوره حکومت مجاهدین آغاز گردیده بود این پول ها عبارت بودند از:

اول- بانکوت های که قبلاً در دوره های نظام جمهوری دموکراتیک و حکومت مجاهدین (از سال ۱۳۵۷ الی ۱۳۸۰ هجری خورشیدی) در طی مدت ۲۴ سال چاپ و نشر گردیده بودند. این بانکوت ها هم در قلمرو حکومت امارت اسلامی طالبان و همین طور در ساحاتی که در تصرف حکومت مجاهدین بود (عمدتاً صفحات شمال کشور) در چلند قرار داشتند.

دوم- بانکوتهای که در دوره حکومت طالبان توسط دولت در تبعید استاد برهان الدین ربانی (بعد از سال ۱۳۷۵ هجری خورشیدی) در همان کمپنی قبلی اتحاد جماهیر شوروی وقت چاپ میشدند (عمدتاً بانکوت ۱۰۰۰۰ افغانیگی) که بنام شماره بالا مشهور بودند یعنی سریل خصوصی آنها از ۳۴ به بالا بود. این بانکوت در قلمرو طالبان نیز قسماً با تفاوت بین مردم تبادل میشد ولی در بانکهای زیر تسلط طالبان قابل پذیرش و معامله نبود.

سوم- نوتهای ده هزاری و یکهزار افغانیگی که توسط جنبش ملی مارشال عبدالرشید دوستم به جریان بود که بنام پول جنبشی یاد میشد. این پول ها که با چاپ قبلی تفاوت زیاد داشت و در صفحات شمال با تفاوت مورد تبادل قرار داده میشد.

چهارم- نوت‌های یک‌هزار افغانیگی که در مناطق جنوب و شرق توسط حزب اسلامی انجنیر گلبدین حکمتیار در جریان بود. این نوت‌ها نیز در آن صفحات عمدتاً با تفاوت معامله میگردید.



دوره (جمهوری اسلامی افغانستان از ۲۰۰۱ الی امروز)

۱۳۰۳ دوره سیزده ساله حامد کرزی (از دوم جدی ۱۳۸۰ هجری خورشیدی الی ۳۰ سنبله ۱۳۹۳ هجری خورشیدی مطابق ۲۲ دسامبر ۲۰۰۱ الی ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۴ میلادی)

یازدهم سپتمبر ۲۰۰۱ میلادی (مطابق ۲۰ سنبله ۱۳۸۰ هجری خورشیدی) جهان شاهد عجیب‌ترین رویداد است که بعد از جنگ دوم جهانی بوقوع پیوسته است درین روز مرکز تجارت جهانی در ناحیه "منهتن" نیویارک و "پنتاگون" مرکز قوماندان نظامی وزارت دفاع در شهرواشنگتن ایالت متحده امریکا مورد حمله و برخورد طیارات قرار گرفت که مردم دنیا بخصوص امریکاییان را متحیر ساخت. از همان آغاز برخورد طیارات به مراکز مذکور، دولت جورج بوش گروه القاعده را عامل این حملات شناسایی و قلمداد نمود درین زمان رئیس جمهور وقت ایالات متحده امریکا جورج بوش پسر به طالبان که در افغانستان حکومت مینمودند اخطاریه صادر نمود تا افراد القاعده بخصوص ائامه بن لادن رهبر این گروه را که به ادعای شان در افغانستان بسر میبرند به امریکا تسلیم نمایند در غیر آن به مواضع طالبان

حمله مینماید ولی طالبان بیدرنگ این تقاضا و اخطاریه امریکارا نادیده گرفته و آنرا شدیداً رد نمودند. تا اینکه ایالات متحده امریکا بتاريخ ۷ اکتوبر ۲۰۰۱ (مطابق به ۱۶ میزان ۱۳۸۰ هجری خورشیدی) حملات شدید نظامی خویشرا از طریق هوایی در افغانستان آغاز نمود و از طریق زمین با همکاری نیروهای شمال، حکومت طالبان را در کابل سقوط دادند.

بتاریخ ۵ دسامبر ۲۰۰۱ میلادی (مطابق ۱۵ قوس ۱۳۸۰ هجری خورشیدی) در ناحیه پترزبرگ شهر بن جمهوری فدرالی آلمان اجلاس بن باشتراک جناح های مختلف از جبهه متحد شمال گرفته تا سایر گروه های جهادی و نیز افراد طرفدار محمد ظاهرشاه دایر گردید که مدت نه روز به طول انجامید درین کنفرانس روی چهار چوب اساسی تشکیل دولت آینده افغانستان با گماشتن حامد کرزی بحیث رئیس حکومت موقت برای شش ماه موافقه بعمل آمد.

حامد کرزی در ۲۲ دسامبر ۲۰۰۱ (اول جدی ۱۳۸۰) مراسم سوگند خویش را در حضور چهره های جهادی و سیاست مداران کشور در کابل بحیث رئیس دولت اضطراری موقت به جا آورد و برهان‌الدین ربانی رئیس جمهوری سابق که پس از طالبان قدرت را در اختیار داشت حکومت را به آقای کرزی بشکل مسالمت آمیز تسلیم نمود که البته این نخستین انتقال قدرت صلح آمیز است که در تاریخ افغانستان ثبت شده است.

در متن توافقنامه بن از بازسازی بانک مرکزی افغانستان ذکر گردیده است درین متن آمده "به هنگام انتقال رسمی قدرت، دولت موقت باید اختیارات کاملی برای چاپ و تحویل پول رایج کشور و حق برداشت خاص از نهادهای مالی بین‌المللی داشته باشد. دولت موقت باید با کمک سازمان ملل، بانک مرکزی در افغانستان ایجاد کند"^۱

بنا بتاريخ ۱۵ میزان سال ۱۳۸۱ (مطابق ششم اکتوبر ۲۰۰۲ میلادی) ریفرم پولی در کشور اجرا گردید بانکنوت های جدید که با کود های امنیتی چاپ گردیده بودند و از ۱ الی ۱۰۰۰ افغانستانی را شامل میشدند با ارزش هزار برابر نسبت به پول های سابقه به جریان انداخته شد بدین معنی که بانکنوت های سابقه (بدون بانکنوت های ده هزاری شماره بالا، هزارافغانیگی های دوستمی و گلبدین حکمتیار) با حذف سه صفر در مقابل بانکنوتهای جدید

^۱ توافقنامه بن ۱۴ دسامبر ۲۰۰۱ میلادی - شهر بن - جمهوری فدرال آلمان

یعنی یک هزار سابقه در برابر یک افغانی پول جدید از طریق دافغانستان بانک معاوضه گردیدند.

بعد سپری شدن دو سال (شش ماه دوره حکومت اضطراری موقت و یکنیم سال دوره حکومت انتقالی حامدکرزی) موصوف در سال ۲۰۰۴ و ۲۰۰۹ میلادی در انتخابات ریاست جمهوری برنده اعلان شد. در دوره سیزده ساله زمامداری حامدکرزی تغییراتی که بعد از ریفورم پولی سال ۱۳۸۱ خورشیدی در مورد پول افغانستان بمیان آمد قرار زیر است:

موضوع اول ضرب و بدوران افتادن مسکوکات فلزی ۲،۱ و ۵ افغانیگی بود که در اول ماه قوس سال ۱۳۸۵ خورشیدی پروسه تعویض آن آغازگردید و باید الی ۳۰ جدی همین سال به اتمام میرسید ولی بعداً الی ختم سال ۱۳۸۵ تمدید گردید و درین اقدام بانک مرکزی بانکنوتهای ۲،۱ و ۵ افغانیگی از جریان کشید و حتی مقدار زیاد آن حریق گردید ولی بعداً تصمیم گرفته شد تا این بانکنوتهها (یک الی پنج افغانیگی) دوباره داخل چرخه پول گردند و در پهلوی مسکوکات فلزی مورد تبادل قرار بگیرند.

موضوع دوم عبارت از شامل ساختن یک تعداد کودهای جدید امنیتی در بانکنوتهها بود که بخاطر تشخیص بانکنوت اصلی از تقلبی عملی گردید این فرآیند در هر دوره چاپ پول در نظر گرفته شد.

۱۴.۳ دوره های حکومت محمد اشرف غنی (از ۲۰۰۹ مطابق ۱۳۸۸ هجری خورشیدی تا امروز)

در دوره زمامداری محمد اشرف غنی احمدزی تغییراتی که در چاپ پول افغانی بمیان آمده است عبارت از وارد ساختن کودهای جدید امنیتی و تغییر در فیتته هیلوگرافیک و تار امنیتی بانکنوتهها میباشد ولی در شکل، کلیشه و رنگ بانکنوتهها و مسکوکات کشور تغییری ایجاد نگردیده است.



قسمت دوم

بانک

فصل سوم

تاریخچه بانکداری در جهان

پیش نویس

تاریخ پول و بانک در واقع تاریخ اعتماد بشر است که این حسن اعتماد زمینه های هماهنگی و کار جمعی را برای تسهیلات کار و بار اقتصادی فراهم آورده است. هرگاه به تاریخ ایجاد اولین بانک در سیر تکامل حیات اقتصادی بشر نظر انداخته شود قبل ازینکه اولین بانک در جهان عرض اندام نماید صرافان ابتدایی ترین مراجع داد و ستد تبادل پولی بوده اند که قسماً در حقیقت وظیفه بانکها را انجام میدادند. مشهورترین صرافانی که به کار تبادل پول، قبولی پول، قرض دادن و انتقال پول در تاریخ اقتصادی جهان ثبت گردیده اند "گولدن اسمیت ها Golden Smiths" میباشند که در قرن شانزدهم میلادی در شهرلندن حضور فعال داشتند. شیوه کار خانواده گولدن اسمیت به مرور زمان بگونه انکشاف پیدا کرد که کسانیکه با صراف معامله پولی داشتند مقابل سپرده (Deposit) خود از صراف یک سند بدست می آورند و برویت همین سند پولی شخص میتوانست دوباره پول خویشرا از همان صراف بدست آورد، این رویکرد بیشتر از اوایل قرن ۱۷ میلادی رایج گردید البته زمانیکه مردم حاضر گردیدند تا پول شانرا در مقابل سند به صراف بسپارند. با گذشت زمان این سند های پولی نزد مردم حیثیت خود پول را پیدا نمود که می توانستند توسط همین اسناد معاملات تجاری خویش را انجام دهند یا پول شانرا از یک محل به محل دیگر جغرافیایی انتقال نمایند طوریکه یک شخص پولش را به یک صراف در شهر لندن انگلستان می سپرد، سند دریافت میکرد و پولش را از شهر هامبورگ جرمنی از صراف دیگری دریافت مینمود (البته این کار در صورتی امکان پذیر میشد که هر دو صراف یا بطور مستقیم با هم رابطه معاملاتی میداشتند و یا از طریق صراف سومی این رابطه تأمین میشد).

با افزایش حجم کسب و کار و امور تجارت، مردم بیشتر به کار صرافان نیاز پیدا کردند و روز تا روز بازار حواله های پولی گرم شده رفت تا اینکه همین مراکز صرافی پایه های اولین بانکها را در تاریخ اقتصادی بشر بنا نهادند. پس فلسفه وجودی اولین بانکها در جهان در توسعه کارصرافان یا معامله کنندگان پول نهفته است. در رابطه به ایجاد نخستین نهاد های مالی بانک گونه روایات متفاوتی وجود دارد چه همواره اولین ها برای همه جالب توجه بوده و هر ملت و جغرافیا سعی مینماید تا درین زمینه خویشرا پیشرو ثابت نماید و افتخار سابقه تاریخی آن پدیده را از آن خویش

سازد. روی این امر کارشناسان این عرصه با توجه به تحقیقات شان نظریات متفاوتی را ارائه داشته اند و هر کدام مبدا خاص خود شان را برای بانکداری در نظر گرفته اند که درین میان یونان قدیم، روم قدیم و پرشیا (قسمتی از ایران امروزی) بیشتر مورد مطالعه و اجماع نظر قرار داده شده است. بهتر خواهد بود برای آشنائی بهتر به تاریخ بانکداری در جهان سیر تکاملی این صنعت را در طی ادوار تاریخی بطور فشرده مطالعه نمائیم.

۱. دوره های تاریخی:

۱.۱ عصر قدیم (پیش از میلاد مسیح)

قبل از اینکه بشر اولین تجربه بانکداری سازمان یافته را انجام دهد در ادوار قدیم (قبل از میلاد مسیح) در جوامع مختلف انسانها حسب نیازشان دست به انجام معاملاتی میزدند که در اصل میتوان گفت شبیه معاملات امانتی و قرضوی متعارف امروزی بانکها بود. مثال مردم کالاهای خارج از احیاج شان را مانند غله جات، طلا و نقره و غیره را بخاطر حفاظت و حراست خوب از آنها به ویژه در زمان جنگها بشکل امانت به مراکز مذهبی که مورد اعتماد شان بود می سپردند و در وقت نیاز دوباره تسلیم میگردیدند. درین زمینه این مراکز مذهبی مورد اعتماد مردم آهسته آهسته دریافتند که میشود ازین امانات به کسانی که بآنها نیاز مبرم دارند بشکل قرضه داده شود که "نمونه مشهور آن معبد سرخ در (بابلین) است که از ۲۴۰۰ الی ۲۲۰۰ سال قبل از میلاد وجود داشته است".^۱

طوریکه گفتیم درین معابد مردم نظریه اعتماد و اطمینانیکه به ارباب معابد داشتند اموال منقول ارزشمند شان را نزدکشیشان به امانت می گذاشتند و مسئولین معابد آنها را جنساً به زارعین، تجار، اهل کسبه برای توسعه کار و بارشان و برای برده گان و اسیران جنگی که میخواستند خویشرا آزاد سازند با محاسبه فایده آن یعنی در مقابل سود به قرضه میدادند.

^۱ صفحه ۱۱ کچرنوت داکتر محمد نعیم اسد استاد پوهنتون کابل و رئیس اسبق دانشگاه هرات

"بعد ها با انکشاف و رونق این فعالیت ها در معابد این روش در تمام مناطق بابل زمین بویژه در زمان حمورایی "درسال های ۱۹۵۵ الی ۱۹۱۲ پیش از میلاد حمورایی در بابلین سلطنت میکرد^۱ "رواج گسترده یافت طوریکه در "قانون حمورایی"^۲موادات و سیستمی برای امانت گذاری، دوباره پس گرفتن امانت،قرضه دادن و تحصیل قرضه در نظر گرفته شده بود که به اساس آن در همان زمان به کسیکه حبوبات را از معابد قرض میگردت مکلف به تادیه مفاد به اندازه (یک برسوم) اصل قرضه میگردید و کسانیکه قرضه پولی دریافت میکردند الی (یک پنجم) اصل قرضه مفاد میپرداختند. (موادات ۱۰۰ تا ۱۲۷ قانون حمورایی).

به همین ترتیب در دوره پیش از میلاد در یونان قدیم با انکشاف شهرها و رونق تولید و کسب و کار تجارت روز تا روز ضرورت به وام و وام دادن، تبادل پول و همچنین انتقال پول بیشتر شده رفت این توسعه کسب و کار موجب گردید تا بازار تبادل رونق بیشتر یابد و همینطور بازار واسطه گران مالی گرم و توسعه پیدا نماید. همین واسطه گران مالی که پول های مختلف مردم را تبادل مینمودند یا بشکل امانت نزدشان نگه میداشتند و یا به سایر شهرها انتقال میدادند در وام دادن آن نیز اقدام نمودند که میتوان از آنها بحیث اولین بانکداران نام برد. با توسعه بیشتر معاملات این واسطه گران مالی و همینطور برای اینکه ساحه کار شان را آراسته تر و مصئون تر بسازند میز های کار صرافی خود را داخل یک چهار دیواری قرار دادند و کارشان را در یک محل ثابت کار و بار(دوکان) انجام دادند. از آن جائیکه انتخاب محل ثابت فعالیت و آدرس مشخص یک کاسب یک نوع اعتماد و اعتبار

^۱ صفحه ۱ الکترونوت داکتر محمد نعیم اسد استاد و رئیس اسبق دانشگاه هرات

^۲ حمورایی ششمین امپراتور بابل بود و قانون مشهورش بروی یک ستون سنگی نوشته شده است با بلیون مرکز تمدن بابل یکی از تمدن های باستانی حوزه میان رود است و به معنی دروازه خدا (باب-ایل-لون) است و در حوزه ظل بین رود فرات و دجله قرار داشت. مرکز یا حوزه تمدنی بابل زمین یکی از تمدن های باستانی منطقه مشهور و تاریخی بین النهرین(حوزه میان رود یعنی رود های دجله و فرات) که امروزی درین حوزه کشور های(ایران، عراق، سوریه، کویت) شکل گرفته است

تجارتی را نزد مردم ایجاد مینماید بناً اعتماد و اعتبار مردم روز تا روز باین واسطه گران پولی (صرافان) بیشتر شده میرفت.

در کشورهای چین و ایران باستان نیز فعالیت های واسطه گران مالی یا بانکدار های ابتدایی تجربه شده است.

در زمان هخامنشیان (۵۵۰-۳۳۰ پیش از میلاد) نهاد های واسطه ای مالی حقیقی و خصوصی بنامهای "اگیبی و پسران" و "مورشو و پسران" برای نخستین بار به طور رسمی بگونه بانکهای ابتدایی سنتی در زمان کوروش بزرگ تاسیس شدند^۱ درین زمینه اسناد حسابی از بایگانی باصطلاح بانکها به رسم الخط میخی به دست آمده است اما بعد مطالعه مینمائیم که نخستین موسسه مالی خصوصی با نام بانک در سال (۱۱۷۱ میلادی) به نام بانک "ونیز"^۲ در ایتالیا آغاز به کار کرد.

۲.۱ قرون وسطی (قرن پنجم تا پانزدهم میلادی)

دوره یک هزار ساله قرون وسطی (۴۷۶ الی ۱۴۵۳ میلادی) که به دوره رکود و انحطاط فکری معروف است با سلطه و حکومت کلیسای کاتولیک و مداخله مستقیم کلیسا در همه چیز زندگی مردم همراه بود درین دوره زمینه های رشد و پویایی فکری انسان کمتر میسر میگردید چه بسا دانشمندان و دگر اندیشانی که با ابراز افکار و نظریات شان بکام مرگ کشانیده شدند. بدین سبب قرون وسطی کمتر تحولات و انکشافات مثبت را در خود دارد. در رابطه به بحث بانکداری "موضوع قابل یاد آوری در قرون وسطی اینست که در پهلوی انکشاف محاسبه که تدریجاً صورت گرفت پرابلم انتقال پول توسط حواله یا برات رواج یافت چه در آنوقت تجار نمی توانستند نسبت خطرات دزدی مبالغ زیادی را با خود ببرند." ^۳ در دوره قرون وسطی مشکلات انتقال پول نقد از یک شهر به شهر دیگر بخاطر جنگهای

^۱ برگرفته از تاریخ ایران (ایلامی ها و آریایی ها تا پایان دوره ی هخامنشی) نوشته ی دکتر پرویز رجبی

^۲ جزیره در شمال ایتالیا که خانه هایش روی سکوهای چوبی بنا یافته و خیابان هایش را کانال های آب تشکیل میدهد

^۳ صفحه ۵ لکچر نوت داکتر محمد نعیم اسد استاد و رئیس اسبق پوهنتون هرات

گونگون از جمله جنگهای دراز مدت صلیبی به شدت ایجاد شده بود این امر مانع مرادات تجارتي میگردد، بناً صرافان مجبور گردیدند تا طرف معامله خویش را در شهرهای دیگر معین نمایند و با صدور حواله جات پولی مشکل انتقال پول را آسان و بی خطر سازند درینصورت سیستم حواله پول بطور قابل ملاحظه پیشرفت نمود. و همچنین پیشرفت دیگری که درین زمان صورت گرفته این بود که سند های پولی بنام شخص ثالث نیز ظاهر نویسی ((Endorsement) گردید.^۱

در قرون وسطی نقش لامبارد ها (Lombards) در کشور ایتالیا قابل یاد آور است. لامبارد ها در انگلستان، فرانسه و ایتالیا غرفه های بانکی داشته و به پادشاهان در مقابل تضمین ملکیت ها قرضه میدادند و در بسی موارد نقش مهمی در تنظیم وظایف مالی بازی میکردند^۲

۳.۱ قرون جدید (از قرن ۱۶ الی ۱۹ میلادی)

قراریکه در بحث پیدایش پول کاغذی نیز متذکر شدیم اولین بانک امانت و تادیات عبارت از "بانک امستردام" است که در سال (۱۶۰۹ میلادی) منحیث بانک دولتی در کشور سویدن امروزی بوجود آمد. تجار و مالکین کسب و کار امستردام امانات شانرا درین بانک می سپردند و رسید پولی میگرفتند و در زمان نیاز دریافت میداشتند همینطور بانک امستردام برای نیازمندان به پول بویژه کسانیکه پول برای کسب و کار تجارت، کشتی رانی وسایر حرفه های کار داشتند قرضه اجرا مینمود.

^۱ ظهر نویسی یا پشت نویسی بیشتر در مورد اسناد مالی و پولی استفاده میشود که با پشت نویسی آن حق استفاده به شخص سوم داده میشود مانند پشت نویسی چکهای بانکی یا وکسیل ها.

^۲ بانکداران لمباردی و ونیزی روز های ویژه ای در میدان های عمومی شهر پشت نیمکت های کوچکی می نشستند و خدمات بانکی به مردم عرضه می کردند و چون در زبان ایتالیایی نیمکت را "بانکو" می نامیدند و مردم همیشه این کسان را نشسته در کنار این نیمکت ها یا پیشخوان های خود می دیدند، آنها را نیز بانکو و بانکیری نام نهادند که به تدریج در سایر زبان ها معمول و نهایتاً به واژه بانک تبدیل شد

"در سال ۱۶۵۰ میلادی شخصی بنام پانم شتروخ موسس بانک ستوکهولم اولین شخصی بود که سند امانت سکه های پولی را به یک سند قرضه مبدل ساخت بطوریکه بانک را از مجبوریته نگهداشت امانات بصورت جنس وارها کنید. " در سال ۱۶۱۹ میلادی بانک دیگری درشهر هامبورگ جرمنی تاسیس گردید این بانک هم بر اساس مودل بانک امستردام فعالیت میکرد طوریکه امانات مردم را دریافت میکرد وسند پولی میداد و تادیاتش به اثر درخواست مشتریانش انجام میداد. "در تاریخ بانکداری دنیا سالهای ۱۶۹۴ و ۱۶۹۵ اهمیت زیادی را دارا میباشند چه درین سالها با الترتیب بانک انگلستان و بانک سکاتلند تاسیس شدند که تا امروز دوام داشته و وظیفه اولی شان نشر نوت برای انگلستان و سکاتلند بود"^۲

۴.۱ عصر حاضر (از قرن بیستم به بعد)

انکشافات درساحه کار واسطه گران مالی از جمله بانکها در قرن نهم میلادی زمینه استفاده از تکنیک های پیشرفته برای بانکها میسرگردید عملیات مدرن بانکی شکل گرفته بود "طوریکه بانکها میتوانستند از چک اسناد تبادلوی قابل انتقال بانکنوت و غیره استفاده کنند"^۳ و این امر باعث گردید تا با این وسایل بانکها بتوانند در قرن نهم در فعالیت های اقتصادی هم درعرصه تولید، توزیع و مصرف نقش قابل ملاحظه را بازی نموده و تا جای به پیش بروند که حتی فعالیت های مختلفه اقتصادی را از راه تمویل و تجهیز سرمایه گذاری در تولید و تجارت رهبری و تأثیرگذار باشند. دراول قرن بیستم میلادی بعد از جنگ جهانی اول(۱۹۱۸-۱۹۱۴)، بروز بحران های پولی در کشور های مختلف این مفکوره را ایجاد نمود که در نشر پول باید نظارت و مراقبت جدی صورت پذیرید و پس از کنفرانس بروکسل^۴ کشورها پذیرا شدند که، وجود بانک ناشر اسکناس یا بانک مرکزی در هر کشوری می تواند

^۱ صفحات ۸ و ۹ لکچر نوت داکتر محمد نعیم اسد استاد و رئیس اسبق دانشگاه هرات

^۲ و ۲ صفحات ۸ و ۹ لکچر نوت داکتر محمد نعیم اسد استاد و رئیس اسبق دانشگاه هرات

^۳ اسنادکنفرانس بین المللی مالی ۲۴ سپتامبر ۱۹۲۰ بروکسل برای تأمین شفافیت، نظم اقتصاد و استندرد طلا

از راه حفظ ارزش پول داخلی و انسجام بخشیدن سطح اعتبارات با اعمال سیاست های معقول پولی و نظارت بر عملیات کلیه بانک های تجاری و تخصصی، از بروز بحران های پولی جلوگیری نماید و باین کار بانک مرکزی هر کشور قادر خواهد گشت که نقش اساسی در راه رشد و توسعه اقتصادی آن کشور به درستی انجام بدهد.

عصر حاضر عصر شگوفایی بانک و بانکداری در جهان است، پیشرفت و دستآورد های بانکها همزمان با سیر تکاملی و فراگیر شدن تکنالوژی دیجیتالی ارتباطات همگام گردیده و امروز تکنالوژی ارتباطات و بانکداری دو شادوش بطور برق آسا با هم در حرکت اند و مسیرهای تکاملی هر یک شان متمم و مکمل یکدیگر شده است. هر روز فرآورده های جدید بانکی برای سهولت بخشیدن زندگی مالی مردم از جانب بانکها معرفی میگردند، عملیات بانکها باتکنالوژی دیجیتالی گره خورده و عجین شده میروند تا سرحدی که مشتری بانک به مشتری سیستم جهانی بانکی تبدیل شده است. در حال حاضر بانکها از لحاظ فزیکتی بخصوص در کشور های که نظام بانکی شان پیشرفت قابل ملاحظه نموده است تقریباً فقط یک آدرس مکانی اند چون بیشتر تقاضا های مشتریان آنها از طریق بانکداری انترنیتی بدون مراجعه به بانک انجام میشود. گفته میتوانیم همانطوریکه حضور فزیکتی پول از اواسط قرن ۲۰ میلادی شروع به کم رنگ شدن نمود و بشکل فزیکتی در معاملات حضورش کم و کمتر شده رفت روزی خواهد رسید که مردم دیگر نیازی به مراجعه ببانک معامله دارشان نداشته باشند و تمامی ارتباطات خویشرا از خانه، محل کار، پارک، داخل طیاره، قطار، موتر و کشتی حل و فصل نمایند.

۲. انواع بانک ها

بصورت کل بانکها بدو دسته بزرگ قابل تقسیم اند، بانکهای مرکزی و بانکهای معاملاتی که در هر کشور فقط یک بانک مرکزی وجود داشته میتواند ولی بانکهای معاملاتی متعددی برای فعالیتهای مختلف میتوانند عرض وجود نمایند. بانکهای معاملاتی از نکته نظر و ظایف

به انواع مختلف تقسیم میگردند همینطور از نگاه ملکیت سرمایه، تخصص و سکتورهای اقتصاد ملی که در آن فعالیت مینمایند.

درین جا چهار نوع بانک که بیشتر به اساس فعالیت و عملکردهای شان قابل تفکیک اند بطور فشرده به معرفی گرفته میشود.

۱.۲ بانک های مرکزی

همانطوریکه گفته شد بصورت عموم بانک مرکزی در هر کشور تنها یکی میباشد و هر کشور به اساس قوانین نافذ مکلّفیت های وظیفوی بانک مرکزی اش را معین و مشخص میسازد. بصورت عموم بانکهای مرکزی مسئولیتهای زیر را به عهده دارند:

- کنترل و مراقبت از شبکه بانکی
- مدیریت سیاست پولی با توجه به حفظ ثبات قیّم از راه ثبات ارزش پول داخلی
- بانکداری دولت
- نشر و تدارک پول در اقتصاد بحیث وظیفه انحصاری
- رفع ضرورتهای پولی بانکهای معاملاتی از طریق خدمات اعتباری و نگهداری موجودی نقدی شان

- تسویه محاسبات بین البانکی

بانک مرکزی یک پدیده مهم و کار آمد قرن نوزدهم است که در حیات اقتصادی بشر ظاهر گردیده است تا جائیکه "پل ساموئلسن" اقتصاد دان شهیر ایالات متحده امریکا و برنده جایزه نوبل اعتراف مینماید، تا کنون در جهان سه اختراع بزرگ انجام یافته است (آتش، چرخ و بانک مرکزی). تعبیر ساموئلسن بدین معنی است که همان طوریکه آتش و چرخ هر یک بذات خود زندگی انسان را وسیعاً متحول نموده است، بانک مرکزی نیز تحولات بس عظیمی را در عرصه های حیات اقتصادی، اجتماعی انسان ایجاد نموده و همانطوریکه بدون آتش و چرخ زندگی انسان عصر حاضر ناممکن است بدون بانک مرکزی منحیث ناشر،

و کنترلر پول و مرکز و نظارت کننده سیستم پولی و بانکی نیز حیات اقتصادی بشر محال می‌باشد.

در اقتصاد امروزی بدون شک بانک مرکزی یک موسسه بس مهم مالی بشمار می‌رود که نقش ارزنده را در تکمیل سیاست های کلان اقتصادی دولت ایفا مینماید، چنانچه قبلاً نیز گفته شد اولین بانک ناشر بانکوت در تاریخ جهان بعد از تجربه بانک امستردام (۱۶۰۹ میلادی)، بانک سویدن در سال (۱۶۵۶ میلادی) است اما بانک انگلستان ناشر بانکوت در سال (۱۶۹۴ میلادی) عنوان پدر بانک های مرکزی دنیا را بخود کسب نموده است.

بانکهای مرکزی قانوناً مکلفیت دارند تا در کل ثبات اقتصادی را از طریق ثبات پولی و ثبات قیم فراهم نمایند مبرهن است که ثبات اقتصادی بستر مساعد رشد و انکشاف اقتصادی را در یک سطح مطلوب اشتغال، عاید و رفاه همگانی در یک کشور، یک منطقه و در سطح جهان مساعد می‌سازد.

بمنظور تحقق این اهداف کلان یک سلسله ابزار و یا وسایل مجاز وجود دارد که یک بانک مرکزی با سیاست گذاری معقول میتواند آنها را طوری بکار بگمارد تا اهداف تعیین شده را محقق گرداند البته انتخاب، میزان، وقت و بالاخره نحوه کاربرد ابزار سیاست های پولی بانک های مرکزی بدون شک تابع زمان، مکان و حتی الامکان معلومات پروسس شده احصائیوی با در نظر داشت حساسیت و عکس العمل متغیر های کلان اقتصاد ملی هر کشور معین میگردد، این بدین معناست که نسخه های از قبل پیچیده شده وارد شده از خارج درین زمینه کارآمد بوده نمیتوانند و هر کشور بایست با در نظر داشت وضعیت اقتصادی اش به طرح و اعمال سیاست پولی اش پردازد زیرا تجارب جهانی نشان داده است که استفاده از یک وسیله برای بدست آوردن یک یاچند هدف در کشورهای مختلف نتایج مختلفی را ببار آورده است.

بصورت عموم ابزار یا وسایل در عرصه سیاست پولی (monetary policy instruments) که بانکهای مرکزی جهان برای رسیدن با اهداف شان میتوانند بکار بگیرند ازین قرار است:

- ابزار مستقیم که به آن دسته از ابزار گفته می شود که کنترل مستقیم میزان پول و اعتبار یا سطح نرخ های بهره را هدف قرار می دهد که شامل تعیین نرخ تکتانه (rate of interest)، سقف اعتبارات و کنترل انتخابی کریدت در جهت تخصیص بهینه منابع سرمایه میگردد. این ابزار بیشتر در کشورهای تأثیر گذاری بیشتر دارد که اقتصاد ملی آن بر مبنای کریدت استوار باشد (Credit Base) و همچنین از سطح سپرده های بالای بانکی برخوردار باشد درین صورت هر تغییر در نرخ تکتانه میتواند تأثیراتش را بالای سطح سرمایه گذاری، پس انداز و بالاخره حجم پول وارد نماید.

- ابزار غیر مستقیم، عبارت از ابزاری اند که مبتنی به ساز و کار بازار (میکانیسم مارکیت) عمل مینمایند و شامل نسبت سپرده قانونی required reserve، نسبت ریزرف اضافی excess reserve، نرخ تنزیل مجدد rediscount rate و در افغانستان نرخ اوراق سرمایه ی (capital notes)^۱ و تسهیلات اعتباری (credit facilities) میباشد.

^۱ کپیتال نوت یا اوراق سرمایه ی یکی از ابزار مهم سیاست پولی دافغانستان بانک است طوریکه در سایت رسمی دافغانستان بانک آمده است: "لیلام اوراق سرمایه ی ابزار دومی که منجانب بانک مرکزی جهت کنترل پایه پولی مورد استفاده قرار میگیرد عبارت از فروش اوراق سرمایه ی و یا (Capital Notes) میباشد که بشکل هفته وار به بانک های تجارتي بفروش میرسد. قابل ذکر است اینکه دافغانستان بانک بمنظور استفاده بیشتر از این ابزار که میتواند میزان اتکا بر فروش اسعار خارجی را کاهش دهد، از اوایل ماه حمل سال روان (۱۳۹۹ خورشیدی) اوراق سرمایه ی با موعد سررسید یک هفته (۷ روز) را در پهلوی اوراق سرمایه ی ۲۸ روزه، ۱۸۲ روزه و ۳۶۴ روزه معرفی نموده که این کار زمینه سرمایه گذاری در این اوراق را بیشتر میسازد. همچنان دافغانستان بانک در نظر دارد تا با ترویج بازار ثانوی اوراق سرمایه ی، سهم این ابزار را در کنترل نقدینگی افزایش دهد"

یک بخش اقدامات سیاست پولی بانکهای مرکزی در "بازار باز" صورت میگیرد که بنام عملیات بازار باز Open Market Operations یاد میگردد درین عملیات خرید و فروش اسناد قرضه دولتی، اوراق سرمایوی بانک مرکزی و معاملات اسعار صورت میپذیرد. که بازهم معاملات اسعار در کشور ما بویژه فروش اسعار خارجی درینجا حرف اول را میزند.

در کشور ما طی دو دهه اخیر بیشتر از سیاست بازار باز در زمینه اعمال سیاست پولی و آنهم عمدتاً در بخش اسعار خارجی استفاده گردیده است که امیدوارم روزی بانک مرکزی افغانستان بتواند سیاست پولی اش را ازین محدوده تنگ ابزاری رهانیده به جستجوی ابزار دیگر پردازد و همچنین سیاست مالی کشور از محدوده تأمین منابع عایداتی دولت پا فراتر گذاشته و با استفاده از ابزار کارآمد مالی بتواند سیاست پولی را همیار و پشتیبان باشد چه امروز ثابت گردیده است که سیاست پولی بدون سیاست مالی کمتر میتواند به اهدافش نایل گردید زیرا سیاست مالی و سیاست پولی به مثابه دو بال یک پرنده اند که فقط به کمک هم قادر اند بسر منزل مقصود برسند. (چون سیاست پولی یک مبحث گسترده تخنیکی جداگانه ایست همینطور سیاست مالی بناً جای بحث بیشتر درین کتاب برای آنها لازم دیده نمیشود)

مطلبی را که هیچگاهی نباید فراموش کرد اینست که وظایف یک بانک مرکزی با وظایف یک بانک معاملاتی متفاوت است، یک بانک معاملاتی برای معاملات بانکی مردم و تأمین منافع افراد خاصی (سهمداران) تأسیس میشود در حالیکه بانک مرکزی مکلف به تأمین منافع عامه است و در چوکات حقوق عمومی تعریف میشود هر چند بانک مرکزی بطور مستقیم با مردم سر و کار ندارد و سپرده های شانرا نمی پذیرد و همینطور به مردم قرضه نمیدهد، انتفالات پولی شانرا انجام نمی دهد اما همواره ارتباطش از طریق بانکهای تجارتي و بازار پول و سرمایه با مردم بر قرار و تأمین میگردد. از طرفی بانک مرکزی رابطه خاصی با دولت و سیاست های اقتصادی دولت دارد ملاحظه میشود که در حال حاضر بانک های مرکزی در همه کشورهای جهان سه وظیفه مهم (طرح و اعمال سیاست پولی، نظارت

از عملیات بانکی کشور و فراهم آوری چوکات های مقرراتی و قانونی برای فعالیت های پولی، بانکی و مالی) بیشتر متمرکز هستند.

۱.۱.۲ ضرورت تشکیل بانکهای مرکزی در جهان:

همانطوریکه گفته آمدیم تأثیرگذاری بانکها در فعالیت های اقتصادی سکتور های مختلفه اقتصاد ملی زنگ هشدار می شد برای دولت ها و در عمل دیده شد که چگونگی گردش پول و عملیات بانکی در یک اقتصاد میتواند تغییرات و تحولات بزرگی را ایجاد نماید بناً دولتها در مسایل بانکی متوجه مسئولیتهای خود گردیدند. ملاحظه میگردید که مقدار پول در دوران بالای شاخص های اقتصادی اثر مینماید و وضعیت اشتغال، تولید، عاید، مصرف و قیمت ها را شدیداً متغییر میسازد. بهر صورت این درک مسئولیت از جانب دولت ها بویژه کنترل نشر پول و رهنمایی قرضه ها به سکتور های مختلفه اقتصاد ملی موجب شد که مفکوره تنظیم و رهنمایی تا سرحد مداخله از طریق یک نهاد مالی دولتی پدید بیآید که بعد منجر به تأسیس بانک های مرکزی در جهان گردید.

هر چند شکل گیری بانک های مرکزی به قرن ۱۷ میلادی بر میگردد (بانک ریکز کشور سویدن در سال ۱۶۵۶ میلادی) که در سال ۱۶۶۸ میلادی به عنوان بانک دولتی و ملی آنکشور در آمد و قراریکه گفتیم بانک انگلستان (۱۶۹۴) میلادی در زمره قدیمی ترین بانک های مرکزی دنیا به شمار می رود به همین ترتیب کشور ها یکی پی دیگر به تأسیس بانک مرکزی خویش مبادرت ورزیدند اما قرن ۱۹ میلادی به قرن تأسیس بانکهای مرکزی شهرت دارد چه مشاهده می شود که بانک های مرکزی زیادی در خلال قرن نوزدهم میلادی به وجود آمدند که به تدریج انحصار نشر اسکناس را بر عهده گرفتند ولی ضرورت ایجاد بانک مرکزی از اوایل قرن بیستم برای همهء کشور ها بطور جدی احساس گردید.

اگر در منطقه نظر اندازی شود بسیاری از کشور ها در نیمه اول قرن بیستم به ایجاد بانک مرکزی اقدام کردند از جمله بانک مرکزی ترکیه در ۱۹۳۰ میلادی، بانک مرکزی هندوستان در ۱۹۳۵ میلادی، بانک مرکزی افغانستان در ۱۹۳۹ میلادی، بانک مرکزی پاکستان در سال ۱۹۴۸ میلادی و بانک مرکزی ایران در سال ۱۹۶۰ میلادی تأسیس

گردیدند. بهر حال تأسیس و موجودیت بانک مرکزی موجب شد تا بر علاوه تنظیم امور پولی و مالی در آن کشور زمینه های خوب همکاریهای دولت ها در مسایل بین المللی بیشتر گردد.

۲.۱.۲ استقلال بانک مرکزی:

در مورد استقلالیت بانک مرکزی بحث های جنجالی و نظریات مختلفی وجود دارد و مسئله استقلال بانک مرکزی، مخالفان و موافقان خاص خود را داشته و دارد. کسانی که طرفدار استقلال بانک مرکزی میباشند استقلالیت بانک مرکزی را نشانه رشد و پویایی میدانند و طرف دیگر قضیه، استقلال بانک مرکزی را یک عملکرد متمرکز و ضد دموکراتیک می خوانند.

پیشینیان استقلال بانک مرکزی استدلال مینمایند که در صورتیکه بانک مرکزی دارای استقلالیت باشد تمام تصمیمات سیاست پولی بر اساس اهداف و مقیاس های تکنیکی بر وفق ایجابات اقتصاد ملی گرفته میشود درین صورت کنترل پول جدا از بازی های سیاسی ممکن میشود. اما مخالفین بر این پا فشاری دارند که اگر مسئولان بانک مرکزی غیر انتخابی باشند و قادر باشند، در بانک تصمیماتی بگیرند که بر سرنوشت یک ملت اثر بگذارد، این امر مردم سالاری و منافع ملی را زیر سؤال می برد. به باور این عده، سیاست پولی نیز باید همانند سیاست مالی توسط نمایندگان مردم طراحی شود.

بهر صورت تجربه و مطالعات انجام شده نشان دهنده آن است که کشور هایی که دارای بانک مرکزی مستقل هستند، عمدتاً دارای رشد بیشتر و تورم کمتری بوده اند.

۲.۲ بانک های پس انداز

یکی از مشهور ترین نوع بانکها، بانک های پس انداز اند این نوع بانکها میتوانند بشکل سهامی (با انتشار اسناد سهم) یا تضامنی (با سرمایه معین یا بدون سرمایه معین) تشکیل شوند. این بانکها در امر تشویق پس انداز و همینطور جمع آوری پس انداز های مردم به ویژه لایه های کم درآمد جامعه فعالیت مینمایند، هدف اصلی شان سرمایه گذاری این پس

اندازها به بهترین وجه ممکن هم به نفع پس انداز کنندگان و هم به نفع خود بانکها می باشد. در رابطه به نفع پس انداز کنندگان باید گفته شود که تنها دریافت سود بانکی از پس انداز نیست بلکه بیشتر حفظ این پس اندازها (ازگزند تورم) و همچنین ایجاد امکان دسترسی به آن در مواقع ضرورت به پول میباشد. در هر حال این نوع بانکها در عمل توانسته اند که مفاد بیشتری برای پس انداز کنندگان به ارمغان بیاورند. بانکهای پس انداز میتوانند بخاطر تامین وام مسکن نیز تشکیل گردند که درینصورت بنام بانکهای پس انداز و وام مسکن یاد میشوند. در افغانستان ما بانک خاصی بنام بانک پس انداز نداشتیم و فعلاً نیز نداریم فقط بانکهای تجارتی کشور در پهلوی سایر فعالیت های شان به پذیرش پس انداز های مردم نیز مبادرت می ورزند.

۳.۲ بانکهای سرمایه گذاری

بانکهای سرمایه گذاری نقش بزرگی را در تهیه سرمایه برای خط تولید در یک اقتصاد ملی دارند این بانکها منابع سرمایه یی را که یکی از جمله عوامل تولید اند با سهولت های هر چه ممکن به خدمت موسسات تولیدی و خدماتی قرار میدهند. درین زمینه بیشتر تهیه سرمایه های ثابت است که به منظور سرمایه گذاری های اساسی موسسات تولیدی و خدماتی بکار میرود مورد بحث است یعنی بانکهای سرمایه گذاری و سایر موسسات تهیه سرمایه Investment institutions امکان دسترسی به سرمایه های ثابت مورد نیاز سازمان های تولیدی را بگونه آسان و ارزان فراهم می نمایند و با این عمل شان سهم شان را در افزایش تولید ملی ایفا مینمایند. بطور معمول سرمایه مورد نیاز موسسات تولیدی، با انتشار سهم یا اوراق قرضه و توزیع آن بر اساس کارمزد یا تعهد فروش به وسیله بانکهای تهیه سرمایه تامین میگردد طبیعتاً این بانکها پول جمع آوری شده را در رشته های مختلف اقتصاد ملی سرمایه گذاری نموده و ازین بابت مفاد بدست میآورند.

دارندگان پول نقد در یک جامعه بخاطر نرخ تورم از بابت کاهش ارزش پول یا بهتر بگوئیم کاهش قوه خرید پول شان صدمه می بینند بنأ نگهداری پول در حسابات پس انداز

نزد بانکها میتواند حدا اقل این ضرر را بخاطر مفاد و یا جوایزی که باین حسابات تعلق میگیرد را جبران و یا کاهش بخشد.

بدین معنی که این بانکها با استفاده از کفایت و اهلیت که در بازار بورس سهام و قرضه دارند با اعتبار شان زمینه فروش سهام موسسات تولیدی را فراهم میسازند تا ازین طریق پول به منظور تولید به موسسات تولیدی سرازیر گردد و همینطور در جریان کار اوراق قرضه شانرا در مارکیت به معرض عرضه قرار میدهند که البته در هر دو صورت کارمزد یا فیس خویشرا از موسسات دارنده سهام و اوراق قرضه بدست میآورند. درین صورت ملاحظه میشود که بانکهای سرمایوی فقط نقش واسطه را به عهده دارند.

از طرف دیگر بانکهای سرمایه گذاری یا شرکت های سرمایه گذاری خود از طریق انتشار و فروش سهم و در بعضی موارد، اوراق قرضه، پس اندازهای افراد را جمع آوری می کنند و در اوراق قرضه و سهام شرکت ها و اوراق قرضه دولتی سرمایه گذاری می کنند و بدین طریق قادر اند منافع زیاد تری برای پس انداز کنندگان و سرمایه گذاران شان (خریداران سهام و اوراق قرضه) کمایی نمایند. این موسسات (بانکها و موسسات سرمایگذاری) برای کم نمودن میزان خطرات سرمایه گذاری معمولاً موضوع تنوع در سرمایگذاری را مد نظر دارند یعنی پول تهیه شده شانرا در سکتور های مختلفه و درجای های متنوع سرمایگذاری مینمایند تا خطرات را به حد اقل کاهش بخشیده باشند. این نوع بانکها نیز در کشور ما وجود نداشته است و در حال حاضر هم وجود ندارد.

۴.۲ بانکهای تجارتي Commercial Banks

یکی از انواع بس مهم و مشهور بانکها، بانکهای تجارتي میباشد این بانکها وظایف مختلف و متنوع را انجام میدهند و با وجود توسعه و ترویج بانکهای پس انداز تا هنوز در بسیاری از کشور ها بانک های تجارتي از مهمترین موسسات جذب کننده پس انداز های عمومی می باشند زیرا نخست تنوع و گسترش عرضه خدمات این بانکها این امکان را هم

برای شان میسر نموده تا مشتریان حسابات پس انداز شانرا نیز نزد این بانکها داشته باشند و دیگر اینکه طوریکه مشاهده میگردد در بیشتر از کشورهای جهان کدام محدودیت قانونی برای بانکهای تجارتي برای افتتاح حساب پس انداز و دریافت این سپرده ها وجود ندارد و این بانکها می توانند آزادانه به اساس مقررات عمومی بانکداری همان کشور به جلب و جذب سپرده های عام مردم در حسابات پس انداز شان مبادرت ورزند.

۱.۴.۲. وظایف بانکهای تجارتي

الف- احتیاجات تادیاتی پولی یک اقتصاد را رفع می دارند.

ب- پس اندازها را بین استفاده های ممکنه و متناوب طوری بکار می اندازند که خطرات سرمایه گذاری تقلیل یابد.

ج- تهیه خدمات مالی برای خانواده ها و تصدیها به ترتیب که آنها مصارف خود را با شکل مساعد بکار اندازند .

د- بحیث یک سیستم مالی به مثابه یک واسطه بین پس انداز کننده و سرمایه گذار کار می کند .

ه- موسسات مالی متوجه تعبیه با بکار اندازی قرضه در اقتصاد بوده معلومات لازم برای سرمایه گذار تهیه کرده فعالیت اداره مالی را در اقتصاد انجام میدهد^۱

کار دیگری که از دست بانکهای تجارتي بر میآید و یکی از بزرگترین قابلیت ها و کارآیی شان بشمار میرود پدیده "خلق پول کتبی" است که بشکل کتبی بمیان میآید و در سیستم های محاسوبی امروزی بانکی خلق پول بشکل دیجیتالی ایجاد میگردد. طوریکه میدانیم مهمترین حساب در بانکهای تجارتي حسابات جاری یا حساب امانات رویتی (Current Accounts) است که مالک حساب می تواند مقابل امانات جاری خود چک بنویسد و به اصطلاح عوض پول حواله پولی صادر نماید. اهمیت امانات رویتی یا حسابات جاری از این

^۱ صفحه ۵۵ لکچرنوت داکتر محمد نعیم اسد استاد و رئیس اسبق دانشگاه هرات

ناحیه اینست که بانکها اگر بصورت دسته جمعی عمل کنند میتوانند پول کتبی خلق کنند البته برای خلق پول کتبی محدودیت های از طرف بانک مرکزی وضع میگردد.

این که چگونه خلق پول کتبی یا ضربت فزاینده پول (Multiplier Money) توسط نظام بانکی صورت میگیرد موضوع بس جالت و در عین زمان پیچیده ی است و ظاهراً بیشتر به کار روایی ها در فلم های تخیلی میماند که چگونه بانکهای تجارتي به آسانی هرچه تمام قادر میگردند که از یک واحد پولی دریافتی از طریق حسابات جاری چندین برابر آن را پول مجازی خلق نمایند و آنرا مورد معاملات پر منفعت منجمله اعطای وام به نفع شان بکار بگیرند هر چند این موضوع بیشتر در مباحث سیاست پولی مورد مطالعه قرارمیگیرد اما ازینکه در مبحث بانکهای تجارتي و موضوع حسابات جاری قرار داریم بیان فشرده آن خالی از مفاد نخواهد بود بناً موضوع را ازینجا آغاز مینمائیم.

همانطوریکه گفتیم دارائی های رویتی (پول در حسابات جاری نزد بانک) برخلاف پول نقد موجودیت فیزیکی ندارند بلکه فقط یک حق ملکیت است که از طریق ثبت در دفاتر مربوطه حسابات بانکی بشکل کتبی و یا که بشکل الکترونیکی در سیستم محاسبات بانک تجسم مینمایند، بانکهای تجارتي از همین امتیاز استفاده مینمایند و به قدرت کريدتی خویش میافزایند و آن چگونه عملی میشود با یک مثال ساده به موضوع میپردازیم.

در تمام دنیا یک اصل قانونی در مورد سپرده های مردم نزد بانکها وجود دارد که باساس آن بانکهای تجارتي از سرجمع سپرده های مردم باید یک فیصدی معین را بحساب ریزرف قانونی یا (required reserve) rr در بانک مرکزی کشورشان انتقال بدهند مثلاً این رقم هم اکنون در کشورما (۸٪) است. حالا بانکهای تجارتي باقی موجودی حسابات را میتوانند بشکل وام بدسترس متقاضیان قرار بدهند. امر مسلم است که عمدتاً مشتری (وام گیرنده) پول قرضه اش را که از بانک معامله دارش دریافت نموده وارد حساب جاری اش در همان بانک و یا در بانک دیگر میسازد یعنی کمتر وامش را بشکل نقد از بانک دریافت مینماید درین صورت مشاهده مینمائیم که باز هم سیستم بانکی را قادر میسازد که از همان قرضه که حالا شامل حساب جاری مشتری یا کسی دیگری شده است بار دیگر قرضه اجرا نماید

ولی هر دفعه بخاطر وضع ریزرف قانونی از حجم مبلغ وام قابل توزیع کاسته میشود در حالیکه در مجموع به حجم کریدت های جدید یا خلق پول افزایش رونما میگردد این کار ادامه میآید تا زمانی که مجموع امانات جدید خلق شده ناشی از مبلغ اولی به عکس نسبت ریزرف قانونی برسد و مجموع ریزرف قانونی معادل سپرده اولی گردد البته بعد ازین مرحله خلق پول از همین سپرده قطع میگردد تا موج دیگری (سپرده جدید) که این تعادل را بهم بزند.

۵.۲ بانکهای اختصاصی (Specialized Banks)

تخصص و تخصص گرایی عبارت از تمرکز علمی و حرفوی بالای یک بخش مشخص بخاطر بهترین شدن و بهینه بودن در آن رشته خاص میباشد. انگیزه تخصص گرایی موجب گردیده تا یک تعداد بانکها نیز ساختار و فعالیت های خویش را بالای بخشهای بخصوص متمرکز سازند و عملکرد شانرا روی عرضه خدمات بانکی در یک سکتور خاص بسیج نمایند. درین نوع بانکها ما داریم بانکهای صنعتی، بانکهای زراعتی، بانکهای صادرات و واردات، بانکهای مسکن و...

در کشور ما قبل از سال ۱۳۸۲ خورشیدی از نوع بانکهای تخصصی سه بانک در عرصه های مسکن و رهن، زراعت و مالداري و صنعت بنام های بانک انکشاف رهنی و تعمیراتی، بانک انکشاف زراعتی و بانک انکشاف صنعتی با پیشینه خوب خدمات بانکی در کشور وجود داشتند که با تنفیذ قانون جدید بانکداری (قوس ۱۳۸۲ خورشیدی) در کشور و پیروی استندرد های سختگیرانه اقتصاد بازار متأسفانه این بانکها که در اثر جنگهای ویرانگر داخلی به مشکلات زیاد مواجه شده بودند نتوانستند جواز فعالیت شانرا از بانک مرکزی کشور کسب نمایند بناً ظالمانه تحت تصفیه قرار گرفتند و نابود گردیدند. در حال حاضر با توجه به ساختار اقتصادی کشور نیاز مبرم به بانکهای تخصصی بخصوص انکشافی در سکتور های زیر بنایی مثل زراعت و صنعت و همینطور در عرصه مسکن احساس میگردد.

۳. سیستم بانکی

اصطلاح سیستم بانکی نه تنها به مفهوم ترکیب بانکها استعمال میشود بلکه سیستم بانکی به مفهوم وسیع آن در برگیرنده مجموعه عناصر متشکله و هماهنگی فعالیتهای بانکها را افاده مینماید که بصورت دسته جمعی در یک اقتصاد ملی و یا جهانی عمل مینمایند چه سیستم بانکی مرکب از انواع مختلف بانکها در یک اقتصاد ملی یا جهانی میباشد.

"در نظریات علوم پولی و بانک داری تحت سیستم بانکی و مالی مجموع بانکهای تجارتي، بانکهای اختصاصی، کسه های پس انداز، کوپراتیف های قرضه و پس انداز، بانک های سرمایه گزاری (Investment Banks)، وسیط های مالی (Brokers)، نهاد های صرفه جوئی (Thrift Institution) و بانک مرکزی در یک اقتصادی ملی تعریف می شود و در سطح جهانی هم میتوان از سیستم بانکی بین المللی صحبت نمود. درحقیقت به مفهوم وسیعتر تمام بانکهای یک سیستم بانکی به نام بانکهای معاملاتی یاد می شود، اما نظر به وظایف بین بانک های معاملاتی که قانوناً وظایف بانک مرکزی را انجام داده نمی توانند و بانک مرکزی تفکیک می شود"^۱.

مسئولیت عمده کنترل سیستم پولی بدوش سیستم بانکی یک کشور است که در راس آن از لحاظ نظارت و اداره سیستم پولی، بانک مرکزی قرار دارد. باید خاطر نشان گردد که سیستم بانکی از یک مملکت تا مملکت دیگر نظر به خصوصیات ملی و شرایط اقتصادی فرق میکند و ما امروز سیستم های گوناگونی را در جهان شاهد هستیم سیستم های بانکی با قوانین مختلف داخلی که تفاوتهای را از نگاه استقلالیت بانک مرکزی، نوع مالکیت بانکها، نوع نظام بانکی از لحاظ بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف و سایر متمایزات در جهان وجود دارند اما در هر حالت سیستم بانکی در هر کشور یک سکتور متشکله را نمایان ساخته و منحیث یک کل در برابر سیاست اقتصادی قرار میگیرد.

^۱ برگرفته از مقاله دوکتور محمد نعیم اسد استاد دانشگاه کابل و رئیس اسبق دانشگاه هرات در مورد نظام بانکی افغانستان

برای این که سیستم بانکی برای انکشاف و رشد اقتصادی ممد واقع شود و هم مردم از خدمات و معاملات بانکی بخوبی مستفید گردند، علایق مشتریان به وجه احسن حفظ گردد، اعتماد سپرده گذاران به بانکها افزایش و محفوظ بماند و از خطرات عدم حصول قروض بانکی جلوگیری بعمل آید، لازم است تا قوانین مربوطه بانکداری و قوانینی که مکمل قوانین بانکداری در جامعه نافذ میباشند یکجا با عملکرد بانکها توسط یک مرجع قوی که معمولاً همان بانک مرکزی یک کشور است بطور جدی نظارت گردد و اقدامات وقایوی برای جلوگیری از مواجه شدن نظام بانکی و بخصوص سیستم مالی یک کشور به مشکلات گوناگون که هر سیستم را تهدید مینماید وقتاً فوقتاً رویدست گرفته شود.

۱.۳. تعریف بانک

بطور ساده گفته میتوانیم که بانک عبارت از موسسه است که بین سپرده گذار و قرض گیرنده واسطه قرار میگیرد به عباره بانک یا بنک (Bank) نهادی است که کسی را که می خواهد پس انداز کند به کسی را که می خواهد قرض کند بحیث یک واصل وصل می نماید و یا کسی را که می خواهد سرمایه گذاری کند به کسی که به آن سرمایه نیاز دارد ارتباط میدهد اما طوریکه این دو طرف همدیگر را نمی شناسند و هیچنوع قرار دادی را بین هم امضا نمی نمایند چون هر یک (سپرده گذار) و (وام گیرنده) فقط بانک را میشناسند و هر کدام با بانک بطور جداگانه عقد قرار داد مینمایند. حالا اگر بانک نمی بود هیچگاه پول های ما زاد سپرده گذار بدست سرمایگذار (وام گیرنده) نمیرسید و بانک باعث گردیده که پول های را کد سپرده گذار که شخصاً نمیتواند بکار اندازد توسط شخص دیگری که استعداد سرمایگذاری را دارد بکار انداخته میشود، درینجا بانک یک واسطه ارزشمندی است که اگر درست کار کند می تواند به رشد اقتصاد یک کشور کمک شایانی نماید. بانک در واقع بسیاری از خطرهای را که در مقابل سپرده گذار است کاهش میدهد زیرا بانک می تواند از وام گیرنده (سرمایگذار) اعتبار سنجی بهتری انجام دهد.

قابل ذکر میدانم که در پهلوی بانکها نهاد های دیگر مالی نیز وجود دارند که این عمل وصل را انجام میدهند مثلاً بازار سرمایه. که شخص می تواند مستقیماً سهام شرکت ها را از آن بخرد و سرمایه اش را در اختیار یک شرکت (سرمایگذار) قرار دهد که با آن کار کند یا صندوق های بازنشستگی و کاری که تامین اجتماعی قرار است انجام دهد که البته جزئیاتش موضوع این نوشته نیست. اما جذاب خواهد بود که بدانیم هر کدام چه تفاوتی با دیگری دارد اما همه این نهادهای مالی در یک چیز مشترک هستند و آن این است که یک نهاد مالی قرار است یک طرف را که سرمایه در اختیار دارد به طرفی دیگری که به آن سرمایه نیاز دارد وصل کند.

پس بانک از دیدگاه یک واسطه مالی اساسی ترین کاری که میتواند به مشتریانش انجام دهد همین قرار گرفتن بین سپرده گذار و وام گیرنده است که قبلاً گفتیم اما در عمل امروز بسته عملیات بانکها متنوع شده و بانکها فعالیتهای گسترده تر و پیچیده تری را انجام میدهند. با یک دید گسترده تر باید بگوئیم که بانک نهادی اقتصادی است که وظایفی چون تجهیز و توزیع اعتبارات، عملیات اعتباری، عملیات مالی، صدور اسناد تضمینی، خرید و فروش ارزها، نقل و انتقال وجوه، وصول مطالبات اسنادی و سود سهام مشتریان، پرداخت بدهی مشتریان، قبول امانات، نگهداری سهام و اوراق بهادار و اشیای قیمتی مشتریان، انجام وظیفه قیمومیت و وصایت برای مشتریان، انجام وکالت خریدها و فروش وسایر و ظایف مجاز را بر عهده دارد.

با توجه به ریشه لغوی واژه بانک اجماع نظر واژه شناسان بر این است که واژه بانک از زبان فرانسوی میانه (banque) که این کلمه نیز از واژه ایتالیایی قدیمی banca و در نهایت از واژه آلمانی بسیار قدیمی bank، banc، bench.counter گرفته شده چه در دوره رنسانس (سده های ۱۵ و ۱۶ میلادی)^۱ صرافان میزها یا شمارش گر های مبادله شانرا

^۱ رنسانس به دوره تجدد یا نوزایی یادوره تجدید حیات در تمامی ابعاد زندگی بشر گفته میشود. رنسانس آغازگر دورانی از انقلاب علمی، فرهنگی، اقتصادی با اصلاحات مذهبی در اروپا شد و رنسانس، یک تحول ۳۰۰ساله است که از فلورانس در ایتالیا آغاز شد و به عصر روشنگری در اروپا منجر گردید

در فلورانس (شهر فلورانس خاستگاه رنانس ایتالیایی و در سده‌های میانه فلورانس کانون بازرگانی و امور مالی اروپا بوده است) برای تبدیل پول و سایر معاملات مالی مورد استعمال قرار می‌دادند که مذاکرات و مبادلات شان را پشت میزهایی انجام می‌دادند و این میزها را بانام (banco) مینامیدند که میتواند ریشه خوبی برای واژه بانک باشد. در یونان قدیم باین میزهای صرافان (تراپزا) Trapeza میگفتند حتی در یونان امروزی واژه تراپزا نیز مفهوم میز را میرساند.

رود ولف شقوکن بانک را چنین تعریف نموده "بانکها عبارت از واحدهای اقتصادی میباشدند که منحصراً معاملات منظم قرضه گرفته و قرضه میدهند"^۱ بانک موسسه ای خدمات مالی است که جمع آوری سرمایه های سرگردان مردم و تخصیص منابع و مصرف بهینه آن در جهت سیاستهای کلی اقتصادی یک کشور با ابزار های پولی و اعتباری و همچنین تسهیل در پرداختها و انجام سایر خدمات بانکی را در چارچوب قوانین و مقررات فراهم میسازد. در یک تعریف دیگر آمده است که "بانکها موسساتی هستند که پس اندازکنندگان و قرض گیرندگان را واسطه میگردند و برای سهولت فعالیت های اقتصادی کمک و اطمینان خلق مینمایند"^۲

۲.۳. اهداف بانک:

اهداف یک بانک با در نظر داشت نوع فعالیتش مشخص میگردد که بانک در کدام کتگوری بانکها قرارمیگیرد (بانک تجارتي، بانک اختصاصی، بانک کوپراتیفي و...) و در یک اقتصاد بازار رقابتی هدف نخست هر نهاد اقتصادی کسب مفاد و آنها هم مفاد بیشتر از رقبا است ولی در هر حال بصورت کل میتوانیم اهداف بانک را (به استثنای بانک مرکزی) چنین خلاصه نمائیم:

- کسب مفاد به سهامداران

^۱ صفحه ۱۰ الی ۱۱ کچرنوت بانکداری نوشته دوکتور محمدنعیم اسد رئیس اسبق دانشگاه هرات

- توسعه فرهنگ کسب و کار خصوصی
- بسط و گسترش بازار و افزایش روزمره انواع فعالیتهای اقتصادی
- تجهیز و تخصیص بهینه منابع و هدایت آنها به جانب فعالیتهای مولد در سکتورهای مختلف
- ارائه خدمات پولی کارآمد به دارندگان منابع مالی و کارآفرینان
- توسعه، عرضه و خلق ابزارهای نوین بانکی و شناسایی و اجرای شیوههای جدید تجهیز و تخصیص منابع
- بهره برداری و استفاده بهینه از فرصتهای محیطی، جهت حفظ و افزایش سرمایههای مشتریان و سهامداران
- فراهم آوردن سود بالاتر برای سپرده گذاران
- کسب اعتبار و حسن شهرت برای بانک در کلیه فعالیتهای و ایجاد زمینههای لازم جهت رشد کمی و کیفی بانک
- سبقت از رقبا در بازار پول و سرمایه از طریق شناسایی فرصتها و تهدیدها و بهره برداری مناسب و بهینه فرصتها
- جلب اعتماد مردم و رضایت مندی مشتریان
- جذب سرمایه و اندوختههای سرگردان و بکارگیری آن در تأمین مالی بخشهای مختلف اقتصادی
- فعالیت و مشارکت در رشد و شکوفایی اقتصادی کشور
- ارائه خدمات نوین بانکی به مردم با دقت، سرعت و سهولت، به منظور رفاه حال و صرفه جویی در اوقات مشتریان
- درپهلوی اهداف بالا در دنیای امروزی هدف تأمین خدمات نوین الکترونیکی به مشتریان در جهت کاهش هزینههای خدمات بانکی و صرفه جویی در وقت مشتری در صدر اهداف

خدمات مشتریان قرار دارد و همینطور گذر از شعار (حق با مشتری است) به شعار (مشتری ذات بانک است) هدف بالاتر.

البته اهداف فوق بیشتر به بانکهای معاملاتی مطابقت دارد نه یک بانک مرکزی چون اهداف بانک مرکزی بیشتر متوجه شاخص های کلان اقتصاد ملی است چون ثبات قیمت، افزایش سرمایه‌گذاری، نرخ رشد اقتصادی، اشتغال، و درکل افزایش تولید ناخالص داخلی، توسعه اقتصادی و تأمین رفاه عامه است. درین بحث لازم خواهد بود بانکها از لحاظ نوعیت آنها بشکل بسیار فشرده معرفی گردند.

فصل چهارم

تاریخچه بانک و بانکداری در افغانستان

پیش نویس:

جغرافیای افغانستان امروزی با وجود پیش زمینه بسیار قوی تاریخی، فرهنگی اقتصادی، در مسیر تاریخ دستخوش بسا حوادث ناگوار گردیده است طوریکه بارها مدنیت های درخشانش فروپاشیده و بر خاکستر آن باری مدنیت دیگری بنا گردیده است. تاریخ صد سال گذشته افغانستان که درین محدوده زمانی بانک و بانکداری در کشور ایجاد شده است نیز در برگیرنده جریانات گوار و ناگوار است که کمتر در آن سیر طبیعی تحول و پیشرفت تجربه گردیده و این باعث شده تا هر روز فاصله ما از قافله پیشرفت جهان زیاد و زیاد تر شده برود. درینصورت تاریخچه بانکداری در افغانستان نیز یک تاریخچه منحصر به فرد میباشد. بانکداری در کشور ما سابقه نود ساله دارد بنا بانکداری در افغانستان را نمیتوان یک پدیده نو ظهور و جوان دانست هر چند اولین بانکها در جهان در آغاز قرن ۱۷ میلادی در اروپا پایه عرصه وجود گذاشتند. بدون شک تاریخچه بانکداری در افغانستان در مقایسه به پیشینه این صنعت در جهان کوتاه است اما خدماتی که اولین بانکهای کشور از آغاز تاسیس اولین بانک در کشور الی دهه (۷۰ خورشیدی) به مردم انجام داده اند تقریباً در سطح عرضه خدمات بانکی بین المللی و هم طراز کشور های همسایه ارزیابی میگردد. با دریغ که نظام بانکی ما درین دهه هفتاد خورشیدی دستخوش حوادث ناگوار گردید(جنگهای داخلی بخصوص در شهر کابل) و آنچنان آسیب را بخود دید که تا به سرحد سقوط قطعی رسید (در فصل چهارم این کتاب وضعیت بانکداری افغانستان در دوره های گوناگون مورد مطالعه و ارزیابی قرار داده شده است).

با وجود اینکه تاریخچه بانک و بانکداری در افغانستان با تاسیس بانک ملی پیوند خورده است اما نکته که جالب توجه است اینست که قبل از تاسیس بانک ملی، در زمان امان الله خان نیز اقدام به تاسیس بانک شده بود که درین مورد تاکنون به ندرت تماس گرفته شده و اندک نوشته های در زمینه بدسترس میباشد. داکتر ویکتور گریگوریوویچ کارگون افغانستان شناس روسی در کتابش بنام "افغانستان در سال های بیست و سی قرن بیستم" مینگارد که امان الله خان در زمان زمامداری اش تحت تاثیر مفکوره سیستم اقتصاد پلان مرکزی شوروی که تازه در آن انقلاب سوسیالیستی صورت پذیرفته بود قرار گرفته بود و سخت تلاش داشت تا سهم سرمایه ملی داخلی در مناسبات تجاری و تشبثات داخلی افزایش یابد.

در اواخر سال ۱۲۹۹ هجری خورشیدی مطابق ۱۹۲۰ میلادی باشتراک نمایندگان طبقه حاکم شرکت های امانیه به سرمایه یکنیم ملیون افغانی در شهر کابل، شرکت قمر به سرمایه پنجصد هزار افغانی در شهر هرات، شرکت برادران افغان و اتحادیه ترانسپورتی هر یک با سرمایه پنجصد هزار افغانی در شهر قندهار و شرکت ثمر به سرمایه پنجصد هزار افغانی در بلخ تاسیس گردیدند که بعداً همچنان شرکت های متعددی ایجاد شدند اما تاجران در سهم گیری با این شرکت ها به دلیل عدم تضمین سرمایه خصوصی و نداشتن استقلال اقتصادی شان چندان علاقمندی نشان نمیدادند.

همین نویسنده در کتابش مینگارد: "حکومت به تاسیس بانک دولتی علاقمندی از خود نشان داده اما برای تاجران ایجاد بانک خصوصی را تجویز نکرد تاسیس بانک دولتی از پندار به عمل تحقق پذیرفت و حتی شخصی بنام احمد جمال بای بحیث رئیس آن مقرر گشت اما این تصمیم از طرف بورژوازی تجارتي مورد حمایت و پشتیبانی قرار نگرفت زیرا که آنان به استفاده از سرمایه شان از سوی دولت اطمینان و اعتماد نداشتند^۱". اینکچه چرا تا اخیر دوره امانی دوباره اقداماتی در رابطه به تاسیس بانک از طرف دولت و یا بخش خصوصی صورت نپذیرفت سوالیست درخور توجه که فکر میشود بیشتر به جریانات سیاسی وقت از یکطرف یعنی گرایش ها به سمت اتحاد جماهیر شوروی که در آستانه دهه نخست انقلاب کبیر اکتوبرش (۱۹۱۷ میلادی) بود و از جانب دیگر حضور بریتانیای کبیر در شبه قاره هند (سرحدات جنوب شرقی افغانستان) و نفوذش در افغانستان تازه به استقلال رسیده بی ارتباط نباشد. استقلال افغانستان در ۱۹۱۹ میلادی برای کشور شورا ها (اتحاد جماهیر شوروی) که در سال دوم تاسیس خویش قرار داشت مژده بزرگی بود از امان الله خان رسماً دعوت شد تا به مسکو سفر نماید و این سفر با اعزاز و اکرام و تفویض لقب شهزاده انقلابی به امان الله از جانب ولادیمیر ایلیچ لینن و تحفه های چون الات و ابزار زراعتی و پشتیبانی و وعده های همکاری همراه بود بدین لحاظ بخش خصوصی افغانستان که بیشتر ارتباط تجارتي شان با دنیای غرب بود محافظه کارانه عمل میکردند و به برنامه های دولت اعتماد چندانی نداشتند. بعداً امان الله خان در سالهای اخیر سلطنت خود رو به طرف غرب نمود

^۱ صفحه ۴۲ کتاب افغانستان در سال های بیست و سی قرن بیستم نوشته داکتر ویکتورگ ریگورویچ کارگون افغانستان

و در سفر تاریخی خویش به کشورهای اروپایی و اقدام به اصلاحات و ریفورم های شتاب زده زمینه نارضایتی ها در کشور فراهم گردید بهر صورت این همه موارد میتوانست موجب عدم اقدامات دولت و بخش خصوصی کشور برای تاسیس بانک گردد. بخش خصوصی به خاطر عدم اعتماد به دولت که گرایش های سوسیالیستی اش به خوبی احساس میشد و دولت هم بدلیل اینکه تجار و سرمایهگذار از بانک دولتی استقبال نخواهند کرد.

با این حساب آغاز مفکوره بانک و بانکداری و اقدامات عملی در جهت تأسیس اولین بانک کشور به دوره شاه امان الله ارتباط میگیرد نه دوره نادرشاه اما متأسفانه اسنادی درین زمینه تا هم اکنون بدسترس نمی باشد و شاید هم به دلایل سیاسی نابود گردیده باشد زیرا جعل، حذف، تحریف و مبالغه در تاریخ فراوان است و باز درین سر زمین بیک امر عادی تبدیل شده است. روی این اساس از تاسیس اولین بانک در افغانستان که توسط دولت بدون سهم گیری بخش خصوصی در زمان شاه امان الله صورت گرفته است کمتر در کتاب ها و مقالات اقتصادی انعکاس یافته است.

در ابتدای دوره نادرشاه (۱۳۰۸ خورشیدی مطابق به ۱۹۲۹ میلادی) به اثر جنگهای مکرر و تخریب دارایی های دولت خزانه حکومت تهی گردیده بود اکثراً شرکت های که در دوره امانیه تاسیس شده بودند تعطیل گشتند البته بحران جهانی ۱۹۳۰ میلادی نیز روی اقتصاد افغانستان در چنین حالت بی تأثیر نبوده است چه صادرات کشور که عمده آن پوست قره قل بود از ناحیه عدم فروش و نرسیدن به موقع پول قیمت صادرات به کشور شدیداً زیان مند گردید بناً نیاز مبرم احساس میشد تا یک نهاد قوی مالی و اقتصادی ایجاد شود تا بتواند جریان تجارت خارجی را سر و سامان و تحکیم بخشد و از همه مهمتر تشبثات داخلی را حمایت نماید. حکومت "درین سال (۱۹۳۰ میلادی) ب فکر تاسیس یک نهاد مالی اعتباری گردید تا در بازار تجارت و همچنین در رابطه به جریان پول کنترل و نفوذ داشته باشد. در جنوری سال ۱۹۳۱ (مطابق برج قوس ۱۳۰۹ خورشیدی) در تاسیس شرکت سهامی افغان به سرمایه ۵ میلیون افغانی که ۴.۵ میلیون افغانی سهم دولت وقت و نیم میلیون افغانی سهم تجار بود اهتمام به خرج داده شد که از جمله یک تن تاجر بنام عبدالمجید خان زابلی که بیشتر مصروف تجارت بین افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی وقت بود و از جانب محمد هاشم خان صدراعظم که در دوره امان الله خان سفیر افغانستان در مسکو بود تشویق و حمایت میشد در پهلوی دو تن تاجر هراتی دوست محمد خان ایماق و غلام حیدر

خان مختار زاده در ایجاد این شرکت نقش عمده به عهده گرفتند.^۱ در آن زمان عبدالمجید زابلی دوست نزدیک محمد هاشم خان (صدراعظم دوره محمد نادرشاه) رو نوشتی برای انکشاف اقتصادی افغانستان به صدراعظم داد تا از آن طریق برای شاه برساند هسته مرکزی این برنامه عبارت بود از تاسیس یک موسسه تجارتي مختلط باشترک سرمایه دولت و سرمایداران خصوصی به غرض انتقال بازار واردات و صادرات افغانستان از کشور های همسایه به ممالک مبدأ و مرجع با تهیه مواد مورد احتیاج دولت از یک دست در مرحله اول و ایجاد صنایع مواد مصرفی مورد نیازمندی عامه مثل پارچهء نخی و شکر و غیره در مرحله بعدی، برای این منظور پیشنهاد کرد تا دولت انحصار معاملات اسعاری و واردات شکر و مواد نفتی، موتر و احتیاجات دولتی را با انحصار صادرات پشم، پنبه، پوست قره قل و استخراج معادن به شرکت مذکور واگذار نماید و در مقابل شرکت علاوه بر گسترش تجارت به تاسیس صنایعی که در بالا یاد شد اقدام کند^۲. بدین ترتیب زمینه برای تاسیس موسسه مالی چون بانک توسط سکتور خصوصی فراهم گردید که بعد همین شرکت سهامی بنام بانک تغییرنام مینماید.

برای آشنایی با بانک و نظام بانکی در افغانستان بانکهای که در کشور ما از آغاز تا اکنون تاسیس گردیده اند به ترتیب تاریخ تاسیس معرفی مینمائیم.

(۲۱) صفحات ۴۱۸ و ۴۱۹ کتاب افغانستان در پنج قرن اخیر نوشته میر محمد صدیق فرهنگ

۱ بانک ملی:

بلی در افغانستان همان طوریکه گفته شد عملاً بانک، نخست توسط بخش خصوصی به همت تجار و سرمایه‌داران داخلی و بعد سهمگیری دولت ایجاد شد طوریکه ابتدا شرکت سهامی افغان در (سال ۱۳۰۹ خورشیدی) به مقصد انجام معاملات کردتی، مالی و اسعاری ایجاد گردید و چون در آنزمان در مورد کلمه بانک یک ذهنیت منفی در بین مردم وجود داشت چنین فکر میشد که اگر در اقدام نخست نام بانک بالای این موسسه گذاشته شود شاید به مزاق اکثریت سازگار نباشد. قابل ذکر است که در آن زمان معاملات پولی به ویژه معاملات ارزی عمدتاً توسط اهل هنود، سیک و یهودی های افغانستان انجام میشد و به ندرت مسلمانان دست به انجام چنین معاملات میزدند زیرا ذهنیت مردم در مورد معاملات پولی چه پول داخلی و چه پول های خارجی طوری بود که اکثر این چنین معاملات را حرام میدانستند. روی این دلایل زابلی و شرکای مالی اش نتوانستند در ابتدا این سرمایه‌گذاری را به نام بانک معرفی نمایند ولی شرکت مذکور از همان آوان تأسیس وظایف یک بانک تجارتي را انجام میداد و زمینه را فراهم نمود تا مردم به ویژه تجار از خدمات اسعاری، اعتباری و انتقالات پولی این موسسه به خوبی بهره مند گردند.

به مرور زمان با آشنایی مردم به خدماتی که این شرکت عرضه می نمود و استفاده مردم از سهولت های که در حقیقت امر (خدمات بانکی بودند) در امر تجارت، انتقالات پول، تبادل ارز و استفاده از سایر فرآورده های مالی، ذهنیت ها کم کم مثبت و آماده گردید و افکار عمومی آهسته آهسته به خدمات بانکی آشنا شد تا اینکه "این بانک با سرمایه ابتدایی ۹,۶ میلیون افغانی به فعالیتهای بانکی خویش شروع نموده که از جمله این سرمایه (۷۲) فیصد آن مربوط سکتور خصوصی و (۲۸) فیصد آن مربوط سکتور دولتی بود"^۱

روز نهم ثور سال ۱۳۱۲ خورشیدی (۱۹۳۳ میلادی) نه تنها تاریخ اعلان موجودیت بانک ملی است بلکه آغاز عملیات رسمی بانکی در کشور میباشد از همین رو تاریخچه بانکداری در افغانستان بیشتر با تاریخچه بانک ملی گره خورده است بناً بهتر خواهد بود که به عنوان

^۱ وبسایت رسمی بانک ملی

اولین بانک که در کشور ما توانست به فعالیت های بانکی بپردازد بیشتر به چگونگی ظهور و فعالیت های آن بانک بپردازیم.

بانک ملی افغان که میتوان آنرا مادر بانکهای افغانستان نامید با بهترین طرح ریزی و تهیه امکانات از لحاظ سیستم محاسبات پیشرفته وقت، وسایل میکانیزه محاسبات، مدیریت مسلکی و تخصصی، عرضه پیشرفته ترین خدمات بانکی و تأمین ارتباطات با جهان خارج پا به عرصه وجود گذاشت. این بانک توانست به تدریج ارتباطات بین المللی اش را از طریق تاسیس نمایندگی هایش در اروپا (شهر هامبورگ جرمنی)، (شهر لندن انگلستان)، در امریکا (شهر نیویارک ایالات متحده امریکا) و نمایندگی های بارچالانی اش را در آسیا (شهرهای کراچی، چمن و پشاور پاکستان) تأمین نماید و از مسیر این نمایندگی ها به آسانی ارتباطات مشتریانش را با جهان خارج برقرار سازد. بانک ملی با راه اندازی نمایندگی های فوق توانست که الگو و سرمشق بانکداری در کشور گردد. دیگر تجار افغانی مجبور نبودند از طریق تجار کشور های همسایه کار و معامله نمایند با تأسیس نمایندگی های بانک ملی در خارج و ارتباطات وسیعی که این بانک با بانکهای معتبر جهان داشت تجار افغانستانی بخوبی میتوانستند تجارت شانرا در بازار های دنیا در دست اول انجام دهند و ازین طریق مستفید گردند به صراحت گفته میتوانیم که بانک ملی در سال های آغاز تولدش نظام تجارت خارجی مدرن را به کشور معرفی و متداول ساخته با تأسیس نماینده گی هایش در خارج و داخل بستر تجارت ارزان، مطمئن و سریع را از طریق شبکه بانکی جهانی به تجار کشور به ویژه صادرکنندگان اقلام صادراتی چون تولیدات صنایع دستی روستایی از قبیل قالین و گیم، پوست قره قل، پشم، میوه خشک و سایر اقلام مجاز صادراتی مهیا نمود. بانک ملی بر علاوه ایجاد سهولت در عرصه بین المللی که برای صادرات و واردات کشور فراهم آورده بود در دهه های چهارم و پنجم قرن بیستم میلادی شرایط و زمینه های هسته گذاری اولین نهاد های صنعت میکانیزه را در کشور از جهت تمویل سرمایه، رهنمایی سرمایه، مدیریت و ارتباطات آنها فراهم نمود که نمونه های مهم آن نساجی گلپهار، نساجی پلخمری، نساجی جبل السراج، قند سازی بغلان، شرکت سپین زر کندوز و غیره هستند.

در نخست برای بانک ملی دو هدف یعنی استقرار نرخ پول داخلی و اعطای کریدت به سکتور تجارت معین شده بود. زیرا با تأسیس بانک ملی نشروپول از جانب دولت به عهده این بانک گذاشته شد (قبل از آن پول توسط وزارت مالیه تهیه و نشر میشد) و همینطور این

بانک عهده دار استقرار نرخ تبادل پول افغانی گردید. ما از سیاست پولی و ابزاری که بانک ملی در آن زمان برای استقرار نرخ پول داخلی بکار برده است کدام اسنادی به دسترس نداریم اما استقرار و ثبات پولی دوره گرداندگی سیاست پولی که توسط این بانک اعمال شده است بیانگر اینست که بانک سیاست های معقول را برای ثبات نرخ تبادل پیش گرفته بوده است همین طور این بانک توانسته است در حصه هدف دومش در تمویل تجارت به ویژه تجارت خارجی کشور و همچنین تهیه سرمایه برای سکتور نو پای صنایع اهتمام بخرچ دهد تا جائیکه به نقل از صفحه (۴۳۸) کتاب افغانستان در پنج قرن اخیر نوشته میرمحمد صدیق فرهنگ) بانک ملی یک سلسله صنایع را چون قندسازی بغلان (با ظرفیت ۵ هزار تن در سال) و نساجی پلخمري (۱۲ میلیون متر پارچه در سال) را در سال ۱۳۱۸ خورشیدی مطابق ۱۹۳۹ میلادی به کمک کشور آلمان ایجاد و حمایت نماید همین طور سرمایه گذاری های قابل ملاحظه در ایجاد صنایع نساجی گلبهار (با ظرفیت ۳۵ میلیون متر پارچه در سال)، کارخانه تولید سمنت جبل السراج و راه اندازی دستگاه آبی تولید برق چک وردک (با ظرفیت ۴ هزار کیلووات برق)، دستگاه تولید برق پلخمري (با ظرفیت ۹ هزار کیلووات)، دستگاه تولید برق آبی سروبی (با ظرفیت ۲۲ هزار کیلووات) انجام داد. سرمایه گذاری های این بانک تنها در ساحه صنایع و تولید برق محدود نماند بلکه در سکتور زراعت و مالرداری نیز کارهای ارزنده ی صورت گرفت از جمله ترویج زراعت پنه در نقاط مختلف سمت شمال کشور و تأسیس شرکت پوست قره قل را میتوان نام برد. به قول وارتان گریگوریان "در بین سالهای ۱۹۳۳ و ۱۹۴۶ بانک ملی موفق شد تا بخش بزرگ سرمایه خصوصی را در کشور جلب کند و تقریباً در ۵۰ شرکت سهامی تجارتي و صنعتی سرمایه گذاری نماید..."^۱

طوریکه گفته شد در بخش تجارت کار عمده که صورت پذیرفت این بود که انتقال بازار تجارت از کشورهای همسایه به کشورهای مبدأ یعنی اتصال افغانستان از تجارت دست دوم و سوم بدست اول میسر گردید چه تا آن زمان تجار ما به دلیل نبود پل ارتباط مالی، بارچالانی و بازاریابی نمی توانستند مستقیماً نیازهای تجارتي شان را (امور صادرات و واردات) از کشورهای مبدأ برآورده بسازند و ناگزیر بودند تا از طریق تجار سایر کشورهای یعنی دست دوم و سوم معاملات تجارتي شان را انجام بدهند.

^۱ صفحه ۴۳۸ افغانستان در پنج قرن اخیر - نویسنده میر محمد صدیق فرهنگ

(تجارت دست دوم و سوم بدین معنی است که تجار یک کشور مستقیماً به بازارهای اصلی یا مبدأ تماس برقرار نموده نمی توانند و یا به عباره دیگر قادر نیستند با تولیدکنندگان و یا اجنسی های بزرگ فروش در خارج عقد قرارداد نمایند درین حالت تجار ناچار میگردند که تجارت شان را از طریق تجارکشور های همسایه و یا سایر کشور ها به پیش ببرند). در آنزمان (قبل از تأسیس بانک ملی) تجار افغانی ناچار بودند معاملات تجارتی شان را بیشتر از طریق تجار هندی و تجار سایر کشور های منطقه به طور غیر مستقیم انجام دهند که در این صورت قیمت تمام شد اقلام صادراتی شان در بازار های جهانی افزایش میافت و از توانایی رقابتی شان میکاست و همچنین در بخش واردات اقلام که وارد کشور می نمودند به قیمت گزاف تمام میشد که در هر دو حالت موجب کاهش ذخیره ارزی کشور و بلند رفتن قیمت کالاها در داخل میگردد. و در بخش اقلام بزرگ صادراتی کشور بانک ملی توانست بازار فروش پوست قره قل، قالین و گلم درلندن و نیویارک را مدیریت نماید و همینطور انحصارات پترول و شکر. اما بانک ملی برای اولین بار این امکانات را در ساحه تجارت خارجی به تجار آماده ساخت و این امر باعث گردید قیمت کالای وارداتی که بیشتر کالا های سرمایوی بودند ارزان تر تمام شود و قیمت کالای صادراتی ما که بیشتر منشأ زراعتی-مالداری داشتند و همینطور فرآورده های صنایع دستی چون قالین و گلم گرانتر در بازار های خارجی بفروش برسد جدول زیر نشان دهنده وضعیت خوب تجارت خارجی کشور را طی یک دهه (۱۳۱۸ خورشیدی) الی (۱۳۲۷ خورشیدی) مطابق (۱۹۳۹ الی ۱۹۴۸ میلادی) نشان میدهد^۱

^۱ صفحه ۴۶۵ کتاب افغانستان در پنج قرن اخیر اثر میر محمد صدیق فرهنگ

اقلام به ملیون دالر امریکایی

| شماره | سالها | صادرات | واردات | +/- |
|-------|-------|--------|--------|-------|
| ۱ | ۱۳۱۸ | ۳۴.۲ | ۲۷.۷ | +۶.۵ |
| ۲ | ۱۳۱۹ | ۴۱ | ۳۲.۸ | +۸.۲ |
| ۳ | ۱۳۲۰ | ۳۷ | ۴۲.۷ | -۵.۷ |
| ۴ | ۱۳۲۱ | ۱۷.۴ | ۲۶.۵ | -۹.۱ |
| ۵ | ۱۳۲۲ | ۳۵ | ۲۳.۷ | +۱۱.۳ |
| ۶ | ۱۳۲۳ | ۴۴.۲ | ۲۵.۶ | +۱۸.۶ |
| ۷ | ۱۳۲۴ | ۵۶.۵ | ۴۸.۲ | +۸.۳ |
| ۸ | ۱۳۲۵ | ۶۰ | ۵۳ | +۷ |
| ۹ | ۱۳۲۶ | ۵۴.۲ | ۵۰ | +۴.۲ |
| ۱۰ | ۱۳۲۷ | ۵۵ | ۵۳ | +۲ |

آمار بالا که درحقیقت حالات بیلانس تجارت کشور را در جریان ده سال نشان میدهد هر چند شش سال جنگ دوم جهانی (۱۹۴۵-۱۹۳۹ میلادی) را نیز در بر دارد بآن هم رشد تجارت کشور را به ویژه در بخش صادرات با ثبات میرساند(به استثنای سال های ۱۳۲۰

و ۱۳۲۱ خورشیدی(مطابق ۱۹۴۱ و ۱۹۴۲ میلادی) که در وسط جنگ دوم جهانی قرار دارد به دلیل جنگ در اروپا افت صادرات را درین قاره داریم) در هرصورت بانک ملی یک انقلاب را در ساحه تجارت خارجی کشور بوجود آورد که تا سالیان متمادی این بانک درین عرصه پیشگام ترین بانک در افغانستان بوده است.

بانک ملی افغان ساختار بانکداری را در کشور معرفی نمود و در عمل کارآیی بانک را در اقتصاد کشور به اثبات رساند این بانک الی تاسیس دافغانستان بانک که شش سال بعد درسال (۱۳۱۸ خورشیدی) اتفاق افتاد وظایف بانک مرکزی را نیز پیش میبرد، بانک ملی طی دوره کاری اش دارای شهرت نیک بوده و توانست اعتماد مردم را بخود جلب نماید و

در سطح ملی و بین المللی از نام نیک برخوردار باشد. "این بانک در سال ۱۳۵۵ خورشیدی توسط دولت وقت کاملاً ملی اعلان شد".^۱

۲. دافغانستان بانک:

در آغاز این فصل در تاریخ بانکداری جهان گفته شد که سده نهم میلادی زمینه ساز تخنیک مدرن بانکی در جهان بود طوری که بانک ها قادر گردیدند چک، اسناد تبادلی قابل انتقال، بانکوت و غیره ابزار تبادلی و تصفیه حساب ها را بکار اندازند و ازین ابزار در مرادات روز مره استفاده نمایند. با این وسایل بانکها توانستند در قرن ۱۹ در فعالیت های اقتصادی سهم بارزی گرفته و حتی این فعالیت را رهنمائی کنند. همان طور گفته شد دولت ها نیز متوجه گردیدند که حجم بزرگ فعالیت های اقتصادی از مجاری بانک ها تحقق میپذیرد بناً در مسایل بانکی مسئولیت خود را درک کرده برآن شدند تا در کنترل نشر پول و رهنمایی قروض منحیث یک مسئولیت بزرگ مداخله نمایند و این مداخله از طریق یک بانک دولتی امکان پذیر بود تا با انحصار نشر پول بتواند متغیر های اقتصاد ملی را در راه رشد و توسعه اقتصادی و همین طور جلوگیری از رکود و بحران هدایت نماید. روی این دلایل بانک های مرکزی به وجود آمدند زیرا به تجربه به اثبات رسیده بود که رسیدن به این اهداف بزرگ اقتصادی بدون موجودیت بانک مرکزی امکان پذیر نیست بدین ترتیب همکاری های دول از طریق بانک های مرکزی در مسایل بین المللی بیشتر گردید.

در افغانستان بانک ملی از شروع کار در پهلوی فعالیت های بانکی اش در سکتور های مختلفه وظایف نشر پول و بانکدار دولت را نیز به عهده داشت، دولت افغانستان از طریق بانک ملی در سال ۱۳۱۴ خورشیدی موفق به نشر بانک نوت گردید به این اساس از بانک ملی میتوان به عنوان اولین بانک ناشر پول در افغانستان نام برد اما ازین که سهم، اهمیت و نقش دولتها در امور پولی و بانکی در سایر کشور ها تجربه گردیده بود در کشور ما نیز نیاز به تأسیس بانک مرکزی احساس میشد تا دولت بتواند از طریق آن نشر پول و ثبات آنرا تأمین نماید. تا اینکه دافغانستان بانک در (هفتم برج دلو سال ۱۳۱۸ خورشیدی مطابق به

^۱ وبسایت رسمی بانک ملی www.bma.gov.af

۲۷ جنوری سال ۱۹۳۹ میلادی) به سرمایه ۱۲۰ میلیون افغانی به صفت بانک مرکزی بشکل حقوقی " شرکت سهامی به منظور انکشاف حیات اقتصادی مملکت تأسیس گردید"^۱

" دافغانستان بانک قرار تصویب شماره ۱۵۲ مورخ ۱۳۱۸/۲/۳ مجلس وزراء، تصویب شماره ۱۱ مورخ ۱۳۱۸/۶/۱۹ شورای ملی، تصویب تاریخی ۱۳۱۸/۶/۱۲ مجلس اعیان و منظوری ۱۳۱۷/۵۲۸۰ تاریخی ۱۳۱۸/۱۱/۱۷ حضور شاهانه به سرمایه ابتدائی مبلغ یکصد و بیست میلیون افغانی در پایتخت کشور شهر کابل افتتاح شد که در داخل و خارج کشور با اختیارات و وظایف لازم میتوانست نمایندگی و فروع خود را تأسیس و بانکهای سکتوری را تعیین نماید"^۲

از آن جمله سرمایه ابتدایی این بانک ۷۵ درصد سرمایه توسط دولت تعهد شده و امتیاز خرید بقیه ۲۵ درصد هم باین بانک حفظ گردید در آنوقت دولت ۷۵ درصد سهم دولت افغانستان از بانک ملی به دافغانستان بانک انتقال یافت. در قانون بانکها منتشره ۱۳۵۴ خورشیدی بپیروی از بانک های مرکزی ممالک انکشاف یافته برای دافغانستان بانک شکل حقوقی مخصوص داده شده و بحیث موسسه دولتی شناخته شد از همین لحاظ سرمایه بانک به مبلغ یک میلیارد افغانی ارتقا داده شد و صد در صد متعلق بدولت گردید .

درسایت رسمی دافغانستان بانک فعالیت این بانک به دو مرحله چنین تقسیم بندی گردیده است "در مرحله اول که از سال ۱۳۱۸ الی سال ۱۳۸۰ را احتوا می نماید؛ د افغانستان بانک در قسمت چاپ، ضرب و نشر پول افغانی مطابق به تقاضای بازار، حفظ ارزش پول و امور بانکداری دولتی مصروف بود که در پهلوی این وظایف، امور تجارتي را نیز طبق فعالیت های سایر بانکهای تجاری افغانستان انجام میداد که می توان از افتتاح حسابات پس انداز، حسابات جاری، حسابات میعادی، اجرای قروض به منظور تقویه سرمایه گذاری ها و اجرای سایر قروض در بخش های تجاری یاد آوری کرد. مرحله دوم از سال ۱۳۸۱ آغاز می شود. بعد از تصویب قانون اساسی افغانستان، بانک مرکزی بر اساس ماده دوازدهم این قانون، منحیث یک بانک مستقل در قانون تسجیل گردید و با صلاحیت های که به آن تفویض شد به دستاورد های قابل توجهی در عرصه های گوناگون دست یافت. د افغانستان

^۱ اساسنامه وقت دافغانستان بانک ماده اول

^۲ سایت رسمی دافغانستان بانک www.dab.gov.af

بانک بر اساس قوانین جدید بانکی و مالی تمام امور تجارتي را به بانکهای دولتي و خصوصي واگذار نمود و مسووليت اعطای جواز فعاليت و نظارت از مؤسسات بانکی و مالی را بعهده گرفت. بر اساس قانون د افغانستان بانک، ثبات قيم هدف اوليه و اساسی د افغانستان بانک می باشد و به این منظور طرح، تطبيق و اتخاذ سياست های پولی، سياست ارز و ترتيبات اسعار، چاپ بانکنوت و ضرب مسکوکات از وظایف بانک مرکزی تعيين گردید که در کنار آن طبق قانون به حيث بانکدار و نماینده مالی دولت، نهاد صدور و ثبت جواز فعاليت بانکها، صرافان و عرضه کنندگان خدمات پولی و اسناد بهادار و سیستم پرداخت مصون و سالم نیز فعاليت می نماید"

دیدگاه و ماموریت (Vission&Mission) و همينطور اهداف و وظایف (Objectivs&Duties) د افغانستان بانک در سایت رسمی اش چنین تعريف گردیده است:

۱.۲ دیدگاه:

دیدگاه د افغانستان بانک عبارت است از دیدگاه یک نهاد پولی است که بهترین شیوه ها و دستورالعمل های بین المللی را در ساحه تحکیم ثبات قيم و ایجاد نظام سالم مالی به منظور تأمین ثبات اقتصاد کلان کشور، انکشاف سکتور خصوصي و رشد فراگیر اقتصادی فراهم می نماید.

۲.۲ ماموریت:

ماموریت د افغانستان بانک عبارت از تحقق ثبات قيم و ایجاد نظام مستحکم مالی می باشد.

۳.۲ اهداف:

هدف عمده د افغانستان بانک عبارت از تأمین و حفظ ثبات قيمت های داخلی است، سایر اهداف د افغانستان بانک که تابع هدف اوليه آن میباشد، عبارت اند از حمایه سياليت (نقدینه گی)، قابلیت پرداخت دیون، فعاليت مؤثر سیستم ثابت مالی متکی بر اقتصاد بازار و تقويه سیستم پرداخت مصئون، سالم و مؤثر ملی. د افغانستان بانک با در نظر داشت هدف اوليه اش سياست های کلی اقتصادی دولت را حمایه و رشد اقتصادی دوامدار را تقويه مينماید.

۴.۲ وظایف عمده:

وظایف عمده ای د افغانستان بانک عبارت از:

(۱) طرح، اتخاذ و اجرای سیاست پولی افغانستان

(۲) طرح، اتخاذ و اجرای سیاست ارز و ترتیبات اسعار افغانستان نگهداری و اداره ذخایر رسمی اسعار افغانستان

(۳) چاپ، ضرب، و نشر پول کاغذی و مسکوکات فلزی افغانستان

(۴) انجام وظایف منحیث بانکدار، مشاور و نماینده مالی دولت

(۵) صدور یا ثبت جواز، تنظیم و نظارت بر بانکها، صرافان اسعار، عرضه کنندگان خدمات پولی، مجریان سیستم پرداخت، عرضه کنندگان خدمات اسناد بهادار، مجریان سیستم انتقال اسناد بهادار و سایر اشخاصی که د افغانستان بانک می تواند مطابق احکام قانون آنها را نظارت نماید

(۶) ایجاد، نگهداری و توسعه سیستم مؤثر و سالم جهت پرداخت و انتقال اسناد بهادار که از طرف دولت یا د افغانستان بانک صادر شده باشد و تصفیه و تسویه حساب معاملات پرداختی و معاملاتی که در چنین اسناد بهادار صورت می گیرد، می باشد.

هرگاه به قوانین کشور خویش در رابطه به بانک مرکزی نظر بیاندازیم به یک تعداد مستندات قانونی بدین شرح بر می خوریم:

بند (۴) ماده سوم قانون دافغانستان بانک مصوب سال (۱۳۸۲ خورشیدی) چنین صراحت دارد

"وظایف دافغانستان بانک که دافغانستان بانک مسئول منحصر به فرد آن است عبارت اند:

(الف) طرح، اتخاذ و اجرای سیاست پولی افغانستان

(ب) طرح، اتخاذ و اجرای سیاست ارز و ترتیبات اسعار خارجی افغانستان.

(ج) نگهداری و اداره ذخایر رسمی اسعار خارجی افغانستان

(د) چاپ و نشر پول کاغذی و مسکوکات فلزی افغانستان

(ه) انجام وظایف بانکدار، مشاور و نماینده مالی دولت

(و) صدور جواز یا ثبت، تنظیم و نظارت بر بانکها، صرافان اسعار خارجی، عرضه کننده گان خدمات پولی، مجریان نظام پرداخت، عرضه کننده گان خدمات اسناد بها دار، مجریان نظام انتقال اسناد بهادار و سایر اشخاصی که قانون آنها را تحت نظارت دافغانستان بانک قرار دهد.

(ز) ایجاد، نگهداری و توسعه نظام موثر و سالم جهت پرداخت و انتقال اسناد بهادار که

از طرف دولت یا دافغانستان بانک صادر شده باشد و تصفیه و تسویه حساب معاملات پرداختی و معاملات که در چنین اسناد بهادار صورت میگیرد.^۱

در مورد اهداف دافغانستان بانک در ماده (۳) قانون دافغانستان بانک منتشره سال ۱۳۸۲

چنین آمده است:

"۱- نخستین هدف دافغانستان بانک عبارت از تامین و حفظ ثبات قیمتهای داخلی است.

۲- سایر هدفهای دافغانستان بانک که تابع هدف اولیه آن میباشد، عبارت اند از حمایت سیالیت، قابلیت پرداخت دیون و فعالیت موثر یک نظام مالی ثابت متکی بر اقتصاد بازار و تقویه یک نظام پرداخت مصئون سالم و موثر ملی .

۳- دافغانستان بانک بدون لطمه به هدف اولیه اش که شامل

ثبات قیمت های داخلی است سیاست های کلی اقتصادی دولت را حمایت و رشد اقتصادی دوامدار را تقویه مینماید."

اما دافغانستان بانک به منظور خدمت، منحیث یک بانک مدرن مرکزی

با وجود مسئولیت اولیه برای ثبات قییم برای نیل باهدف انکشاف اقتصادی و ایجاد یک

سکتور مناسب مالی دارای اهداف استراتیژیک زیر است:

^۱ بند (۴) ماده سوم قانون دافغانستان بانک مصوب سال (۱۳۸۲ خورشیدی)

-انکشاف و تطبیق یک سیاست پولی معقول برای نیل به ثبات قیمت و ثبات نرخ تبادلہ اسعاری.

-کسب اطمینان از نظارت وقتاً فوقتاً موسسات مالی بر اساس قانون.

-مدیریت ذخایر اسعاری کشور طوریکه همواره برای کشور سودمند باشد.

-نشر و مراقبت بانکنوتها و مسکوکات طوریکه اطمینان از فورم و مفدیت شان در کشور حاصل شده بتواند.

-انکشاف یک سیستم جامع ملی پرداخت که در خدمت تمامی ولایات کشور باشد.

-تهیه خدمات بانکی مدرن و موثر برای دولت افغانستان بمنظور تطبیق موثر سیاست

ها و برنامه های مالی دولت بشمول جمع آوری عواید و اجرای مصارف و معلومات مالی حسابات.

- تهیه معلومات مربوطه وقتاً فوقتاً به مردم.

- انکشاف منابع بشری متخصص و صادق در بانک در سطوح مختلف.

۲.۵ روسای دافغانستان بانک

از تاریخ تاسیس دافغانستان بانک ذوات آتی متصدی ریاست کل این بانک بوده اند:

| | | |
|-------------------------|--------------------|-----------------------|
| عبدالمجید زابلی | ۱۳۱۸ خورشیدی مطابق | (۱۹۳۹) میلادی |
| حبیب الله مالی اچکزی | ۱۳۳۳ | رر (۱۹۵۴) |
| عبدالحی حبیبی | ۱۳۳۹ | رر (۱۹۶۰) |
| محمد حکیم خان | ۱۳۵۴ | رر (۱۹۷۵) |
| غلام حسن جوینی | ۱۳۵۹ | رر (۱۹۸۰) |
| محراب الدین پکتیاوال | ۱۳۶۱ | رر (۱۹۸۲) |
| عبدالبصیررنجبر | ۱۳۶۴ | رر (۱۹۵۸) |
| دوکتور محمد کبیر | ۱۳۶۷ | رر (۱۹۸۸) |
| خلیل الله صدیق | ۱۳۷۰ | رر (۱۹۹۱) (دوره نخست) |
| دوکتور ذبیح الله التزام | ۱۳۷۱ | رر (۱۹۹۲) |
| غلام محمد یلاقی | ۱۳۷۲ | رر (۱۹۹۳) |
| احسان الله احسان | ۱۳۷۵ | رر (۱۹۹۶) |
| عبدالرحمن زاهد | ۱۳۷۷ | رر (۱۹۹۸) |
| حاجی ملا محمد | ۱۳۷۹ | رر (۲۰۰۱) |
| انور الحق احدی | ۱۳۸۱ | رر (۲۰۰۲) |
| نورالله دلاوری | ۱۳۸۳ | رر (۲۰۰۴) (دوره نخست) |
| عبدالقدير فطرت | ۱۳۸۶ | رر (۲۰۰۷) |
| نورالله دلاوری | ۱۳۸۹ | رر (۲۰۱۰) (دوره دوم) |
| خلیل الله صدیق | ۱۳۹۴ | رر (۲۰۱۵) (دوره دوم) |
| اجمل احمدی | ۱۳۹۹ | رر (۲۰۲۰) |

۳. بانک رهنی و تعمیراتی:

بانک رهنی و تعمیراتی اولین بانک اختصاصی و بحیث سومین بانکی است که در افغانستان تأسیس گردید، تأسیس این بانک بر طبق الزامات و نیازمندی های کشور در سال ۱۳۲۶ خورشیدی مطابق (۱۹۴۷ میلادی) به منظور بهبود امور مسکن بویژه برای کارکنان دولت و هم چنین تمویل امور ساختمانی کشور صورت گرفت.

هدف ایجاد بانک رهنی و تعمیراتی سهم گیری در عمرانات و اعمار خانه های مدرن، اعطای قروض به مامورین و اهالی معین گردیده بود. البته در ابتداء تحت نام کسه عمرانی در سال ۱۳۲۶ خورشیدی به سرمایه ۳۰ میلیون افغانی تأسیس گردید و بعداً در سال ۱۳۳۳ خورشیدی به بانک رهنی و تعمیراتی مسمی شد. سهامداران این بانک عبارت بودند از وزارت مالیه، وزارت کار و اموراجتماعی و اتاقهای تجارت افغانستان. این بانک به خاطر سپری نمودن و تحمل شرایط سخت جنگهای داخلی اوایل دهه ۷۰ خورشیدی و مشکلات زیادی که به آن اثر همین جنگها مواجه گردیده بود نتوانست جواز فعالیت مجددش را در سال ۱۳۸۲ خورشیدی از دافغانستان بانک بدست آورد بناً ظالمانه در پهلوی سایر بانکهای اختصاصی توسعه وی کشور زیر تصفیه قرار داده شد و با کمال تاسف از صحنه بانکداری افغانستان خارج گردید.

۴. پشتنی تجارتي بانک:

پشتنی تجارتي بانک در سال ۱۳۳۳ خورشیدی مطابق (۱۹۵۴ میلادی) بحیث دومین بانک تجارتي کشور (بعد از بانک ملی) پا به عرصه بانکداری افغانستان نهاد. این بانک توانست زمینه های بیشتر عرضه خدمات بانکی را در کشور برای هم میهنان ما به ویژه برای دست اندرکاران سکتور تجارت کشور فراهم نماید. این بانک با سرمایه ی ابتدایی ۱۲۰ میلیون افغانی با ۲۲ نفر کارمند فعالیتش را آغاز کرد که بعداً به وقفه های زمانی سرمایه ان افزایش یافته تا اینکه در سال ۱۳۶۳ خورشیدی سرمایه ان به ۱۰۰۰ میلیون افغانی رسید. پشتنی تجارتي بانک ابتکار خوبی را در انجام فعالیت های تجارتي بخرج داد و توانست مشتریان زیاد را در امر سپرده گذاری بخصوص در حسابات پس انداز در سطح کشور از آن خویش سازد. این بانک با انفاذ قانون جدید بانکداری در کشور (۱۳۸۲ خورشیدی) جواز فعالیت خود

را از بانک مرکزی افغانستان بدست آورده است و هم اکنون پشتنی بانک به عنوان یک بانک تجارتي دولتي مصروف عرضه خدمات بانكي ميباشد.

۵. بانک انكشاف زراعتي:

از آنجائیکه افغانستان یک کشور زراعتی بوده و هست، سکتور زراعت در زمینه اشتغال نیروهای کار و تولید ملی سهم ارزنده دارد بنأ هرگونه اقدام برای بهبود و انكشاف سکتور زراعت در افغانستان در واقع اقدام در جهت اشتغال، افزایش تولید ملی، خلق درآمد و رفاه اجتماعی بحساب میآید زیرا به صراحت میتوان گفت که انكشاف زراعت در کشور کلید انكشاف اقتصادی کل کشور ما است، و تا انكشاف را به قریه نبریم و به دسترخوان دهقان و مالدار توجه صورت نگیرد از توسعه پایدار خبری نخواهد بود روی این ملحوظ بانک انكشاف زراعتی در سال ۱۳۳۳ خورشیدی مطابق (۱۹۵۴ میلادی) در کشور تاسیس گردید.

این بانک در سال ۱۳۳۳ خورشیدی به نام بانک زراعتی و صنایع روستایی به سرمایه ۱۵۰ میلیون افغانی به شکل یک شرکت سهامی به منظور انكشاف زراعت، تقویه و بلند بردن سطح زندگی زارعین، توسعه تولیدات زراعتی و انكشاف صنایع دستی و روستایی تاسیس شد که بعداً در سال ۱۳۴۸ خورشیدی به نام بانک انكشاف زراعتی مسمی گردید. بعد از ملی شدن بانکها در سال ۱۳۵۵ خورشیدی سرمایه این بانک به ۱۰۰۰ میلیون افغانی ارتقا یافت. اما با دریغ که این بانک بنابر پوره نکردن شرایط جواز برای فعالیت مجدد بانکی که آنهم به دلیل شرایط ناگوار جنگ در کشور بود در سال ۱۳۸۲ خورشیدی نتوانست بادامه فعالیتش در سکتور زراعت و صنایع دستی روستایی بپردازد و ظالمانه از سیستم بانکی خارج شد.

۶. بانک انكشاف صنعتي:

بانک انكشاف صنعتي در سال ۱۳۳۷ مطابق (۱۹۵۸ میلادی) برای تمویل پروژه های صنعتي کشور در زمره بانکهای اختصاصی پا به عرصه وجود گذاشت.

بانک انکشاف صنعتی به منظور کمک به پروژه های صنعتی دولتی و شخصی و رشد صنایع در سال ۱۳۳۵ هجری خورشیدی به اثر پیشنهاد وزارت معادن و صنایع تحت نام کسه اعتبارات صنعتی به سرمایه ۲۰۰ میلیون افغانی تاسیس شد که ۴۰٪ سرمایه آن توسط ۵ بانک خارجی و بانک جهانی و یکصد میلیون افغانی آن توسط بانک ملی و پشتنی بانک، اتاق تجارت و دافغانستان بانک تعهد شده بود. این کسه اعتبارات صنعتی بعد از ده سال فعالیت به نام بانک انکشاف صنعتی تغییر نام داد. بانک انکشاف صنعتی در سال ۱۳۵۵ خورشیدی در پهلوی سایر بانکهای کشور ملی اعلان گردید که جمع سرمایه آن به دولت تعلق گرفت. این بانک در مطابقت با قانون جدید بانکداری (۱۳۸۲ خورشیدی) جواز فعالیت مجدد بانکی را به دست آورده نتوانست و با دریغ که از سیستم بانکی کشور حذف گردید.

۷. بانک انکشاف صادرات:

همینطور برای تقویه سکتور صادرات و رسیدن بیک بیلانس تجارت مثبت در بیلانس تادیات کشور، بانک انکشاف صادرات به تاریخ ۱۳۵۵.۱.۳ خورشیدی (مطابق ۱۹۵۶ میلادی) به سرمایه یکصد ملیون افغانی تاسیس شد طوریکه سرمایه ابتدایی آن چنین تهیه گردیده بود:

"سرمایه بانک یکصد ملیون افغانی بوده به یکصد هزار سهم منقسم گردیده و قیمت هر سهم یکهزار افغانی میباشد. ماده پنجم: اسهام بانک به ترتیب آتی خریداری میشود:

۱ ریاست خزانه تقاعد هشتاد فیصد

۲ اتاق تجارت و صنایع افغانستان ده فیصد

۳ اتحادیه صادرکنندگان قالین سه اعشاریه سه فیصد

۴ موسسه انکشاف صادرات قره قل سه اعشاریه سه فیصد

۵ موسسه انکشاف صادرات کشمش سه اعشاریه چهار فیصد)"^۱

این بانک برای این ایجاد گردید تا در بهبود وضع صادرات، انکشاف زمینه های تولید اقلام صادراتی، و بالاخره در تمویل صادرات ممد واقع گردد. بانک انکشاف صادرات به سلسله

^۱ ماده چهارم اساسنامه بانک انکشاف صادرات پنجشنبه ۳۱ سرطان سال ۱۳۵۵ خورشیدی

پروگرام های اقتصادی دولت منحیث یک بانک تجارتي به شکل سهامی به هدف افزایش در مقدار صادرات از طریق بهبود کیفیت و جنسیت و ایجاد تنوع در اقلام صادراتی و راه یافتن به بازار های جدید برای اقلام صادراتی کشور، تشویق و حمایت تجار صادر کننده و تولید کننده در سیستم بانکی افغانستان تأسیس گردید. بود. البته در سیستم جدید بانکی شامل و جواز مجدد فعالیت بانکی را در سال ۱۳۸۲ خورشیدی از دافغانستان بانک به دست آورد. این بانک در دهه اخیر با پشتی تجارتي مدغم گردید.

بانک های تجارتي بخش خصوصی داخلی افغانستان

۱. بانک اسلامی گلاب الدین شیرزی:

تحت عنوان بانک اسلامی گلاب الدین شیرزی به حیث نخستین بانک اسلامی در تاریخ بانکداری افغانستان در بخش سکتور خصوصی کمتر پرداخته شده است، گلاب الدین شیرزی یکتن از تجار مشهور ولایت هرات به تاریخ ۴ میزان ۱۳۷۲ خورشیدی مطابق به (۲۶ سپتامبر ۱۹۹۳ میلادی) به سرمایه سه میلیارد افغانی برابر (دو میلیون دالر امریکایی به نرخ آنزمان) بانک خویش را در کابل به سرمایه صد در صد شخصی و به نام خودش تاسیس نمود. هر چند در آن زمان هنوز چوکات قانونی برای فعالیت بانک های بخش خصوصی و همینطور بانکداری اسلامی در قانون بانکداری افغانسان تهیه و مدون نشده بود اما اینکه چگونه مسولین حکومت مجاهدین و رهبری دافغانستان اجازه فعالیت این بانک را صادر نموده بود جای بحث دارد زیرا قانون پول و بانکداری درین دوره در سال ۱۳۷۳ خورشیدی تعدیل گردید که در آن از سرمایه گذاری بخش خصوصی در سکتور بانکی کشور اجازه داده شده است در هر صورت این بانک عملاً فعالیتش را آغاز نمود و در نخستین روز های حضورش بنابر شرایط خیلی بد امنیتی (جنگهای داخلی در کابل) و همینطور مشکلات مالی و کا دری فعالیت نموده نتوانست و عملاً مسدود گردید.

۲. کابل بانک:

بعد از ختم دوره طالبان و ایجاد نظام جدید در کشور چوکات جدید قانونی برای حضور و فعالیت بانکها در بخش خصوصی ساخته شد و کابل بانک بعد از بانک گلاب الدین شیرزی نخستین بانک خصوصی تجارتي در افغانستان بود که بعد سیزده سال به تاریخ ۶ سرطان ۱۳۸۳ خورشیدی (۲۶ جون ۲۰۰۴ میلادی) جواز فعالیت بانکی اش را از د افغانستان بانک حاصل و هم در دفتر حمایت از سرمایه گذاری در افغانستان (ایسا) ثبت و راجستر گردید.

کابل بانک در کمترین زمان به یک بانک بزرگ تجارتي بخش خصوصی تبدیل گردید این بانک با طرح و عرضه فرآورده های جدید به ویژه حسابات "بخت حساب" توانست بخش بزرگ پس انداز های خانواده ها را بطرف خود بکشاند و با اعلانات گسترده و بازاریابی و همینطور توزیع جوایز موجب تشویق هموطنان گردد و هر روز سقف وجوه این حسابات را بالا ببرد. از جانب دیگر بخاطر توسعه شعبات این بانک در سر تا سرکشور این بانک مورد استفاده دولت افغانستان برای پرداخت معاش ماهیانه ی افراد پولیس ملی، اردوی ملی و کارکنان ملکی قرار گرفت. کابل بانک با استفاده از وجوه ارزان که از طرق حسابات بخت باختیارش قرار میگرفت و همچنین میلیاردها پولیکه در حسابات معاشات کارکنان دولت ماهوار شامل میگردد دست به توزیع قروض کلان در ساحه تجارت و خریداری املاک بخصوص در شهرداری کشور امارت متحده عرب زد که هر دو مورد برای بانک مشکل ساز گردید و وام های بزرگ اکثراً بدون تحلیل و تجزیه کریدت و ارزیابی های لازم مشتری از نگاه کفایت کریدتی و مارکیت توزیع شده بود و ملکیت های خریداری شده بانک به دلیل کاهش شدید قیمت مسکن (بحران ۲۰۰۸ میلادی) به خطر جدی مواجه شد تا اینکه دارایی های بانک کفاف بدیهی هایش را ننمود و بانک عملاً در ورطه ورشکستگی قرار گرفت. کابل بانک بالاخره به دلیل ضعف مدیریت و سایر مشکلات وقت در سال ۱۳۸۹ هجری خورشیدی صد ها میلیون دلار سرمایه ی خود را از دست داد و دچار ورشکستگی گردید^۱ که بعد

^۱ ورشکستگی کابل بانک یک رویداد ناگوار تاریخ بانکداری افغانستان است که میتوان از آن به عنوان یک فساد بزرگ مالی در اقتصاد افغانستان نام برد بنأ در مورد علل ورشکستگی این بانک تا هنوز کمتر بشکل علمی و معیاری و به طور بیطرفانه پرداخته شده است بیشتر نتایج بررسی ها با سیاست زده گی های جانب دارانه و سایر معضلات موجود کشور همراه است هر چند مقالات زیادی درین راستا نگاشته شده و اخیر کتاب

کنترول و اداره بانک به تیم متولیت بانک مرکزی افغانستان واگذار گردید این بانک ورشکسته بعد از مشکلات سال ۱۳۸۹ خورشیدی بدو بخش "نوی کابل بانک" و "بخش زیرتصفیه" تقسیم گردید بخش جدید آن منحصیث یک بانک تجارتي به ملکیت دولت در آمد در حالیکه فعلاً این بانک مربوط بخش دولتی بوده و چندین بار به مزایده قرار داده شده تا دوباره به سکتور خصوصی انتقال یابد بآنهم بخش بزرگ فعالیت های عملیاتی اش را توزیع معاشات کارکنان دولت تشکیل میدهد و با ۱۳۴ شعبه خود ۳۴ ولایت افغانستان را تحت پوشش عرضه خدمات بانکی بویژه اجرای معاشات کارکنان ملکی و نظامی دولت قرار داده است .

۳. بانک بین المللی افغانستان (AIB) :

بانک بین المللی افغانستان یکی از بانک های تجارتي خصوصی داخلی است که در سال ۱۳۸۳ خورشیدی (۲۲ مارچ ۲۰۰۴ میلادی) توسط سه گروه از شرکت های افغانی با پشتیبانی بانک انکشافی آسیایی تأسیس شده است. هدف عمده ی سهامداران این بانک کمک به توسعه اقتصاد افغانستان و انجام فعالیت های تجاری مطابق با استاندارد های بین المللی عنوان شده است. بانک بین المللی افغانستان با ۱۰ میلیون دلار سرمایه، مجوز فعالیت بانکی را در افغانستان گرفت. این بانک در تمام ولایات افغانستان شعبه دارد. AIB پشتوانه بانک توسعه آسیایی را با خود دارد بانک بین المللی افغانستان مثل سایر بانک های افغانستان به ویژه بانک های خصوصی، خدمات بانکداری از طریق انترنت ارائه مینماید. بانک بین المللی افغانستان از بدو تاسیس تا امروز با عرضه خدمات بانکی معیاری و تکمیل ضوابط و مقررات بانکی توانسته است همواره در رده بندی های سالانه بین بانکهای کشور در موقف خوب قرار بگیرد.

"تراژیدی کابل بانک" از جانب عبدالقدیر فطرت رئیس کل آنزمان دافغانستان بانک نگارش و نشر گردیده است اما موضوع تا هنوز در بسا موارد در حاله ی از ابهام باقی مانده است. بناً من درین کتاب از پرداختن بیشتر باین موضوع بعنوان یک فساد بزرگ و گسترده مالی که یک فصل جداگانه رادر تاریخ بانکداری کشور تشکیل میدهد صرف نظر مینمایم.

۴. عزیزى بانک :

عزیزی بانک نیز یک بانک تجارتي خصوصی است که با گرفتن مجوز از دافغانستان بانک در سال ۱۳۸۵ خورشیدی (۱۳ جون ۲۰۰۶ میلادی) فعالیتش را شروع کرد. عزیزى بانک محصول سرمایه‌گذاری و تلاش دو تاجر افغانستاني آقایان میرویس عزیزى و حاجى علی اکبر ژوندى است. این بانک تعداد ۸۰ شعبه در سراسر افغانستان دارد و قرار است با باز کردن شعبه در تمام ولایات به تعداد نمایندگی هایش افزوده و در مارکیت افغانستان حضور گسترده داشته باشد. این بانک با سرمایه ابتدایی ۳۷۵ میلیون افغانى جواز فعالیت بانكى را از د افغانستان بانک به دست آورده است.

سهمداران عمده عزیزى بانک که در بالا ذکر شد به ترتیب ۷۵ در صد سهم میرویس عزیزى هوتک و ۲۵ در صد آن مربوط علی اکبر ژوندى مالک سهام بانک مى باشند مرکز این بانک مانند سایر بانکهای افغانستان در شهر کابل واقع است.

۵. افغان یونایتد بانک AUB

این بانک خصوصی تجارتي در سال ۱۳۸۶ خورشیدی (۴ اکتبر ۲۰۰۷ میلادی) مجوز فعالیت بانکداری خویشرا از دافغانستان بانک گرفته است. این بانک با ۸۷۸ میلیون افغانى سرمایه فعالیت خود را از کابل شروع کرده است و اکنون از طریق بیشتر از ۱۵ شعبه در ولایت‌های کابل، ننگرهار، قندهار، مزار شریف، هرات و نیمروز محصولات و خدمات بانکداری متعارف و اسلامى ارائه می‌دهد.

۶. میوند بانک :

میوند بانک یکی از بانک های تجارتي خصوصی در افغانستان است، که در ۱۱ جدی ۱۳۸۷ خورشیدی (۱ جنوری ۲۰۰۹ میلادی) با سرمایه ۱۵ میلیون دلار شروع به کار کرده است. این بانک دارای ۳۷ شعبه در داخل افغانستان است.

۷. غضنفر بانک:

غضنفر بانک یک بانک تجارتي خصوصی افغانستان است که فعالیت خود را در سال ۱۳۸۷ خورشیدی (ماه مارچ ۲۰۰۹ میلادی) با ارائه خدمات بانکداری سنتی (متعارف) و اسلامی در شهر کابل آغاز کرد و شعبه های هم در شهر های مهم و کلیدی مانند مزار شریف، حیرتان، قندوز، تخار، جلال آباد و هرات دارد.

۸. بانک انکشافی افغانستان ADB

این بانک از بدو تاسیس بیشتر در جمع آوری صرفیه های برق مصروفیت داشت و دیری نگذشت که با مشکلات مالی مواجه گردید و در سال ۱۳۸۷ خورشیدی فعالیتش متوقف گردید و بالای عزیزی بانک بفروش رسید.

۹. باختر بانک:

باختر بانک درحقیقت همان بانک تصفیه شده و مسدود شده انکشافی افغانستان است که بالای عزیزی بانک بفروش رسانیده شد این یک بانک تجارتي خصوصی است که در سال ۱۳۸۸ خورشیدی (۲۱ جنوری ۲۰۰۹ میلادی) تاسیس شده است. عزیزی بانک در سال ۱۳۸۷ خورشیدی با خریدن بانک انکشافی افغانستان که در حال ورشکستگی بود عملیات بانکی را با بانک جدید به نام باختر بانک بعد از اخذ مجوز قانونی از بانک مرکزی کشور براه انداخت. باختر بانک با داشتن ۱۹ شعبه بانکی مصروف فعالیت های بانکی در داخل کشور بود. بعد باختر بانک با تغییر کلی در امورات و گذار از سیستم بانکداری عنعنوی و متعارف (Traditional Bankikg) به سیستم بانکداری اسلامی، جواز نخستین بانک اسلامی را در کشور بدست آورده و بنام "بانک اسلامی افغانستان" وارد مارکیت بانکداری کشور گردید. قابل ذکر است که در حال حاضر ما بانکی بنام باختر بانک در کشور نداریم.

فعالیت‌های این بانک مبنی بر اقتصاد اسلامی و عاری از سود بوده، محصولات و خدمات بانکداری اسلامی از قبیل معاملات مرابحه، مشارکه، مضاربه، اجاره و غیره را بر اساس شریعت اسلامی و استاندارد های مالی اسلامی به پیش می‌برد.

۱۰. بانک تجاری افغانستان (ACB)

این بانک نیز یکی از بانکهای تجاری خصوصی است که در ۲۲ حوت ۱۳۹۲ مطابق (۱۲ مارچ ۲۰۱۳ میلادی) مجوز فعالیت خویش را از بانک مرکزی افغانستان اخذ نموده است مرکز آن شهر کابل بوده و در ولایات کلیدی کشور شعبه دارد. قصه تأسیس این بانک یک قصه جالبی است، در سال ۱۳۹۱ خورشیدی یک بانک قرضه های کوچک زیر نام "برک بنگلادیش" فعالیت داشت قرار اظهارات خلیل الله صدیق رئیس سابق بانک مرکزی افغانستان در آن زمان مسؤولان برک به علت های نا روشنی تصمیم گرفتند که از بازار افغانستان بیرون بروند، اما دو تن به نام های آرین عظیمی و سلیم عظیمی، که گفته می‌شود صراف بودند و نیز یک سرمایه گذار به نام سید محمد شاه، بانک برک را بیش از سه میلیون دالر خریدند و بی‌درنگ برای آن، جواز یک بانک (بانک تجاری افغانستان) را از بانک مرکزی گرفتند.

اما حالا بانک مرکزی می‌پذیرد که اعطای جواز مجدد به این بانک، آن هم بدون بررسی های لازم از سرمایه های خریداران آن، اشتباه بوده است. خلیل الله صدیق در یک مصاحبه تلویزیونی طلوع نیوز میگوید "ما دیدیم که این ها نمی‌توانند، ما به اساس ماده قانون گرفتیم شان، اما ما برای شما می‌گویم که اگر من رییس بانک مرکزی می‌بودم به هیچ قیمت به این بانک لایسنس (جواز) نمی‌دادم." ^۱ هر چند مسئولین وقت دافغانستان بانک که برای این بانک جواز صادر نموده بودند در زمینه پاسخ های شانرا دارند و من لازم نمی بینم درین کتاب خواننده را وارد یک بحث تخینکی حقوق مالی و پرونده پیچیده این بانک نمایم در هر صورت پس از ورشکستگی بانک انکشافی افغانستان و بعد کابل بانک سومین بانک، بانک تجاری افغانستان بود که ورشکست اعلان گردید.

^۱ طلوع نیوز ۲۸ جوزای ۱۳۹۸ خورشیدی

نماینده‌گی های بانک‌های تجاری خارجی در افغانستان^۱

۱- حبیب بانک لمیتد: HBL (Habib Bank Ltd)

این نمایندگی خارجی بانک تجاری که شعبه نمایندگی حبیب بانک لمیتد پاکستان است، مجوز فعالیت بانکداری اش را در افغانستان در سال ۱۳۸۲ خورشیدی (۲۰۰۳ میلادی) از دافغانستان بانک دریافت و در ۱۸ فبروری ۲۰۰۴ آغاز به کار کرده است. این بانک دو نمایندگی فعال داشته که هر دوی آن در کابل موقعیت دارد.

حبیب بانک لمیتد پاکستان که مرکزش در کراچی پاکستان می‌باشد، در سال ۱۹۴۱ میلادی قبل از تقسیم شبه قاره هند به دو کشور هندوستان و پاکستان با ابتکار محمد علی جناح بنیان گذار پاکستان و سرمایه‌ی خانواده حبیب در شهر بمبئی هند ایجاد شد.

حبیب بانک لمیتد پاکستان بزرگترین بانک در پاکستان است؛ بیش از ۱۴۵۰ شعبه در داخل پاکستان و ۵۵ شعبه در سراسر جهان دارد و بیش از ۴۰ درصد در بازار داخلی پاکستان سهم دارد.

۲- نیشنل بانک پاکستان: NBP (National Bank of Pakistan)

این بانک که یکی از بانک‌های بزرگ تجاری پاکستان است، در سال ۱۳۸۲ خورشیدی (۷ اکتبر ۲۰۰۳ میلادی) شعبه نمایندگی خود را در افغانستان باز کرده است و دارای بیش از ۱۲۵۰ شعبه در پاکستان است و دارای ۱۸ نمایندگی و ۷ دفتر نمایندگی در خارج در کشورهای مختلف جهان نیز دارد.

^۱برگرفته از لکچرنوت بانکداری نوشته این قلم سال ۱۳۹۷ خورشیدی

۳- استندرد چارتر بانک: (Standard Chartered Bank)

این بانک تجارتي خارجي، که از بانک بین‌المللی استاندارد چارتر بانک انگلستان نمایندگی می‌کند، در سال ۱۳۸۲ خورشیدی (۲۰ جنوری ۲۰۰۴ میلادی) در کابل آغاز به کار نموده است.

استاندارد چارتر بانک با سرمایه ۱۴۵۰ میلیارد دلار و ۳۰ هزار کارمند در ۵۵ کشور جهان مشغول فعالیت است. این بانک اخیراً فعالیت اش را در افغانستان متوقف نموده است.

۴- فرست مایکرو فاینانس بانک: (FMFB The First Micro Finance Bank)

فرست مایکرو فاینانس بانک که به معنای اولین بانک قرضه های کوچک می‌باشد، از طرف مؤسسه‌ی نمایندگی آقاخان برای قرضه های کوچک است. این مؤسسه در افغانستان و پاکستان فعالیت می‌کند و متعلق به شبکه‌ی توسعه‌ی آقاخان است. دفتر مرکزی شبکه‌ی توسعه‌ی آقاخان در شهر ژنیف سوئیس قرار دارد. شعبه‌ی نمایندگی این بانک در افغانستان در سال ۱۳۸۲ خورشیدی (۱۸ مارچ ۲۰۰۴ میلادی) آغاز به کار کرده است. این بانک به افغان های فقیر و کم درآمد برای نیاز های مسکن و بهبود شرایط زندگی آنها قرضه های کوچک می‌دهد.

۵- آراین بانک :

آراین بانک یک بانک مستقل تجارتي است که با سرمایه‌گذاری مشترک و برابر بانک های ملی و صادرات ایران در سال ۱۳۸۳ خورشیدی (۲۰۰۴ میلادی) در افغانستان تأسیس شده است. تعداد نمایندگی آن در سطح کشور ۲ نمایندگی در دو ولایت کشور کابل و هرات میباشد و خدماتی که ارائه مینماید عبارت اند از اعطای انواع قروض از قبیل قروض تجارتي، صنعتی، مصرفی و کارمندی میباشد. قابل ذکر است که موسسین این بانک ملی ایران در سال ۱۳۰۷ خورشیدی در تهران تأسیس شد اکنون، بانک ملی ایران دارای بیش از ۳۲۷۶ شعبه در داخل ایران و ۱۶ شعبه در خارج ایران و ۴۵ هزار نفر کارمند میباشد و

بانک صادرات ایران در سال ۱۳۳۱ خورشیدی در تهران افتتاح شد. هم اکنون بانک صادرات ایران ۳۳۰۰ شعبه فعال در ایران، ۴ بانک مستقل و ۲۲ شعبه در خارج از ایران دارد.

۶- پنجاب نشنل بانک: (Panjab National Bank)

این بانک نماینده پنجاب نشنل بانک قدیمی ترین و بزرگ ترین بانک هندوستان می باشد. جواز فعالیت این بانک در تاریخ ۲۲ ثور ۱۳۸۳ خورشیدی (۱۱ می ۲۰۰۳ میلادی) از بانک مرکزی افغانستان گرفته شده است. سهامداران این بانک عبارتند از دولت هندوستان ۵۶ در صد و موسسات شخصی و دولتی ۴۴ در صد میباشند.

این بانک دارای ۴۵۰۰ نمایندگی بوده رهبری آن در شهر دهلی جدید موقعیت دارد.

۷- بانک الفلاح: (Bank Alfalah Ltd)

این بانک به تاریخ ۲۲ می ۲۰۰۵ میلادی جواز فعالیت بانکی خود را از د افغانستان بانک اخذ نموده و با سرمایه‌گذاری مشترک دو کشور امارات متحده عربی و پاکستان در (۴ سپتامبر ۲۰۰۵ میلادی) در کابل افتتاح شده است. این نمایندگی مربوط بانک الفلاح لمیتد ملکیت خاندان شاهی ابو ظبی بوده مرکز فعالیت آن در کراچی پاکستان موقعیت دارد، اصلا از امارات متحده عربی سرچشمه گرفته و یک بانک خصوصی تجارتي خارجی میباشد. هیات مدیره آن در ابوظبی و هیات عامل آن در کراچی فعالیت دارند. این بانک دارای ۱۶۰ نمایندگی در کشورهای مختلف جهان میباشد. بانک الفلاح در ۱۵ نمایندگی در کشورهای مختلف خدمات بانکی اسلامی را عرضه مینماید که در افغانستان نیز این خدمات روی دست میباشد. این بانک به تعداد ۲ نمایندگی فعال در دو ولایت کشور یعنی کابل و هرات دارد.

همانطوریکه در فوق ملاحظه گردید از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۳ مطابق (۲۰۰۳ - ۲۰۱۴م) هجده بانک داخلی و خارجی در افغانستان تأسیس شده اند. در حال حاضر در افغانستان، غیر از بانک مرکزی (دافغانستان بانک)، شانزده بانک تجارتي داخلی و خارجی مشغول فعالیت هستند، که در میان آنها سه بانک دولتي، هشت بانک خصوصی داخلی و پنج بانک خارجی وجود دارند.

فصل پنجم

وضعیت بانکداری در افغانستان

از آغاز تا امروز (۱۳۱۲ - ۱۳۹۹ هجری خورشیدی)

مطابق ۱۹۳۳-۲۰۲۰ میلادی

پیش نویس:

بانکداری در افغانستان دارای تاریخچه جالب و بیشتر همراه با تجارب تلخ و شیرین است. هر چند تمام تاریخ بانکداری در کشور ما را فقط نه دهه احتوا مینماید که به تناسب تاریخ بانکداری در جهان زمان کوتاهی است اما این صنعت در افغانستان در درازای عمرش از آغازین روز های ظهور تا همین اکنون حالات گوناگون، برخورد ها و حوادث عجیب و قریب را بخود دیده و تجربه نموده است. زمانی بانکداری در افغانستان تقریباً خود را به استندرد های جهانی نزدیک نموده بود و تا حدود زیادی خدمات معیاری را در سکتور های اقتصاد ملی کشور عرضه میداشت و در زمان های چنان مصاب به مرض سیاست زده گی های نا بخردانه گردید تا سرحدی که کارایی حرفوی اش را از دست داد و از مرامش فرسنگ ها فاصله گرفت. دریک برهه از تاریخ کشور در حالات ناگوار جنگی، نظام بانکی ما به حالتی گرفتار شد که حتی قادر به عرضه ساده ترین خدمات بانکی به مردم خویش نبود و زمانی نیز تا سرحد افلاس و ورشکستگی به پیش رفته است.

برای مطالعه بهتر و مشخص تر وضعیت بانکداری در افغانستان از آوان تأسیس اولین بانک تا امروز بهتر دانستم تا این فاصله زمانی تاریخی را که تقریباً نود سال را دربر میگیرد به چهار دوره زیر تقسیم نمایم:

- ۱- دوره نسبتاً ثبات (از تأسیس اولین بانک ۹ ثور ۱۳۱۲ تا ۷ ثور ۱۳۵۷ خورشیدی)
- ۲- دوره دگرگونی (از ۷ ثور ۱۳۵۷ الی ۸ ثور ۱۳۷۱ خورشیدی)
- ۳- دوره رکود (از ۸ ثور ۱۳۷۱ الی ۲ جدی ۱۳۸۰ خورشیدی)
- ۴- دوره جدید (از ۲ جدی ۱۳۸۰ خورشیدی تا امروز)

۱. دوره نسبتاً ثبات (از نهم ثور ۱۳۱۲ تا هفتم ثور ۱۳۵۷ خورشیدی)

این دوره که تقریباً پنج دهه را با خود دارد در یک مقطع تاریخی امن، ثبات و استقرار نظام در کشور ما جا گرفته است. البته بیشترین دلایل ثبات و امنیت افغانستان در این دوره به آرامش قبل از طوفان بر میگردد اینکه ابر قدرت های جهانی و کشور های منطقه افغانستان را به عنوان یک منطقه حائل (buffer zone) قبول نموده بودند تا ظاهراً از اصطکاک ابر قدرت ها (اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و ایالات متحده امریکا) درین منطقه جلوگیری بعمل آید. بهر حال شرایط بمیان آمده این دوره بستر مساعدی شد برای ایجاد و رشد نسبی صنعت بانکی در افغانستان، و هر گاه به تاریخچه بانکداری در کشور نظر اندازی گردد، وضعیت بانکداری در افغانستان از بمیان آمدن نخستین بانک (سال ۱۳۱۲ خورشیدی) تا سال ۱۳۵۷ خورشیدی ختم دوره جمهوریت محمد داود و آغاز نظام جمهوری دموکراتیک حزب خلق و پرچم در مسیر نسبتاً خوبی روال عادی خویش را طی نموده است. درین دوره عمدتاً کشور داری یک سیستم متمرکز بانکداری دولتی بود هر چند درین دوره بانکهای کشور به تناسب بانکهای کشور های همسایه نتوانستند در امر گردآوری سپرده های مردم و سوق شان به سرمایه گذاری در مسیر انکشاف سکتوری کشور موفقیت آنچنانی بدست آورند بآن هم تقریباً تمامی سکتور های اقتصادی (زراعت، صنعت، عمران، خدمات بخصوص بخش تجارت) میتوانستند در حد امکان از خدمات بانکها مستفید گردند. درین دوره بانکهای اختصاصی در سکتور های عمده اقتصادی کشور (زراعت، صنعت، عمران و تجارت) ایجاد شدند که بطور حرفه ی برای انکشاف این سکتور ها موفقانه فعالیت مینمودند.

۱.۱.۱ افغانستان بانک

دافغانستان بانک بحیث بانک مرکزی کشور درین دوره در طرح، تدوین و اجرای سیاست های پولی و بانکی تا اندازه میتوانست حرفوی عمل کند اگر چه ترکیب اعضای شورای عالی (بلندترین مرجع تصمیم گیری دافغانستان بانک) را وزرای وزارتخانه های سکتوری (مالیه، تجارت، زراعت، پلان، معادن و صنایع) تشکیل میدادند و در رأس شورای عالی بانک شخص صدراعظم مملکت قرار میگرفت که درین حالت بانک نمیتوانست از استقلالیت کافی برخوردار باشد و از طرفی چوکات قانونی نیز برای تأمین استقلالیت بانک وجود نداشت. قابل ذکر است که درین دوران ارتباط دافغانستان بانک با حکومت توسط وزیر مالیه تأمین

میگردید که طبیعتاً نفوذ این وزارت را در مسایل بانکی و تشکیلاتی موجب میگردید ولی این در حالی بود که هیأت عامل بانک و کمیته پول و کریدت بخاطر دفاع از روش ها و طرح و تدوین سیاست های پولی و بانکی معقول میتوانستند از طریق رئیس کل بانک مرکزی که در جلسات شورای عالی اکثرآبدون حق رای اشتراک داشت استدلال حرفوی نمایند و بعضاً نظریات مسلکی شانرا به کرسی بنشانند. درین دوره موجودیت شاخص های خوب اقتصادی از جمله در زمینه ثبات ارزش افغانی و وضعیت خوب بیلانس تجارت کشور و چگونگی عرضه خدمات بانکی در عرصه داخلی و خارجی دلایل خوبی برای حرفه ای عمل کردن بانک مرکزی افغانستان میتواند باشد. آمار عرضه پول در افغانستان در دههٔ چهل خورشیدی بیانگر یک رشد متناسب عرضه پول و نسبت پشتوانه پول است.

"عرضه پول در سال ۱۹۶۰ میلادی به (دومیلیارد و ۵۳۶ میلیون) افغانی رسید که نسبت به چهار سال پیشتر ۲۳ درصد افزایش را نشان میدهد در همین سال دارایی طلا و نقره و اسعار بانک مرکزی (یک میلیارد و ۵۷۹ میلیون) افغانی میرسید (۴۰ فیصد پشتوانه)"^۱

و همین طور بین سالهای ۱۳۱۲ تا ۱۳۵۷ خورشیدی مواردی که در رابطه به تمویل کسر بودجه اتفاق افتاده است یعنی حالاتی که کمبود یا کسر بودجه دولت توسط نشر پول از طریق بانک مرکزی کشور پوشش داده شده است زیاد نمی باشد درین قسمت انجام فرمایشات دولت از طریق جذب وام از بانک مرکزی ترتیب اثر داده میشد چه درقانون پول و بانکداری افغانستان مصوب ۱۳۵۴ هجری خورشیدی آمده است "دادن قرضه بدولت بمنظور تمویل کسر بودجه دولت در حدود فیصدی که قبل از هر سال بودجوی بنابر اقتضای وضع مالی و اقتصادی کشور بعد از مشوره دافغانستان بانک توسط دولت تعیین میگردد"^۲

بند دوم این ماده حاکمیت "اعطای قرضه به موسسات و تصدیهای دولتی به مقاصدیکه موثریت مالی و اقتصادی شان ثابت باشد" قابل اجراست. درین دوره باساس ماده سیزدهم قانون پول و بانکداری افغانستان منتشره ۱۳۵۴ خورشیدی رهبری دافغانستان بانک چنین تعریف شده بود "دافغانستان بانک توسط ارگانهای ذیل اداره میشود: ۱- شورای عالی ۲- کمیته پول و کریدت ۳- هیات عامل ۴- هیات نظار ۵- هیات مراقبت ذخیره بانکوت" نظر باین قانون معاش و امتیازات هیات نظار بانک از جانب وزارت مالیه پراخت میشد و این

^۱ صفحات ۳۰ تا ۴۶ مونوگراف "تحلیل و تاثیر اقتصادی معاملات کریدتی بانکهای افغانستان" این قلم درمقطع لیسانس پوهنتون کابل سال ۱۳۵۹ خورشیدی

^۲ بنداول ماده دوازده هم قانون پول و بانکداری افغانستان مصوب ۳۱ سرطان ۱۳۵۴ خورشیدی

هیات مستقیماً نزد وزارت مذکور مسئولیت داشت و در مورد تعیینات و برطرفی روسای سایر بانکها احکام مقامات عالی رتبه حکومتی نیاز بود.

موضوع دیگر اینکه درین دوره تاریخی بانکداری کشور، بانک مرکزی افغانستان (دافغانستان بانک) از آغاز فعالیتش در پهلوی کارهای مربوط یک بانک مرکزی به فعالیت تجارتي نیز در کنار بانکهای دیگر اشتغال داشت و از جذب سپرده ها در حسابات جاری، پس انداز و امانات مدت دار گرفته تا دادن وام به بخش خصوصی و انتقالات پولی مشتریان در سطح داخل و خارج وسیعاً فعالیت مینمود. گفته میتوانیم که در آن دوره این بانک بحیث یک رقیب برای سایر بانکها در مارکیت عرض اندام نموده بود که این عملکرد دافغانستان بانک حتی تا سال ۱۳۸۲ خورشیدی نیز ادامه داشت. البته در آزمون دلایلی درین زمینه برای این فعالیت های دافغانستان بانک ارائه میشد و چنین استدلال میگردد بخاطریکه نظام بانکی در سطح کشور توسعه پیدا نموده و سایر بانکها در تمام ولایات و بعضاً ولسوالی های مهم و پرجمعیت نمایندگی ندارند ناگزیر دافغانستان بانک باید حضور داشته باشد تا بتواند این خلا را پر نماید و در کنار جذب عواید و پرداخت مصارف دولت (بانکدار دولت) خدمات بانکی را به عامه مردم عرضه نماید اما اینکه چرا شبکه بانکی در افغانستان در حالات ثبات و امنیت در کشور توسعه داده نمیشد در حالیکه نظر به این استدلال تقاضا برای خدمات بانکی در گوشه و کنار کشور نیز وجود داشت و ازطرفی مالکیت دولت در سرمایه بانکها بارز و حتی بعد از سال ۱۳۵۴ خورشیدی صد در صد بود و از همه مهمتر درین حالت دافغانستان بانک که در راس یک نظام متمرکز بانکی قرار داشت بخوبی میتوانست در توسعه شبکه بانکی کشور از طریق سایر بانکها ابتکار عمل نموده و اهتمام بخرج دهد سوالمیت درخور دقت که باز هم بر میگردد به خود دافغانستان بانک، سیاست ها و برنامه های حکومت مربوطه وقت و یا بهتر بگوئیم ظرفیت حکومتداری و نیت خدمت حکومت آزمون.

۲.۱ سایر بانکها

برای روشن شدن سهم بانکها در انکشاف سکتوری کشور در اواخر این دوره تاریخی به معرفی آمار زیر بطور نمونه در سال ۱۳۵۶ خورشیدی (۱۹۷۷ میلادی) پرداخته میشود. بانک ملی در سال ۱۳۵۶ خورشیدی مبلغ --/۵۱۵,۱۸۳,۵۹۳- افغانی را برای صادرات قالین، پوست قره قل، کریدت بارتري، اعتباریه و غیره پرداخته است. در همین سال این بانک مبلغ -/۲۰,۰۷۴,۵۲۴- دالر امریکایی، مبلغ -/۴,۲۰۴,۶۹۵- مارک جرمنی و مبلغ -/۷۱۷,۵۹۵- پوند استرلینک انگلیسی را از طریق باز نمودن لیتراف کریدت ها و کولکشن ها در سکتور تجارت خارجی وام اجرا نموده و تسهیلات فراهم نموده است.

پشتنی تجارتی بانک در سال ۱۳۵۶ خورشیدی جمعاً مبلغ -/۲۹۰,۵۷۰,۰۰۰- افغانی توزیع وام را نشان میدهد

بانک انکشاف زراعتی در سال ۱۳۵۶ خورشیدی مبلغ -/۱,۰۷۹,۹۸۱- افغانی

بانک انکشاف صنعتی در سال ۱۳۵۶ -/۲۳۷,۳۸۸,۹۰۰- افغانی

بانک انکشاف صادرات در سال ۱۳۵۶ -/۵۸۷,۴۶۴,۶۳۵- افغانی

بانک رهنی و تعمیراتی در سال ۱۳۵۶ -/۱۸,۹۷۴,۰۰۰- افغانی^۱

درین دوره همانطوریکه گفته شد بانکهای تجارتی (بانک ملی، پشتنی تجارتی بانک و بانک انکشاف صادرات) توانستند اجراءات شان را با الگو پذیری از بانکداری کشور های پیشرفته تا اندازه تنظیم نمایند این بانکها در عرضه تجارت خارجی گام های خوبی برداشتند نمایندگی های بانک ملی در خارج کشور (امریکا، اروپا و کشور پاکستان) ایجاد شد و این طریق روابط بانکی با بانکهای مشهور جهان تأمین گردید. همین طور پشتنی تجارتی بانک و به تعقیب آن بانک انکشاف صادرات ارتباطات بانکی را باشبکه بانکی منطقه و جهان برای انجام معاملات بین المللی شان تأمین و خطوط اعتبار تاسیس نمودند.

با ایجاد چنین شرایط دست اندرکاران تجارت خارجی کشور ترجیح میدادند امور تجارت شان را از طریق بانکها و استفاده از اعتبارات و تسهیلات گوناگون که برایشان میسر شده بود انجام بدهند و در همین حال مکلف بودند تا تمامی حرکات ارزی شانرا چه در واردات

^۱ صفحات ۳۰ تا ۴۶ مونیوگراف "تحلیل و تاثیر اقتصادی معاملات کردتی بانکهای افغانستان" این قلم در مقطع لیسانس

پوهنتون کابل سال ۱۳۵۹ خورشیدی

و چه صادرات و حتی سفرهای خارجی شان نزد شعبات نظارت و کنترل اسعار دافغانستان به ثبت برسانند و در رابطه به عملیات خروج و دخول ارزی شان رسماً حسابده باشند. بانکهای اختصاصی افغانستان (بانک انکشاف زراعتی، بانک انکشاف صنعتی و بانک رهنی و تعمیراتی) همینطور هریک در سکتور مربوطه خویش خدماتی را انجام دادند هرچند این بانکها درین دوره در قسمت جذب سپرده های سکتوری و سوق آن به مسیر کریدت کمتر موفقیت داشتند بآنهم فعالیت های شان در مجموع زمینه های رشد و انکشاف سکتوری را تا یک سرحدی فراهم ساخته بود. موجودیت و فعالیت بانکهای اختصاصی کشور که از کمکهای مالی بانک جهانی و بانکهای منطقوی و خدمات مشاوره و تخنیکی متخصصین این بانکها برخوردار بودند موجب گردید تا سطح، نوعیت و چگونگی اجرای نیازهای کریدتی سکتورهای مربوطه در افغانستان مطالعه و مشخص ساخته شود، مطالعات و سروی های علمی تخنیکی این بانکها در سکتور های زراعت، صنعت و عمران در زمانش درخور ستایش است.

۳.۱ اولین قانون پول و بانکداری افغانستان

با وجودیکه اولین بانک در افغانستان در سال ۱۳۱۲ خورشیدی تأسیس گردید اما بیش ازچهل سال یعنی تا سال ۱۳۵۴ خورشیدی کشور ما فاقد قانون بانکداری بود. قراریکه به تاریخ بانکداری در سایر کشورها نیز نظر انداخته میشود در اکثر کشورهای جهان موضوع چنین بوده است اول بانکها ایجاد گردیدند و بعد برای ایجاد هم آهنگی و تنظیم امور شان قوانین عمومی وضع شده است. در افغانستان درین مدت بانکها بیشتر بر مبنای مواد اساسنامه های شان امور خویش را به پیش میبردند و همینطور فرامین دولتی و طرزالعمل های اجرایی که از جانب دافغانستان بانک صادر میگردد چوکات تقنینی فعالیتهای بانکها را معین مینمود. البته امر مسلم است که با گذشت زمان و انکشاف شرایط مارکیت اساسنامه های بانکها که در واقع مبنای فعالیت بانکی شانرا تشکیل میداد تغییر و تعدیل میگردد بطور مثال میتوان از تعدیل اساسنامه بانک انکشاف زراعتی در سال ۱۳۴۸ خورشیدی نام برد قبل ازین این بانک بنام "بانک زراعتی و صنایع روستایی" یاد میشد ولی باساس اساسنامه جدید که بتاريخ ۲۲ دلو ۱۳۴۸ خورشیدی در شماره ۲۴ جریده رسمی کشور به

نشر رسید اساسنامه سابقه بانک مذکور که پیش از آن بتاريخ نهم عقرب ۱۳۳۴ خورشیدی نشر گردیده بود ملغی قرارداد شده.

هر چند درین دوره برای امور مشخص فعالیت های بانکی قوانینی نیز وضع گردیده است اما قانون عمومی و واحد برای فعالیت های بانکی کشور نبوده است. قانون بانکهای صنعتی افغانستان که در شماره دهم جریده رسمی کشور بتاريخ ۳۱ اسد ۱۳۵۰ خورشیدی نشر گردیده است ازین دست قوانین است که صرف برای چگونگی تأسیس و تنظیم امور داخلی و خارجی بانکهای صنعتی تدوین شده است. از آنجائیکه قانون به مفهوم قاعده و ترتیب در ادبیات حقوقی بکار میرود و وجود قوانین در بخش های مختلفه زندگی بشر یک امر مهم و اجتناب ناپذیر است و هر قانون باید در برگیرنده قواعدی باشد که بگونه یکسان بر یک سلسله از امور خاص جامعه حاکمیت نماید بناً در افغانستان بخاطر انسجام و هماهنگی عملیات بانکی، تشخیص حق و تکلیف اشخاص و بمنظور انطباق با اصول و اساسات قوانین بانکی بین المللی لازم بود تا قانونی در عرصه بانکداری داشته باشیم.

اولین قانون پول و بانکداری در افغانستان در سال ۱۳۵۴ خورشیدی در زمان جمهوریت محمد داود و صدارت دوکتور محمد حسن شرق طرح و تدوین یافت و بتاريخ ۳۱ سرطان همین سال در سه قسمت و سیزده فصل بداخل ۶۴ ماده به شماره (۳۰۹) جریده رسمی کشور به نشر رسید. قسمت اول این قانون به پول افغانی اختصاص داده شده که در آن از معرفی واحد پول افغانستان، ارزش برابری یک افغانی در برابر طلای خالص و حق برداشت مخصوص (SDR واحد پولی صندوق بین المللی پول)، چگونگی نشر پول، پشتوانه و حفظ ارزش پول، نظارت بر بانکها و سایر موضوعات در مورد پول ذکر گردیده است. قسمت دوم این قانون به معرفی دافغانستان بانک تشکیلات، وظایف، صلاحیتهای و سایر موارد مربوطه بانک تعلق دارد و قسمت سوم این قانون شامل موضوعات بانکداری میباشد که در آن از شرایط تأسیس بانک، نحوه و طرز فعالیت و وظایف بانکها، بانکهای اختصاصی، عملیات غیرمجاز بانکی در کشور، نحوه حسابداری، ورشکستگی و انحلال بانکها و احکام جزایی تذکر بعمل آمده است.

در اولین قانون پول و بانکداری افغانستان که در آن یک نظام بانکی به شیوه متمرکز دولتی طرح و تدوین یافته بود الی زمان ببرک کارمل صدر هیات رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان کدام تغییری بمیان نیامد. در سال ۱۳۶۱ خورشیدی در دوره کارمل طی فرمان های هیات رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان

ضمایمی درین قانون که بیشتر در مورد چگونگی رهبری دافغانستان بود تصویب و علاوه گردید.^۱

در سال ۱۳۶۹ خورشیدی دوره زمامداری دوکتور نجیب الله و صدارت سلطان علی کشمند که در آن وقت ریاست کل دافغانستان بانک به عهده دکتور محمد کبیر (که قبلاً وزیر مالیه کشور بود) گذاشته شده بود قرار بود در قانون پول و بانکداری تعدیلات بمیان آید که در زمینه کمیته ابتدایی که شخصاً افتخار عضویتش را داشتیم برای مطالعه و ارزیابی این کار نیز تشکیل و تا اندازه کار در زمینه صورت گرفت اما تغییراتی که در رده های بالای دولتی منجمله صدراعظم، کشور، وزارت مالیه و ریاست کل بانک مرکزی به اثر مشکلات میان حزبی و گرایش های قومی بمیان آمد پیگیری این کار را متوقف ساخت.

در دوره حکومت مجاهدین در سال ۱۳۷۳ بتاریخ ۱۷ اسد به اساس فرمان شماره ۹۹ رئیس دولت اسلامی افغانستان قانون جدید پول و بانکداری کشور تصویب گردید بعداً درین دوره تعدیلاتی در قانون جدید بمیان آمد و مجدداً در جریده رسمی شماره (۷۷۰) شانزدهم برج عقرب همان سال به نشر رسید. در این قانون جدید آمده است که "ارتباط دافغانستان بانک با حکومت توسط رئیس عمومی دافغانستان بانک تامین میگردد."^۲ همینطور در ماده ۴۴ این قانون تذکر یافته که "بانکها در افغانستان ارحاظ ملکیت مشتمل بر: ۱- بانکهای دولتی ۲- بانکهای سکتور خصوصی ۳- بانکهای مختلط" میباشند و همینطور از تأسیس شعبات بانکهای خارجی درین قانون تذکر بعمل آمده است. ملاحظه میشود که حکومت مجاهدین بعد از ملی شدن بانکها برای اولین بار زمینه و چوکات قانونی را برای تاسیس بانکهای بخش خصوصی و حضور نمایندگی های بانکهای خارجی فراهم کرده بودند که بر مبنای مسوده این قانون که تا هنوز تصویب، توشح و در جریده رسمی نشر نیافته در آن زمان بانک گلاب الدین شیرزی منحصیث یک بانک بخش خصوصی تاسیس گردید اما شرایط ناگوار جنگهای داخلی نه تنها که فرصت تاسیس بانکهای دیگر در بخش خصوصی و فعالیت نمایندگی های بانکهای خارجی را از نظام بانکی کشور ربود بل بانک تاسیس شده گلاب الدین شیرزی نیز در آغازین روزهای فعالیتش مسدود گردید. نکته قابل ملاحظه و بحث درین قانون اینست که بعد از ملی شدن بانکها در زمان محمد داود برای اولین بار این بن

^۱ مواداول، دوم وسوم فرمان مذکور منتشره جریده رسمی شماره دهم شماره مسلسل (۵۱۴) تاریخ ۳۱ اسد سال ۱۳۶۱ خورشیدی

^۲ بند ۷ ماده ۸ قانون پول و بانکداری افغانستان منتشره سال ۱۳۷۳ خورشیدی

بست شکسته میشود همینطور این قانون تا اندازه استقلالیت بانک مرکزی کشور را تامین نموده بود و پل رابط وزارت مالیه میان بانک و حکومت را ویران مینماید به هر حال یک قانون با دیدگاه بازتر و مبتنی به ایجابات وقت طرح و تصویب میشود که متاسفانه موادات قانون به اثر آشفتگی های داخلی روی کاغذ باقی ماند.

با آمدن نظام جدید جمهوری اسلامی افغانستان قوانین بانکی در سال ۱۳۸۲ خورشیدی بنام های قانون بانکداری افغانستان ۱۳۸۲/۰۶/۲۷ قانون دافغانستان بانک ۱۳۸۲/۰۶/۲۷ خورشیدی توشیح گردید که قوانین فوق به هدف هماهنگ سازی سیستم بانکداری و نظام پولی کشور با مقتضیات زمان و مطابق روحیه قانون اساسی کشور به منصفه اجرا گذاشته شده است. بعداً بمنظور فراهم آوری چوکات قانونی برای فعالیت های بانکداری اسلامی و سایر تغییرات در قانون بانکداری بتاريخ ۲۰ عقرب سال ۱۳۹۴ خورشیدی قانون جدید بانکداری تصویب و توشیح گردید.

۴.۱ ملی شدن بانکها

در نیمه های قرن بیستم میلادی تب ملی شدن بانکها در منطقه بالا گرفته بود. کشور های این حوزه یکی پی دیگری اقدام به ملی کردن بانکهای شان می نمودند. ملی شدن بانک ها بدین معنی است که یک دولت با در نظر داشت ملاحظات اقتصادی و یا گرایش های سیاسی مکتبی که دارد طور مثال ملاحظه این که موثریت سیستم بانکی برای کل اقتصاد ملی افزایش یابد و یا این که در بعضی از سکتور های زیربنایی سرمایه جریان پیدا نمی نماید و یا جلوگیری از تمرکز ثروت و قدرت و ملحوظات دیگر اقتصادی، سیاسی و اجتماعی از جمله گرایش های سوسیالیستی که در آن زمان بیشتر در منطقه مد روز شده بود تمام سهام بخش خصوصی بانک ها را خریداری می نماید و بانک ها را به مالکیت صد در صد خود در میآورد.

هرگاه بتاريخ ملی شدن بانکها در کشور های مختلف منطقه نظراندازی شود ملاحظه میگردد که تقریباً در اکثر این کشور ها بیشتر گرایش های سوسیالیستی به مفهوم جامعه خواهی یا جامعه گرایی موجب ملی ساختن بانک ها و سایر تأسیسات اقتصادی گردیده است. در بین کشور های جهان سومی در قرن بیستم برداشت و باور از مفهوم سوسیالیزم به عنوان یک مکتب حاوی اندیشه ی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که می توانست موجب

ایجاد یک نظم اجتماعی و اقتصادی متمرکز گردد و عمل نماید، داغ داغ شده بود. در آن زمان پیروی از اصول سوسیالیسم از طریق یک انسجام و هماهنگی مرکزی دولتی طوری که ناظر بر احزاب سیاسی، زمین و ابزار تولید در جامعه باشد به سود تمامی اقشار جامعه تلقی میشد و هدف از این انسجام تأمین عدالت اجتماعی و تمایل به برابری اقتصادی بود تا ثروت های ملی بدست یک قشر خاص جامعه جمع نشود و بطور غیرعادلانه تمرکز نیابد و چنین استدلال میشد که دولت باید در تمام سکتور های مهم اقتصاد ملی اشراف و نفوذ عملی پیدا نماید تا عدالت اجتماعی در جامعه تأمین و از سرمایه های ملی بگونه بهینه برای رشد و توسعه اقتصادی استفاده بعمل آید.

بطور کل در اکثر کتب و مقالات اقتصادی دلایل زیر بخاطر ملی ساختن بانک ها ارائه شده است:

- کنترل از منابع بزرگ در اقتصاد ملی
- توجه به سکتور های که در الویت قرار دارند و سکتور های زیربنایی
- توسعه مناطق عقب افتاده در اقتصاد ملی
- کارآیی بیشتر
- سودآوری بیشتر
- انسجام و توحید سیاست بانکی در کشور
- سازماندهی بهتر پس اندازها و جهت دادن آن به سرمایه گذاری
- تشویق مردم به استفاده از خدمات بانکی
- تسریع انتقالات پولی
- و افزایش استخدام

استدلالات بالا بشکل عمومی در نوشته های اقتصادی در رابطه به ملی ساختن بانکها مطرح گردیده است اما همانطوریکه گفتیم دلایل ملی ساختن بانکها در منطقه در قرن بیستم ظاهراً از یک کشور دیگر متفاوت بود یا حد اقل هر کشور دلایل خاصی را بدین منظور پیشکش نموده است بنابراین برای روشن شدن بهتر پدیده و فرآیند ملی ساختن بانکها موضوع را در چندکشور منطقه و همسایه بطور پیش زمینه بگونه کوتاه مطالعه نموده و بعد داخل بحث ملی شدن بانکها در کشور خویش افغانستان میشویم.

۱.۴.۱ در کشور مصر

اولین بانک درین کشور در سال ۱۸۵۶ میلادی تاسیس گردید و تقریباً بعد از یک قرن در ۱۹۶۱ میلادی (۱۳۴۰ خورشیدی) با تاسیس بانک مرکزی آن کشور اقدام به ملی ساختن بانکها شد مصر اولین کشوریست در منطقه که در قرن بیستم در دوره زمام داری جمال عبدالناصر اقدامات ملی سازی از جمله ملی ساختن بانکهایش را انجام داده است و برای ملی شدن بانکها در کشور مصر بیشتر بحث ملی گرایی عنوان گردیده بود.

۲.۴.۱ در عراق

همینطور در سال ۱۹۶۴ میلادی (۱۳۴۳ خورشیدی) دولت عراق به پیروی از اقدامات جمال عبدالناصر در مصر، اقدام به ملی ساختن بانک ها نمود. (درسال ۱۹۶۷ میلادی احمد حسن البکر بحیث نخستین رئیس جمهور عراق از حزب بعث به قدرت رسید بعد از آن صدام حسین که در کودتای ۱۹۶۸ نقش کلیدی داشت بحیث یک رهبر سکولار در عراق عرض اندام نمود) در عراق بیشتر گرایش های سوسیالیستی که محور بحث حزب برسراقتدار بعث بود زمینه را به ملی سازی بانکها فراهم نمود و در کشور عراق قبل از صدام حسین تمامی بانکها ملی و در ملکیت دولت قرار داشت وی در سال ۱۹۹۰ میلادی اجازه برای تاسیس بانکهای بخش خصوصی را نیز صادر نمود.

۳.۴.۱ در هند

در هندوستان نیز هدف دولت وقت از ملی کردن بانکها هرچند شامل برنامه سوسیالیستی دولت بعد از بدست آوردن استقلال از کشور بریتانیای کبیر در سال ۱۹۴۷ میلادی بود اما دلیل گسترش قروض بانکها به مناطق عقب افتاده فقیر نشین نیز عنوان گردیده است. با وجودیکه موضوع ملی شدن بانکها و شرکت های بیمه از سال ۱۹۴۸ میلادی در هندوستان مورد بحث قرار گرفته بود اما در ۱۹ جولای سال ۱۹۶۹ میلادی (۱۳۴۸ خورشیدی) "خانم اندرا گاندی" دختر جواهر لعل نهرو و در زمان صدارتش که درعین زمان سمت وزارت مالیه هندوستان را هم بدوش داشت تصمیم به ملی شدن ۱۴ بانک بزرگ بخش خصوصی را گرفت درین اقدام خانم گاندی توانست ۸۰ درصد دارایی های بانکی هندوستان را در ملکیت و کنترل دولت درآورد. در آنزمان در کشور هندوستان که بزرگترین

شبکه بانکی را در منطقه داشت و تا هم اکنون هم دارا می باشد اولین بانک که ملی اعلان گردید در جنوری ۱۹۴۹ مطابق ۱۳۲۸ هجری خورشیدی ریزرف بانک هند بود به پیوست آن ۱۴ بانک دیگر در جولای ۱۹۶۹ مطابق ۱۳۴۸ هجری خورشیدی ملی اعلان گردیدند.^۱

۴.۴.۱ در پاکستان

در کشور پاکستان نیز به تعقیب هندوستان در زمینه ملی سازی بانکها عمل گردید و برنامه ملی سازی بانکها در جنوری ۱۹۷۴ میلادی (۱۳۵۳ خورشیدی) به هدف توزیع عادلانه کريدت(وام) رویدست گرفته شد.

۵.۴.۱ در ایران

ایران آخرین کشوری در منطقه بود که بعد از افغانستان برنامه ملی سازی بانکها را عملی ساخت، چه در زمان حکمرانی خاندان پهلوی به ویژه دوره طولانی آخرین شاه این سلسله محمد رضا شاه پهلوی اقتصاد ایران بیشتر با الگو پذیری از سیستم سرمایداری غرب بخصوص ایالات متحده امریکا بر مبنای مارکیت استوار بود. درین کشور تمام بانک ها در روز ۱۸ برج جوزا ۱۳۵۸ خورشیدی با تایید مصوبه دولت موقت در شورای انقلاب، ملی اعلام شدند. هدف و دلایل ملی ساختن بانکها در ایران را میشود بهتر در پیام اولین نخست وزیر دولت موقت ایران مهندس مهدی بازرگان دریافت.

"پیام مهندس بازرگان درباره ملی شدن بانکها"

^۱ سایت رسمی ریزرف بانک هندوستان

«بسم الله الرحمن الرحيم»

هموطنان عزیز از آنجایی که بانک های خصوصی وضع نامساعد زیان باری پیدا کرده بودند، دولت لازم دانست برای حفظ حقوق و سرمایه های ملی و به منظور تضمین پس انداز های مردم و جلوگیری از ائتلاف سپرده ها مدیریت کلیه بانک های خصوصی را بر عهده گیرد. به این وسیله به اطلاع عموم می‌رسانم که با تصویب شورای انقلاب اسلامی کلیه بانک های کشور از تاریخ ۱۷ خرداد ماه ۱۳۵۸ ملی اعلام گردید، به این ترتیب کلیه بانک ها در اختیار دولت و متعلق به ملت بوده، سپرده ها و پس انداز ها تضمین می‌شود. دولت موقت جمهوری اسلامی انتظار دارد بدهکاران بانک ها در ایفای تعهدات خود تسریع کنند و کارکنان بانک ها در حکم اجرای قانون همکاری لازم را بنمایند^۱

همزمان با این پیام خبرگزاری یونایتد پرس آمریکا نوشت که «بانک‌های خارجی در تهران از اقدام ملی کردن بانک ها تکان خوردند»، خبرگزاری تاس شوروی از اظهار نظر در این باره خود داری کرد. اما رادیو لندن ملی شدن بانک ها را به عنوان اقدامی که در نهایت به سود طبقه متوسط مردم ایران خواهد بود، ارزیابی کرد.

در داخل ایران هم مطبوعات مختلف به تحلیل دلایل و تبعات ملی کردن بانک ها توسط دولت موقت پرداختند و از آن جمله روزنامه کیهان در یاد داشت روز ۱۹ خرداد (جوزا) ماه همان سال نوشت: شاید بزرگ ترین گام انقلابی دولت موقت بازرگان ملی کردن بانک ها در ایران باشد. جناح چپ هیات دولت وقت ایران طرفدار ملی شدن بانکها بود در مقابل این گروه دکتر مولوی، رئیس کل بانک مرکزی با ملی کردن بانک ها مخالف بود. استدلال دکتر مولوی این بود که به جای آنکه از ابتدا بانک ها ملی شود، بهتر است همچون صنایع در ابتدا دولت اداره کلیه بانک ها را اعم از خصوصی و دولتی بر عهده بگیرد و پس از حسابرسی تکلیف آنها را مشخص کند. دکتر مولوی که کارشناس با تجربه ی در امور اقتصادی و به ویژه بانک ها بود می‌دانست که تعدادی از بانک ها و به ویژه بانک های خصوصی ورشکست شده اند و معتقد بود پس از حسابرسی و مشخص شدن وضعیت مالی بانک ها، در صورت ورشکستگی، دیگر دولت تاوان و غرامتی پرداخت نخواهد کرد و صاحبان سهام تاوان آن را

^۱ منابع اینترنتی و وب سایت بیتوته

پرداخت خواهند کرد، ولی در هر صورت، دولت موقت و پس از آن شورای انقلاب، ملی کردن بانکها را تصویب کردند.^۱

۶.۴.۱ و اما در افغانستان

در افغانستان تا سال ۱۳۵۵ خورشیدی (۱۹۷۶ میلادی) تشکل سرمایوی یا بهتر بگوئیم شخصیت حقوقی سرمایوی بانکهای کشور (باستثنای دافغانستان بانک) از سرمایه دولت و سرمایه بخش خصوصی به شکل مختلط ترکیب گردیده بود یعنی نقش سرمایگذاری های بخش خصوصی از اولین روز های تاریخچه بانکداری در کشور تا آن زمان برجسته بود و همینطور در رهبری و مدیریت بانکها، در سالهای نخست حیات بانکداری در افغانستان بیشتر سهم بخش خصوصی متبازر بود تا جائیکه عبدالمجید زابلی یک بانکدار برجسته بخش خصوصی بحیث اولین رئیس اولین بانک (بانک ملی) و بعد اولین رئیس کل دافغانستان بانک منسوب گردیده بود. بنابر آن گفته میتوانیم که بخش بزرگ سرمایگذاری ها، هیآت های رهبری بانکها و تصمیم گیری ها در پهلوی دولت بدست وابتکار بخش خصوصی انسجام و ادره میشد.

در ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ خورشیدی (۱۹۷۳ میلادی) سردار محمد داود پسرکاکای محمد ظاهر پادشاه افغانستان در یک کودتای سفید و شاید هم مصلحتی قدرت سیاسی را بدست گرفت و نظام جمهوری را برای اولین بار در کشوراعلان نمود. محمد داود که در زمان سلطنت محمد ظاهر در چندین دوره سمت صدارت کشور را به عهده داشت همواره طرفدار یک نظام اقتصادی پلان گذاری شده مرکزی در افغانستان بود نامبرده را میتوان بانی پلان گذاری دولتی در افغانستان دانست. پلان های پنجساله دوره های صدارت موصوف که اولین پلان آن در سال ۱۳۳۵ خورشیدی طرح و تدوین گردید دلایل خوبی برای این ادعاست ناگفته نباید گذاشت که اجرای پلان های پنجساله دوره های صدارت محمد داود توانست در اعمار زیربنا های اساسی اقتصادی و اولویت های مهم انکشاف اقتصادی کشور کمک نماید و زمینه را برای تطبیق سایر برنامه ها در ساحات تولیدی و اجتماعی فراهم سازد.

در سال ۱۳۵۵ خورشیدی (۱۹۷۶ میلادی) محمد داود رئیس جمهور وقت افغانستان فرمان ملی شدن بانکها را صادر نمود چه درین زمان گرایش های سوسیالیستی داود خان

^۱ منابع انترنیت

در دوره ریاست جمهوری اش بیشتر از دوره های صدارتش در زمان محمد ظاهرآشکار گردید وی به شدت طرفدار نظام اقتصادی پلانگذاری شده دولتی بود و در زمان ریاست جمهوری خویش پلان مشهور انکشافی اقتصادی هفت ساله اش را طرح، تدوین و به منصفه اجرا قرار داد. داود خان با نزدیکی با رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به ویژه جناح پرچم قانون مالیات مترقی بر اراضی را طرح و تصویب نمود که به اساس این قانون زمینداران بزرگ مجبور میشدند تا بیشر ساحه زمین داری شانرا بخاطر عدم توانایی پرداخت مالیات، به دولت واگذار شوند و با این کار محمد داود میخواست اصلاحات بنیادی را در اراضی افغانستان بمیان آورد و به ترتیب تمرکز ملکیت و سرمایه را درسکتور زراعت از دست زمینداران بزرگ به اصطلاح و تعبیر آنزمان فئودالان کشیده و بدولت منتقل نماید. همینطور مداخله دولت در تمامی امور اقتصادی هم از زراعت، صنعت، تجارت و بازار روز تا روز اضافه شده میرفت. ملی ساختن بانکها نیز یکی از اقدامات بزرگ اقتصادی دولت محمد داود بود که انجام گردید. درین دوره قرار بود که برنامه های دولت محمد داود از طریق پلان هفت ساله وی اعلان و تطبیق شوند اما هرچند متن پلان هفت ساله محمد داود در دوم حمل سال ۱۳۵۵ هجری خورشیدی مطابق ۲۱ مارچ ۱۹۷۶ میلادی انتشار یافت ولی پیشتر از آن ملی ساختن بانک ها اعلام شده بود. در آن زمان ملی ساختن بانک ها و صنایع بزرگ و همچنان اقدامات اولیه به هدف اصلاحات ارضی، صاحبان سرمایه و زمینداران بزرگ را به تشویب انداخت طوری که در دو سال اول اکثراً تجار و سرمایداران که در سایر بخش ها سرمایگذاری داشتند و صاحب سرمایه های نقدی بودند سرمایه های خویش را به ذرایع مختلف به خارج انتقال دادند. و میتوانیم ادعا نمائیم که مهاجرت باشندگان کشور ما از همان دوره آغاز گردید.

طوریکه قبلاً گفتیم اولین قانون پول و بانکداری افغانستان در سال ۱۳۵۴ خورشیدی درین زمان ساخته شد که نظر به ماده (۴۶) این قانون بانکها در افغانستان ملی اعلان گردیدند شاید هم هدف اساسی از طرح و تدوین این قانون بیشتر ملی سازی بانکها و تمرکز مدیریت آنها بدست دولت بوده باشد درین ماده چنین آمده است "سرمایه بانکها در افغانستان صد فیصد ملی یعنی ملکیت دولت است"^۱ همینطور در ماده چهل هفتم این قانون در رابطه به تغییر اساسنامه های بانکها اشاره گردیده که "بانک های که قبلاً تاسیس

^۱ قانون پول و بانکداری افغانستان منتشره ۱۳۵۴ خورشیدی

شده اند اگر اساسنامه آنها با احکام این قانون مغایرت داشته باشد مکلف اند اساسنامه خود را مطابق هدایات مندرج این قانون حداکثر در ظرف (یکسال) از تاریخ انفاذ این قانون تعدیل و بعد از ملاحظه کمیته پول و کریدت و تصویب شورای عالی دافغانستان بانک به منظوری مجلس عالی وزیراً برسانند^۱ و طبق ماده (۴۹) این قانون دولت مکلف بود در ظرف یکسال بعد از انفاذ قانون مذکور تمامی سهام بانکها را خریداری نموده و قیمت سهام را با صاحبان آن بپردازد.

بهر حال در دوره حکومت محمد داود زمینه طرح و تصویب اولین قانون پول و بانکداری که در آن ملی شدن بانکهای کشور حکم قطعی داشت آماده ساخته شد و صد در صد عملی گردید، این قانون طوری طراحی و تدوین یافته بود که بعد از دوره موصوف و رویکار شدن حکومت حزب دموکراتیک خلق افغانستان (۱۳۷۱-۱۳۵۷ خورشیدی) نیازی به تعدیل کلی آن پیدا نشد چه تمامی اساسات، مبنا و چوکات یک نظام بانکی شدیداً رهبری شده دولتی درین قانون پیش بینی و مسجل گردیده بود.

۲ دوره دگرگونی از ۱۳۵۷ الی ۱۳۷۱ خورشیدی

وضعیت بانکداری در دوره جمهوری دموکراتیک (حاکمیت حزب خلق و پرچم)

۱.۲ مدیران تازه وارد در نظام بانکی

در سال ۱۳۵۷ خورشیدی با سقوط نظام جمهوری محمد داود و به قدرت رسیدن حزب دموکراتیک خلق و روی کار آمدن نظام انقلابی جمهوری دموکراتیک در کشور، مدیریت و فن آوری بانکی در کشور دستخوش بحرانات شدید گردید.

چارچ اداره بانک ها مانند سایر بخش ها و سازمان های دولتی بدست اعضای حزب بر سر اقتدار که اکثرآ تجربه مدیریت کلان و مسلکی نداشتند سپرده شد این مدیران تازه وارد که فقط متعهدین نظام و اعضای حزب بر سر اقتدار بودند با دیدگاه خاص سیاسی و ایدیالوژیکی خویش وارد صحنه مدیریت بانکی کشور گردیدند، تعهد این متصدیان تازه وارد عمدتاً به آرمان های نظام سیاسی مطبوع شان (سوسیالیزم) از یک طرف و سیاست کلی اقتصادی

^۱ قانون پول و بانکداری افغانستان منتشره ۱۳۵۴ خورشیدی

دولت مبنی بر اصل مرکزیت حزبی دولتی از جانب دیگر، نظام پولی و سیستم بانکی کشور را در جهت پیشبرد اهداف سیاسی و اقتصادی تعریف شده در آرمانهای حزبی حزب حاکم سوق نمود. درین گپرو دار انقلابی رهبری بانک ها به افرادی سپرده شد که اکثرأ فقط بدون از عضویت حزبی شان یکروز هم تجربه اداره بانکی را در سطح کلان رهبری و مدیریت نداشتند. بگونه مثال در ریاست بانک ملی که یکی بزرگترین بانک های تجارتی افغانستان بود و با داشتن نمایندگی های خارجی اش روابط مستحکم و گسترده بانکی با شبکه بانکی جهانی داشت یکنفر عضو حزب که بخاطر تدریس زبان پشتو به کارمندان بانک قبلاً در دوره محمد داود استخدام شده بود برگزیده و گماشته شد. در اداره دافغانستان بانک که منحصت بانک مرکزی در رأس نظام بانکی و پولی کشور قرار داشت کسانی گماشته شدند که از تحصیلات جوامع سوسیالستی برخوردار بودند این افراد که فاقد هرگونه تجربه مدیریت کلان بانکی بودند کمتر به نظام بانکداری و سیستم پولی مبنی بر میکانیزم های بازار و تعاملات پولی و بانکی در سطح ملی و بین المللی آشنا یی داشتند همین طور سایر بانک ها این مزه تلخ تجارب مدیریتی وسیطره سازمان های اولیه حزبی را زیر چتر و هدف سیاسی شدن نظام بانکی کشور را صبورانه چشیدند.

هر چند بعد ها حزب و دولت انقلابی درین زمینه متوجه گردید افراد مسلکی، مجرب و اکادمیک را وارد صحنه ساخت ولی بانک ها از ناحیه قانونگذاری، شیوه مدیریت، انسجام مالی و کدري به علل گوناگون شدیدأ صدمه دیده بودند درین دوره کدرهای مسلکی و مجرب بانکها به دلایل سیاسی و اعزام بخدمت سربازی از بانک ها فاصله گرفتند وعده در گپرو دار مهاجرتهای ملیونی ناگذیر به ترک کشور شدند.

مشکل تنها ضعف مدیریتی در بانکها نبود بلکه مداخلات حکومت در نظام بانکی و صدور فرمانها و تصاویب شتاب زده شورای انقلابی همیشه مزید برعلت میشدند طور مثال برطبق فیصله شماره (۳۴) مورخه ۲۰۸۰۱۳۵۸ خورشیدی شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان صلاحیت نشروپول به شورای وزیران حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان انتقال گردید^۱. تمام این شتاب زده گی ها جز تورم پولی، انزوای سیستم بانکی از شبکه بانکی منطقه و جهان، عدم همکاری سازمانهای پولی، بانکی و مالی جهانی، و

^۱ صفحه ۸ جریده شماره ۱۷ تاریخ ۱۵ قوس ۱۳۵۸ جریده رسمی وزارت عدلیه افغانستان

منطقوی، بیروکراتیسم بانکی و بالاخره کاهش اعتماد مردم به نظام بانکی و درسالهای بعد ورشکستگی تدریجی و خاموش بانکها نمی توانست چیز دیگری را به ارمغان آورد.

نکته قابل ذکر اینست که درین دوره چهارده ساله از آغاز تا انجام محور فعالیت نظام بانکی کشور قانون بانکی نظام محمد داود و طرز العمل ها و اساسات قبلی بانکی بود و مبنای حقوقی نظام بانکی را همان قانون بانکداری دوره محمد داود که شدیداً بالای اصل مرکزیت دولتی متمرکز شده بود تشکیل میداد فقط اداره بانکها از بابت گماشتن افراد وابسته به حزب بر سراقندار مانند سایر نهادهای دولتی صدمه مدیریتی و سازمانی دیدند. هرچند همانطوریکه گفته شد درسال های بعد حزب و دولت متوجه این امر گردید و به نصب وجابجایی افراد مسلکی و متخصص بعضاً حتی افراد غیر وابسته به حزب نیز اقدام نمود.

درین دوره حجم پول که در سال ۱۳۶۴ خورشیدی به بالغ بر مبلغ (۷۶.۳) میلیارد افغانی بود در اواخر سال ۱۳۷۰ خورشیدی به مبلغ (۶۷۳.۳) میلیارد افغانی رسید.^۱

۲.۲ بازگشت به مدیریت مسلکی

بزودی زمامداران مملکت متوجه گردیدند که با چنین روش مدیریتی نمیشود حداقل نظام بانکی و پولی را که کاملاً حرفوی و مستلزم دانش و تجارت خاص خود است اداره نمود بنا بر گشتند به گماشتن افراد مسلکی و با تجربه که سالیان درازی را در سکتور بانکی و مالی کشور موفقانه خدمت نموده بودند. این اقدام مسئولین آن دوره واقعاً درخور ستایش است چه پی بردن به اشتباه و اصلاح آن در هر وقت و زمان و توسط هر فرد و دولت که باشد کاریست معقول، پسندیده و درخور ستایش که ای کاش مسئولین نظام های دولتی افغانستان در دوره های بعد هم از غلاف های حزبی و تیمی شان بیرون میشدند. بهر حال وارد شدن افراد مسلکی و با تجربه بدون شک تغییرات مثبتی را در هر سازمان پدید میآورد، در نظام بانکی افغانستان هم این اقدام بی اثر نبود هر چند در طی سالهای اول جنب و جوش انقلابی بانکهای افغانستان بهترین کدرها، مشتریان و بانکهای معامله دار شانرا از دست داده بودند و از همه مهمتر انزوای نظام بانکی کشور بانکهای ما را از سیر تکاملی بانکداری جهانی و انقلاب دیجیتالی که به شدت به پیش میرفت محروم گردانید. درین دوره کمتر کارکنان بانکها به منظور فراگیری دانش و مهارت های نوین بخارج کشور اعزام

^۱ صفحه ۵ مجله دافغانستان بانک شماره ۸ سال ۱۳۸۶ خورشیدی

میگردیدند بیشتر پروگرام های آموزشی و سفر های کاری در کشور های بلوک شرق سوسیالیستی تنظیم میشد که کمتر بردر بانکداری افغانستان که ارتباطاتش با دنیای آزاد از سالیان دراز شکل گرفته بود، میخورد. بجز اعزام کادر ها در پروگرام شش هفته ی صندوق وجهی بین المللی پول IMF آنهم سالانه یکنفر و سهمگیری در پروگرام ITEC^۱ پلان Colombo کشور هندوستان که در آن افراد انگشت شماری فرستاده میشدند دیگر از پروگرام آموزشی در خارج کشور برای کارمندان بانکها خبری نبود.

باوصف مشکلاتیکه متوجه نظام بانکی کشور گردیده بود روی هم رفته وضع بانکهای کشور و در کل نظام بانکداری در افغانستان بعد از سالهای ۱۳۵۹ و ۶۰ تقریباً به مسیر طبعی خویش برگشت و وضعیت بانکداری کشور را میتوان تا سال ۱۳۶۸ هجری خورشیدی (۱۹۸۹ میلادی) تا اندازه به تناسب سالهای قبل و بعد از آن قناعت بخش ارزیابی نمود. چه بانکداری درین فاصله زمانی با در نظر داشت موقف و سائز اقتصادی کشور تقریباً یک روند عادی داشته و تا حدودی در پیوند به دوره زمامداری محمد داود در یک مسیر نسبتاً خوب در جریان بوده است. درین دوره بیلاس شیت های بانکهای کشور بیشترین رقم وجوه سپرده گذاری و هم چنان بلند ترین عدد قرضه دهی را نشان میدهند سیستم تادیات داخلی و خارجی با وصف انزوای قسمی نظام بانکی بخوبی کار میکرد تا جائیکه بیشتر حجم تجارت خارجی رسمی افغانستان از طریق لیترا ف کریدت ها و کولکش ها انجام میشد.

دهه شصت یک دوره پر از خم و پیچ در نظام بانکداری رقم خورده است هر چند در نیمه اول این دهه ما شاهد رشد عرضه فرآورده های بانکی هستیم نرخ نه درصدی مفاد (تکتانه) برای پس انداز های خانواده ها یک نرخ تشویقی برای سپرده گذاری در کشور بود، خانواده ها بخصوص در شهر کابل و سایر شهرهای بزرگ کشور ترجیح میدادند پولهای مازاد بر مصرف شان را در حسابات پس انداز در بانکها که هم مفاد ثابت سالانه داشت و هم شامل جوایز غرعه کشی سالانه میشد سپرده گذاری نمایند. برای اطفال صندوقچه های قفل دار بانکها جالب و لذت بخش بود تا مسکوکات فلزی را در آن ذخیره نمایند و بعد در حسابات اسمی خود اطفال که به صلاحیت والدین شان افتتاح میشد جمع نمایند. هر چند دهه شصت را میتوان از نگاه جلب سپرده های مردم در بانکها یک دستاورد برای نظام بانکی دانست اما در قسمت مدیریت این سپرده ها در جهت وام دهی و تزریق به اقتصاد

ملی مشکلاتی موجود بود، بیشتر پس اندازهای ملی در سکتور تجارت و آنهم در بخش واردات بویژه برای ورود کالاهای مصرفی و بیشتر کالاهای لوکس به مصرف میرسید. درین دوره بویژه در نیمه دهه شصت صنایع نوپای کشور و سکتور زراعت و مالداري و بخش صنایع دستی کمتر از کریدت های بانکها مستفید گردیدند که بیشتر بدلیل بد امنی در اکثر ولایات بود هر چند بانکهای اختصاصی در سکتور های صنعت، زراعت، عمران و صادرات فعالیت داشتند اما همانطوریکه گفتیم به علت اوج گیری نا آرامی ها در کشور و از دست رفتن کنترل دولت در اطراف شهرها بانکها جرأت توزیع قروض را به مناطق نا امن نداشتند زیرا مطالعه قروض (اعتبارسنجی) و همینطور تثبیت تضامین قروض و حفظ آن مشکل و حتی ناممکن بود بنأ بانکهای انکشافی زراعت، صنعت، رهنی و تعمیراتی تقریباً فعالیت شان را از درک توزیع قروض تقریباً متوقف ساخته و بیشتر برای حصول طلبات شان که آن هم امر آسانی نبود تمرکز نمودند. بانک انکشاف صادرات که به هدف تقویت سکتور صادرات کشور (هم در جهت رشد تولید اقلام صادراتی و هم صدور این اقلام به بازار های بین المللی) تاسیس گردیده بود در حقیقت به بانک انکشاف واردات تبدیل شده میرفت هرگاه اسناد حسابی و بیلانس شیت این بانک در سالهای اخیر دهه شصت مطالعه شود بیشتر منابع دست داشته بانک برای تورید کالای های مصرفی و لوکس از طریق لیتراف کریدت های وارداتی وام داده شده است.

۳.۲ توافقات ژنو، خروج روسها و تشدید بحران امنیت

توافقات ژنو در نتیجه روند طولانی مذاکرات چندین ساله بین طرف های افغانستان و پاکستان با حضور فعال اتحاد جماهیر شوروی وقت و ایالات متحده امریکا بحیث تضمین کنندگان و پا درمیانی ملل متحد سرانجام در ماه اپریل ۱۹۸۸ میلادی (۱۳۶۷ خورشیدی) در شهر ژنوا مقر اروپایی سازمان ملل متحد در کشور سوئیس با مضا رسید. به اساس این توافقات، شوروی وقت حاضر گردید در صورت عدم مداخله و دخالت از جانب کشور های منطقه و جهان در افغانستان، سربازانش را ازین کشور خارج مینماید بر مبنای این توافقات خروج سربازان شوروی از ۱۵ می ۱۹۸۸ میلادی شروع و در ۱۵ فوروری ۱۹۸۹ میلادی (۱۳۶۸ خورشیدی) ختم گردید.^۱

^۱ برگزیده از کتاب «ستراژی حزب وطن: دیدگاه ها و مواضع» سپتامبر - ۲۰۰۴ میلادی

بعد از خروج نیروهای نظامی اتحاد جماهیر شوروی وقت از افغانستان دولت با حملات شدید و پی در پی مجاهدین مواجه گردید تا سرحدیکه شهر کابل پایتخت کشور مانند اکثر شهرهای دیگر در محاصره نیروهای مخالف دولت درآمد و شهروندان کابل هر روز بر علاوه شرایط ناگوار اقتصادی و زندگی سخت روزمره گی از پرتاب راکت های کور بداخل شهر رنج میبردند. درین شرایط دشوار امنیتی و اقتصادی ساختارهای نظام و بنیادهای اقتصادی هر روز آسیب پذیرتر شده میرفت. مبرهن است که شرایط بد امنیتی و اقتصادی نظام بانکی یک کشور را بیش از همه سکتورهای آسیب میرساند، شرایط بد سالهای ۶۸، ۶۹ و ۷۰ دهه (۶۰ خورشیدی) بر بنیاد نظام بانکی کشور صدمات فراوان وارد کرد که تأثیرات منفی آن تا کنون مشهود است.

در دهه ۶۰ خورشیدی با وصف اینکه در عرصه جذب سپرده های ملیونی مردم بویژه در حسابات پس انداز و توزیع قروض مختلف به سکتورهای اقتصاد ملی پیشرفت های ملاحظه میرسد ولی نظر به شرایط بد امنیتی کشور در اخیر این دهه و سوء مدیریت در بعضی از بانکها اکثرأ حصول طلبات بانکها به مشکل مواجه گردیدند که دلایل مختلف خود را داشت، از یکطرف در توزیع قروض اکثرأ بطور شاید و باید ارزیابی درست یعنی اعتبار سنجی دقیق صورت نمی گرفت بویژه در حصه تضامین وام های داده شده اقلام صادراتی، زراعت، صنعت و مسکن و از جانب دیگر اوضاع بد امنیتی هم نمی گذاشت تا کارمندان بخش قرضوی بانکها در محلات که تضامین قرضه ها در آن واقع شده بودند حضور فعال بمنظور ارزیابی دقیق تضامین وام ها پیدا نمایند بیشتر قرضه ها بدون تثبیت دقیق تضامین قرضه اجرا میشد، تصفیه لیترا ف کریدت های وارداتی که در حقیقت خود اموال وارداتی تضمین معتبر برای وام بانک بودند نیز به مشکل جدی مواجه شدند زیرا دشواری های که در گمرکات و سرحدات کشور وجود داشت زمینه را برای خروج اموال تحت تضامین کریدتهای بانکها بدون تصفیه کریدت ها مساعد میساخت. بصورت خلاصه میتوان گفت که عدم امنیت و حاکمیت ضعیف حکومتی با مشکلات در گمرکات و سرحدات کشور بویژه فساد اداری، سوء مدیریت و فساد در بانکها با همکاری یک تعداد از تجار استفاده جو اکثر قرضه های تجارتنی بانکها را به خطرات جدی مواجه ساخت گمرکات نیز در مورد ترخیص اموال تحت تضامین بانکها توجه نکردند اکثر اموال تحت تضمین بانکی (مربوط لیترا ف کریدت ها) بدون اینکه قرضه اش در بانک مربوطه تصفیه شود و علم و خبر از جانب بانک ظهر نویسی و تصدیق عدم باقیداری گردد از گمرکات بیشتر ولایات در مقابل رشوه خارج

ساخته شدند بدین ترتیب سرمایه های بانکها که اکثر آنها پول سپرده گذاران تشکیل میداد به بادفنا میرفت.

درین دوره قرضه های بانکها در سکتور تجارت بیشتر به بخش واردات و بیشتر اجناس لوکس متمرکز شده بود (به شمول اقلام ری اکسپورت) در حالیکه سکتور های صنعت زراعت، خدمات و عمران از کریدت های بانکهای کشور کمتر و کمتر مستفید میگرددند طور مثال در طی سالهای ۱۳۵۶، ۵۷ و ۵۸ مجموع کریدتیهایی که توسط بانکهای انکشاف صنعتی، زراعتی و بانک رهنی و تعمیراتی در سکتور های صنعت، زراعت و عمران کشور توزیع شده جمعاً بالغ بر مبلغ -/۲۰۳۰۰۷۸۱۲۹- افغانی میگردد در حالیکه در همین دوره تنها پشتنی تجارتی بانک مبلغ -/۱۰۵۳۳۵۹۸۱۱۳- افغانی را در بخش تجارت (اکثر آ واردات کالای لوکس) کریدت اعطا نموده است.^۱

۳ دوره رکود (از ۸ ثور ۱۳۷۱ الی ۲ جدی ۱۳۸۰ خورشیدی)

۱.۳ مراجعه یکباره گی سپرده گذاران به بانکها

باختم حکومت داکتر نجیب الله و آمدن مجاهدین، کشور وارد یک مرحله جدیدی از تاریخ گردید حکومت مجاهدین با دوره حکومت موقت دو ماهه حضرت صفت الله مجددی (۸ ثور ۱۳۷۱ خورشیدی) که تشکیلات آن قبلاً در شهر پشاور پاکستان ترتیب و موافقه گردیده بود آغاز شد. دوره مجددی فقط چند روز محدود آرامش را با خود داشت چه بعد جنگهای تنظیمی در شهر کابل آغاز گردید و همینطور با ختم دوره شصت روزه حضرت صفت الله مجددی و به قدرت رسیدن استاد برهان الدین ربانی شدت جنگهای تنظیمی بیشتر گردید، با روی کار آمدن حکومت مجاهدین و آغاز جنگ های تنظیمی مردم هراسان به یکبارگی بخاطر اخذ پول حسابات شان که نزد بانکها داشتند به بانکها مراجعه نمودند این مراجعه یکبارگی و کتلوی مردم اعم از خانواده ها، تجار، شرکت ها و موسسات تولیدی و خدماتی صف های درازی را به دروازه های بانکها بویژه در شهر کابل ایجاد نمود و این صفوف روز بروز فشرده تر میگردد. مبرهن است که هیچ بانکی توان پرداخت یکبارگی بدیهی هایش را در هرگونه شرایطی هم که باشد نمیتواند داشته باشد چه بانکها همواره باساس یک برنامه پیش بینی شده اداره پول نقد مبالغ اندک پول نقد را برای برداشت های

^۱ برگرفته از مونوگراف "تحلیل و تاثیر اقتصادی کریدتهای بانکهای افغانستان" این قلم سال ۱۳۵۹ خورشیدی

روزانه مشتریان شان در خزاین خویش نگهداری مینمایند. مراجعه یکبارگی و انبوه سپرده گذاران به بانکها در شهر کابل با صف های طولانی در مقابل هر بانک آنهم در یک فضای رب و وحشت حاکم بر شهر، بانکها را بیک چالش جدی مواجه ساخت چه چنین شرایطی را بانکهای افغانستان در طول تاریخ فعالیت شان شاهد نبودند و یا حتی گمان هم نمی بردند که روزی به همچو مشکل جدی و تجربه تلخ و ناگوار مقابل شوند. صفوف مراجعین بانکها که هر روز طولانی تر و فشرده تر میشد با برخورد های لفظی، فزیکتی و حتی برخورد های مسلحانه محافظین بانکها و زورمندان همراه میشد و این امر بر نگرانی سپرده گذاران می افزود. در همان اولین روز های هجوم سپرده گذاران موجودی ذخایر پول نقد بانکها تهی گردید و هر بانک به ناچار اقدام به برداشت از ذخایر شان که نزد بانک مرکزی داشتند می نمودند این ذخایر هم برای چند روز محدود توانست تقاضای پولی مشتریان شان را که با رژیم سهمیه بندی همراه بود مرفوع سازد. قبلاً گفتیم که در اخیر دهه شصت شرایط بد امنیتی کشور نظام بانکی را از بابت عدم بازگشت قروض توزیع شده سخت متأثر ساخته بود که درینصورت موجودی خزاین و حسابات بانکها نزد بانک مرکزی را به کاهش قابل ملاحظه مواجه ساخته بود.

در همین هیاهو و فضای وحشت و بی اعتمادی مشتریان نسبت به بانک ها، همه روزه این مشتریان به ناچار به دروازه های بانکها حاضر میگرددند تا بخاطر کشیدن سریع دارایی های شان از یک حصه از پول خویش بگذرند و این کار توسط عناصر سودجو داخل بانکها، افراد نظامی پسته های امنیتی بانکها و سایر تفنگداران و زورمندان مسلح به شکل آشکار عملی میگرددند تا سرحدیکه پول داخل حسابات مشتریان در بانکها از طریق چک های بانکی در بازار به ویژه سرای شهزاده کابل خرید و فروش میگردد. بدین گونه بانکها از پول های مشتریان شان که بخش بزرگ سرمایه آنها را تشکیل میداد تهی گردیدند و این درحالتی بود که شرایط بد امنیتی فرصت جمع آوری وام های توزیع شده شان را ناممکن ساخته بود. مبرهن است که همچو حالت اسفناک و وحشتناک پیامدی به جز ورشکستگی آشکار نمیتواند داشته باشد و این تراژیدی تا سرحدی به پیش رفت که اکثر بانکها قادر به پرداخت معاش کارکنان شان هم نبودند.

۲.۳ بانکهای ورشکسته

مراجعه کتلوی مردم برای برداشت پولهای شان از بانک های افغانستان در آغاز دوره حکومت مجاهدین ضربات کوبنده بر پیکر نظام بانکی کشور وارد نمود که از همه مهمتر حیثیت و وقار بانکی نزد مردم کشور و همین طور نزد شبکه بانکی جهانی بشدت زیر سوال قرار گرفت و اعتماد و اطمینان شصت ساله مردم ما از نظام بانکی سلب گردید. دهه هفتاد خورشیدی نه تنها یک دوره رکود و ورشکستگی در نظام بانکی کشور بود بلکه در اوایل این دهه جنگهای تنظیمی در شهرکابل شیرازه این صنعت را از هم پاشید، مراکز بانکهای افغانستان که در شهرکابل قرار داشتند بگونه وحشتناک آسیب دیدند، تعدادی از همکاران بانکی ما در شهر کابل جان های شریین شان را از دست دادند وعده ی زیادی از کارمندان بانکها در پهلوی سایر باشندگان بی دفاع کابل با قبول خسارات جانی و مالی ناگزیراً شهر را به قصد ولایات دیگر و یا خارج کشور ترک نمودند و بانکها به مراکز تجمع و پسته های نظامی تنظیم های مختلف تبدیل گردید. حوادث ناگوار سالهای اول دهه هفتاد بر مشکلات بانکها و نظام پولی کشور که از اواخر دهه قبل شروع شده بود مزید برعلت گردید و سیستم بانکی کشور را به یک حالت فجیح و تأثر باری مبدل نمود. در این جریان دافغانستان بانک بانک مرکزی کشور به کسه ساده داد و ستد پولی تبدیل شد، زیرا درین دوره فعالیت عمده بانک مرکزی کشور را تمویل کسر فاحش بودجه دولت تشکیل میداد و این کسر شدید بودجوی که هر روز بر سقف آن افزایش سرسام آور بعمل میآمد فقط و فقط از طریق نشر بی رویه پول تمویل میشد صرف نظر از هر نوع مطالعات اقتصادی و طرح و تدوین سیاست و برنامه پولی، درین حالت تمامی برنامه های سیاست پولی بانک مرکزی و اکثر عملیات بانکی که طی چندین دهه تاریخ بانکداری در افغانستان موفقانه در سطح ملی و بین المللی عملی و به پختگی رسیده بود به تاق نسیان فراموشی گذاشته شد.

۳.۳ نشر بی رویه پول

مشکلات و تراژیدی که برای نظام بانکی افغانستان در دهه هفتاد خورشیدی بمیان آمد تنها دامنگیر بانکهای تجارتي و اختصاصی کشور نبود بلکه دافغانستان بانک بحیث بانک مرکزی افغانستان را نیز زیر سوال جدی قرار داده و شدیداً متضرر نمود. این بانک بخاطر حفظ سیالیت بانک ها وظیفه خود میدانست پول نقد مورد ضرورت روزانه بانکها را چه از موجودی حساب امانات خود این بانکها میبود و چه بطور قرضه به اختیار شان قرار بدهد.

موجودی خزاین یک بانک مرکزی نیز محدود است و نمیتواند پاسخگوی چنین شرایط اسفناک که تمام جامعه پولهای شان را از نظام بانکی میخوانند باشد، بنابراین دافغانستان بانک ناچار گردید از طریق نشر پول جدید باین تقاضا پاسخ دهد از طرفی دولت به پول نیاز داشت و این در حالی بود که سیستم جذب عواید دولت به اثر جنگهای طولانی داخلی گذشته کارایی لازم را نداشت و جنگهای خانمانسوز فعلی هم موجب گردید تا عواید دولت بویژه در شهر کابل و بعضی ولایت دیگر به صفر تقرب یابد. در مقابل هر روز بر مصارف دولت که بیشتر بخاطر مصارف نظامی، ریخت و پاش های تنظیمی، سوءمدیریت مالی و نظارت ضعیف بودجوی بود افزایش قابل ملاحظه بمیان میآید بناً بانک مرکزی که شدیداً تحت اداره حکومت قرار گرفته بود فقط راه چاره را در نشر پول سراغ می نمود و متأسفانه پول بشکل بیرویه آن فارغ از هر نوع سنجش، مطالعه و ارزیابی پولی، مالی و اقتصادی و خارج از هر گونه برنامه سیاست پولی چاپ و نشر شده میرفت که منجر به تورم لجام گسیخته که قبلاً مقدمات آن در دوره قبل از حکومت مجاهدین آغاز یافته بود گردید.

۴.۳ ادامه تورم و نظام بانکی ورشکسته

در اواسط دهه هفتاد خورشیدی کابل و اکثر ولایات کشور بدست تحریک اسلامی طالبان سقوط کرد با وصف استقرار امنیت در ساحات تحت تسلط طالبان ما شاهد یک برنامه مدون برای بازسازی نظام بانکی کشور نبودیم هرچند درین دوره قانون پول و بانکداری توسط امارت اسلامی طالبان تعدیل گردید و تکتانه یا همان سود بانکی منع قرار داده شد، برداشتن سود بانکی از یکطرف، کاهش ارزش برابری پول افغانی و رژیم تادیه قروض به افساط از جانب دیگر موجب گردید یک تعداد مقروضین بانک ها که در کشور حضور داشتند تشویق شوند اقدام به تصفیه مقروضیت های شان نمایند اما در مقابل هیچ نوع وامی درین دوره برای متقاضیان اجرا نگردید همین ترتیب حسابات سپرده مشتریان که در اوایل این دهه در زمان حکومت مجاهدین خالی گردیده بود دوباره رونق نگرفت چه از یکطرف هر روز در قوه خرید پول افغانی کاهش بعمل میآید و از جانب دیگر هیچ مورد تشویقی برای سپرده گذار از جانب بانک ها وجود نداشت.

با وجود استقرار امارت اسلامی طالبان، حکومت مجاهدین در بخش های از خاک کشور حضور داشتند و بعداً این حکومت در تبعید به حیات خویش ادامه داد ابتدا در شمال افغانستان که بعد در کولاب تاجکستان. زیرا امارت اسلامی طالبان تنها از طرف چند کشور

محدود به رسمیت شناخته شده بود (عربستان سعودی، پاکستان و امارات متحده عرب) در حالیکه حکومت مجاهدین نماینده شانرا در سازمان ملل متحد داشتند و نمایندگی ها و دفاتر سیاسی شان در اکثر کشور ها باز بود و مانند سابق فعالیت می نمودند بناً حکومت مجاهدین تمام قرار داد های بین المللی را منجمله قرار داد چاپ پول افغانی را میتوانست انجام بدهد.

پول افغانی (بانکنوت و مسکوکات فلزی) در آن زمان در کشور فدراتیف روسیه طبق دوره های قبل چاپ و ضرب زده میشد و حکومت در تبعید مجاهدین باسانی می توانست بنام دافغانستان بانک از یک موقف رسمی قرار داد های چاپ پول را با کمپنی روسی عقد نماید زیرا همانطوریکه گفته شد دنیا فقط حکومت جمهوری اسلامی افغانستان را که طبق فیصله نامهٔ دسته جمعی تنظیم های جهادی در پشاور بوجود آمده بود به رسمیت میشناخت بنابر آن چاپ و نشر پول برای این حکومت کار مشکلی نبود و زمامداران این حکومت به سادگی می توانستند بدین ترتیب حکومت شان را تمویل پولی و مالی نمایند طبیعتاً این پولها بداخل کشور سرازیر میشد و هر روز نرخ تورم را سرسام آور بالا می برد در حالیکه امارت اسلامی طالبان هیچگونه امکان چاپ و نشر پول را بدست نداشت بدین سان نمیتوانستند جریان پولی را کنترل و مدیریت نمایند. گفته میتوانیم که یکی از ابزار فشار حکومت در تبعید مجاهدین بر طالبان همین نشر بیرویه ی پول بود که هم مجاهدین را در موقف خوب مالی قرار میداد و هم فشار توری را بالای اقتصاد کشور و امارت اسلامی تحمیل می نمود. طالبان در زمان امارت شان همواره تلاش نمودند تا اذهان جهانیان را بطرف حکومت شان بخاطر تأمین امنیت و کاهش کشت خاشخاش جلب و زمینه های برسمیت شناختن وسیع شانرا فراهم آورند و نیز برای چاپ پول تلاشهای بعمل آمد ولی تا اخیر دوره زمامداری شان نتایج ملموس در زمینه به مشاهده نرسید.

درین دوره ما از میزان چاپ پول و چگونگی انتقالات، تسلیم گیری، ذخیره سازی و نحوه نشر و مصرف آن اسنادی بدست نداریم چون تا کنون گزارش معتبری درین زمینه از جانب دست اندرکاران حکومت در تبعید استاد برهان الدین ربانی نشر نگردیده است تا بر مبنای آن بیشتر در مورد آن بپردازیم فقط گفته میتوانیم که دهه هفتاد را میشود دهه ورشکستگی بانکها، دهه تورم لجام گسیخته و دهه سلب اعتماد مردم از نظام بانکی کشور تعریف کرد که بدون شک آثارش متأسفانه تاچند دهه بعد بویژه از منظر اعتماد مردم به نظام بانکی افغانستان باقی خواهد ماند.

۴ دوره جدید (از ۲۰۰۱ جدی ۱۳۸۰ خورشیدی تا امروز)

دوره جدید بانکداری در افغانستان بعد از حادثه تکان دهنده ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی که در آن چندین هدف اقتصادی و نظامی در ایالات متحده امریکا قلب اقتصاد و تجارت دنیا و بزرگترین قدرت نظامی و اقتصادی جهان مورد حملات هوایی قرار گرفت، شروع می‌گردد. بعد از این رویداد ایالات متحده امریکا و قوای بین‌المللی در یک تشریک مساعی جهانی بتاريخ (۷ اکتوبر ۲۰۰۱ میلادی مطابق به ۱۵ میزان ۱۳۸۰ خورشیدی) به افغانستان حمله نمودند زیرا افغانستان جایگاه و پناه‌گاه القاعده عنوان گردید و امریکا مقصر اصلی حملات ۱۱ سپتامبر را کار گروه القاعده میدانست که به باور شان در افغانستان مستقر بودند. انجام عملیات شدید و گسترده نظامی بین‌المللی در رأس ایالات متحده امریکا علیه امارت اسلامی طالبان با تشریک مساعی نظامیان حکومت در تبعید مجاهدین توان مقابله و دفاع را از زمامداران امارت طالبان ربود و طالبان وادار به عقب‌نشینی گردیدند. با سقوط حکومت طالبان، حکومت موقت و اضطراری به ریاست حامد کرزی سرکارشد، این حکومت با اساس توافقاتی که در کنفرانس بن کشور جمهوری فدرال آلمان به عمل آمده بود زمام امور کشور را بدست گرفت.

در دوره قبلی گفتیم که دهه هفتاد خورشیدی بدترین دوره برای نظام بانکی کشور در طول تاریخ این صنعت بود زیرا در آن دهه تقریباً فعالیتهای بانکها متوقف شده بود، بانک مرکزی صرف بیک کسه دادو ستد عواید و مصارف دولت مبدل شده بود و عملیات بانکهای تجارتي و بانکهای اختصاصی هم قسماً به حصول طلبات شان و اجرای معاشات کارکنان شان خلاصه می‌گردید بنأ دولت جدید که به اثر توافقات بن ایجاد شده بود یک نظام درهم ریخته و بی‌ثبات بانکی و پولی را تسلیم می‌گردید. در فصل پول (فصل دوم) این کتاب در رابطه به اوضاع و شرایط نابسامان پولی درین دوره نیز بحث گردیده است که در اینجا از تکرار آن صرف‌نظر مینمایم به هر حال حکومت جدید مجبور بود برای رفع مشکلات عدیده سیستم پولی و نظام درهم شکسته بانکی کشور اقداماتی را رویدست بگیرد که یکی از آن طرح و تطبیق ریفورم پولی افغانستان بود که در آن زمان یکی از اولویت های اقتصاد ملی و پیش فرض های ثبات و توسعه ی کشور بشمار میرفت.

۱.۴. ریفورم پولی سال ۱۳۸۱ خورشیدی (۲۰۰۱ میلادی)

در توافقات بن (۵ دسامبر ۲۰۰۱ مطابق ۱۵ قوس ۱۳۸۰ خورشیدی) در مورد بازسازی بانک مرکزی افغانستان بصورت کلی تاکید گردیده بود این بدین معنی است که اشتراک کنندگان کنفرانس بن و جامعه بین المللی بازسازی امور پولی و بانکی کشور را یکی از الویت های اقتصاد ملی افغانستان درست تشخیص نموده بودند. در واقع بدون تبدیل پولهای مختلف که در افغانستان در جریان بود به یک پول واحد ملی امکان هم نداشت که با موجودیت پول های چهارگانه در چلند هیچ برنامه برای ثبات پولی و بانکی در مسیر رشد و توسعه کشور طرح و عملی نمود. وقتی پول در یک اقتصاد ملی حیثیت خون در شاهرگ های اقتصادی را دارد و بانک مرکزی به مثابه قلب در مرکز این سیستم تعریف میشود پس هرگاه قلب مریض باشد و خون هم آلوده به امراض گوناگون التیام ناپذیر گردیده باشد ناگزیر خون آلوده باید بخون پاک تبدیل گردد و همزمان قلب تحت مراقبت و مداوای جدی قرار داده شود، پس ابتدا باید نظام پولی کشور بگونه بنیادی اصلاح میگردد و توسط یک ریفورم پولی، پول های چندگانه به یک پول واحد مورد قبول همه تبدیل میشد تا اقتصاد کشور از گودال انارشیزم پولی رهایی حاصل مینمود و مردم از رنج این ناهنجاری نجات می یافتند. با شروع حکومت جدید حامدکرزی (دوم جدی سال ۱۳۸۰ خورشیدی) بحث روی ریفورم پولی در افغانستان بالاگرفت در این گفتگوها که توسط کارشناسان این حوزه و بیشتر سیاسیون انجام میشد اکثراً نظریات گوناگون و بیشتر اوقات متضاد، غیر مسولانه و بعضاً غیر مسلکی را ارائه میدادند بعضی ها استدلال مینمودند تا بجای پول افغانی از دالر امریکایی استفاده شود و عدۀ طرفدار سرسخت واحد پولی افغانی بودند همینطور در مورد نحوه تطبیق فرآیند تبدیل پول های چندگانه به پول واحد نظریات و افکار متفاوتی وجود داشت و از همه بیشتر اینکه در پول جدید عکس کدام شخص و کدام زبان بکار برود اختلافات شدید و داغی بروز مینمود تا جائیکه بانک مرکزی افغانستان تا آنوقت در طول حیات کاری اش هیچگاهی در مقابل همچو سوالات و نظریات گوناگون و متضاد در مورد چاپ و نشر پول مواجه نشده بود. همین گفتگوها و نظریات متفاوت و متضاد موجب گردید که ریفورم پولی بزودی عملی نگردد و کاری که باید در زمان آغاز بکار دولت جدید عملی میگردد در وقتش انجام نپذیرد. این بحث ها و اختلاف نظر ها موجب شد که تطبیق ریفورم

پولی در کشور الی اواسط سال بعدی بدرازا کشیده شود ای کاش روی این مسئله مهم و حیاتی اقتصادی کشور نیز در کنفرانس بن به تفصیل بحث میشد و این مسئله هم با یک اجماع نظر درین توافقات جا داده میشد. بدون شک تأخیر در انجام ریفرم پولی زمینه را میسر ساخت تا مبالغ هنگفت پول افغانی که قبلاً به عناوین مختلف از جانب جناح های مختلف در گیر چاپ و نشر شده بودند از آنطرف مرزها وارد قلمرو اقتصادی کشور گردد.

بهر صورت در نهایت بعد از مدت تقریباً ده ماه بحث و جدال در نیمه سال ۱۳۸۱ خورشیدی فرمان شماره (۱۴۲) مورخ ۱۴ میزان حامدکرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان در مورد انتشار بانکنوتهای (پول افغانی) نو تحت سیزده ماده نافذو در جریده رسمی به نشر رسید. اهداف این فرمان درماده دوم چنین تعریف گردیده است:

۱- ایجاد ثبات در سیستم پولی از طریق نشرو توزیع بانکنوتهای افغانی نو.

۲- اصلاح سیستم پولی افغانستان و افزایش اعتبار افغانی نو.

۳- تبادلۀ قروض دولت، تبادلۀ قروض مردم و موسسات به دولت و تبادلۀ قروض دافغانستان بانک به مشتریان و از مشتریان به دافغانستان بانک به پول افغانی نو.

۴- از دوران (چلند) کشیدن نوت های کهنه و نوت های که توسط دافغانستان بانک نشروتوزیع نشده است^۱

مطابق این فرمان به همکاری جامعه بین المللی که عملاً در کشور حضور فعال داشتند، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول اقدامات ریفرم پولی در کشور روی دست گرفته شد و از تاریخ ۱۵ میزان ۱۳۸۱ پول جدید که عبارت از بانکنوتهای افغانی (یک تا یک هزار افغانیگی) بودند بعد از معاوضه به پول سابقه با سه صفر کم یعنی یک افغانی پول جدید در مقابل یک هزار افغانی پول سابق وارد جریان پولی کشور گردید اما در مقابل پولهای شماره بالا و جنبشی طبق ماده هشتم این فرمان ارزش یک افغانی نو دو هزار افغانی پول سابق تعیین گردیده بود بدین معنی که نوتهای شماره بالا که سریال نمبر آنها ۳۴ و بالاتر بود و نوتهای جنبشی به نصف قیمت تعویض گردیدند. باساس ماده نهم این فرمان مدت تعویض از ساعت ۸ صبح ۱۵ میزان ۱۳۸۱ الی ۸ شب ۱۴ قوس ۱۳۸۱ برای مدت دو ماه تعیین گردید اما در بند چهارم این ماده آمده است که رئیس عمومی دافغانستان بانک میتواند تحت شرایط خاص، مدت تعویض بانکنوتها را تمدید نماید. بدین ترتیب پولهای چندگانه به پول

^۱ فرمان شماره ۱۴۲ مورخ ۱۷.۰۷.۱۳۸۱ رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان منتشره در جریده رسمی شماره (۸۰۸)

واحد که چاپ آن در کشور جمهوری فدرال آلمان فرمایش داده شده بود تبدیل و به انارشیزم و تعدد پولی عملاً خاتمه بخشیده شد.

بتاریخ ۱۵میران سال ۱۳۸۱ (مطابق هفتم اکتوبر ۲۰۰۲ میلادی) ریفورم پولی رسماً در کشور آغاز گردید بانکوت های جدید که با کود های امنیتی چاپ گردیده بودند از ۱ الی ۱۰۰۰ افغانستانی با ارزش هزار برابر نسبت به پول های سابقه وارد جریان پولی افغانستان گردیدند

آماری که از جانب دافغانستان بانک نشر گردید درین پروسه در کل مبلغ "هجده تریلیون" افغانی بانکوتهای سابقه در برابر مبلغ "هجده میلیارد" افغانی پول جدید در سرتاسر افغانستان تعویض گردید. ارزش افغانی در مقابل دالر امریکایی که به پائین ترین سطح خود رسیده بود (هر دالر تا حدود یکصد هزار افغانی) با طرح ریفورم پولی روبه افزایش گذاشت و تا آغاز عملی روند تعویض پول هر دالر امریکائی به پنجاه هزار افغانی پول سابقه افزایش یافت و زمانیکه پول جدید وارد بازار گردید هر دالر امریکایی برابر پنجاه افغانی پول جدید معامله گردید. علل این افزایش ارزش افغانی در ابتدای کار را میتوان در برچیده شدن پولهای متنوع از دامن اقتصاد کشور، اعتماد مردم به پول جدید، امید برای آینده اقتصادی بهتر، وعده کمک های میلیارد دالری جامعه جهانی و حضور قوت های نظامی بین المللی و مصارف دالری شان در افغانستان مرتبط دانست که البته بعد از آن طرح و تطبیق سیاست های پولی بانک مرکزی افغانستان نیز شامل این عوامل میگردد.

در پول جدید که چاپ آن در اول در کشور جمهوری فدرال آلمان صورت میگرفت یک سلسله رموز امنیتی در نظر گرفته شد و در هر دوره چاپ این رموز بیشتر گردید بویژه در بانکوتهای ۵۰۰ و ۱۰۰۰ هزار افغانستانی تا کار جعلکاران پول را مشکل ساخته و بانکوتهای اصلی از تقلبی نزد مردم باسانی قابل شناسایی و تفکیک باشند ولی مشکل جعل بانکوت یک مشکل بین المللی است و در اقتصاد های که بیشتر معاملات روزمره به پول نقد انجام میشود حضور نوتهای تقلبی پر رنگ تر است که باید کماکان با این پدیده شوم مبارزه بی امان صورت پذیرد درین رابطه بانک مرکزی افغانستان نیز در چاپ های بعدی در تغییر و افزایش رموز امنیتی بانکوتها کماکان ترتیب اثر داده است.

۲.۴ قوانین جدید بانکی در کشور

بالاخره قانون اساسی جدید کشور توسط لویه جرگه در (۱۲ عقرب ۱۳۸۲ خورشیدی) تصویب گردید با ساس ماده (دوازدهم) این قانون دافغانستان بانک، بانک مرکزی دولت و مستقل تعریف گردید و نشرپول، طرح و تطبیق سیاست های پولی کشور مطابق باحکام این قانون ازصلاحیت های بانک مرکزی دانسته شده است. در روشنی قانون اساسی جدید کشور فرصت و زمینه برای طرح و تصویب قوانین جدید بانکی میسر گردید که با تصویب و توشیح قوانین جدید بانکی (قانون دافغانستان بانک و قانون بانکداری افغانستان) بانک مرکزی کشور قادر گردید تا لوایح و مقررره های خویشرا در روشنی قوانین جدید باز نویسی نموده و اقدام به طرح و تصویب لوایح و مقررات جدید زمان پسند بنماید.

۱.۲.۴ قانون دافغانستان بانک

در روشنی قانون اساسی افغانستان که نظام اقتصاد بازار را پذیرا گردیده بود به ۲۷ سنبله سال ۱۳۸۲ خورشیدی حامدکرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان طی فرمان شماره (۶۲) خویش قانون دافغانستان بانک (بانک مرکزی افغانستان) را بدین شرح انفاذ نمود "بخاطر هماهنگ ساختن قوانین بانکی با مقتضیات عصر حاضر و به منظور ایجاد فضای کاملاً مطمئن و مصئون و جلب اعتماد و تشویق هرچه بیشتر سرمایه گذاری خصوصی داخلی و خارجی و سایر مراجع بین المللی در سیستم بانکی و سهم گیری فعال شان در حیات اقتصادی و عطف توجه دولت به بخش خصوصی قانون دافغانستان بانک را بنام خدای توانا (ج) توشیح مینمایم"^۱

بدین گونه دافغانستان بانک برای اولین بار صاحب یک قانون جداگانه و مستقل گردید، این قانون در چهارده فصل و یکصد و سی و چهار ماده تدوین یافته و در شماره (۸۱۹) تاریخ ۳۰ قوس ۱۳۸۲ خورشیدی جریده رسمی کشور نشر گردیده است. درین قانون جدید موضوعات اساسی چون اهداف، وظایف، تشکیل، امور مالی و پولی، روابط بانک با دولت و سایر بانکها، سیاست نرخ و کنترل اسعار، سیستم های تسویه، تصفیه و پرداخت، خدمات و سیستم انتقال اسناد بهادار، حسابرسی های مالی و کمیسیون حل منازعات ماده وار تدوین گردیده و صلاحیت های زیادی را به بانک مرکزی افغانستان در انجام وظایفش تفویض نموده است.

قوانین جدید (قانون اساسی و قانون دافغانستان بانک) برای اولین بار در تاریخ بانکداری کشور برای دافغانستان بانک استقلالیت قایل گردیدند تا بانک بتواند طبق نیازمندی های اقتصاد ملی، اساسات پولی و بانکداری بین المللی در هماهنگی با صندوق بین المللی پول و بانک جهانی برنامه هاو پالیسی هایش را طرح و اجرا نماید. قانون دافغانستان بانک که برای بار نخست در پهلوی سایر قوانین کشور قرار میگرفت چوکات تقنینی و صلاحیت های جدید توام با استقلالیت به بانک مرکزی کشور اعطاء نمود که در تاریخ بانکداری افغانستان بی سابقه و بینظیر میباشد.

باساس ماده سوم قانون دافغانستان بانک زیر عنوان خود مختاری دافغانستان بانک

آمده است که:

^۱ قانون دافغانستان بانک منتشره جریده رسمی شماره (۸۱۹) مورخ ۳۰ قوس ۱۳۸۲ خورشیدی

۱" دافغانستان بانک بخاطر اجرای وظایف خود از صلاحیت ها و اختیارات کامل مقرراتی به شمول صلاحیت تصویب مقررات جهت فراهم نمودن تسهیلات در معاملات الکترونیکی میان دافغانستان بانک، بانکها و مشتریان مربوطه آنها میباشد. دافغانستان بانک این مقررات، دستورالعمل ها یا رهنمود ها را در یک دفتر عمومی ثبت مینماید.

۲" دافغانستان بانک حق بازدید از ادارات و بررسی حسابها، دفاتر، اسناد و سایر مدارک بانکها، صرافان اسعار خارجی و مجریان نظام پرداخت، عرضه کنندگان خدمات پولی، عرضه کنندگان خدمات اسناد بهادار، مجریان نظام انتقال اسناد بهادار و سایر اشخاصیکه دارای جواز فعالیت از جانب دافغانستان بانک بوده و یا در دافغانستان بانک ثبت شده باشند را دارا میباشد. دافغانستان بانک میتواند هر اطلاع که در اجرای مسئولیتهای نظارتی خود لازم بداند از اشخاص مذکور بدست آورد."

۳" دافغانستان بانک در اجرای وظایف خود که بموجب قانون بآن محول شده و در تعقیب اهداف خود دارای استقلال کامل بوده و بدون نیاز به کسب اجازه از هیچ مقام دیگر وظایف خود را انجام میدهد. خود مختاری دافغانستان بانک باید از طرف همه احترام شود و هیچ شخص نباید سعی کند که اعضای هیات تصمیم گیرنده دافغانستان بانک را در انجام وظایفی که بعهدہ دارند تحت تأثیر ناجایز قرار داده و یا بگونه دیگری در فعالیتهای دافغانستان بانک مداخله نماید". همینطور در رابطه به تشکیل دافغانستان بانک در مواد ۶ و ۷ این قانون آمده است که "ماده ۶ تشکیل دافغانستان بانک: دافغانستان بانک دارای یک شورای عالی که بالاترین مرجع تصمیم گیری و سیاست گذاری، یک رئیس کل که مسئول اداره دافغانستان بانک و یک ناظر کل که مسئول بازرسی و بررسی داخلی عملیات دافغانستان بانک اند و سایر کارمندان مربوطه میباشد." در بند اول ماده هشتم این قانون وظایف شورای عالی بانک چنین تعریف گردیده "شورای عالی مسئول طرح سیاستهای کلی دافغانستان بانک و نظارت بر اداره و فعالیت های دافغانستان بانک میباشد." ماده هشتم "دافغانستان بانک میتواند اطلاعات و اسناد مالی و اقتصادی را که جهت انجام وظایفش با ارائه دلایل از دولت تقاضا میکند، دریافت نماید."

۲.۲.۴ قانون بانکداری افغانستان

به همین ترتیب قانون بانکداری افغانستان ذریعۀ فرمان (۶۳) ۲۷ سنبله سال ۱۳۸۲ خورشیدی ریاست دولت انتقالی افغانستان توشیح گردید. اساس قانون جدید بانکداری کشور زمینه و بستر مساعد تقنینی برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی داخلی و سرمایه‌گذاری خارجی در سکتور بانکی افغانستان آماده گردید. و در روشنی قانون بانکداری افغانستان بانکهای بخش خصوصی داخلی و خارجی در نظام بانکی افغانستان پا به عرصه وجود گذاشتند. این قانون بداخل یازده فصل و یکصد و یک ماده به منظور تنظیم امور فعالیت های بانکی به تصویب رسیده است که در فصل اول این قانون یک سلسله اصطلاحاتی معرفی شده اند که در بین آنها اصطلاحات جدید چون کمیسیون حل و فصل منازعات مالی، شرکت های بانکی مادر و غیره به چشم می خورد. و همین طور در فصل های بعدی به چگونگی صدور جواز بانکداری، تأسیس بانک، ساختار های قانونی، سرمایوی و اداری بانک، اصول عمومی بانکداری، حسابداری و راپوردهی، تدابیر جزایی، متولیت، احیای مجدد بانک، انحلال و تصفیه بانک اختصاص یافته است. اساس این قانون دافغانستان بانک یگانه مرجع صدور اجازه نامه فعالیت بانکداری و همین طور لغو جواز بانکی در کشور معرفی گردیده است.

۳.۴ بازسازی بانک مرکزی افغانستان

بدون شک با رویکار آمدن حکومت جدید در افغانستان (دوم جدی ۱۳۸۰ هجری خورشیدی) فرصت ها و زمینه های زیادی برای باز سازی و نوسازی کشور فراهم گردید. درین زمان افغانستان در محراق توجه جامعه بین المللی قرار گرفت و ملیارد ها دالر کمک های سخاوتمندانه خارجی وارد کشور شد. همان طوریکه قبلاً اشاره نمودیم یکی از موادات توافقات بن، تاکید بر بازسازی بانک مرکزی کشور می نمود زیرا بدون یک بانک مرکزی فعال منحث کلید انکشاف اقتصادی و سیستم کارآمد مالی، افغانستان به هیچ وجه نمی توانست روند رشد و توسعه اش را از سر گیرد و حتی کمک های جامعه بین المللی را جذب نماید.

در روز های اول دوره حکومت اضطراری حامدکرزی، بانک مرکزی کشور تقریباً فاقد هر نوع امکانات و سیستم های مدرن بود فقط یک یا دو پایه کمپوتر دیسک تاپ کهنه تمام تجهیزات تکنالوژی ارتباطات بانک را تشکیل میداد، بانک با کارمندان خسته که سالهای

متممادی از مسیر انکشافات جدید در عرصه بانکی و انقلاب دیجیتالی دور مانده بودند و همینطور با ساختمانهای فرسوده، تجهیزات کهنه و کمترین امکانات کاری که حاصل دو دهه جنگ و تغییرات پی در پی مدیریتی و رهبری بود شدیداً مواجه بود. درین اوضاع ناهنجار و آشفته دو کار مهم باید هم زمان آغاز میشد یک تعویض پول و دوم بازسازی بانک. قبلاً در مورد طرح و تطبیق فرآیند تبدیل پول بطور فشرده صحبت نمودیم و اما در رابطه به بازسازی و از همه بیشتر نوسازی دافغانستان بانک فرآیند های آتی باید عملی میگردید.

۱.۳.۴ ظرفیت سازی

جنگ های متواتر داخلی با حوادث ناگوار آن در کل افغانستان را از انقلاب دیجیتالی که داشت جهان را دگرگون و متحول می ساخت بدور نگهداشته بود که از همه بیشتر نظام بانکی کشور ازین امر متأثر شده بود بناً بانک برای بازسازی خود نیاز مبرم به ایجاد ساختار دیجیتالی داشت و برای این منظور ظرفیت سازی منابع بشری در الویت کاری قرار میگرفت. در آغاز مشاورین خارجی بیشتر از کشورهای ایالات متحده امریکا و هندوستان در بانک مرکزی افغانستان استخدام شدند تا از دانش مسلکی، نظریات و مشوره های شان برای بازسازی و نوسازی بانک مرکزی استفاده بعمل آید. همانطوریکه گفتیم بانک با فقر امکانات تکنالوژی زمان، نبود سیستم های مدرن عملیاتی، محاسبات و حسابرسی، سیستم های کنترولی و نظارتی و سایر نیازمندی های روز شدیداً مواجه بود که باید در تمامی این بخش ها به کارمندان آموزش داده میشد. روی این اساس درآغاز کورس های زبان انگلیسی، کمپیوتر و انترنیت و بتدریج برنامه های آموزشی عملیات جدید بانکی دیجیتالی، محاسبه مدرن، مدیریت و پلانگذاری، نظارتی و خطرات مالی و غیره برنامه های ارتقای ظرفیت برای کارمندان در داخل بانک دایر گردید تا باشد که با ظرفیت سازی کارمندان زمینه تطبیق سیستم های جدید و مدرن در بانک فراهم گردد. همزمان برای کارمندان نسبتاً واجد شرایط زمینه های پروگرامهای آموزشی در خارج کشور آماده گردید و بانک آهسته آهسته توانست به تکنالوژی و سیستم های کارآمد روز آماده گردد. بخش دیگر کار فراهم سازی چوکات قانونی برای فعالیت های جدید بانکی در کشور بود و لازم بود برای اقدامات جدید بانک مرکزی چوکات مقرراتی و بستر مساعد قانونی آماده ساخته شود اما بانک باید انتظار میکشید تا اول قانون اساسی جدید کشور ساخته شود تا بر مبنای آن قوانین بانکی طرح و تدوین یافته بتوانند.

۲.۳.۴ جوان سازی

بالاخره قوانین ساخته شدند و دافغانستان بانک با استفاده از چوکات قانونی که جدیداً در کشور فراهم شده بود سریعاً اقدام به بازسازی و نوسازی ساختاری اش نمود. اقدامات اساسی که در زمینه تشکیلات بانک صورت گرفت تطبیق برنامه "خداحافظی پرمفعت" بود که به اساس این پروگرام حدود یک هزار از کارمندان سابقه بانک که نظر به شرایط بد امنیتی و سایر مشکلات زندگی تحصیلات بکلوریا و دانشگاهی نداشتند و یا به سن تقاعد نزدیک شده بودند و یا هم یک تعداد داوطلبانه حاضر گردیدند جای شانرا برای نسل جوان دارای تحصیلات عالی و مهارت های زبان خارجی و تکنالوژی روز خالی نمایند. البته بانک برای همکاران سابقه که درین پروگرام به تقاعد سوق داده شدند حقوق خوب و مناسب را تحت عنوان خداحافظی پرمفعت در نظر گرفت بدین ترتیب جوانان زیادی در بانک جذب گردیدند و به اصطلاح برنامه جوان سازی بانک در ساحه عمل قرار گرفت. این در حالیست که این اقدام بانک از خود طرفداران و منتقدینی در زمان خود داشت و تاکنون هم دارد اما مسئولین بلند پایه بانک این اقدام را یک کار الزامی و اجتناب ناپذیر برای بازسازی و مدرن سازی بانک بخاطر آماده گی برای انجام وظایف و اهداف جدید قانونی بانک قلمداد نمودند. بدون شک تطبیق هر برنامه اصلاحی و آنهم در کشوری مانند افغانستان بدون اشکال و عوارض نبوده و نیست و هرگاه بی طرفانه به هر دو جانب قضیه نگاه کنیم درین میان یک تعداد کارمندان سابقه دار، مجرب، کلیدی و فعال نیز از بانک دور ساخته شدند و به همین ترتیب تحت عنوان جوان سازی در جمع استخدام شده گان نیز یک عده افراد ناکار آمد به اثر ارتباطات و سفارشات نامعقول و گرایش های سیاسی و قومی وارد بانک گردیدند ولی بهر ترتیب نفس برنامه به خاطر آوردن اصلاحات تشکیلاتی ضرورت اجتناب ناپذیر بانک مرکزی افغانستان در آن زمان بوده است که به ناچار باید این برنامه عملی میگردد. اما اینکه تطبیق آن نتوانست عاری نواقص و نارضایتی باشد نقطه انتقادیست که همواره در قبال آن مطرح می گردد.

۳.۳.۴ ایجاد دیپارتمنت های جدید

در پهلوی موضوعات منابع بشری، دافغانستان بانک اقدام به تأسیس دیپارتمنت های جدید نمود که برای اولین بار در تاریخ دافغانستان بانک ایجاد میگرددند از جمله

دیپارتمنت های تکنالوژی معلوماتی، نظارت مالی، عملیات بازار، خطرات مالی، اداره مرکز ثبت و تحلیل راپور های مالی و... زیرا دافغانستان بانک نیاز داشت که تا وظایفش را بگونه یک بانک مرکزی مدرن و جهان پسند انجام دهد و برای این منظور لازم بود تا در هر بخش کاری دیپارتمنت جداگانه با اصول و مقرره های لازم قانونی داشته باشد. در حال حاضر دافغانستان بانک دارای بیشتر از بیست دیپارتمنت در ساحات مختلف از جمله نظارت بانکها، نظارت موسسات مالی غیربانکی، بانکداری و خدمات مالی اسلامی، سیاست پولی، عملیات بازار، حل منازعات مالی، استخبارات مالی، بیمه سپرده ها، ثبت اعتبارات عامه، تمویل پروژه های بانک جهانی، توسعه خدمات مالی، تکنالوژی معلوماتی، خطرات مالی، ناظر کل، مشاوریت حقوقی، عملیات بانکی، تدارکات، خدمات، مالی و محاسبه و منابع بشری میباشد. تاسیس زون های هفت گانه بانک مرکزی افغانستان یکی از اقداماتی بود که به مشوره بانک جهانی در سال ۱۳۸۴ خورشیدی صورت گرفت و در ابتدا اهداف این زون ها در حمایت از عملیات بانکی، انکشاف منابع بشری و نمایندگی از بانک مرکزی در حوزه مربوطه خلاصه گردید ولی به بتدریج زون ها در اکثر فعالیت های بانک دخیل ساخته شدند تا در قلمرو فعالیت شان در انجام امور مربوطه که به یکی از دیپارتمنت های مرکزی بانک تعلق میگرفت با تفاهم آن دیپارتمنت همکاری و اجراء نمایند. هر چند سفارشات بانک جهانی و نظریات رهبری وقت دافغانستان بانک حین تاسیس زون ها بسیار وسیع و همه جانبه بود و قرار بود که زونها آهسته آهسته به مراکز قوی تمثیل قدرت بانک مرکزی در حوزه های مربوطه شان تبدیل گردند و منحصیث بازو های توانا، سنگینی بار مدیریت مرکزی را از دوش هیات رهبری بانک در قسمت نمایندگی های بانک و همینطور تطبیق برنامه های بانک برای رسیدن به اهداف تعیین شده کمتر و کمتر سازند اما متأسفانه یکعده از افراد سلطه طلب سوچو در مرکز بانک از همان آوان تاسیس زون ها تلاش نمودند تا حریم فعالیت و صلاحیت زونها محدود نگهداشته شود و از همه مهمتر در وابستگی شدید به دیپارتمنت های مرکزی بانک باقی بمانند این امر باعث گردید تا زون ها از اهداف شان فاصله بگیرند و از موجودیت شان کمتر در راستای تامین اهداف بانک مرکزی استفاده بهینه بعمل آید.

۴.۳.۴ ختم وظایف تجارتي دافغانستان بانک

قراریکه قبلاً نیز متذکر شدم در گذشته دافغانستان بانک در کنار وظایف بانک مرکزی اش به امور تجارتي هم اشتغال داشت مانند بانکهای تجارتي سپرده های مردم را در حسابات

جاری، پس انداز و امانات میعاد و همینطور سپرده های اسعاری مردم را می پذیرفت و مدیریت مینمود. کار درین جا هم خلاصه نمی شد بلکه امور تجارتي تجار را هم از طریق حوزه آزاد با افتتاح لیترا ف کریدت و حوزه بارتر از طریق انتقال قرارداد های بارتری ، انتقالات و خرید و فروش دالر کلیرینگ انجام میداد و به حواله جات افغانی و اسعاری مشتریانش ترتیب اثر میداد و جالب تر این که برای گسترش و رشد این خدمات بانکی اش وسیعاً اشتها رات نموده و برای جلب سپرده های مردم در حسابات جوایز تشویقی میداد و علناً در مارکیٹ بخاطر جذب مشتری بیشتر با سایر بانک ها رقابت می نمود. منطق که پشت سر این عملکرد وجود داشت و همواره از جانب هیات رهبری بانک ارائه و ازین عملکرد دفاع میشد این بود که چون شبکه بانکی در افغانستان فراگیر نشده است و بانک های تجارتي در تمام نقاط افغانستان نمایندگی ندارند بدین لحاظ بخاطر دسترسی مردم به خدمات بانکی، دافغانستان بانک باید از طریق نمایندگی های فراگیر خویش که الزاماً برای انجام بانکداری دولت ایجاد نموده است به عرضه خدمات تجارتي بانکی به مردم مانند سایر بانک ها بپردازد. اما نکته جالب اینست که مسئولین وقت دافغانستان بانک و دولت به این نکته اشاره نداشتند که چرا به گسترش شبکه بانکی که مالک عام و تام آن دولت بود و در زیر مجموعه رهبری بانک مرکزی نیز قرار داشت، ترتیب اثر نمی دادند؟ بهر حال شاید عدم حضور سایر بانکها در تمامی نقاط کشور اقتصادی نبوده و یا دلایل دیگر و از طرفی در قانون پول و بانکداری بیست سال پیش هیچنوع ممانعتی در عرضه خدمات تجارتي بانکی برای دافغانستان بانک ذکر نشده بود.

از آنجائیکه فلسفه وجودی بانکهای مرکزی در جهان در گام نخست بخاطر نشر پول و مراقبت از ارزش برابری پول در برابر کالا و خدمات بوده است و در گذشت زمان وظایف و اهداف بانک های مرکزی بیشتر به خاطر ثبات قییم از طریق ثبات در ارزش پول داخلی، تنظیم و مراقبت از نظام بانکی و سیستم مالی کارآمد، بانکداری دولت و سایر اموری که به ثبات و کارکرد سالم نظام پولی، بانکی و مالی بانجامد متمرکز شده است، دافغانستان بانک نیز به حیث بانک مرکزی کشور نمی توانست ازین مسیر عقب بماند بنابر آن با تصویب قانون اساسی ۱۳۸۲ خورشیدی که زمینه را برای ایجاد قوانین جدید بانکی فراهم گردانید و به اساس آن بانکهای خصوصی و نمایندگی های بانکهای خارجی وارد مارکیٹ افغانستان گردیدند، دافغانستان بانک توانست عرضه خدمات تجارتي اش را متوقف سازد. طرزالعمل های لازمه در مورد طرح و تصویب گردید برای صفر ساختن حسابات سپرده های عام مردم،

شرکت های خصوصی و تصدی های دولتی برنامه انتقال حسابات را روی دست گرفت که طبق این برنامه دارندگان حساباتیکه به دافغانستان بانک و نمایندگی هایش در ولایات مراجعه نمودند دارایی های حسابات سپرده شان یا نقد با اختیار شان قرارداده شد و یا طبق فرمایش مشتریان به حسابات معرفی شده شان در بانکهای تجارتي انتقال شدند و دارایی های آن عده حسابات که صاحبان شان در زمان تعیین شده به بانک مراجعه ننموده اند بخاطر عدم مراجعه مشتری به یک حساب کنترولی نزد دافغانستان بانک انتقال و باقی ماند تا حين مراجعه پول شان را از دافغانستان بانک تسلیم شوند و حسابات که دارایی آنها از مبلغ ۲۵ افغانی کمتر بود مستقیماً به حساب عواید بانک منتقل گردید. بدین ترتیب بیلبانس تمامی حسابات سپرده مشتریان انفرادی، شرکتهای خصوصی و تصدی های دولتی نزد دافغانستان بانک در سراسر کشور صفر گردید. همین طور دافغانستان بانک خدمات انتقالات پول را که در داخل و خارج کشور برای بخش خصوصی انجام میداد خاتمه بخشید و انجام امور تجارتي بخش خصوصی را متوقف ساخت.

۴.۴ بازسازی و شتاب زده گی

در جوامع بشری با تغییر نظام ها و آمدن افراد جدید در نظام جدید بر سر قدرت معمولاً تیز روی ها و شتاب زده گی های اتفاق میافتد که در بعضی جا ها دیر یا زود مسئولین متوجه عملکرد های غلط و خطاهای کاری شان میگرددند و در پی اصلاح آن بر میآیند ولی در بعضی جاها پالیسی های خطا همانطور با قوت و شدت خود اسمتترار پیدا مینماید. در افغانستان هم در گیر و دار بازسازی کشور با رویکار آمدن نظام جدید (۱۳۸۱ خورشیدی) ما شاهد بیشترین سراسیمه گی ها و شتاب زده گی های بودیم که اثرات بد آن کمر اقتصاد کشور را شکستانده و دمار از روزگار مردم را درآورده است. بگونه مثال برداشت عجولانه و شتاب زده از اقتصاد بازار و آوردن نسخه های از قبل پیچیده شده از خارج چیزی جز لجام گسیختگی در مارکیت که به نقص صریح اصل رقابت سالم انجامیده است را در پی نداشته است و پیامد آن جز انحصارگری و اقتصاد مافیایی غرق در انواع فساد چیزی دیگری نبوده است این ناهنجاری ها سخت به تولید داخلی از صنایع دستی تا ماشینری در تمام سکتورها صدمه رسانده و کشور را بیش از هر زمان دیگر وابسته به واردات ساخته است. در بانک مرکزی افغانستان هم متأسفانه شتاب زده گی ها و رفتار های عجولانه تحت عناوین ریفرم،

بازسازی، نوسازی و قانون مداری درین دوره بوفرت سر زده است که درین جا بطور فشرده به چند مورد بزرگ و شاخص آن اشاره مینمایم:

۱.۴.۴ لښوځواز فعالیت بانکهای اختصاصی توسعه وی افغانستان

زدودن بانک های اختصاصی انکشافی سکتوری از پیکر نظام بانکی افغانستان یکی از اهم مواردی است که در اوایل این دوره توسط بانک مرکزی افغانستان عملی گردید. برای کشوری چون افغانستان عدم موجودیت بانک های اختصاصی توسعه وی یک خلای بزرگ انکشافی به شمار میرود. در گذشته بانک انکشاف زراعتی، بانک انکشاف صنعتی، بانک رهنی و تعمیراتی و بانک انکشاف صادرات که فقط به خاطر عرضه خدمات بانکی به ویژه فرآهم آوری منابع مالی برای سرمایهگذاری در سکتورهای مربوطه شان از طریق اعطای وام به تولید کنندگان، ترویج مدیریت تولید، انکشاف منابع بشری و سایر موارد توسعه وی سکتوری تاسیس و فعالیت های مثمر داشتند. این بانک ها به کمک بانک های توسعه وی بین المللی و منطقوی در زمان شان تاسیس گردیده بودند و همواره از کمک های مالی و تخنیکی این موسسات برخوردار بودند. منابع بشری هر یک از بانک های مذکور در عرضه خدمات بانکی توسعه وی بخش مربوطه آموزش های عالی حرفوی دیده بودند و با سال ها تجربه مسلکی درساحه کاری شان حضور داشتند ولی با دریغ که در اوایل دهه هشتاد خورشیدی زمانی که زمینه ورود ملیاردها دالر کمک های خارجی به خاطر بازسازی و توسعه اقتصادی بدخل کشور فراهم گردید و باید در قدم نخست تمویل و راه اندازی این بانک ها در الویت پروسه انکشاف قرار داده میشد تا از وجود این نهاد های اقتصادی که قبلا کارآیی شان را در انکشاف سکتوری به اثبات رسانیده بودند در راه توسعه اقتصادی کشور استفاده بهینه صورت میگرفت اما متاسفانه دافغانستان بانک با یک دیدگاه تنگ نظرانه و فقط محدود به اعداد و ارقام بیلانسی، جواز فعالیت سه بانک انکشافی (زراعتی، صنعتی و تعمیراتی) را بیرحمانه فسخ و بانکهای اختصاصی انکشافی را که از هر زمان بیشتر به موجودیت و فعالیت آنها نیاز وجود داشت و همیشه خواهد داشت تحت تصفیه قرار داد. به تعقیب آن فعالیت بانک انکشاف صادرات که به هدف توسعه صادرات کشور تاسیس گردیده بود و زمانی فعالیت های مثمیری را درین عرصه انجام داده بود متوقف و با پشتنی تجارتي بانک مدغم نمود.

برداشت و نظر مسئولین دافغانستان بانک این بود که این بانکها در شرایط خوب مالی قرار ندارند و نمی توانند طبق روحیه قوانین جدید بانکی به ادامه فعالیت شان در مارکیت آزاد بپردازند در حالیکه سایر بانکهای کشور هم در آن زمان وضعیت بهتری نداشتند به هر حال با بیرون کشیدن بانک های توسعهی فوق از صحنه، اقتصاد کشور صدمات جبران ناپذیر را بویژه در سکتور زراعت منحصی سکتور کلیدی در اقتصاد ملی کشور و همینطور انکشاف صنایع دستی و کوچک روستایی متحمل گردید، همین طور سکتور های صنعت و مسکن. و سکتور صادرات افغانستان ازین اقدام صدمه دیدند. هر چند بانک های تجارتي در سکتور های متذکره قسماً وارد عمل گردیدند ولی نه برای هدف توسعه و اشتغال در این سکتور ها بل برای اهداف تجارتي و کسب مفاد شان که این سهم گیری بانک های تجارتي به هیچوجه برای تهیه سرمایه برای سکتورهای متذکره بسنده نبوده نیست در این صورت بخش بزرگ فعالیت های سکتوری کشور که نیاز مبرم به تمویل مالی داشت و دارد بخاطر عدم موجودیت بانک های اختصاصی توسعه وی سکتوری از منابع مالی بدور مانده اند.

۲.۲.۴ لغو شعبات کنترول و نظارت اسعار خارجی

کشور های که به کمبود منابع اسعاری مواجه اند یعنی قیمت کل واردات شان از قیمت کل صادرات شان بیشتر است و به اصطلاح کسر بیلاس تجارت دارند اکثرأ یک سلسله نظارت های را در مورد رفت و آمد اسعار خارجی به خاطر صرفه جویی اسعار خارجی در کشور های شان اعمال می نمایند. افغانستان یکی از کشورهای بوده و هست که همواره به مشکل کسر بیلاس تجارت و منابع اسعاری دچار بوده است بناً در گذشته تحت عنوان نظارت و کنترول اسعار خارجی دیپارتمنتی در تشکیل دافغانستان وجود داشت که جریانات نقده و غیر نقده خروج و دخول اسعار خارجی را در کشور نظارت و مدیریت می نمود. شعبات این دیپارتمنت در تمامی گمرکات کشور فعال بودند و تمام اقلام صادرات و واردات را نزد شان بشکل قیمتدار ثبت می نمودند برای هر تاجر انفرادی و شرکت تجارتي حساب جداگانه نزد شان وجود داشت که تمامی حرکات تجارتي هم از واردات و صادرات و حواله جات بانکی اسعاری درین حسابات اندراج میافت تا دیده شود که به ارزش چقدر اقلام صادراتی یا چه مبلغ اسعار خارجی نقد یا حواله بانکی بنام کدام شخص یا کدام شرکت از کشور بیرون گردیده و در عوض به چه ارزش اجناس وارداتی داخل کشور شده است. به

این طریق اجازه خروج اسعار خارجی از کشور و صدور اقلام صادراتی مستقیماً بدست دافغانستان بانک قرار داشت. همین طور کسانی که قصد سفر به خارج کشور را داشتند باید برای اسعار خارجی خویش ابتدا مجوز خروج اسعار را از دافغانستان بانک می گرفتند. این کارها همه به هدف نظارت کامل دولت روی رفت و آمد اسعار خارجی و بالاخره صرفه جویی و استفاده بهینه از اسعار برای توسعه اقتصادی کشور صورت می پذیرفت. اما با تصویب قانون اساسی جدید و روحیه قوانین جدید بانکی دیگر هیچ نیازی به کنترل و نظارت اسعار خارجی نزد مسئولین بانک مرکزی دیده نشد گویا همه تنگناهای مالی و اقتصادی کشور توسط موادلات ترجمه شده قوانین جدید بر طرف گردیده است بنابر آن با این استدلال که دیگر هیچ نوع کنترل و نظارتی در مارکیت افغانستان نیاز نیست و حالا افغانستان دارای نظام اقتصاد بازار است و میکانیزم های بازار کار شان را بدرستی انجام میدهند و نباید ما میراث دار اقتصاد رهبری شده و کنترولی دولتی گذشته باشیم در یک اقدام سریع و شتاب زده، شعبات نظارت اسعار از سرتاسر کشور برچیده شد تا هرکس به هر مقدار اسعار خارجی که می خواهد از کشور خارج و یا به داخل کشور نماید. هر چند بعد ها بانک متوجه گردید و سقفی را برای خروج نده اسعار خارجی از کشور معین نمود اما کنترل و نظارت اسعار بخاطر مدیریت اسعار خارجی و رفع مشکل بیلانس تادیات کشور تا هنوز وجود ندارد.

در سال ۱۳۹۹ خورشیدی مجموع صادرات کشور به ۱۴۷۶.۳ میلیون دالر که نسبت به سال ۱۳۹۸ باندازه ۲.۶ درصد کاهش را نشان میدهد، میرسید در همین سال مجموع واردات کشور مبلغ ۷۶۴۱.۱ میلیون دالر ثبت گردیده که نسبت به سال قبل آن ۴.۴ درصد کاهش را نشان میدهد^۱

البته آمار ذکر شده آمار ثبت شده دولتی میباشد که بطور رسمی از مراجع دولتی جمع آوری و توحید گردیده است. هرگاه به ارقام سال های قبل مراجعه شود حجم واردات کشور بیشتر از مرز ده میلیارد دالر رسماً ثبت گردیده و اینکه ارقام ثبت شده تجارت خارجی افغانستان در سال های اخیر کاهش را نشان میدهد به معنی پایان آمدن حقیقی حجم واردات و صادرات کشور هرگز نمیباشد بلکه سال به سال در واردات کشور افزایش قابل ملاحظه بمیان آمده است فقط فساد گسترده در گمرکات و سرحدات موجب گردیده که

^۱ صفحه ۲۲۹ سالنامه احصائیه ۱۳۹۹ اداره ملی احصائیه و معلومات افغانستان NSIA شماره ۴۲ جمل ۱۴۰۰

مقادیر قابل ملاحظه اموال بدون طی مراحل گمرکی داخل و خارج کشور گردند برای دسترسی به آمار درست فقط باید آمار کشور های که بآنها مرادادات تجارتي داریم دیده شود آنگاه عمق موضوع معلوم شده حجم واردات و صادرات مشخص و کسر حقيقي بيلانس تجارت ما نمايان ميگردد.

بهر حال دیده میشود که نسبت صادرات و واردات که در حقیقت بیلانس تجارت کشور را نشان میدهد بگونه سرسام آور ناهمگون و نا متعادل است حالا سوال اینجاست که خارجی ها که بطور رایگان اجناس و خدمات شان را بما نمیدهند پس متباقی پول واردات آنها واردات رسمی ما چگونه بخارج کشور پرداخت و انتقال میآید این سوالیست که هر دولت باید شفاف بداند که چگونه پول واردات و صادرات کشورش جابجا میشود. آیا در افغانستان در کنار فرار غیرقانونی ارز خارجی، ارز بنام قیمت واردات هم از طریق بانکها و معامله کنندگان اسعار مارکیت های اسعاری انتقال میگردد؟ و سالانه تحت عنوان قیمت واردات چه مبلغ به خارج کشور حواله میشود، آیا بانک مرکزی چنین آماري را دارد و یا بهتر بگوئیم میتواند داشته باشد؟ تمام این سوالات را میتواند میکانیزم های کنترولی و نظارتی اسعار یک کشور بخوبی پاسخگو باشد و بس که متاسفانه ما از وجود همچو ساختار کنترولی و نظارتی عمداً دور نگهداشته شده ایم.

۳.۴.۴ سهولت در تاسیس بانکهای بخش خصوصی

با انفاذ قوانین جدید بانکی یک سلسله شتاب زده گی های برای تاسیس بانکهای خصوصی داخلی و اجازه فعالیت نمایندگی های بانکهای خارجی در مارکیت افغانستان نیز بخرج داده شد. بانک های جدید با شرایط آسان با آوردن سرمایه ابتدایی اندک در ابتدا مبلغ معادل پنج میلیون دالر امریکایی تاسیس گردیدند. در مورد اهلیت و کفایت مالی، اعتبار و سابقه مالی و تجارتي، و همینطور شخصیت اجتماعی سهامداران اصلی بانک ها مطالعات لازم طور شاید و باید از جانب بانک مرکزی انجام نپذیرفت این ها همه موجب گسترش سریع شبکه بانکی بخش خصوصی گردید که بدون شک خارج از توان نظارتی بانک مرکزی افغانستان بود و عواقب ناگواری را به دنبال هم داشت. در آغاز فقط تلاش بر آن بود که افغانستان هر چه زود تر به یک شبکه وسیع بانکی آنها از طریق بخش خصوصی مجهز گردد و راه صد ساله نه پیموده را در یکی دو سال بگونه سریع به پیماید چنین

استدلال میشود که افغانستان یک منطقه بکر اقتصادی است هر فعالیت اقتصادی میتواند بزودی در بازار آزاد آن رونق گیرد، پویا و به ثمر برسد. با این استدلال واهی، بازار مالی افغانستان برای تأسیس بانک های متعدد مناسب و بی خطر تلقی میگردد. یک تعداد سرمایداران، مشتاق تأسیس بانک گردیدند و بانک مرکزی هم با سرعت زیاد درخواست ها، برنامه ها و اساسنامه های ارائه شده شان را برای تأسیس بانک بشکل روخوانی بررسی و اجازه فعالیت صادر میداشت. این در حالی اتفاق می افتاد که نه در بانک مرکزی یک تیم قوی متخصص مجرب برای این منظور وجود داشت و نه سرمایگذار از اهلیت سرمایگذاری درین بخش حساس مالی چون بانکداری برخوردار بود بد تر اینکه اکثر سرمایگذاران درین رشته هر یک به تناسب سهم شان که در سرمایه بانک داشتند در چارچ اداره بانک شخصی شان سهیم و بانک خویشرا به سلیقه شخصی رهبری و مدیریت میکردند. بدین گونه یک رقابت شدید برای جذب مشتری و معرفی فرآورده های جدید بانکی در مارکیت بین بانک های جدیداً تأسیس شده بمیان آمد. تحت عناوین مختلف سپرده های ملیاردی مردم به طرف حسابات بانکی از طریق تبلیغات گسترده رسانه ی و نشان دادن باغ سبز و سرخ به مردم کشانیده شد ذهنیت جامعه طوری سازماندهی گردید تا مردم بهر شکلی که شده پول نقد تدارک نمایند و بخاطر کسب منفعت و داشتن زندگی بهتر به این حسابات واریز نمایند. حسابات بخت حساب کابل بانک و قسمت حساب عزیری بانک از نمونه های بارز درین زمینه میباشد که حتی خانم ها تشویق به فروش زیورات شان میگرددند تا پول فروش آنها را درین حسابات سرمایگذاری نموده و از جوایز میلیونی بانکها که هرلحظه نوید آن از طریق رسانه ها به گونه ماهرانه به خورد شان داده می شد بهره مند گردند. بانک ها این سرمایه های ملیاردی را که خیلی آسان و ارزان از عامه ی مردم بدست میآوردند چه میکردند آیا این سپرده در مسیر رشد و توسعه اقتصادی بکار گرفته شد؟ آیا این سرمایه های ملیاردی بدسترس کسانیکه اهلیت و کفایت سرمایگذاری را در سکتور های مختلفه اقتصاد ملی کشور داشتند از طریق اعطای وام بانکی قرار داده شد؟ کاش چنین میشد ولی با تأسف که حجم زیاد این پولها که در واقع برای سهامداران ارشد بانکهای خصوصی به دید پول شخصی بآنها نگاه میشد به افراد وابسته بی کفایت با شرایط سهل آنهم برای ساختن مارکیت ها و خانه های مجلل قرض داده شد و همینطور از طریق سهامداران بانک ها در خارج و داخل کشور بالای خرید املاک بمصرف رسید که در هر صورت آن عواقب ناگوار را بدنبال داشت.

۵.۴ اولین استراتژی پلان دافغانستان بانک (۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ خورشیدی)

دافغانستان بانک درین دوره برای اولین بار پلان استراتژییک پنجساله اش را طرح و تدوین نمود و آنرا در سال ۱۳۸۸هجری خورشیدی به اجرا گذاشت. این پلان که تا پایان سال ۱۳۹۲ ادامه یافت، بیشتر روی تعهدات بانک در زمینه تحقق مأموریتش مبنی بر ثبات قیمت ها از طریق ثبات در نرخ تبادل که در صدر اهداف هر بانک مرکزی قرار دارد و ایجاد نظام مالی مستحکم تاکید جدی شده است. زمانی که درین استراتژی پلان از رسیدن بیک نظام مالی مستحکم حرف زده میشود و تأکید میگردد نشان بر آنست که نظام بانکی افغانستان ازین ناحیه شدیداً متاثر شده و در حال و آینده احساس خطر مینماید زیرا سال ترتیب این پلان درست زمانی است که مشکلات کابل بانک کم کم آفتابی شده میرفت بنابر این بانک مرکزی افغانستان ناگزیر گردید تا بیشترین انرژی اش را بالای سکتور نظارت مالی متمرکز سازد. واقعاً طی سالهای این پلان پنجساله تلاش های زیادی در رابطه امور نظارتی بعمل آمد از افزایش در کدر نظارت گرفته تا بالا بردن استندرد ها و شاخص های نظارتی، توجه به ارتقای ظرفیت کارمندان امور نظارت مالی و از همه بیشتر عطف توجه هیات رهبری بانک درین بخش مهم توانست دیپارتمنت نظارت امور مالی را به یک دیپارتمنت قوی مبدل سازد که تقریباً میتوانست اهداف پلان استراتژیی بانک را درین ساحه برآورده گرداند.

بعد از ختم این پلان تا سال ۱۳۹۶ خورشیدی (۲۰۱۷ میلادی) دافغانستان کدام پلان استراتژییک دیگری را اعلان و نشر نمود شاید بیشترین دلیل آن ناهنجاری ناشی از سومین انتخابات پرچالش ریاست جمهوری افغانستان بوده باشد که در دو دور در اوایل سال ۱۳۹۳ خورشیدی (۲۰۱۴ میلادی) با پیامد های ناگوار اتفاق افتاد. نتیجه این انتخابات مسخره با باز شماری های مکرر آرا مورد قبول قرار نگرفت و بالاخره با پا در میانی ایالات متحده امریکا و فرستادن "جان کری" سناتور برجسته اسبق مجلس سنا که در آن زمان سمت وزیر خارجه امریکا را به پیش میبرد به کابل به اساس امضای یک توافقنامه سیاسی بین دو کاندید پیشتاز محمد اشرف غنی و عبدالله عبدالله تقسیم قدرت صورت گرفت و بعد از آن هم مدت ها سپری گردید تا در ترکیب کابینه و سایر موارد حکومتداری توافقات شکلی صورت پذیرد. این نمایشات مضحک انتخاباتی و تشکیل حکومت جدید از یک طرف و اعلان خروج نیروی های خارجی از افغانستان تا پایان همین سال از جانب دیگر فضای رب و وحشت، بی اعتمادی و ناامیدی را در کشور ایجاد نمود که یکی از نتایج آن سیل مهاجرت جوانان به سوی کشورهای خارجی به ویژه اروپایی بوده است. اوضاع و احوال ناگوار و

نابسامان سال ۱۳۹۳ خورشیدی (۲۰۱۴ میلادی) و بعد از آن تأثیرات بدی را شامل حال تمامی بخش های حکومتداری و زندگی مردم نمود. در اکثر برنامه های کاری ارگانه های دولتی اخلاص وارد شد و فضای به اصطلاح حکومت دو سره موجب میگردید تا بیشتر انرژی دولتمداران صرف رقابت های تیمی و کشمکش های ناشی از تطبیق و یا عدم تطبیق مواد توافقات بین دو کاندید ناراضی باشد درین فضا مبرهن است که انگیزه کار باقی نمی ماند یا شرایط طوری عمل می نماید که کسی نمی تواند کاری را انجام بدهد. بنابراین در دافغانستان بانک نیز کدام کاری روی استراتیژی پلان بانک نتوانست انجام پذیرد.

دومین استراتیژی پلان دافغانستان بانک بعد از یک وقفه سه ساله که دلایل آن در بالا ذکر شد برای مدت چهار سال یعنی از سال ۱۳۹۶ الی ۱۳۹۹ خورشیدی مطابق به (۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ میلادی) بر روی هفت رکن ستراتیژیک زیر طرح و ترتیب گردید.

رکن اول ارتقای مؤثریت سیاست پولی در راستای حمایت از رشد و ثبات اقتصادی رکن دوم استراتیژیک تحکیم زیربنا ها و چارچوب حقوقی، مقرراتی و نظارتی به منظور تأمین سلامت ثبات نظام مالی و بالا بردن اعتماد عامه به سیستم بانکی کشور. رکن سوم استراتیژیک توسعه خدمات مالی که بر مبنای آن دافغانستان بانک مصمم بر آن است تا با متنوع سازی محصولات و خدمات مالی و همچنین ایجاد بازار های جدید با توجه خاص به گروه های محروم مالی نظیر خانوارها و شرکت های کوچک و متوسط، دسترسی مردم به خدمات مالی را تسهیل و انواع خدمات مدرن بانکی را گسترش دهد. رکن چهارم استراتیژیک تحکیم مصونیت و مؤثریت نظام پرداخت و جلوگیری و کنترل از خطرات احتمالی در سیستم پرداخت و ایجاد سیستم مرکزی رکن پنجم استراتیژیک افزایش و حفظ مؤثریت سازمانی و کسب اطمینان از استمرار فعالیت های اصلی و ارتقای میکانیزم های اداری و عملیاتی.

رکن ششم استراتیژیک انکشاف زیر بنا های فیزیکی، تحکیم امنیت و ارتقای زیربنا ها و سیستم های تکنالوژی معلوماتی و ارتباطی یا (Information & Communications Technology) ITC

رکن هفتم استراتیژیک بهبود سیستم مدیریت منابع بشری به منظور فراهم سازی زمینه برای افزایش کارایی و رشد کارمندان^۱.

^۱ پلان استراتیژیک دافغانستان بانک ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ برگرفته از سایت دافغانستان بانک www.gov.af

۴.۶ تاسیس بانکهای بخش خصوصی

افغانستان بعد از طالبان و استقرار نظام جدید که حمایت سیاسی، اقتصادی و نظامی جامعه بین المللی بویژه ایالات متحده امریکا و ناتو را با خود داشت بحیث یک منطقه بکر اقتصادی علاقه ی سرمایهگذاران داخلی و خارجی را بخود جلب نمود. در همه سکتور ها نیاز شدید به سرمایهگذاری احساس میگردد و قانون اساسی از هر اقدام در جهت سرمایهگذاری و رشد و توسعه کشور حمایت مینمود. بزودی اداره بنام ثبت و حمایت سرمایهگذاری (آیسا) تأسیس گردید تا فرآیند طولانی صدور جواز را در حد ممکن کوتاه و آسان بسازد و زمینه ثبت شرکت ها و نهاد های سرمایهگذار را در تمامی عرصه های اقتصاد ملی فراهم بسازد. در روشنی قوانین جدید و موجودیت فضای مساعد سرمایهداران داخلی و خارجی تشویق شدند و یک سلسله سرمایهگذاری ها در ساحات مختلف اقتصاد ملی افغانستان صورت گرفت که ایجاد و راه اندازی بانک های شخصی یکی از آنها بشمار میرود. دافغانستان بانک که برای صدور جواز نامه به بانک ها از لحاظ قانونی مکلفیت داشت با ایجاد دیپارتمنت جدیدی بنام "نظارت مالی" امور طی مراحل جواز بانکی و همین طور نظارت بانکها را به عهده گرفت. در مطابقت با ماده (۸۵) قانون دافغانستان بانک، بانک های که خواهان ادامه فعالیت بانکی اند و یا اشخاص که علاقمند تاسیس بانک در افغانستان باشند و یا بانک های خارجی که بخواهند در افغانستان به فعالیت بانکی بپردازند مکلفیت دارند تا جواز فعالیت بانکی را با در نظر داشت شرایط پیشبینی شده در قانون از دافغانستان بانک به دست آورند. از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۳ مطابق (۲۰۰۳ - ۲۰۱۴ م) هجده بانک داخلی و خارجی در افغانستان تأسیس شدند، درین دوره در روشنی قوانین جدید بانکی (۲) بانک تجارتي دولتي (بانک ملی افغان و پشتنی بانک)، تعداد (۱۰) بانک تجارتي خصوصی داخلی و به تعداد (۶) نمایندگی بانکهای خارجی جمعاً (۱۸) بانک با کسب مجوز فعالیت از بانک مرکزی افغانستان شروع به کار نمودند.

ده بانک تجارتي خصوصی داخلی عبارت بودند از کابل بانک، عزیزى بانک، بانک بین المللی افغانستان AIB، افغان یونایتد بانک، فرست میکروفاینانس بانک، میوند بانک، غضنفر بانک، برک افغانستان بانک، بانک انکشافی افغانستان و بانک تجارتي افغانسان (ACB). و شش نمایندگی خارجی عبارت بودند از نشنل بانک پاکستان، الفلاح بانک پاکستان، آراین بانک ایران، استندرد چارترز بانک انگلستان، نشنل پنجاب بانک هندوستان و حبیب بانک

پاکستان جمعاً (۱۸) بانک بعد از صدور مجوز فعالیت شان توسط بانک مرکزی کشور شروع به فعالیت نمودند.

۷.۴ بانکداری تجارتي

در دوران دو دهه اخير با تصويب قوانين جديد بانكي زمينه ايجاد و تأسيس بانک های تجارتي بخش خصوصي و فعاليت نمايندگي های بانک های خارجي، ده ها موسسات مالي قرضه های کوچک و شرکت های صرافي و خدمات پولی فراهم گردید.

در حال حاضر در افغانستان، غير از بانک مرکزی (دافغانستان بانک) به تعداد (۱۲) بانک تجارتي فعاليت بانكي دارند که عبارت اند از (۳) بانک تجارتي دولتي (بانک ملی، پشتني بانک و کابل بانک) به تعداد (۷) بانک تجارتي خصوصي (عزیزی بانک، بانک اسلامي افغانستان، میوند بانک، غضنفر بانک، افغان یونایتد بانک، فرست مایکروفاينانس بانک و بانک بين المللي افغانستان) و دو نمايندگي خارجي (الفلاح بانک پاکستان و آرين بانک ايران). تعداد مجموعی بانک ها به استثنای بانک مرکزی در سال های ۱۳۹۷، ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ به ترتيب به ۱۴، ۱۳ و ۱۲ کاهش یافته است که یک بانک از بانک های تجارتي بخش خصوصي در سال ۱۳۹۹ و یک نمايندگي خارجي در سال ۱۳۹۸ شامل اين کاهش میباشند.

در سال گذشته (۱۳۹۹ خورشیدی) مجموع سپرده گذاران بانكي به تعداد ۴۳۲۸۰۶۱ نفر با مبلغ ۲۸۰۴۶۷،۸۶ ملیون افغانی سپرده بالغ میگردیدند و در همین سال تعداد وام گیرندگان از نظام بانكي ۵۷۷۱۸ نفر با مبلغ ۳۹۵۵۹،۳۹ ملیون افغانی وام گرفته شده به ثبت رسیده این در حالی است که مجموع دارایی های سکتور بانكي افغانستان در سال متذکره مبلغ ۱۲،۱۰،۳۲۷۰ ملیون افغانی گزارش داده شده است.^۱

هرگاه به تناسب قرضه به سپرده ها در سال های ۱۳۹۷، ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ نظر انداخته شود به ترتيب ۱۵.۱۳، ۱۵.۴۸ و ۱۴.۰۰ میباشند^۲

در نشرات رسمي بانک مرکزی کشور در مورد شاخص های سالمیت عمومي سکتور بانكي افغانستان حرف های خوبی گفته میشود همواره در رابطه به مجموع دارایی های نظام بانكي، حجم سپرده ها، حجم و وضعیت وام های داده شده به مشتریان، کیفیت نقدینگی بانک ها، سرمایه سهم داران و مفاد حاصله از فعاليت های بانكي آمار دل گرم کننده ارائه میگردد.

^۱ صفحه ۲۸۰ سالنامه احصائیوی ۱۳۹۹ خورشیدی شماره ۴۲ حمل ۱۴۰۰ خورشیدی

^۲ سالنامه احصائیوی ۱۳۹۹ صفحه ۲۸۰ اداره ملی احصائیه و معلومات NSIA شماره ۴۱ ثور ۱۳۹۹

آمار منتشره رسمی دافغانستان بانک که طبیعتاً بایست به اساس معلومات و بررسی های رسمی از بانک ها بعد از تحلیل و تجربه نشر گردیده باشد حکایت از سلامت نظام بانکی کشور دارد و ظاهراً هم نظام بانکی در افغانستان با وصف مشکلات فراوان که دامنگیر کشور است به روند طبیعی فعالیت خویش ادامه میدهد.

به اساس نشرات رسمی بانک مرکزی کشور طی ربع دوم سال ۲۰۱۹ میلادی رشد دارایی های نظام بانکی به اندازه ۳.۳۳ درصد بوده و به مبلغ ۳۰۹.۵۵ میلیارد افغانی میرسد، قروض ناخالص به ۴۴ میلیارد افغانی بانرخ رشد ۴.۹۵ درصدی، سپرده های بانکی (سپرده های مشتریان و بین البانکی) بالغ بر ۲۶۵.۸۱ میلیارد افغانی با رشد ۳.۱۲ درصد و سرمایه سکتور بانکی مبلغ ۳۵.۶۰ میلیارد افغانی با رشد ۰.۰۳ درصدی گزارش داده شده است. اما درین نشرات نسبت نقدینگی بانک ها بیش از حد مطلوب ذکر گردیده یعنی عدد ۷۴ درصد که واقعاً مازاد نقدینگی را نشان میدهد چون در نظام بانکی افغانستان عدم کفایت نقدینگی کمتر از ۱۵ درصد تثبیت گردیده است همین طور در بخش سود آوری بانک ها آمار خوبی در ماه مارچ همین سال به مشاهده نمی رسد و نظر به این گزارش فقط بانک های دولتی و نمایندگی های بانک های خصوصی در بیلانسیتهت های شان فایده را نشان میدهند درحالیکه بانک های تجارتي بخش خصوصی داخلی متحمل ضرر شده اند ولی در ماه های بعدی مفاد شامل حال بانک های تجارتي بخش خصوصی نیز گردیده است.^۱ از آنجائیکه افزایش در حجم نقدینگی نزد بانک ها از حد مطلوب در حقیقت خطری است برای بانک زیرا این بدین معناست که بانک نتوانسته از ظرفیت سرمایه وی اش برای جبران مصارف و کسب درآمد استفاده بهینه نماید اما بانک ها درین مدت بیشتر به خاطر مشکلات مارکیت کشور از ناحیه مشکلات در بازگشت وام ها یا حصول قرضه ها که عوامل گوناگون داشت نتوانسته اند سطح نقدینگی شانرا از طریق توزیع وام به حد مطلوب کاهش به بخشند و مفاد کمایی نمایند زیرا بانک ها بخاطر مواجه نشدن به حالات لاصولی وام های شان وجلوگیری از خطرات و ضرر های بیشتر ترجیح دادند از نهایت محافظه کاری و احتیاط کار بگیرند.

۸.۴ نظارت بانکها

برای اینکه ما یک اقتصاد سالم داشته باشیم اولتر از همه نیاز است که یک سیستم مالی سالم و کار آمد داشته باشیم، سیستم که از هر نوع مرض و آلودگی مبرا و در امان باشد در

^۱ بولتین اقتصادی و احصائیوی دافغانستان بانک صفحات ۵۳ تا ۶۳ ربع دوم سال ۲۰۱۹ میلادی

غیر آن نه سپرده گذاران جامعه به سپرده گذاری تشویق و اعتماد شان جلب میشود و نه هم موسسات مالی قادر میگردند منابع مالی شانرا افزایش دهند در هر دو صورت سطح سرمایه گذاری در جامعه پائین میآید. بنأ موضوع نظارت مالی یکی از مهمترین اهدافی است که در صدر اهداف بانک های مرکزی قرار گرفته است.

نظارت بانک ها که معمولاً از دو طریق در محل یا on side supervision و خارج محل یا of side supervision صورت میگیرد در افغانستان با بوجود آمدن بانک های خصوصی و نمایندگی های بانک های خارجی یک پدیده کاملاً جدید بود چون بانک مرکزی افغانستان تا آنوقت هیچگاه یک سیستم نظارتی مدون و دیپارتمنت جداگانه برای این منظور نداشته است. زیرا قبلاً بانک ها که تمامی سرمایه های شان به دولت تعلق میگرفت توسط هیات های نظارت و تفتیش داخلی شان بگونه عنعنوی تفتیش و نظارت میگردیدند اما با ایجاد بانک های خصوصی و حضور نمایندگی های بانک های خارجی لازم بود تا یک سیستم نظارتی مدرن که جوابگوی شرایط و ایجابات زمانش باشد تدوین و توسط کارمندان آموزش دیده و فعال به اجرا گذاشته شود تا هر لحظه بانک مرکزی از سلامت و صحت جریان کاری بانک ها آگاه و در صورت نیاز برای حفظ و سلامت سیستم بانکی کشور در وقت و زمانش تصامیم لازم اجرایی را روی دست بگیرد تا هیچگونه سکتگی و اخلال در سیستم ایجاد نشده و بر اعتماد و اطمینان نظام بانکی صدمه ایجاد نشود.

بگونه بسیار ساده و فشرده اگر سیستم نظارتی بانکی را معرفی نمائیم میتوانیم بگوئیم که در نظارت یک بانک، سیستم های کنترولی بانک، سیستم ادیت، سیستم اداره قروض، بیلانسیست، راپورهای نفع و ضرر و سایر راپور های مالی بانک چک و بررسی میگردد تا بانک مرکزی مطمئن شود که مفاد بانک مورد نظر قابل تأمین است و بانک به ضرر مواجه نمی باشد. در یک بانک تجارتي بزرگترین مرجع ضرر قروض داده شده بانک است بنأ تحلیل قرضه ها و اداره شان از دیدگاه ارزیابی کیفیت دارایی های بانک بی نهایت مهم و جدی میباشد و در کشوری مثل افغانستان که ارزیابی و قیمت گذاری تضامین قرضه ها مشکل است و یا اسناد ملکیتها بعضاً از صحت کامل برخوردار نیستند و یا محاکم همکاری های لازم را با نظام بانکی ندارند این ها همه میتوانند به آسانی برگشت وام های توزیع شده بانکی را دچار مشکلات جدی ساخته و بانک ها را به ضرر مواجه و حتی در ورطه ورشکستگی قرار بدهند. در هر صورت ضرر بوجود آمده در یک بانک از هر درکی که باشد زنگ خطری است برای بانک مذکور و از همه مهمتر برای بانک مرکزی که مسئولیت نظارت

بانکی را بعهدده دارد و هرگاه ضرر یک بانک به سطح یک چهارم سرمایه شخصی بانک برسد بانک باید تحت مراقبت جدی و شدید بانک مرکزی در آورده شود و عملیات آن بصورت کامل متوقف ساخته شود و هرگاه با تبدیل مدیریت بانک اصلاح نشد به فروش و یا انحلال بانک اقدام گردد. همین طور نسبت نقدینگی که اگر از حد مطلوب بالاتر باشد خطرناک است برای بانک زیرا این امر به معنی این است که بانک نتوانسته از ظرفیت سرمایه وی اش برای جبران مصارف و کسب منفعت استفاده بهینه نماید و مواجه به ضرر نقدینگی میباشد.

در افغانستان با انفاذ قوانین جدید بانکی و حضور بانک های بخش خصوصی در ابتدا استندرد های نظارتی نتوانست بدرستی عملی گردد و کار به شتاب زدگی آغاز گردید، همانطوریکه گفته شد در ابتدا شرایط برای تاسیس بانک خیلی ساده در نظر گرفته شد و از جانبی شتاب زده گی های درین زمینه صورت گرفت که بعداً مشکلات زیاد را در نظام بانکی کشور موجب گردید و از طرفی ظرفیت نظارتی بانکی دافغانستان در تناسب به گسترش سریع شبکه بانکی کشور در یک میزان نا برابر قرار داشت چه کار نظارتی برای دافغانستان بانک یک وظیفه جدید بود و باید درین زمینه لویج و مقررات مطابق شرایط و ایجابات روز ساخته میشد، برنامه های آموزشی به کارمندان تهیه میشد و از همه مهمتر تجربه، فهم نظارتی و تعهد و صداقت نظارتی به پختگی میرسید ولی این راهکارها همه با سرعت و شتاب زدگی و قسماً سیاست زده گی عملی گردید. بانک های که در بخش خصوصی اجازه قانونی فعالیت شانرا از دافغانستان بانک کسب میکردند با تکنالوژی و سیستم های مدرن کاری در مارکیت حضور پیدا میکردند و هر روز در تنوع فرآورده های بانکی شان افزایش بعمل میآمد و ساحه فعالیت شانرا در کشور گسترش میدادند. بدون شک کیفیت پائین امور نظارتی از یک طرف و کمبود منابع بشری کار آزموده، با تجربه و متعهد به اهداف بانک مرکزی درین بخش از جانب دیگر، خلای بزرگی را بین روند رو به رشد فعالیت های بانکی بخش خصوصی و برنامه های نظارتی ایجاد نمود که همین موارد باعث شد تا ما شاهد ناهنجاری های گوناگون در نظام بانکی خویش در سالهای اخیر دهه هشتاد خورشیدی باشیم. مشکل کابل بانک یکی ازین پیامدهای ناگوار میباشد البته قابل ذکر میدانم که بحران کابل بانک تنها و تنها نتیجه عوامل فوق نبود بسا عوامل بزرگتر دیگر از جمله عوامل داخلی و خارجی نیز باعث گردیدند تا این تراژیدی بمیان آید که پرداختن باین موضوع را درین کتاب لازم نمیدانم و درین زمینه مقالات متعددی نوشته و نشر شده است و همانطوریکه گفته شد اخیراً کتابی تحت عنوان "تراژیدی کابل بانک" بقلم عبدالقدیر

فطرت رئیس وقت بانک مرکزی افغانستان نوشته و انتشار یافته است که تمام جریانات و حوادث درین مورد بگونه مشرح به بحث گرفته شده است.

بهر صورت تجارب تلخ کابل بانک و بانک انکشافی افغانستان تلنگوری بود برای نظام بانکی کشور، این زنگ خطر بیشتر از همه دافغانستان بانک را متوجه مسئولیت هایش در قبال بانک های بخش خصوصی گردانید و باعث شد تا در مقرر جوازدهی و نظارتی تغییراتی وارد گردد میزان سرمایه برای تاسیس بانک که قبلاً مبلغ (دوصدو پنجاه ملیون افغانی معادل پنج ملیون دالرامریکایی بنرخ آنزمان) در نظر گرفته شده بود افزایش داده شود و در شرایط تاسیس یک بانک سختگیری های قانونی در نظر گرفته شود. همین طور برنامه های نظارتی بانک وسیع و تشدید گردد و شاخص های کلیدی سلامت برای سکتور بانکی دقیق تر معین گردید و از همه مهمتر تلاش شد تا کیفیت و کمیت امور نظارتی بانک افزایش داده شود و امور نظارت در صدر وظایف عمده بانک قرار بگیرد تا جائیکه در پلان های استراتیژی پنجساله بانک در ردیف اهداف بانک رتبه دوم برای امور نظارت مالی داده شد.

۹.۴ معرفی بانکداری الکترونیکی در کشور

یکی از پدیده های جهان امروزی استفاده گسترده از بانکداری الکترونیکی میباشد درین دوره بانک های بخش خصوصی داخلی و نمایندگی های بانک های خارجی که در افغانستان پایه عرصه حیات گذاشتند از شروع فعالیت شان با تجهیزات تکنالوژی روز و نرم افزار های عملیات بانکی و محاسبوی همراه بوده اند این امر موجب گردیده تا بتوانند به عرضه خدمات بانکداری الکترونیکی برای مشتریان خویش بپردازند.

هرچند اگر به گذشته مراجعه شود استفاده از کمپیوتر در نظام بانکداری کشور بر میگردد به سالهای دهه شصت خورشیدی در آن زمان بانک ملی و پشتنی تجارتي بانک به منظور تنظیم حسابات سپرده های مشتریان شان از کمپیوتر های اداره ملی احصائیه کشور استفاده می بردند. بانک ملی اولین بانکی بود در کشور که از سالیان پیش دارای سیستم محاسبات میکانیزه بود این بانک برای این هدف از ماشین های نیمه اتوماتیک NCR امریکایی استفاده مینمود بناً با آمدن کمپیوتر به افغانستان این بانک به آسانی توانست در آغاز سیستم محاسبات حسابات سپرده مشتریان را کمپیوتری بسازد. اما استفاده از کمپیوتر در آنوقت بیشتر تسهیلات را برای بانک بوجود میآورد تا مشتریان بانک، زیرا در

آن زمان برنامه های کمپیوتری از توسعه یافتگی لازم برخوردار نبودند و فقط مراحل حسابی و راپوردهی روزانه را برای بانک ساده و دقیق میساختند.

در دهه هشتاد خورشیدی بعد از ایجاد یک بستر قانونی برای تأسیس بانکهای خصوصی و حضور پیدا کردن نمایندگی های بانکهای خارجی در مارکیت افغانستان، بانک های جدید باسیستم های جدید محاسباتی و عملیاتی و تکنالوژی مدرن معلوماتی وارد مارکیت افغانستان گردیدند. سرعت عمل، تنوع خدمات بانکی و سهولت های عملیاتی این بانک ها سخت مورد توجه مشتریان شان قرار گرفت. باید اعتراف کرد که بانک های دولتی از سیستم های مدرن بانک های بخش خصوصی و نمایندگی های بانکهای خارجی آهسته آهسته الگو برداری نمودند و در تنوع خدمات و تجهیز تکنالوژیکی شان تا حد ممکن به پیش رفتند.

دیری نگذشت که بانک های بخش خصوصی بویژه نمایندگی های بانکهای خارجی اقدام به صدور کارت های الکترونیکی دبت کارت و کریدت کارت نمودند و بتدریج ماشین های اتومات صرافی ابتدا در داخل بانکها و بعد در مراکز تجاری، فرودگاه ها، مراکز نظامی، دانشگاه ها و سایر مراکز نصب و فعال گردیدند. برای اولین بار بود که شهروندان کشور می توانستند بدون مراجعه به بانک معامله دارشان با استفاده از کارت های دست داشته از ماشین های اتومات صرافی (ATM) پول نقد برداشت نمایند و یا در وقت خریداری های شان قیمت کالاهای خریداری شده را از طریق دستگاه های پایانه های فروش (POS) پرداخت نمایند و همینطور در مسافرت های خارج کشور به همین منوال کارت های شان را برای تامین هزینه های سفر مورد استفاده قرار بدهند.

بنأ گفته میتوانیم که بانکداری الکترونیکی در افغانستان با روش و فرآیند های جدید امروزی تقریباً پیشینه تقریباً هفده ساله دارد. خوشبختانه امروز تمامی بانک های تجاری کشور قادر به انجام معاملات الکترونیکی میباشند و میتوانند هر نوع فرمایش مشتری را در جایجایی پول در داخل و از طریق سوئیفت در خارج به اسرع وقت انجام دهند. در سال های اخیر خدمات بانکداری از طریق انترنیت و موبایل نیز به شهروندان انجام داده میشود و تمامی بانک ها در صدور کارت های الکترونیک شان تسهیلات قابل ملاحظه را بمیان آورده اند و درین زمینه بطور بیست چهار ساعته از صفحات تلویزیونها، روزنامه ها، مجلات و نشر بروشور ها، پلاکاتها و نصب بیلبوردها در گوشه و کنار کشور برای معرفی خدمات شان و جلب مشتریان بیشتر اشتهارات مینمایند. اما استقبال مردم در تناسب به امکانات نظام بانکی بخصوص در حوزه بانکداری الکترونیک خیلی کم میباشد و متأسفانه سهم گیری

مردم در معاملات بانکی بویژه استفاده از بانکداری الکترونیک خیلی نا چیز است. سوال اینجاست که چرا با وجودیکه تمامی بانکهای تجارتي مجهز به سیستم های مدرن و بانکداری الکترونیکی اند و در تمامی شهر های کشور عرضه خدمات شان بطور یکسان انجام میشود تعداد اندک مردم دارای کارت های الکترونیکی میباشدند و کمتر ازین ظرفیت های مدرن بانکی در کشور ما استفاده صورت میگیرد؟

۱.۹.۴ چرا بانکداری الکترونیک در کشور ترویج نمیگردد؟

جالب اینجاست که درین دوره تاریخ بانکداری از تأسیس اولین بانکهای تجارتي خصوصی در کشور که از سال ۱۳۸۳ خورشیدی به این طرف همراه با تکنالوژی های مدرن روز در کشور ظهور و شروع بکار نموده اند بخاطر معرفی و ترویج فرآورده های بانکداری الکترونیکی شان هر یک بطور شبانه روزی در رسانه های جمعی کشور بشکل گسترده و پیگیر اشتها رات دارند، در پهلوی بانک های تجارتي دافغانستان بانک نیز همواره سعی نموده است اقتصاد نقده پولی کشور را بداخل یک سیستم تادیات الکترونیک غیر نقده در آورد و دسترسی مردم را به خدمات مالی گسترش بخشد اما ملاحظه میگردد تا کنون این تلاش های ۱۷ساله به نتیجه ملموس و مطلوب منجر نگردیده است و افغانستان یکی از کشور های است که در اخیر جدول دسترسی مردم به خدمات بانکداری الکترونیکی در جهان قرار دارد. ترویج بانکداری الکترونیکی در افغانستان از یک نرخ رشد پائین برخوردار است و این در حالیکه تمام بانک های تجارتي و بانک مرکزی کشور از بانکداری الکترونیک استفاده مینمایند و بانک های تجارتي از سالهای پیش قادر به عرضه این خدمات در کشور بوده اند. جدول زیر رشد بطنی ترویج وسایل برقی سازی سیستم تادیات و نظام بانکی افغانستان را از سال ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۵ برای چهار سال نشان میدهد.^۱

^۱ منبع راپورهای سالانه دافغانستان بانک

| شماره | تسهیلات | ۱۳۹۲ | ۱۳۹۳ | ۱۳۹۴ | ۱۳۹۵ |
|-------|--------------------------------|--------|--------|--------|--------|
| ۱ | ATM نوع ۲۲ | ۱۱۳ | ۱۳۶ | ۱۷۴ | ۲۰۹ |
| ۲ | سایر تسهیلات انواع ۲۴، ۲۵ و ۲۶ | ۸۸ | ۸۷ | ۸۷ | ۸۹ |
| ۳ | POS نوع ۲۳ | ۲۶۶ | ۳۹۸ | ۴۳۴ | ۳۲۰ |
| ۴ | دبت کارت | ۱۰۲۳۴۹ | ۱۳۷۵۴۳ | ۱۷۹۸۰۹ | ۲۳۲۵۶۸ |
| ۵ | کریدت کارت | ۸۶۰ | ۷۵۰ | ۱۰۰۲ | ۱۱۱۶ |
| ۶ | ای تی ام کارت | ۲۵۱۳۰ | ۷۰۸۰۳ | ۱۳۱۷۲۹ | ۱۶۹۶۷۸ |
| ۷ | ویب سرفرکارت | ۱۹۳۳ | ۳۶۲۹ | ۵۴۳۶ | ۷۲۷۳ |
| ۸ | کارت پیش پرداخت | | ۵۶۴ | ۱۱۶۵ | ۱۹۴۳ |

بخوبی مشاهده می‌گردد که ارقام فوق کمیت های نا چیزی را ارائه مینماید بخصوص در تعداد ATM و POS درین چهار سال پیشرفت جزئی بملاحظه میرسد. این کمیت های انگشت شمار با هیچ کشور جهان سومی قابل مقایسه نیست در کشور ایران در سال ۱۳۹۵ به تعداد ۴.۲ میلیون دستگاه POS و تعداد ۴۲ هزار دستگاه ATM با ۳۰٪ نرخ رشد سالانه معاملات الکترونیک وجود داشت در حالیکه ده سال قبل آن تادیات الکترونیک یک بخش ناچیز را در جمع کل تادیات این کشور احتوا مینمود.

آمار ماه اپریل سال ۲۰۲۱ میلادی نشان میدهد که از آغاز بانکداری الکترونیکی در افغانستان تا اپریل همین سال مجموع کارت های بدهی (دبت کارت) که در ده بانک تجارتي کشور صادر گردیده است به (۱۱۱۷۰۱۷) قطعه کارت با تعداد (۱۶۰۸۳۵۵۷) معامله میرسد و در همین مدت مجموع کارت های اعتباری (کریدت کارت) به ۱۲۹۱ قطعه کارت با (۵۷۳۶۲) معامله را احتوا مینماید.^۱

همین اداره تعداد کل ماشین های اتومات صرافی (ATM) فعال را در ده بانک تجارتي کشور ۳۹۰ پایه با ۳۷۱ سوئیچ و ۱۹ هاست گزارش میدهد. این در حالیست که در کشور بنگلادیش در سال ۲۰۱۹ میلادی به تعداد ۱۰۹۲۹ دستگاه اتومات صرافی و ازبکستان در ۲۰۲۰ به تعداد ۱۱۶۲۱ دستگاه اتومات صرافی بانرخ ۳۳ درصد رشد وجود دارد.

^۱ منبع استراتژی پلان اداره APS(Afghanistan Payment System) سیستم تادیات افغانستان

به اساس یک سروی جهانی (دسترسی به خدمات مالی) صندوق بین المللی پول بین سالهای ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۹ میلادی که در آن برای هر یکصد هزار نفر واجد شرایط معاملات بانکی تعداد ماشین اتومات صرافی (ATM) سروی گردیده است، افغانستان در سال ۲۰۱۹ در کمترین رقم یعنی ۱.۶۴ ثبت گردیده در حالیکه در همین سال این آمار در البانیا ۲۹.۹۹، انگولا ۱۸.۴۱، بنگلادیش ۹.۳۹ و ایران در سال ۲۰۱۸ ۸۸.۶۵ بوده است.^۱

مشکل کار در کجاست؟

تا جائیکه شخصاً تجارب کشور های هندوستان، ترکیه و ایران را از نزدیک مطالعه نمودم دستاورد های نظام مالی شان در عرصه ترویج بانکداری الکترونیک و یا بهتر بگوئیم دسترسی مردم به خدمات مالی درین کشورها تنها نتیجه عملکرد بانکهای تجارتي آن کشورها نبوده بلکه دولت و بانک های مرکزی شان نقش اساسی را در ترویج این هدف داشته اند. بانک های مرکزی این ممالک منحيث موتور حرکت انقلاب تادیات الکترونیک در عرصه های گوناگون چون قانون گذاری، ایجاد سیستم های، مرکزی تسویه و تصفیه، ارتقای ظرفیت، و حتی از طریق دولت وادار سازی شهروندان شان برای استفاده از بانکداری الکترونیک در تحویلی های شان بدولت هدفمندانه، فعالانه و بطور خستگی ناپذیر عمل نموده اند. تحقیقات که درین ارتباط در کشورهای متذکره بعمل آمده است نشان داده که یکی از دلایل عدم علاقه مندی مردم به استفاده از بانکداری الکترونیکی عدم آشنایی شان به سیستم تادیات برقی بوده است که این امر بیشتر از همه در کشور ما صدق مینماید و تا جائیکه درین زمینه همواره از مردم جستجو نمودم عدم علاقه مندی شان را از همه بیشتر در نابلدی شان به دستگاه ها و نحوه عملکرد سیستم تادیات برقی ابراز مینمایند.

بنظر من در شرایط فعلی ما میتوانیم سه کار بسیار ساده را برای بدست آوردن این هدف در کوتاه مدت رویدست بگیریم:

۱- ایجاد مراکز دستگاه های اتومات صرافی ATM Center در کشور

این مراکز میتواند در شهر کابل و مراکز شهر های بزرگ کشور (مراکز زون ها) به تشویق و همکاری بانک مرکزی و تشریک مساعی بانک های تجارتي تاسیس گردد. درین مراکز که به امکانات برق، انترنیت، امنیت و سایر ضروریات مجهز میگردند بانک ها میتوانند مطمئینانه دستگاه های شان را نصب و بکار اندازند تا مورد استفاده کارت داران فعلی قرار

^۱ منبع انترنیت

گیرد، درین جریان مردم عملاً انجام این فعالیت ها را از نزدیک مشاهده و تشویق میشوند تا مشتریان الکترونیک بانکها گردند البته تایک مدت حضور کارمندان بانک ها درین مراکز بخاطر رهنمایی و یادگیری مردم میتوانند فوق العاده مثمر ثمر باشد. با در نظر داشت شرایط امنیتی افغانستان ایجاد این مراکز برای بانک ها مطمئن بوده و در جهت توسعه معاملات الکترونیکی مردم اثرگذار و زمینه مساعد را برای بلدیت مردم و فرهنگ سازی در جامعه میسر میگرداند. در واقع بانک های تجارتی میتوانند این مراکز را به مراکز آموزش مردم به بانکداری الکترونیک تبدیل نمایند و درپهلوی آن از آموزش همگانی مردم از طریق رسانه های صوتی و تصویری نیز دریغ نمایند. عملکرد فوق میتواند نقش بزرگی را در تشویق، مردم به استفاده از بانکداری الکترونیک و بالاخره گسترش معاملات برقی در کشور اثر گذار باشد.

۲- مکلف سازی تدریجی مردم جهت استفاده از سیستم تادیات الکترونیکی. تجربه اکثر کشور ها بویژه کشور های همسایه نشان میدهد که فشار غیر مستقیم دولت ها در گسترش بانکداری الکترونیک نقش اساسی داشته است بدین معنی که بطور تدریجی و مرحله ای مردم به نحوی وادار ساخته شوند که مکلفیت های تادیاتی شانرا مثلاً پول های صرفیه برقی، آب، مالیه و همین طور سایر پرداخت های شان را از طریق بانکداری الکترونیک انجام دهند.

البته این فرآیند در افغانستان باید (بشکل مرحله ای و تدریجی طی یک برنامه ۳ الی ۵ ساله) رویدست گرفته شود که ابتدأ میتوان از بخش تادیات گمرکی، پرداخت مالیات مستقیم و تادیات صرفیه های برق آن هم در مراکز شهرهای بزرگ مرحله به مرحله شروع نمود.

در ایران از چند سال باین طرف دیگر شهروندان آن کشور نمی توانند صرفیه های برق شان را بصورت نقدی به بانکها تحویل نمایند به تدریج مکلف ساخته شده اند تا از طریق کارت های بانکی و یا بانکداری از طریق انترنت پرداخت نمایند. در ترکیه این فرآیند تقریباً بیش از نودوپنج درصد تطبیق گردیده است و اجنسی های محدودی در شهر ها و اطراف آن وجود دارند که مصارف صرفیه های برق، آب و گاز را از مردم بصورت نقد تا هنوز تحویل میگیرند.

۳- تشریک مساعی شهرداری ها در زمینه

به کمک شاروالی های مراکز شهر های بزرگ کشور، در قدم اول فروشگاه ها و مراکز عرضه خدمات بطور تدریجی مرحله ای وادار گردند تا خویش را مجهز به دستگاه POS (دستگاه های پایانه فروش) نمایند. درین فرآیند فروشگاه ها در اشتهاارات شان اعلان نمایند تا در صورتیکه مشتریان پول خرید شانرا از طریق این دستگاه ها بپردازند در قیمت اجناس و خدمات شان از تخفیف مستفید میگردند و در عین زمان وزارت مالیه برای فروشگاه های که از دستگاه های پایانه فروش استفاده مینمایند یک تخفیف مالیاتی دوران فروش قایل شود این عمل به ترویج سیستم های تادیات برقی کمک شایانی مینماید در عین حال برای فروشگاه ها تسهیلات در تسلیم شدن پول نقد، جابجایی، محاسبه و نگهداشت مصئون ومطمین آن را فراهم آورده موجب افزایش در سطح فروشات شان نیز میگردد. این امر کمک مینماید تا مردم تشویق شوند مشتری بانکداری الکترونیک شده ازین تسهیلات در معاملات روزمره شان استفاده نمایند.

۱۰۴ چلند ارز های کشور های خارجی در افغانستان:

استفاده از پولهای خارجی در افغانستان همواره یک چالش جدی در سیاست گذاری پولی بوده است که با وصف ثابت نسبی ارزش پول افغانی بویژه طی دو دهه اخیر با آن هم چلند پول های خارجی در افغانستان به قوت خویش باقی و حتی بیشتر و بیشتر هم شده است تا جائیکه اصطلاح اقتصاد دالری را میتوان در مورد افغانستان بخوبی بکار برد. مشکل چلش پول های کشورهای خارجی در افغانستان مشکل جدیدی نیست این موضوع بر میگردد به دهه شصت خورشیدی زمانی که نرخ تورم در کشور رو به افزایش گذاشت و از اعداد کوچک یک رقمی به اعداد بزرگ دو رقمی تبدیل گردید. هر چند افغانستان از سالیان متمادی شاهد یکنوع تجارت محلی عنعنوی در سرحدات خویش بوده است بیشتر در سرحدات جنوب، جنوب شرق و جنوب غرب کشور تجارت عنعنوی بین ساکنین دو طرف مرزها بگونه غیر رسمی رایج بوده و تا هم اکنون ادامه دارد. انجام تجارت عنعنوی در سرحدات اکثر کشورهای همسایه ما نیز تا حدودی معمول است اما مشکلات جنگ و نابسامانی های چهار دهه گذشته و نبود دولت های مقتدر و صاحب نفوذ که بتواند تحکیم حاکمیت دولتی و تمامیت ارضی و حفظ و حراست از سرحدات در افغانستان را تامین نماید باعث گردیده در بیشتر سرحدات کشور مردم به معاملات خرید فروش و انجام داد و گرفت های غیر رسمی مرزی اشتغال داشته باشند البته این معاملات تنها در تجارت عنعنوی

خلاصه نمیگردد بلکه انتقال اموال تجارتي به شکل عمده آن را نیز در بعضی از سرحدات کشور دربر دارد.

مبرهن است که انجام معاملات و دادو ستد های مرزی به گونه غیر رسمی پول های خارجی را وارد معاملات طرفین میسازد و مردم در نواحی مرزی به مرور زمان به انجام معامله با پول های بیگانه عادت مینمایند و به اصطلاح به عادت تادیاتی مردم تبدیل میشود این عادت تادیاتی از یک طرف و افزایش روز افزون و سرسام آور نرخ تورم و کاهش ارزش پول افغانی در مقابل کالا و خدمات و ارزهای خارجی از جانب دیگر بیشتر مردم ولایات مرزی را وابسته به پول های کشور های خارجی بویژه ارزهای همسایگان ما نموده است. طی چهار دهه و اندی که افغانستان دچار جنگ و اقتصاد ورشکسته میباشد انجام معاملات تجاری به پول های خارجی تنها به ولایات مرزی محدود نمانده است بل به یک مشکل عام در تمام نقاط کشور مبدل گردیده که همواره بانک مرکزی کشور را در تدوین و اجرای سیاست پولی اش مواجه به چالش ساخته است زیرا همان گونه که ساحاتی از اقتصاد پولی ما توسط پول های بیگانه اشغال شده است و امکان حضور و کار برد پول افغانی را محدود نموده همان طور مبالغ هنگفتی از پول افغانی نیز در آن طرف مرزها ذخیره و در رفت و آمد قرار دارد. در پهلوی تجارت عنعنوی غیر رسمی مرزی شوربختانه افغانستان درین دوران چهاردهه بیشترین رقم مهاجرت را به کشورهای همسایه ایران و پاکستان داشته است موجودیت شهروندان ما به آن طرف مرز ها نیز بر مشکل استفاده از پول های کشور های همسایه مزید بر علت شده و سطح انتقالات و کاربرد پول های بیگانه را در کشور بیشتر ساخته است این امر تا جای پیش رفته است که اکثر مردم مرز نشین کشور (بویژه مرز های شرقی، جنوب شرقی و جنوب غربی) فقط انجام معامله و داد و ستد و همین طور محاسبه دارایی های نقدی و غیر نقدی شانرا به پول کشور مجاور همسایه (روپیه پاکستان و یا ریال ایران) بلد اند و بشدت ترجیح میدهند که تمامی معاملات روزانه شان را به پول بیگانه انجام بدهند. همان گونه که گفتیم مشکل استفاده از ارزهای خارجی در افغانستان تنها به ولایات مرزی خلاصه نمیگردد این مسئله فراگیر و تقریباً عمومی شده است بیشتر معاملات دارایی های غیرمنقول مانند ملکیت های مراکز تجاری، خانه، زمین، مستقالات و دارایی های منقول چون موتر به پول خارجی عمدتاً دالر امریکایی تعیین ارزش و معامله میگردند این کار در شهر های بزرگ مانند کابل، هرات، مزار، کندهار، جلال آباد بیشتر معمول و عادی گردیده است.

دیپارتمنت سیاست پولی دافغانستان بانک تحقیقی را در مورد اقتصاد دالری انجام داده است که در آن از چالش جدی وجود پول های بیگانه بویژه دالر امریکایی در دوران معاملات روزمره هشدار داده شده است درین تحقیق هزینه های را که اقتصاد افغانستان ازین بابت میپردازد چنین بر شمرده شده است "عدم مطابقت ارزی، خطر نقدینگی، خطر عدم پرداخت بدهی ها، خسارات عواید ضریب پول، خطر از دست دادن موقف (آخرین قرضه دهنده)"^۱ حالا ببینیم عکس العمل و عملکرد دافغانستان بانک منحصی بانک مرکزی کشور که استفاده از پول های خارجی بجای پول افغانی برایش منحصی بانک ناشر پول و حافظ ارزش پول افغانی همیشه یک چالش و درد سر بزرگ بوده، چه بوده است؟ در گذشته (قبل از سال ۱۳۸۵ خورشیدی) بانک مرکزی افغانستان اصلاً کدام برنامه مدون و اجرایی برای مبارزه با استفاده از پول های خارجی در کشور نداشت و بهتر است بگوئیم که حتی مفکوره محدود ساختن معاملات و داد و ستد به پول خارجی نزد دولت و بانک مرکزی موجود نبود، پیشتر از آن در زمان امارت اسلامی طالبان، حکومت مجاهدین و دوره حاکمیت خلقی ها و پرچی ها و حتی زمامداری داودخان نیز اسنادی وجود ندارد که نظر و اقدام بانک مرکزی افغانستان را در مورد مبارزه به استفاده از پولهای بیگانه منعکس نماید. حتی زمانی که در مورد ریفورم پولی در سال ۱۳۸۱ خورشیدی بحث میگردید نظریات برخی دولت مردان، کارشناسان امور اقتصادی و سیاسیون و بیشتر از غرب برگشتگان براین بود که فقط میتوان مشکل انارشیزم پولی کشور را با استفاده از دالر امریکایی بجای پول افغانی حل نمود و بس.

مفکوره مبارزه و محدود ساختن انجام معاملات و دادو ستد به پول های خارجی بر میگردد به سال های نخست حضور پول جدید افغانی. در آغاز دهه هشتاد خورشیدی. بعد از انفاذ قوانین جدید بانکی در کشور (۱۳۸۲ خورشیدی) که استقلالیت را به بانک مرکزی به ویژه در طرح، تدوین و اجرای سیاست پولی به ارمغان داشت، دافغانستان بانک به خاطر حفظ ارزش پول افغانی و ثبات قیم مکلفیت بیشتر و جدی تر را احساس نمود و در عین زمان بیشتر از هر وقت دیگر مکلف به رعایت اهداف داده شده صندوق بین المللی پول گردید. این زمانی بود که افغانستان درد استفاده از پول خارجی را بیشتر از هر زمان دیگر

^۱ صفحات ۱۰ الی ۱۴ تحقیق سال ۲۰۱۵ برگرفته از سایت رسمی دافغانستان بانک

احساس می نمود چون مردم سخت عادت به استفاده از پول های خارجی کرده بودند به ویژه در معاملات بزرگ، عقد قرارداد ها، نگهداشت دارایی نقدی و غیره فقط پول های خارجی و بیشتر دالر امریکایی حضور داشتند حتی نهاد های دولتی تا وزارت مالیه کشور بودجه ملی را به دالر امریکایی در رسانه ها و جلسات رسمی افاده می نمودند و وزارت خانه ها قرار داد های شان را به دالر امریکایی می بستند. دولت مردانی که بیشتر از غرب به کشور سرازیر شده بودند بیشتر به افاده دالری عادت داشتند ترجیح میدادند ارقام پولی را بجای افغانی به دالر افاده نمایند. این در حالی بود که مشکل در سرحدات هم بابت افزایش روز افزون در حجم تجارت مرزی حادث گردیده می رفت و از یکطرف زمینه های برگشت مهاجرین مهیا گردیده بود و مبالغ هنگفت روپیه پاکستانی و ریال ایرانی همه روزه با برگشت مهاجرین وارد کشور ساخته میشد و از جانب دیگر تراکم جمعیت در ولایات مرزی بدلیل بازگشت مهاجرین سطح تجارت محلی غیر رسمی مرزی را روز بروز بالاتر میبرد و بر مشکل استفاده از پول های بیگانه می افزود. تاجائیکه در ولایات ننگرهار، لقمان، کنر، خوست، کندهار روپیه پاکستانی حرف اول را در نظام دادو ستد روزمره میزد و همین طور در ولایات نیمروز، فراه و قسماً ولسوالی های مرزی ولایت هرات که مشرف به مرز کشور ایران اند از ریال ایرانی بجای پول افغانی استفاده میگردید. در ابتداء (سال ۱۳۸۵ خورشیدی) بانک مرکزی افغانستان برنامه تعذیراتی توام با جریمه را بخاطر مبارزه با چلند پول های خارجی و برای ترویج پول افغانی روی دست گرفت که به اساس این برنامه هیأت های مشترک کنترل بر مارکیت ها به شمول نماینده بانک مرکزی، امنیت ملی، وزارت داخله و سارنوالی در مرکز و ولایات از این امر مراقبت می نمودند و براساس جدول جریمه برای معامله کنندگان ارزهای خارجی به تناسب حجم معامله شان به پول خارجی جریمه پولی وضع می نمودند. این کار برای یک دهه تمام تا سال ۱۳۹۵ خورشیدی ادامه داشت اما هیچگاه مثمرتر واقع نگردید و در عوض اعتراضات و انتقادات فراوانی را بالا نمود. کسانی که نظر به استفاده پول های خارجی در معاملات شان از جانب هیأت های موظف جریمه می شدند اکثراً از تحویل جرایم شان سرباز میزدند و همواره انتقاد شان بر این بود که خود دولت از معاشات دالری، عقد قرارداد های دالری و اعلانات رسانه‌ی گزارش آمارهای اقتصادی از دالر استفاده می نماید بناً حق ندارد مردم را درین مورد جریمه نماید. این اعتراضات و انتقادات مردم خیلی بیجا هم نبود مردم درست استدلال می نمودند همان طور که گفتیم با حاکمیت اقتصاد دالری در افغانستان، بیشترین حجم تبادلات در معاملات بزرگ به دالر امریکایی

محاسبه و معامله میگردید که تا کنون هم ادامه دارد. نکته جالب تر اینکه بانک مرکزی افغانستان که خود طراح و متصدی اجرای برنامه ترویج پول افغانی بود و جرایم جمع شده را که از تخطی کنندگان مارکیت یعنی معامله کنندگان به پولهای خارجی بدست میآمد و بحساب عوایدش دربیانسی محاسبه می نمود خود یکی از تخطی کنندگان بشمار میرفت زیرا در دافغانستان بانک اسکیل معاشات دالری وجود داشت معاشات کارمندان بویژه کارمندان بلند ربه بر مبنای دالر امریکایی افاده و سنجش میگردید و بعداً به یک نرخ تسعیر به پول افغانی به کارمندان پرداخت میگردید البته بعد ها اسکیل معاشات صد در صد به پول افغانی تنظیم شد.

بعد از حدود ده سال تمام تطبیق برنامه مبارزه با چلند پول های بیگانه در کشور که نتایج ملموس را بدنبال نداشت بالاخره دافغانستان بانک درین برنامه تجدید نظر نمود و از نیمه دوم دهه نود خورشیدی بانک اقدام به طرح برنامه جدیدی در رابطه به مبارزه به چلند پول های خارجی بویژه روپیه پاکستانی وریال ایرانی نمود، یعنی برنامه فرهنگ سازی برای ترویج پول افغانی رویدست گرفته شد که برای برآورده ساختن این هدف بانک بودجه لازم را در لیست مصارف سالانه اش در نظر گرفت. باساس این برنامه برای شاگردان مکاتب کیف، کتابچه، قلم، بروشورهای مصور رنگی که به آرم دافغانستان بانک و تبلیغات استفاده از پول افغانی مزین است و همین طور برای دانشجویان دانشگاه ها کتابچه های تبلیغاتی ترویج پول مستقیماً از جانب کارمندان دافغانستان بانک در مرکز و ولایات توزیع میگردد در کنار آن انواع بروشورها، پوسترها، بیلبوردها برای تبلیغ و ترویج پول افغانی تهیه میگردد و همزمان از رادیوها، تلویزیون ها، روزنامه ها، جراید و مجلات پیام های آگاهی دهی عامه و برنامه های تمثیلی بمنظور ترویج پول افغانی و عدم استفاده از پولهای بیگانه بدست نشر سپرده میشود. درین اواخر برنامه توزیع مستقیم بانکوتهای جدید افغانی به انواعیه های کوچک در مقابل بانکوت های کهنه افغانی در ولایات شرقی، جنوب و جنوب غربی عملی شد که درهمه این حالات گفته میتوانیم که تطبیق پروگرام آگاهی دهی و فرهنگ سازی برای ترویج پول افغانی تا اندازه در روند چلند پول افغانی تأثیر مثبت داشته ولی مشکل تا هنوز رفع نگردیده تقریباً به قوت خود باقیست و همین حالا در اکثر ولایات و مناطق مرزی پولهای بیگانه (روپیه پاکستانی وریال ایرانی) و درشورها دالر امریکایی در معاملات به ویژه معاملات دارایی های چون (خانه، دوکان و موتر) و همینطور طلا بکار گرفته میشود.

بنظر من با توجه به تجربه که در نظام بانکی و پولی کشورم دارم و مطالعاتی که درین زمینه انجام داده ام این مشکل بزودی از دامن اقتصاد پولی افغانستان بر طرف نمیگردد هر چند برنامه های آگاه دهی و فرهنگ سازی بانک مرکزی تا اندازه تأثیر گذار است ولی تغییر در عادات تادیاتی مردم کاری نیست که به آسانی و بزودی انجام پذیر باشد، زمان میبرد اگر در ولایات و مناطق مرزی مطالعه شود بوضاحت مشاهده میگردد که اکثر کسانی که از پولهای پاکستانی و ایرانی در معاملات روزمره شان استفاده می نمایند طرز استفاده پول افغانی را فراموش نموده اند بیشترشان نمیدانند و نیاز هم نمی بینند بدانند که مثلاً صد روپیه پاکستانی یا هزار تومان ایرانی معادل چند افغانی میگردد جالب تر اینکه زمانیکه کارکنان دولت درین مناطق معاشات شانرا دریافت مینمایند بلافاصله به مارکیت صرافی مراجعه میکنند و پول افغانی شانرا بخاطر مصارف زندگی خویش به پول رایج منطقه که همان پولهای بیگانه است تبدیل مینمایند. در سال ۱۳۹۳ خورشیدی شخصاً طی یک سفر کاری که به ولایت مرزی نیمروز داشتم مشاهده نمودم که کارمندان دولت برای تهیه مایحتاج خود و خانواده شان معاشات شانرا که به پول افغانی از بانک ها دریافت نموده بودند در مارکیت صرافی شهر نیمروز به تومان ایرانی تبدیل می نمودند و همینطور در سال ۱۳۹۷ خورشیدی زمانیکه میخواستم کرایه رکشا را در شهر جلال آباد بپردازم در عوض صد روپیه پاکستانی کرایه به اساس نرخ روز مبلغ پنجاه افغانی دادم ولی راننده رکشا در اول از گرفتن پول افغانی ابا ورزید و چون پول پاکستانی نردم نبود مجبور شد قبول نماید ولی بعوض صد روپیه پاکستانی مبلغ یکصد افغانی را از من گرفت. به نظر من گناه مردم ما نیست همانطوریکه گفتیم مشکلات جنگ های دوامدار در کشور و نیازمندی های مردم مناطق مرزی که اکثرشان به مشکل میتوانند به مراکز شهری دسترسی پیدا نمایند مردم را به انجام معاملات داودستد های مرزی مجبور ساخته است و با تداوم این روند مردم به انجام معاملات با پول بیگانه عادت نمودند تا جائیکه تمام محاسبات و سنجش های اقتصادی شان را بر مبنای آن انجام میدهند و با این عادت تادیاتی عملاً زندگی می نمایند.

در نتیجه میتوان برای دسترسی به هدف ترویج پول افغانی و برچیدن گلم پول های بیگانه از جریان تبادل کالا و خدمات در کشور حداقل بالای چهار محور زیر تأکید و مکث نمود.

- ترویج بانکداری الکترونیک و استفاده از پول دیجیتال می‌تواند در حل این مشکل در قدم اول در داخل شهرها کمک شایانی نماید. برای ترویج بانکداری الکترونیک در کشور در صفحات قبل راهکارهای ارائه گردید.
- بصورت قطع بایست دولت در عقد قراردادهای و ارائه آمار اقتصادی مثل رقم بودجه ملی، عاید سرانه، محصول ناخالص داخلی، ارقام واردات و صادرات و ازین قبیل از افاده دالری استفاده ننماید و تمام آمار به واحد پول افغانی ارائه و ثبت دفاتر رسمی گردند.
- تازمانیکه دولت تسلط کامل در سرحدات کشور نداشته باشد و حتی الامکان جلو تبادل و معاملات تجارت مرزی که بشکل غیر قانونی آن خارج از طی مراحل گمرکی انجام میشود گرفته نشود، استفاده از پولهای بیگانه در سرحدات امر حتمی و ضرورت مردم خواهد بود.

موضوع دیگر اعتماد مردم به پول افغانی بحیث پول ملی و سمبول وحدت ملی کشور میباشد که هر قدر این اعتماد بیشتر گردد توجه مردم به استفاده و نگهداشت پول افغانی اضافه تر میگردد. این اعتماد از طریق ثبات ارزش پول افغانی و همچنین فرهنگ سازی میتواند تأمین گردد که خوشبختانه بانک مرکزی کشور درین زمینه اقدامات خوبی را روی دست گرفته است ولی کافی نیست و باید در افزایش کمیت و کیفیت این برنامه عطف توجه صورت پذیرد. و همین طور موضوع ثبات ارزش پول افغانی است که اعتماد مردم را بخود جلب مینماید، مشاهده میگردد در سالهای اخیر دهه نود خورشیدی که ریال ایرانی و روپیه پاکستانی به تناسب پول افغانی کاهش شدید ارزش داشته است اکثر مردم ما را که داراییهای نقدی شان باین پولها بوده است به ضرر مواجه ساخته و آنها را متوجه نموده که بخشی از داراییهای نقدی شانرا به پول افغانی که از ثبات ارزش به مراتب بیشتر برخوردار است تبدیل نمایند.

۱۱.۴ مشکل بانکوتهای فرسوده

طی دو دهه گذشته بویژه پانزده سال اخیر مردم ما از بانکوتهای کهنه و فرسوده به ویژه نوتهای خورد رنج میبرند و موجودیت بانکوتهای فرسوده مشکلات فراوانی را در جریان تبادل روزمره برای مردم ایجاد نموده و این مشکل هر روز بیشتر و بیشتر میگردد. امروز مشکل بانکوتهای فرسوده در جریان پولی کشور یکی از چالشهای بزرگ اقتصاد پولی ما است و همواره مشکلات فراوانی را هم برای مردم و هم برای بانک مرکزی و سایر

بانک های کشور فرآهم آورده است. درین رابطه لازم میدانم درین بخش کتاب که به بیشتر به اوضاع و احوال پول و بانکداری طی دو دهه اخیر پیوند دارد به علل این مشکل عمومی بپردازم.

فرسایش پول در همه جوامع یک امر عادی و معمول است چون پول نیز مانند سایر کالاها به اثر کثرت استعمال تابع استهلاک میشود که باید بانکوت های فرسوده وقتاً فوقتاً از دوران تبادل خارج ساخته شوند و بانکوت های جدید جای بانکوت های استهلاک شده را بگیرد تا روند تبادل کالا و خدمات بخوبی پیش برده شود. پس بانکوت ها از خود دوره استهلاک دارند که عمر مفید هر بانکوت باز هم نظر به نحوه استفاده از آن، سرعت دوران پول، سطح استفاده اقتصاد نقده، درجه استفاده از خدمات بانکی بویژه بانکداری الکترونیک در یک جامعه و نوعیت کاغذ بانکوت میتواند متفاوت و دستخوش تغییر باشد. یک قطعه بانکوت در یک اقتصاد که بر مبنای نقدینگی استوار است یعنی بیشترین معاملات در آن به پول نقد انجام میشود عمر کمتری دارد چون بیشتر مورد استفاده در معاملات روزمره قرار میگیرد و حالا اگر فرهنگ نگهداشت پول هم درین جامعه پائین باشد خیلی زودتر فرسوده میگردد برعکس آن هرگاه یک قطعه بانکوت را در جامعه ی در نظر بگیریم که از معاملات نقدینگی کم بر خوردار است و دارای یک سیستم تادیات منظم غیرنقدی میباشد و همین طور مردم آن جامعه در حفظ و نگهداشت پول همت بخرچ میدهند واضح است که در چنین جامعه عمر مفید پول طولانی میگردد. پس تعیین کردن دوره استهلاک برای بانکوت ها یک موضوع کاملاً علمی نخواهد بود و این بیشتر به نظام تادیاتی، سرعت دوران پول و فرهنگ استفاده و نگهداری از پول یک جامعه بستگی دارد.

با این پیش زمینه مبرهن است که در کشور ما که هم سیستم تادیات غیر نقدی تا هنوز جا نیفتاده است و هم در نگهداشت و استفاده بهینه بانکوت ها از جانب اکثر مردم اهتمام بخرج داده نمیشود طبیعتاً زمینه برای موجودیت بانکوت های کهنه و مندرس همواره فرآهم است. ولی از آنجائیکه در کوتاه مدت نه میشود سطح فرهنگ نگهداشت پول را در جامعه بالا برد و نه هم مردم را به طرف استفاده از تادیات غیر نقدی یعنی استفاده از خدمات بانکی و جایجای پول از طریق بانکها و استفاده از بانکداری الکترونیک و پول دیجیتالی ترغیب و سوق داد و نه هم بانک مرکزی میتواند همواره و بلادرنگ پول های استهلاک شده را در ختم روز به پول نو جایگزین سازد چون جمع آوری پول های فرسوده هم تابع یک برنامه منظم میباشد. ولی باید برای رفع قسمی مشکل بانکوت های فرسوده

کار را از جای شروع نمود و به مشکل مردم رسیدگی کرد، نمیشود منتظر بمانیم تا مردم همه به فرهنگ نگهداشت پول عادت نمایند و یا در انتظار باشیم که مردم یکسره به بانکداری الکترونیکی مراجعه مینمایند این فرآیند ها زمان گیر است و لازمه ی کار و فعالیت جدی و دوامدار همگانی که شاید سال های زیادی را در برگیر بگیرد.

ملاحظه میگردد که در رابطه به حضور بانکوت های فرسوده در جریان تبادل مردم همواره تمامی بارگناه را بدوش بانک مرکزی می اندازند توقع دارند تا بانک مرکزی بانکوت های بادوام تر را تهیه و نشر نماید و در ضمن بانکوت های فرسوده را کماکان از بازار جمع آوری و به جای آن بانکوت جدید توزیع نماید. تا جای که من در جریان عملی کار قرار داشتم هر دو مورد از جانب بانک عملی گردیده و میگردد هم در چاپ بانکوت ها موضوع دوام کاغذ آن در نظر گرفته شده و هم در جمع آوری بانکوت های کهنه که همه روزه توسط غرفه های دافغانستان بانک و بانک های تجارتي بدون توقف اقدام میشود و سالانه میلیاردها افغانی بانکوت های کهنه و فرسوده در مرکز و مراکز زون ها طعمه آتش میگردد. در سال ۱۳۹۵ خورشیدی بانک مرکزی افغانستان طی یک عملیات سرتاسری چند ماهه بانکوت های نا مناسب در دوران را (بانکوت های که بر روی آنها نوشته شده بود، خط کشیده شده بود، رنگ ریخته بود، یا با مواد مختلف چرب و آلوده شده بود) جمع آوری و با بانکوت های سالم و مناسب با عین ارزش معاوضه نمود تا در وضعیت بانکوت های در دوران بهبود حاصل شود و مردم منبعدر نگهداشت پول توجه بیشتر مبذول دارند. این اقدام بانک هر چند با عقب نشینی همراه بود تأثیر مثبتی را در جامعه بجا گذاشت اما زمانی میتوانست کارا تر باشد که دافغانستان بانک بعد از ختم این پروسه محدودیت های بیشتر و جدی تر را در حصه تعویض بانکوت های نامناسب اعلان و اجرا مینمود.

بهر حال مشکل بانکوت های کهنه و فرسوده هنوز هم بجای خود قوی تر از گذشته باقی است و دلایل مختلف و چند جانبه دارد که بیشتر برمیگردد به:

- عدم ترویج و استفاده از خدمات بانکی بویژه بانکداری الکترونیک که زمینه استفاده بیش از حد پول نقد را در تبادلات روزمره مردم موجب گردیده است.
- نحوه استفاده و نگهداشت پول در جامعه (فرهنگ ضعیف نگهداشت پول)
- سهولت در معیار های تعویض بانکوت های نامناسب نزد دافغانستان بانک که بایست درین زمینه جدی تر عمل شود.
- موجودیت انواعیه خورد پول (ده و بیست افغانیگی) بشکل بانکوت کاغذی

از آن جای که گفته شد ترویج بانکداری الکترونیک و ارتقای فرهنگ نگهداشت پول کاری است مشکل که هرگاه در هر دو زمینه همزمان با یک اراده محکم و درست طبق یک برنامه عملی به همکاری سایر نهاد های دولتی و مردم کار خستگی ناپذیر صورت گیرد باز هم حداقل یک دهه برای نایل شدن برای این اهداف نیاز خواهد بود. اعمال سختگیری و وضع محدودیت های بیشتر و جدی تر در تعویض بانکنوت های نامناسب هر چند مردم را در جامعه بیشتر متوجه نگهداشت پول میسازد ولی اقشار ضعیف و بخصوص باشندگان مناطق دور افتاده را که کمتر از برنامه ها و تصمیم دولت آگاهی پیدا مینمایند در ابتدا متضرر میسازد به نظرم فقط کاری که دافغانستان بانک میتواند در کوتاه مدت برای مهار و جلوگیری از فرسایش بی رویه پول انجام بدهد ضرب و انتشار مسکوکات فلزی از پنج افغانیگی به بالا است.

با ضرب سکه های ده، بیست و حتی پنجاه افغانیگی و نشر آن در جریان پولی کشور میشود روند استهلاک پول را شدیداً مانع گردید چه تجربه به کرات نشان داده است که بیشترین بانکنوت های که در جریان تبادل مورد فرسایش بی رویه قرار می گیرند بانکنوت های نوع خورد ده الی پنجاه افغانیگی اند. هر چند هزینه ضرب، انتقال و نشر آن در مرحله اول بالاست و ناگزیر باید تحمل شود ولی مسکوکات فلزی بدلیل ارزش ذاتی و مدت طولانی استهلاک که دارند می توانند این هزینه ها را در دراز مدت بخوبی جبران نمایند و هرگاه به آمار مصارف چاپ، انتقال، نشر، جمع آوری و حریق بانکنوت های خورد ده الی پنجاه افغانیگی هم توجه شود سالانه هزینه های گزافی را بالای بانک مرکزی افغانستان تحمیل مینمایند. استفاده بیشتر از مسکوکات فلزی در پهلوی بانکنوت های خورد (که به تناسب کمتر باید در جریان تبادل قرار داده شوند) نه تنها استهلاک پول را به حداقل میرساند و مشکل تبادلات روزمره مردم را آسان میسازد بلکه امروزه به خاطر که مسکوکات نسبت به بانکنوت های کاغذی کمتر ناقل امراض و ویروس ها میباشند بیشتر در بخش معاملات نقدی جوامع مختلف مورد استفاده قرار داده میشوند تا حد اقل اطفال شان را که بیشتر با انواعیه خورد پول سرو کار دارند ازین خطرات مصئون نگهدارند.

نتیجه گیری

هرچند افغانستان در صنعت بانکداری از سابقه زیادی برخوردار نیست ولی به وضوح مشاهده میشود که پیشینه‌ی چلند پول، اقتصاد پولی و ضرب مسکوکات درین سر زمین به ادوار بسیار دور تاریخی بر میگردد که نمونه بارز آن نقش سکه داخل آرم رسمی بانک مرکزی کشور است که بیشتر از دو هزار سال قدامت تاریخی دارد.

صنعت بانکداری کشور که شروع آن به نود سال پیش برمیگردد بیشترین مراحل نشیب و فراز را در بین کشورهای منطقه داشته است هر چند در آغاز تأسیس اولین بانک ها در کشور کار با قوت درین عرصه شروع گردید و در یک سطح نسبتاً خوب در بین کشورهای همسایه و حتی منطقه قرار داشت اما تغییر سیاست های اقتصادی دولت های وقت به خصوص تغییر نظام ها در نیم قرن اخیر که با دیدگاه های متفاوت و نوعیت های گوناگون نظام های حکومتداری عرض اندام نمود اکثراً صدماتی را که بعضاً شدید و جبران نا پذیر بوده درین صنعت نوپا وارد نموده است.

بانک مرکزی افغانستان تا سال ۱۳۸۱ خورشیدی از استقلالیت لازم برخوردار نبود و از طریق شورای عالی بانک که بلند ترین مرجع تصمیم گیری بانک است از طرف حکومت اداره میشد و همین طور امور بانک از طریق وزارت مالیه نظارت و اکثراً در اجراءات بانک از طرف این وزارتخانه مداخله آشکار صورت می گرفت بناء ما از سال ۱۳۸۱ خورشیدی به ویژه بعد از ریفرم پولی شاهد استقلال بانک مرکزی کشور میباشیم که تأثیرات مثبتی در انکشاف نظام بانکی در کل سیستم مالی کشور و از همه مهمتر در عرصه سیاست گذاری های پولی را داشته است. در رابطه به نقش بانک ها در توسعه اقتصادی ملاحظه میشود که نظام بانکی کشور به جز از یک دوره کوتاه که بانک های اختصاصی توسعه وی (زراعتی، صنعتی و تعمیراتی) در اوج فعالیت های شان قرار داشتند نتوانسته درستکوره های اساسی و زیر بنایی و اشتغال زایی مؤثر واقع گردد، هرگاه به ارقام توزیع قروض بانکها سر زده شود ملاحظه میشود که اکثراً منابع مالی بانک های کشور صرف وارد نمودن کالاهای لوکس و

غیر سرمایه‌ی در خدمت تجارت خارجی کشور قرار داشته است همین طور بانک های کشور در مقایسه به کشورهای همسایه و منطقه نتوانستند تا منابع نقدی مردم را در حسابات سپرده های بانکی سوق بدهند و در مسیر سرمایه‌گذاری بدرستی مدیریت نمایند هر چند در افغانستان یک دوره کوتاه جذب سپرده ها به مشاهده میرسد که آن هم بیشتر در شهر کابل مشهود بوده و بیشتر ازین سپرده ها در تمویل تجارت خارجی و آن هم بیشتر در واردات اشیای لوکس به مصرف رسیده است.

همان طوریکه گفته شد تغییر نظام های حکومتی با دیدگاه ها و برنامه های متفاوت ضد و نقیض روند رشد و انکشاف را در تمام سکتورها همواره صدمه رسانده است که سیستم مالی به ویژه نظام بانکی کشور بیشتر از همه از این اعمال علایق و سلاقی زمامداران بر سر قدرت سیاسی رنج برده است. از اولین بانک کشور که به همت بخش خصوصی نزدیک به یک قرن پیش تأسیس گردید تا امروز حکومت مختلف نظام بانکی را بی باکانه و بعضاً غیر مسئولانه همواره به بازی گرفته زمانی نظام بانکداری مختلط باسهم گیری دولت تأکید شده، زمانی بانک ها ملی اعلان گردیده و صد در صد در تملک دولت در آورده شده و به اجبار دست سهامداران بخش خصوصی کاملاً از نظام بانکی کوتاه ساخته شده و زمانی یگانه راه انکشاف نظام بانکی فقط و فقط سرمایه‌گذاری و مدیریت بخش خصوصی عنوان گردیده و شدیداً به آن عمل گردیده است.

با وصف مطالب فوق بانکداری در افغانستان در مقطعی از تاریخ تقریباً صد ساله اش دوره های نسبتاً درخشانی را تجربه نموده است ولی با دروغ و تأسف که این دوره ها بشکل پیوسته در یک مسیر تداوم نداشته و به زودی دستخوش تغییرات گردیده است. آخرین تحولاتی که در سیستم مالی افغانستان به ویژه نظام بانکی مشاهده میگردد نشان دهنده یک مسیر نسبتاً درست و همگام با انکشافات جهانی درین صنعت است که بعد از ریفرم پولی سال ۱۳۸۱ خورشیدی با تدوین قوانین جدید بانکی در کشور که در آن استقلالیت بانک مرکزی، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در نظام بانکی، تقویت بانکداری بخش دولتی و سیستم نظارتی بانک مرکزی در پهلوی طرح، تدوین و تعقیب سیاست های پولی و ارزی

تأکید گردیده است. هرچند دو دهه اخیر نیز مبرا از مشکلات درین صنعت نبوده است و رشکستگی بانک انکشافی افغانستان و به تعقیب آن کابل بانک را میشود منحیث مثال های برجسته عنوان نمود به آنهم رشد و توسعه سیستم مالی کشور به ویژه نظام بانکی، تجهیز سیستم به آخرین دستاوردهای تکنالوژی، اتصال نظام بانکی به نظام بانکی جهانی و درکل دسترسی مردم به فراورده های بانکی و استقرار و ثبات نسبی نرخ تبادل را نمیشود به هیچ وجه نادیده گرفت.

پیشنهادات

به منظور داشتن یک سیستم کارآمد مالی و یک نظام بانکی سالم، مؤثر و پویا در افغانستان، کاری های زیادی است که باید به طور خستگی ناپذیر عملی و تعقیب گردد و تغییرات زیادی است که باید در قوانین بانکی، مقررہ ها، طرز العمل ها، شیوه عملیات بانکی، تشکیلات بانک ها و نحوه گزینش منابع بشری و مدیریت بانکی صورت پذیرد ولی در کوتاه مدت و منحصیث الویت ها پیشنهادات آتی را پیشکش مینمایم:

- برای جلوگیری از فرسایش بی رویه پول کاغذی الی رسیدن به یک فرهنگ عالی نگهداشت پول، همگانی ساختن بانکداری الکترونیک و ترویج سیستم تادیات غیرنقدہ در کشور، ضرب مسکوکات فلزی در انواعیہ های بالا تر از مبلغ پنج افغانیگی یک ضرورت مہرم است. ہر گاہ ما مسکوکات دہ، بیست و حتی پنجاہ افغانیگی داشته باشیم نہ تنها از فرسایش بانکوت ها بشدت جلوگیری کردہ ایم بلکہ در امر جلوگیری از گسترش امراض ساری بین مردم کہ از طریق ہمین بانکوت های فرسودہ صورت میگیرد اقدام ہمت گماشتہ ایم.

- قراریکہ دیدہ میشود استفاده مردم از بانکداری الکترونیک در کشور رشد بسیار بطی دارد در حالیکہ سال ها است کہ نظام بانکی ما مجهز بہ سیستم های کار آمد الکترونیک و فرآورده های دیجتالی روز میباشد درین جا پیشنهاد من این است کہ دولت مانند سایر کشور های ہمسایہ ما در حصول صرفیہ و سایر پرداخت ہا (برق، آب، مالیات، صفایی و سایر عوارض) مردم را بہ صورت تدریجی وادار نماید تا تادیات شان را از طریق بانکداری الکترونیک انجام نمایند.

- برای فرهنگ سازی حفاظت از پول کاغذی در پهلوی اوراق تبلیغاتی توزیع کیف جیبی پول، استفاده از روک های مخصوص بانکوت در داکاکن و برنامه آموزشی بہ اطفال در مکاتب با درج در کتب درسی شان پیشنهاد میگردد.

- برای تأمین سیالیت نمایندگی های بانک مرکزی در سطح کشور کہ بہ سیالیت نمایندگی های بانکهای تجارتی نیز می انجامد تجهیز بانک مرکزی بہ وسایل ترانسپورت هوایی جهت انتقال پول فزیکو پیشنهاد میشود.

- اکثرأ فعالیت های بانک مرکزی در مرکز تمرکز نمودہ و این مرکز محوری کمیت و کیفیت عرضہ خدمات بانکی را در ولایات در یک سطح پائین نگہداشتہ است بناء توسعہ

فعالیت های زون های دافغانستان بانک در رابطه به اعمال پالیسی های کنترولی و نظارتی از فعالیت های بانکی و غیربانکی، تحقیقات حوزه وی، انکشاف منابع بشری میتواند بانک مرکزی کشور را در انجام وظایف و تأمین اهداف آن به ویژه کنترول و نظارت نظام بانکی به منظور سلامت نظام بانکی کمک شایان نماید .

- پیشنهاد میشود برای توسعه شبکه بانکی درکشور پالیسی ایجاد شود تا بانک های خصوصی را تشویق نماید در مناطق مختلفه کشور شعبات بانکی داشته باشند و دسترسی به خدمات بانکی را برای عامه مردم مقدور گردد.

- احیای دیپارتمنت کنترول و نظارت اسعار خارجی یکی از ضروریات اقتصاد افغانستان است تا طبق میکانیزم های امروز و مقتضیات زمان و شرایط خاص کشور جریان خروج و دخول اسعار نقده و غیر نقده را کنترول و نظارت نماید.

- طبق قانون دافغانستان بانک ترکیب شورای عالی که عالی ترین مرجع تصمیم گیری و سیاست گذاری بانک را تشکیل میدهد طوری است که به رئیس کل بانک بحیث رئیس شورا و معاون اول بانک بحیث معاون شورا صلاحیت تصمیم گیری تفویض شده است این بدین معنی است که در حقیقت همان هیات عامل بانک (رئیس ومعاونین بانک) است که شورای عالی بانک را نیز در قبضه خویش دارند زیرا درکشورهای چون افغانستان در هر جلسه و سازمان بیشتر رئیس و معاون حرف اول را می زنند. بناء پیشنهاد میشود در زمینه تجدید نظر بعمل آید.

- برای جلوگیری از اشاعه چک های بی محل (بدون دارایی) باید تدابیر جدی روی دست گرفته شود تا مردم بیشتر بالای اسناد بانکی به ویژه چکهای بانک ها اعتبار نمایند و بعوض پول نقد در معاملات روزانه شان از آنها استفاده نمایند در حال حاضر در قانون تجارت کشور برای این تخطی (صدور چک بدون دارایی) جزای سبک در نظر گرفته شده است که اکثراً اعمال هم نمیشود.

- اکثر فورمه جات بانکی که برای افتتاح حسابات مشتریان و یا حین اخذوام، انتقال پول و یا سایر موارد به امضاء مشتریان رسانیده میشود عام فهم نیست که باید به زبان ساده و با استفاده از مصطلحات عام مورد استفاده روزمره تدوین و ترتیب گردد.

منابع

۱. کتاب مبانی علم اقتصاد - محمود روز بهان تهران چاپ چهارم سال ۱۳۸۲ خورشیدی
۲. دایرالتعارف زرین م آذین فر تهران ۱۳۶۱ خورشیدی.
۳. کتاب افغانستان در مسیر تاریخ اثر میر غلام محمد غبار.
۴. کتاب تاریخ اساطیری ایران اثر ژاله آموزگار تهران سال ۱۳۸۸ خورشیدی.
۵. کتاب سکه‌شناسی شاهان هخامنشی اثر یوسف افتخاری تهران سال ۱۳۹۳ خورشیدی.
۶. کتاب نقش سکه و مهر در اقتصاد ساسانیان اثر اشراقی و نادری قره بابا.
۷. رساله دافغانستان بانک سیرسکه و بانکنوت در افغانستان، کابل اسد ۱۳۹۳ خورشیدی.
۸. سایت معلوماتی انترنیتی ویکی پیدیا.
۹. بانکنوت و سکه سایت رسمی دافغانستان بانک www.dab.gov.af
۱۰. کتاب افغانستان در پنج قرن اخیر اثر میر محمد صدیق فرهنگ چاپ امریکن سپیدی، هردن، ویرجینیا، ایالات متحده امریکا تاریخ چاپ دوم ۱۹۸۸ برابر ۱۳۶۷ خورشیدی
۱۱. کتاب افغانستان در سال‌های بیست و سی قرن بیستم به قلم داکتر ویکتور گریگوریویچ کارگون عضو انستیتوت خاور شناسی اکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی وقت / برگردان پوهاند داکتر جلال الدین صدیقی کابل ۱۳۶۵ خورشیدی.
۱۲. مجله دافغانستان بانک شماره (۳۶) .
۱۳. Ariana Antiqua. A descriptive Account of Antiquities and Coin of Afghanistan - London ۱۸۴۱
۱۴. اسناد توافقنامه بن ۱۴ دسامبر ۲۰۰۱ میلادی - شهرین - جمهوری فدرال آلمان
۱۵. کتاب تاریخ ماد- دیاکونوف- ترجمه کریم کشاورز، تهران.
۱۶. لکچر نوت داکتر محمد نعیم اسد استاد و رئیس اسبق دانشگاه هرات.
۱۷. کتاب تاریخ ایران (ابلامی ها و آریایی ها تا پایان دوره هخامنشی) نوشته‌ی داکتر پرویز رجبی.
۱۸. اسناد کنفرانس بین المللی مالی ۲۴ سپتامبر ۱۹۲۰ بروسل برای تأمین شفافیت، نظم اقتصاد و استندرد طلا برگرفته از انترنیت.

۱۹. نظام بانکی افغانستان مقاله دوکتور محمد نعیم اسد استاد و رئیس اسبق دانشگاه هرات منتشره سال ۱۳۹۰ خورشیدی.
۲۰. ویب سایت رسمی بانک ملی افغان www.bma.gov.af.
۲۱. اساسنامه وقت دافغانستان بانک.
۲۲. قانون دافغانستان بانک مصوب سال ۱۳۸۲ خورشیدی.
۲۳. اساسنامه بانک انکشاف صادرات ۳۱ سرطان سال ۱۳۵۵ خورشیدی.
۲۴. تحلیل و تأثیر اقتصادی معاملات کریدتی بانکهای افغانستان مونوگراف این قلم منتشره ۱۳۵۹ خورشیدی.
۲۵. لکچرنوت پول و بانک این قلم منتشره ۱۳۹۷ خورشیدی.
۲۶. قانون پول و بانکداری افغانستان منتشره سال ۱۳۷۳ خورشیدی.
۲۷. جریده رسمی شماره دهم شماره مسلسل ۵۱۴ تاریخ ۳۱ اسد ۱۳۶۱ خورشیدی
۲۸. قانون پول و بانکداری افغانستان سال ۱۳۵۴ خورشیدی.
۲۹. جریده رسمی وزارت عدلیه افغانستان شماره ۱۷ قوس ۱۳۵۸ خورشیدی.
۳۰. مجله دافغانستان بانک شماره ۸ سال ۱۳۸۶ خورشیدی.
۳۱. کتاب استراتیژی حزب وطن "دیدگاه ها و مواضع" سپتامبر ۲۰۰۴ میلادی.
۳۲. فرمان شماره ۱۴۲ مورخ ۱۷.۰۷.۱۳۸۱ خورشیدی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان منتشره جریده رسمی شماره ۸۰۸.
۳۳. سالنامه احصائیه ۱۳۹۹ اداره ملی احصائیه و معلومات افغانستان NSIA شماره ۴۲ حمل ۱۴۰۰ خورشیدی.
۳۴. پلان استراتیژیک دافغانستان بانک ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ میلادی.
۳۵. بولتین اقتصادی و احصائیوی دافغانستان بانک ربع دوم سال ۲۰۱۹ میلادی.